

۱ معنای واژه‌های کدام گروه کلمات به ترتیب تماماً درست و تماماً نادرست است؟

- (الف) (هنگامه: روزگار)، (مستغنی: بی‌نیاز)  
 (ب) (نمط: نوع)، (مندرس: کهنه)  
 (ج) (ادبار: تیره‌بختی)، (ارتجالاً: درنگ)  
 (د) (استرحام: رحم کردن)، (تکیده: تکیه‌داده)

- (۱) ب، ج  
 (۲) الف، ج  
 (۳) ب، د  
 (۴) الف، د

۲ در کدام گزینه هر دو معنای واژه‌ها در مقابل آن‌ها درست است؟

- (۱) (فضل: نیکویی، دانش)، (خیره: سرگشته، بیهوده)  
 (۲) (عنود: ستیزه، دشمنی)، (محال: بی‌اصل، ناممکن)  
 (۳) (تیمار: غم، خدمت)، (بهایم: چارپایان، ستور)  
 (۴) (قیم: کیسه‌کش حقام، سرپرست)، (اولن: میان، هنگام)

۳ در همهٔ گزینه‌ها به جز ..... هر سه معنای پیشنهادی تمام واژه‌ها درست است.

- (۱) (مولع: شیفته، آزمند، بسیار مشتاق)، (عنود: ستیزه‌کار، بدخواه، ناجوانمرد)  
 (۲) (قفا: پس گردن، پشت، پشت گردن)، (ورطه: هلاکت، زمین پست، مهلکه)  
 (۳) (مُحال: دروغ، ناممکن، بی‌اصل)، (تیمار: اندیشه، غم، خدمت)  
 (۴) (هنگامه: غوغا، جمعیت مردم، شلوغی)، (شوریده: عارف، عاشق، کسی که ظاهری آشفته دارد).

۴ تمام معانی مقابل چند واژه درست است؟

- (معاشرت: گفت و شنید، الفت داشتن)  
 (استرحام: رحم خواستن، رحم کردن)  
 (عتاب کردن: خشم گرفتن بر کسی، سرزنش کردن)  
 (ورطه: مهلکه، هلاک‌شده)  
 (خیره: بیهوده، لجوج)  
 (عنود: ستیزه‌کار، خودرأی)

- (۱) دو  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) پنج

۵ معنای چند واژهٔ داخل کمانک درست است؟

- (مسلخ: رختکن حقام)، (تقریر: نوشتن)، (سهمگین: ترسناک)، (گُسیل کردن: روانه کردن)، (مخذول: خوار)، (درم: سگّه طلا)، (تمط: نوع)، (اولن: اوایل)، (همسری: برابری)، (حقارت: زبونی)، (ظرب: شادی)

- (۱) ده  
 (۲) نُه  
 (۳) هشت  
 (۴) هفت

۶ معنی واژه‌های "مخذول، ورطه، فضل، بهایم" در کدام گزینه درست آمده است؟

- (۱) خوار، گرداب، بخشش، چارپایان  
 (۲) خار، مهلکه، نیکویی، حیوانات  
 (۳) پست‌شده، هلاکت، راحتی، چارپایان  
 (۴) زبون‌گردیده، زمین پست، دانش، ستوران

(استرحام: رحم کردن) (مولع: مشتاق) (تقریر: نوشتن) (غارب: میان دو کتف) (مرقه: آسوده) (خلف صدق: جانشین راستین) (فروغ: پرتو) (مفتاح: گشایش) (حُجب: حیا) (مندرس: کهنه) (اولن: اوایل)

- (۱) چهار  
(۲) سه  
(۳) دو  
(۴) یک

نقش همهٔ واژگان مشخص شده به جز گزینهٔ ..... صحیح است.

- (۱) چون بدوم سبزه در آغوش من بوسه زند بر سر و بر دوش من (نهاد - مفعول)  
(۲) راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله (قید - نهاد)  
(۳) در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟ (متمم - صفت)  
(۴) گفت: در این معرکه، یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا، منم (مسند - مضاف الیه)

نقش واژه‌های مشخص شده، در بیت زیر به ترتیب با نقش واژه‌های مشخص شده در کدام گزینه برابر نیست؟  
"نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در"

- (۱) وگر دست محبت سوی کس یازی / به اکراه آورد دست از بغل بیرون / که سرما سخت سوزان است  
(۲) گرگ هاری شده ام خون مرا ظلمت زهر کرده چون شعلهٔ چشم تو سیاه  
(۳) آتشی که آب می‌پاشند بر آن، می‌کند فریاد ما مقدس آتشی بودیم بر ما آب پاشیدند  
(۴) یکی از ما که زنجیرش رهاتر بود، بالا رفت، آنگه خواند / کسی راز مرا داند / که از این رو به آن رویم بگرداند

در کدام بیت "مفعول" جملهٔ هسته، محذوف است؟

- (۱) جام مینایی می‌سد ره تنگدلی است منه از دست که سیل غمت از جا ببرد  
(۲) نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد بختم ار یار شود رختم از اینجا ببرد  
(۳) باغبان ز خزان بی‌خبرت می‌بینم آه از آن روز که بادت گل رعنا ببرد  
(۴) راه عشق ارچه کمینگاه کمان‌داران است هرکه دانسته رود، صرفه ز اعدا ببرد

در چند مورد کلمهٔ داخل کمانک از نظر املايي نادرست است؟

- (الف) نه نشاط دوستانم نه (فراغ - فراق) بوستانم بروید ای رفیقان به سفر که من اسپرم  
(ب) دل نبارد هرکه را باشد سلاحی از (صلاح - سلاح) پیش چندین صفت به جرئت مقتدا دارد نگاه  
(ج) زهی ز بادهٔ لعلت در آتش آب زلال یکی ز حلقه به گوشان حاجب تو (حلال - هلال)  
(د) تا چین سر زلف بتان شد وطن دل عزم سفرش از گذر حب وطن (خواست - خاست)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

نقش کلمات مشخص شده در کدام گزینه درست آمده است؟

- (۱) هرگز ز قفله قفل گشایش ندیده است: نهاد، مسند  
(۲) هم دعا کن گره از کار تو بگشاید عشق: نهاد، مفعول  
(۳) چیزی شبیه عطر حضور شما کم است: مضاف الیه، مسند  
(۴) دور از رخ تو چشم مرا نور نمانده است: متمم، مفعول

معنای چند واژه نادرست است؟

(وصلت: مقابل فرقت)، (خلد: بهشت)، (خلف: جانشین)، (سودا: هوس)، (طرب: مقابل محنت)، (گرده: پشت گردن)، (لئیمی: فرومایگی)، (قربان: کماندن)

- (۱) چهار  
(۲) سه  
(۳) دو  
(۴) یک

خطابه: وعظ کردن / قربان: صدقه / بیابان: بیابان / اعظم: بزرگوارتر / دولت: دارایی / غارب: بالای کمر / انهار: جوی‌ها / عامل: حاکم / محنت: غم / زندانه: عاقلانه / دهش: بخشش

- (۱) سه  
(۲) دو  
(۳) چهار  
(۴) یک

در کدام گروه کلمات، تمام معناها درست آمده است؟

الف- حقارت: پستی، اعتبار: عبرت‌پذیری، قُدس: پاکی  
ب- مخمضه: گرفتاری، روی تافتن: روی برگرداندن، تبار: نسل  
ج- خُلد: بهشت، ماسوا: شکوه الهی، رستخیز: برخاستن مردگان  
د- لعل: سنگ قیمتی سبزرنگ، وصلت: پیوستگی، هُزا: آواز مهیب  
هـ- نوش: خوشگوار، عداوت: دشمنی، طالع: خوشبختی

- (۱) الف و د  
(۲) ب و ج  
(۳) هـ و ج  
(۴) الف و ب

معنای چند واژه نادرست است؟

"خایب: بی‌بهره / صولت: جلال / هُزا: آواز مهیب / جیب: چانه / قدس: پاکی / سور: شاخ گوزن / طالع: سرنوشت / جلّت: بزرگ است / جَبّار: مسلّط / ریحان: هر گیاه سبز و خوشبو"

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

معنای چند واژه نادرست است؟

(تقریظ: ستودن، (مهیب: ترسناک)، (تکلف: رنج بر خود نهادن)، (صولت: فریاد)، (خذلان: بی‌بهرگی از یاری)، (صور: بوق)، (طالع: بخت)، (عامل: حاکم)، (ملال: درمانده)، (خور: زمین پست)، (دولت: دارایی)

- (۱) چهار  
(۲) سه  
(۳) دو  
(۴) یک

معنی چند واژه در مقابل آن نادرست معنی شده است؟

(یوم: جغد)، (اجل: مرگ)، (خذلان: بی‌بهرگی از یاری)، (مُقری: قرار یافته)، (توشل: دست به دامن شدن)، (تقریظ: ستودن)، (مهیب: فریاد)، (توسن: رام)، (دولت: زمان فرمانروایی)

- (۱) دو  
(۲) سه  
(۳) چهار  
(۴) پنج

معنی کدام دسته از لغات تماماً درست بیان شده است؟

الف) تقریظ: حاشیه‌نویسی برای کتاب  
ب) خذلان: درماندگی  
ج) فراق: آسودگی  
د) جنود: لشکریان  
ه) عرش: سریر  
و) وقاحت: شرمندگی

- (۱) ب، د، ه  
(۲) الف، ج، د  
(۳) و، ب، ه  
(۴) الف، ج، و

در تمام گزینه‌ها معنی کلمات درست آمده است جز گزینه.....

- (۱) مندرس: فرسوده، تکریم: گرامی‌داشت، ورطه: هلاکت  
(۲) زنگاری: سبزرنگ، شکن: پیچ‌وخم زلف، استرحام: رحم کردن  
(۳) حُجب: حیا و شرم، اهلیت: شایستگی، تکیده: لاغر و باریک‌اندام  
(۴) فضل: نیکویی، نیکومنظر: خوش‌چهره، گمیت: اسب سرخ مایل به سیاه

۲۱

معنای تمام واژه‌ها در کدام گزینه درست است؟

- (۱) عرش: خیمه، ملال: افسردگی، آخره: میان دو کتف  
 (۲) عشرت: خوش‌گذرانی، فرقت: جدایی، مشوَش: آشفته  
 (۳) کاید: توانگر، خذلان: درماندگی، شب‌رو: راهزن  
 (۴) طمأنینه: آرامش، تنگ‌مایه: بی‌فایده، خیال: فکر

۲۲

معنای واژه‌های "ویله، پدرام، رُعب، غُنا" در کدام گزینه هست؟

- (۱) آواز، آراسته، هراس، بی‌نیازی  
 (۲) صدا، شاد، نگران، نیازمندی  
 (۳) ناله، پژمرده، ترس، توانگری  
 (۴) نعره، نیکو، دلهره، شادی

۲۳

معنی تمام واژه‌ها در کدام گزینه همگی درست است؟

- (۱) تازی: عرب (گُرده: بالای کمر) (کمیت: اسب زردرنگ) (پیرایه: زیور)  
 (۲) تعلل: درنگ کردن (بیغوله: کنج) (خورجینک: جامه‌دان) (منکر: زشت)  
 (۳) زهی: آفرین (یله‌دادن: رها کردن) (لهو: بازی و سرگرمی) (دین: وام)  
 (۴) بییشه: دشت (فتیاض: فراوان) (پلاس: گلیم کلفت) (کرای: کرایه)

۲۴

واژه "راست" در کدام بیت واژه‌ای متفاوت است؟

- (۱) راست گفתי که فرج یابی اگر صبر کنی  
 صبر نیک است کسی را که توانایی هست  
 (۲) هزارگونه غم از چپ و راست دامن‌گیر  
 هنوز در تک و پوی غمی دگر می‌گشت  
 (۳) راست خواهی تو مرا شیفته می‌گردانی  
 گرد عالم به چنین روز نه من می‌گردم  
 (۴) اگر راست بود آنچه پنداشتم  
 ز خلق آبرویش نگه داشتم

۲۵

واژه‌های کدام گزینه تماماً درست معنی شده است؟

- (الف) (مُحال: دروغ) (مستغنی: بی‌نیازی)  
 (ب) (مخذول: خوار) (مولع: آزمند)  
 (ج) (تیمار: اندیشه) (اهلیت: بزرگواری)  
 (د) (زهی: آفرین) (رقعه: نامه)  
 (۱) الف، ب  
 (۲) ب، ج  
 (۳) الف، ج  
 (۴) ب، د

۲۶

معنای کلمات در کدام گزینه صحیح است؟

- (الف) سودا: اندیشه، هوس  
 (ب) غُنا: آوازخوانی، نغمه  
 (ج) گُرده: بالای کمر، گردن  
 (د) حقارت: پست، خواری  
 (۱) الف، د  
 (۲) ج، ب  
 (۳) الف، ج  
 (۴) الف، ب

۲۷

در همهٔ گزینه‌ها، معنای مقابل واژه‌ها تماماً درست است، به‌جز گزینهٔ .....

- (۱) خیره: سرگشته، بیهوده، فرمانده  
 (۲) دمان: مهیب، غزنده، جوشیدن  
 (۳) افسر: تاج، دیهیم، کلاه پادشاهی  
 (۴) اکرام: بزرگ داشتن، بخشش داشتن، احترام کردن

۲۸

در کدام گزینه هر دو واژه "داد" به یک معنا به کار رفته‌اند؟

- (۱) ای که گویم شکبیا شو و در گوشه نشین  
 دل بیا بد که تون داد شکیبایی داد  
 (۲) زمانه گرچه ز من یافته است روزی داد  
 چرا به من ندهد آنچه من بدو دادم  
 (۳) روز محشر داد بستاند خدا از قاتلانش  
 تو بده داد و مباش از حبِّ مقتولان جدا  
 (۴) گرچه خط داد سخن در مصحف روی تو داد  
 نقطهٔ خال تو را تفسیر نتوانست کرد

در چند بیت برای واژه‌های درون کمانک برابری‌های درست مشخص شده است؟  
 الف) چرا به شیفستگی سرزنش کنند مرا / که دل نماند و جگرخون بود و یار برفت (سودایی)  
 ب) حاجت خلق از در خدای برآید / مرد خدایی چه کار بر در والی؟ (عامل)  
 ج) نیکبخت آن توانگری که به دل / غم مسکین ناتوانی داشت (غنا)  
 د) در عاشقی گزیر نباشد ز ساز و سوز / استادهام چو شمع مترسان ز آتشم (لاجرم)

- ۱) یک (۲) سه  
 ۳) دو (۴) چهار

معنی واژگان کدام گزینه تماماً درست است؟  
 الف) فکاری: کسی که اسب و شتر کرایه می‌دهد یا کرایه می‌کند. / تیره‌رایی: ناراستی  
 ب) بنشن: خواربار / هذیان: سرسام  
 ج) فرج: رهایی / شوخ: آلوده  
 د) فراغ: آسوده / ریحان: هر گیاه سبز و خوشبو

- ۱) الف، د (۲) ب، الف  
 ۳) د، ج (۴) ج، ب

در کدام گزینه معنی مقابل همهٔ واژه‌ها درست نیست؟

- ۱) ادیب: بسیار دان (در حال: فعلاً) (خورجینک: جامه‌دان)  
 ۲) تازی: عرب (خیره: فرومانده) (بیشه: نيزار)  
 ۳) اهلیت: لیاقت (دین: وام) (شوخ: چرک)  
 ۴) گلبن: گل سرخ (نوال: لطف) (مرّوت: جوانمردی)

معنای کلمات "غارب، آخره، تسلّا، مرّفه" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) میان دو کتف، قوس کمر، آرامش، راحت  
 ۲) میان دو کتف، چنبرهٔ گردن، آرامش یافتن، آسوده  
 ۳) شانه، قوس زیر گردن، قرار، خوش گذران  
 ۴) شانه، هر فرورفتگی اندام، آرامش دادن، آسوده

معنی کدام دو گروه از واژه‌ها همگی درست است؟

الف) زینهار: بپرهیز (سودا: هوس) ب) (سرآید: شروع شود) (راهزن: شب‌رو)  
 ج) (برآمدن: طلوع کردن) (خلد: جنت) د) (رندانه: زیرک) (حقّه: صندوق)

- ۱) ج - الف (۲) ب، د  
 ۳) الف، ب (۴) د - ج

در کدام گزینه معنی یک واژه نادرست آمده است؟

- ۱) بی‌رنگ: طرح اولیه، (رنا: زیبا)، (طمأنینه: آرامش و قرار)  
 ۲) (غنا: دستگاه موسیقی)، (مشوش: پریشان)، (کید: فریب)  
 ۳) (نوش: خوشگوار)، (ریحان: هر گیاه سبز و خوشبو)، (خیل: دسته)  
 ۴) (گرده: گردن)، (لئیم: پست)، (وقب: هر فرورفتگی اندام)

در کدام گزینه معنی واژه‌ای نادرست آمده است؟

- ۱) (سریر: خیمه، سایبان) / (رستخیز: برخاستن مردگان، بعث)  
 ۲) (خذلان: درماندگی، بی‌بهرگی از یاری) / (عمارت: آبادانی، ساختمان)  
 ۳) (اشرف: گران‌مایه‌تر، افراشته‌تر) / (دولت: دارایی، زمان فرمانروایی)  
 ۴) (ملال: اندوه، افسردم) / (صولت: قدرت، جلال)

معنای تمام واژگان در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ..... صحیح است.

- ۱) دولت: دارایی، (نسیان: فراموشی)، (تجلی: آشکارشدن)  
 ۲) (تکریم: بزرگداشت)، (مهیب: ترسناک)، (قدس: پاک)  
 ۳) (صور: شاخ)، (نفخ: دمیدن با دهان)، (طالع: بخت)  
 ۴) (اشرف: افراشته‌تر)، (توسن: اسب سرکش)، (دهش: بخشش)

همهٔ معنای واژگان در کدام گزینه صحیح است؟

الف) سودا: اندیشه، هوس، عشق  
 ب) صولت: هیبت، قدرت، جمال  
 ج) عرش: خیمه، سریر، سایبان  
 د) مخمصه: غم بزرگ، بدبخت، تنگنا

- ۱) الف، ج (۲) ب، د  
 ۳) ج، د (۴) الف، ب

در کدام گزینه برخی از واژگان درست معنا نشده‌اند؟

- ۱ ( خصم: دشمن) (جسارت: گستاخی) (توسن: اسب سرکش)  
 ۲ (پتک: آهن کوب) (هماورد: رقیب) (زه: وتر)  
 ۳ (دژ: حصار) (شیراوژن: دلاور) (پدرام: آراستگی)  
 ۴ (صرع: بیماری غش) (ابدال: مردان کامل) (دمن: هولناک)

در کدام گزینه معنی همهٔ واژه‌ها درست است؟

- ۱ (بیشه: نیزار)، (غارب: گودی چشم)، (ارتجالاً: بی‌درنگ)  
 ۲ (جافی: ستمکار)، (ورطه: هلاکت)، (بدسگال: حيله‌گر)  
 ۳ (قیم: دلآک)، (کمیت: اسب سرخ)، (پلاس: جامه‌ای کم‌ارزش)  
 ۴ (دانگ: بخش)، (تقریر: نوشتن)، (غوک: قورباغه)

معنای چند واژه نادرست است؟

(باره: اسب)، (کیوان: سیارهٔ مریخ)، (سنان: تیر کوچک)، (دمن: مهیب)، (هماورد: رقیب)، (آورد: سلاح)، (کوس: دهل)، (زه: چلهٔ کمان)، (بسند: سزاوار)، (درع: سپر)

- ۱ چهار  
 ۲ سه  
 ۳ دو  
 ۴ یک

چند گروه از واژه‌ها، مترادف نیستند؟

(ترگ و خود)، (سنان و سلیح)، (گبر و خفتان)، (زه و وتر)، (خدنگ و تیر)، (درع و زره)، (آورد و کار)، (بهرام و مریخ)، (ستوه و حقیر)

- ۱ یک  
 ۲ دو  
 ۳ سه  
 ۴ چهار

معنای واژهٔ "باره" در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱ ندانم که باد است یا آتش است  
 ۲ چه آفتاب سر از کوه باختر برزد  
 ۳ چه بیدار شد رستم از خواب خوش  
 ۴ ره پیری و مرگ را باره نیست  
 به زیر تو آن بارهٔ پیلتن  
 بخواست باره و سوی شکار کرد آهنگ  
 به کار آمدش بارهٔ دستکش  
 به نزد کس این هر دو را چاره نیست

معنای چه تعداد از واژگان زیر درست است؟

(پدرام: آراسته)، (منال: درآمد مستغلات)، (بسیج: نیروی نظامی)، (شوکت: جاه و جلال)، (طرفه: هدیه)، (منحصر: محدود)، (طینت: خوی)، (مقبل: نیک‌بختی)، (سحا: جوانمردی)، (جولقی: درویش)

- ۱ شش  
 ۲ هفت  
 ۳ هشت  
 ۴ نه

معنی چند واژه در مقابل آن‌ها درست است؟

(جلجل: زنگوله)، (منال: درآمد مستغلات)، (مایه: دارایی)، (طینت: خوی)، (طرفه: کنار)، (مفلس: بدبخت)، (تافته: گداخته)، (خلعت: سربند)، (ملازم: همراه)، (تباه: فاسد)

- ۱ شش  
 ۲ هفت  
 ۳ هشت  
 ۴ نه

معنی واژهٔ "همت" در کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱ دریا و کوه در ره و من خسته و ضعیف  
 ۲ زهی همت که حافظ راست از دنیی و از عقبی  
 ۳ روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک  
 ۴ بر سر تربت ما چون گذری همت خواه  
 ای خضر پی خجسته مدد کن به همتم  
 نیاید هیچ در چشمش به جز خاک در کوبت  
 لاجرم همت پاکان دو عالم با اوست  
 که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

در کدام گزینه واژه‌ای نادرست معنا شده است؟

- ۱ (تاک: انگور)، (لگام: دهنهٔ اسب)  
 ۲ (ثرین: بالابین)، (صدر: سینه)  
 ۳ (جذبه: کشش)، (نیا: جد)  
 ۴ (شرافت: ارجمندی)، (ردا: جامه‌ای که روی جامه‌های دیگر پوشند)

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"فضل: بخشش / ورطه: اقیانوس / فروغ: پرتو / گلبن: بوته گل / معرکه: جای نبرد / نبط: روش، نوع"

- (۱) چهارتا  
(۲) سه تا  
(۳) دوتا  
(۴) یکی

چندتا از واژه‌های زیر درست معنا شده است؟

"زهی: ادات تحسین / شکن: گردی صورت / پیرایه: زیور / بن: بیخ / غلغله: شور و غوغا کنان / زهره: در: حریص"

- (۱) یکی  
(۲) دوتا  
(۳) سه تا  
(۴) چهارتا

چه تعداد از واژه‌های زیر درست معنا شده است؟

"تقریر: نوشتن / تیمار: اندیشه / شهناز: گوشه‌ای از دستگاه شور / ضمایم: همراه و پیوست / مفتول: سیمی / رقعہ: نامه / فراغ: آسایش و آرامش / پلاس: نوعی گلیم / اوان: طرف‌ها / ورطه: مهلکه"

- (۱) چهارتا  
(۲) پنج تا  
(۳) شش تا  
(۴) هفت تا

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"گرده: بالای کمر / رندانه: زیرکانه / مخمصه: بدبختی / اسلیمی: طرح‌هایی مرکب از پیچ‌وخم‌های متعدّد که شبیه عناصر طبیعت هستند. / کله: میان دو کتف / رعنا: خوش‌قد و قامت / مشوش: آشفته / خلف صدق: جانشین راستین / غارب: برآمدگی پشت پای اسب / وقب: هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم / گرته‌برداری: نسخه‌برداری از روی یک تصویر یا طرح / پیرنگ: طرح اولیه / آخره: قوس زیر گردن"

- (۱) سه تا  
(۲) چهارتا  
(۳) یکی  
(۴) دوتا

معنی واژه "فسوس" در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... مطابق با معنی این واژه در بیت زیر است.

"کشانی بدو گفت: با تو سلیح / نبینم همی جز فسوس و مزیح"

- (۱) که گیتی سراسر فسوس است و رنج / سرآید همی چون نماید گنج  
(۲) صبح که با بانگ خروس است و بس / خنده‌ای از راه فسوس است و بس  
(۳) پیاده شده گیو و رهام و توس / چو بیژن که بر شیر کردی فسوس  
(۴) که شد آوردگاه طنز و فسوس / که شد آماجگاه رنج و تعب

در کدام گزینه واژه‌های "خذلان، مشیت، دهش، مقری" به ترتیب درست معنا شده است؟

- (۱) بی‌بهرگی از یاری / اراده / بخشندگی / کتاب آسمانی  
(۲) بی‌بهرگی از یاری / سختی / وحشیگری / کتاب آسمانی  
(۳) درماندگی / مهربانی / وحشیگری / قرآن‌خوان  
(۴) درماندگی / خواست خدای تعالی / جود / قرآن‌خوان

واژه‌های "جلجل، طزار، عنب، خلنگ" به ترتیب چه معنایی دارند؟

- (۱) کیسه، حمله‌کننده، سیب، نام گیاهی است.  
(۲) توبره، حمله‌کننده، انگور، علف جارو  
(۳) زنگوله، دزد، سیب، نام گیاهی است.  
(۴) زنگ، دزد، انگور، علف جارو

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"فرج: گشایش / ورطه: نظیر / یله: رها / اوان: وقت / تکریم: گرامیداشت / پلاس: جامه‌ای کم‌ارزش / دانگ: یک‌ششم چیزی / دوات: مرگ‌دان / مفتاح: کلید / لهو: جوانی"

- (۱) یکی  
(۲) دوتا  
(۳) سه تا  
(۴) چهارتا

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"خد: هر خطا که برای آن مجازاتی مقدر باشد. / صولت: جلال / هُزّا: آواز مهیب / صور: اشتیاق / قدس: پاکی / ملال: خسته / طالع: سرنوشت / هما: پرنده‌ای از رسته شکاریان / جَبّار: مسلط / ریحان: هر گیاه سبز و خوشبو"

- (۱) یکی  
(۲) دوتا  
(۳) سه‌تا  
(۴) چهارتا

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"استدعا: درخواست کردن / تکلف: رنج بر خود نهادن / خانقاه: محلی که درویشان و مریدان در آن گرد می‌آیند. / نسیان: فراموشی / غنا: توانگری / اُسرا: گرفتاران / بارگی: اسب / زه: چلّه کمان / فراق: دوری / توسن: اسب رام / وقاحت: بی‌شرمی"

- (۱) چهارتا  
(۲) سه‌تا  
(۳) دوتا  
(۴) یکی

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"آورد: کارزار / سنان: سرنیزه / درع: چلّه کمان / مزیح: شوخی / زه: زره / آرمان: آرزو / نفخ: دمیدن با دهان / جَبّار: مسلط / گُرده: بالای کمر / خلف صدق: جانشین راستین / شوخ: چرک"

- (۱) چهارتا  
(۲) سه‌تا  
(۳) دوتا  
(۴) یکی

بیت زیر را کدام واژه کامل می‌کند؟

"نفست از چه مرده زنده کند؟  
گر نه روح الّٰهٰی، بلا ....."

- (۱) اشباه  
(۲) ابدال  
(۳) مفلس  
(۴) شوکت

معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

(گرده: میان دو کتف)، (آخره: چنبره کردن)، (مشوش: نگران‌کننده)، (بیرنگ: طرح اولیّه)، (خلف: جانشین)، (گرته‌برداری: نسخه‌برداری از روی یک تصویر)، (کله: برآمدگی زانوی اسب)، (رندانه: زیرکانه)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

معانی مقابل کدام واژه‌ها تماماً درست است؟

الف) (معاشرت: الفت داشتن)، (ماسوا: آنچه از خداست)  
ب) (شب‌رو: راهزن)، (هُزّا: صدا و غوغا)  
ج) (تنگ‌مایه: محدود)، (رندانه: زیرکانه)  
د) (بیرنگ: طرح اولیّه)، (غنا: نغمه)  
ه) (مخمصه: تنگنا)، (گرده: کمر)

- (۱) الف، ب، ج  
(۲) ب، ج، د  
(۳) ب، د، هـ  
(۴) ب، هـ، الف

مفهوم مصدر "گرفتن" در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) گر همه آفاق بگیرد کسی  
آن‌که توانگر به تو نبود، گداست (تصاحب کردن)  
(۲) گرفتم ز سیم و زرت چیز نیست  
چو سعدی زبان خوشت نیز نیست (دریافت کردن)  
(۳) فراوان سخن باشد آگنده گوش  
نصیحت نگیرد مگر در خموش (اثر کردن)  
(۴) زین آتش نهفته که در سینه من است  
خورشید، شعله‌ای است که در آسمان گرفت (شعله‌ور شدن)



- ۱) شاخکی تازه برآورد صبا بر لب جوی چشم بر هم نزدی سرو سهی بالا شد  
 ۲) گویند اصل آدمی خاک است و خاکی می‌شود کی خاک گردد آن‌کسی کاو خاک این درگاه شد  
 ۳) چون غرق دریا می‌شود، دریاش بر سر می‌نهد چون یوسف چاهی که او از چاه سوی جاه شد  
 ۴) سعدیا غنچهٔ سیراب ننگجد در پوست وقت خوش دید و بخندید و گلی رعنا شد

کدام گروه از کلمات همگی درست معنی شده است؟

- الف) محاسن (موی صورت)، مشیت (زندگی)، جنود (سپاهیان)  
 ب) رستخیز (بعث)، خانقاه (محلّی که درویشان و مرشدان در آن گرد می‌آیند)، تکلف (خودنمایی)  
 ج) نسیان (فراموشی)، معترف (شناساننده)، مکاری (حیله‌گر)  
 د) وقاحت (بی‌حیایی)، توش (توانایی تحمل سنگینی)، خور (زمین پست)

- ۱) الف، د  
 ۲) ب، د  
 ۳) الف، ج  
 ۴) ب، ج

معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

- گرده: میان دو کتف، (آخره: چنبرهٔ گردن)، (مشوش: نگران‌کننده)، (بیرنگ: طرح اولیه)، (خلف: جانشین)، (گرته‌برداری: نسخه‌برداری از روی یک تصویر)، (گله: برآمدگی زانوی اسب)، (رندانه: زیرکانه)

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

بین واژه‌های زیر، چند واژه نادرست معنا شده است؟

- "گف: پنجه / ورطه: روش / معرکه: جای نبرد / پیرایه: زیور / فروغ: پرتو / گلبن: شبرنگ / هنگامه: غوغا / افلاک: چرخ‌ها (جمع فلک: آسمان)"

- ۱) یکی  
 ۲) دو تا  
 ۳) سه تا  
 ۴) چهارتا

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

- "برازندگی: حیات / پیرایه: زیور / تعلل: بهانه آوردن، درنگ کردن / تیزپا: شتابنده / خیره: سرگشته / غلغله‌زن: شور و غوغاکنان / فرج: گشایش / قفا: پشت گردن / گلبن: بوتهٔ گل / معرکه: میدان جنگ / مفتاح: کلید / نادره: بی‌مانند / نمط: شوق"

- ۱) یکی  
 ۲) دو تا  
 ۳) سه تا  
 ۴) چهارتا

واژه‌های "لثیمی، رقع، مرمت، قفا" به ترتیب چه معنایی دارند؟

- ۱) پست، امضاء، اصلاح، جلو  
 ۲) فرومایه، امضاء، مردانگی، پس گردن  
 ۳) پستی، نامه، مردانگی، جلو  
 ۴) فرومایگی، نامه، اصلاح، پس گردن

در معنا کردن واژه‌های زیر، چند اشتباه وجود دارد؟

- "خور: زمین پست - رعب: دلهره - نسیان: فراموشی - مقری: قرآن‌خوان - استدعا: درخواست کردن - مشیت: کنه"

- ۱) چهار تا  
 ۲) سه تا  
 ۳) دو تا  
 ۴) یکی

"تصحیح" یعنی زدودن مطالب نادرست و انتخاب شکل درست کلمات در متن. چهار بیت زیر را یک مصحح، تصحیح کرده است. در کدام گزینه واژه مشخص‌شده، نادرست انتخاب شده است؟

- ۱) مویت را رها مکن که چنین بر هم اوفتد کآشوب حسن روی تو در عالم اوفتد / حسن  
 ۲) گر در خیال خلق پری‌وار بگذری فریاد در نهاد بنی‌آدم اوفتد / نهاد  
 ۳) مشکن دلم که فرقت راز نهان توست ترسم که راز در کف نامحرم اوفتد / فرقت  
 ۴) سعدی صبور باش بر این ریش دردناک باشد که اتفاق یکی مرهم اوفتد / مرهم

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"پدرام: غمین - باره: دیوار قلعه - درع: زره - فتراک: ترک‌بند - فوج: دسته - اشباه: همانندان - طاس: کاسه مسی - زبون: خار - ندامت: تأسف"

- (۱) یکی  
(۲) دوتا  
(۳) سه‌تا  
(۴) چهارتا

بیت زیر را کدام واژه کامل می‌کند؟

"دریغا روزگار ما و آن ایام در مهرش"

همی‌گویم به صد زاری، سر ..... بر زانو"

- (۱) اقبال  
(۲) الزام  
(۳) ادبار  
(۴) ابدال

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"لگام: دهنه اسب - زبون: خوار - تمایز: فرق گذاشتن - دوده: اولن - غایی: نهایی - فتراک: ترک‌بند - حاذق: ماهر - بهرام: زحل - مندرس: کهنه - باری: خلاصه"

- (۱) چهارتا  
(۲) سه‌تا  
(۳) دوتا  
(۴) یکی

چند تا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"نادره: بی همتا - حازم: محتاط - زهی: شگفتا - نمط: طریقه - کام: دهان - دستبرد: دزد - مستغنی: بی نیاز"

- (۱) چهارتا  
(۲) سه‌تا  
(۳) دوتا  
(۴) یکی

معنی چند واژه صحیح است؟

"غارب: میان دو کتف - اهلیت: لیاقت - کایدان: حیل‌گرن - فرقت: ناامیدی - خیل: دسته - مشوش: آشفته - مخمصه: سختی - غوک: قورباغه - بهایم: چارپا - معاش: زندگی"

- (۱) هفت  
(۲) هشت  
(۳) نه  
(۴) ده

معنی چند واژه صحیح است؟

"بشن: خواروار / بهایم: چارپا / غوک: قورباغه / خیل: گروه / رسته: رها / عاجز: ناتوان / غارب: میان دو کتف / بانگ: فریاد / استدعا: خواهش کردن / معرکه: میدان جنگ"

- (۱) ده  
(۲) نه  
(۳) هشت  
(۴) هفت

در کدام عبارت، واژه‌ای وجود دارد که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به این دوره منتقل شده است؟

- (۱) در دل سنگ کثیف، جواهر معادن و فلزات بیافریند.  
(۲) فیل در زیر برگستون، مانند حصار پولادین پوییدن گرفت.  
(۳) اگر خواهی که جان از تو دریغ ندارند، تو نان از ایشان دریغ مدار.  
(۴) بهرام تیری به میان دو چشمش زد چنان‌که تا سوفا در سر فیل شد.

معنای مقابل چند واژه نادرست است؟

(دستار: عبا)، (مایه: دارایی)، (آورد: کارزار)، (باره: اسب)، (دد: دام)، (تقریظ: نوشتن)، (نسیان: فراموشی)، (وقب: هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم)

- (۱) چهار  
(۲) سه  
(۳) دو  
(۴) یک

معنی مقابل چند واژه، نادرست است؟

(جلال: زنگوله)، (تافتة: برافروخته)، (اناء: کوزه)، (بزی: زندگی کن)، (وسعت: گشادگی)، (مندرس: مضطرب)، (مگسل: رها مکن)، (کنام: آشیانه)

- (۱) دو  
(۲) سه  
(۳) چهار  
(۴) پنج

معنای چند واژه نادرست است؟  
(مخذول: خوار)، (فُرقت: دوری)، (گله: میان دو کتف)، (ملال: پژمردگی)، (هُزأ: آواز مهیب)، (هفت: خواست)، (خفتان: نوعی جامه جنگی)، (مهمیز: افسار اسب)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

در گروه واژگان کدام گزینه، معنای واژه‌ای نادرست است؟

- (۱) (متراکم: انبوه)، (هژیر: چابک)، (آبنوس: درختی با چوب گران‌بها)، (مخمصه: غم بزرگ)  
(۲) (پلاس: نوعی گلیم)، (اوان: هنگام)، (استرحام: رحم کردن)، (تعبیه کردن: آماده کردن)  
(۳) (یله: رها)، (ورطه: هلاکت)، (تیمار: اندیشه)، (انبان: کیسه بزرگی از پوست گوسفند)  
(۴) (خلنگ: علف جارو)، (ستوه: خسته)، (عرش: سایبان)، (بیغوله: گوشه‌ای دور از مردم)

در کدام گزینه معنی تمام واژه‌ها درست است؟

- (۱) (نثار: افشاندن)، (زه: وتر)، (غارب: چنبره گردن)  
(۲) (معاشرت: الفت داشتن)، (هُزأ: گرمای مهیب)، (شپردن: طی کردن)  
(۳) (قربان: کماندن)، (افسر: دیهیم)، (چاره‌گر: مدبّر)  
(۴) (خلنگ: چوبی سخت و محکم)، (پدرام: شاد)، (خذلان: درماندگی)

در میان واژه‌های داده‌شده، معنای چند واژه درست است؟

"پلاس (گلیم نازک)، مُنگر (انکارکننده)، بدسگال (بدخواهی)، غایی (نهایی)، مبتنی (ساخته)، عامل (حاکم)، آورد (کارزار)، وقاحت (بی‌شرم)، زه (وتر)"

- (۱) دو  
(۲) سه  
(۳) چهار  
(۴) پنج

معنای چند واژه درست است؟

(خیره: بیهوده)، (استرحام: رحم خواستن)، (مُحال: بی‌اصل)، (پیویدن: پدیدآوردن)، (غارب: میان دو کتف)، (هُزأ: صدا)، (خور: زمین بلند)، (تقریظ: ستودن)، (عنان: دهان)، (دمان: هولناک)

- (۱) چهار  
(۲) پنج  
(۳) شش  
(۴) هفت

معنای چند واژه نادرست است؟

(جلال: زنگ‌ها)، (غارب: شانه)، (برازندگی: لیاقت)، (مولع: بسیار مشتاق)، (کمیت: اسب میان زرد و بور)، (حقّه: صندوق)، (هُزأ: گرمای شدید)، (تقریظ: ستودن)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

چندتا از ترکیب‌های زیر، نادرستی املائی دارند؟

"بدر و حنین و عاشورا، غنای خالق، دعای فرج و توشل، نسیان و غفلت، مقریان خانقاه، مشیت باری تعالی، مظهر فقر، ازدهام مردم، هجوم بعثی‌ها، ترجیه و برتری، هیئت صلیب سرخ، آرام یا متلاطم"

- (۱) یکی  
(۲) دوتا  
(۳) سه‌تا  
(۴) چهارتا

در ابیات کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

(الف) سؤال کردم از خار کاین صلاح تو چیست؟  
(ب) آن‌که عَزّ و جاه او را هست از خورشید تاج  
(ج) همچون حباب دیده به روی قدح گشای  
(د) زبان گویا بایست و طبع دلکش و نغز  
(ه) ز دیر و کعبه فارغ ساخت ما را طاعت عشقت

جواب داد که گلزار صد عدو دارد  
وآن‌که سدر ملک او را همت از گردون سریر  
وین خانه را غیاث اساس از حباب کن  
بیان شیوا بایست و نطق جان‌پرور  
سجود بندگی کردیم در محراب ابرویت

- (۱) ج، الف، ب  
(۲) ج، د، ه  
(۳) الف، ج، ه  
(۴) ب، الف، د

- ۱) تو هم جنگ را باش چون کینه خاست که با کینه‌ور مهربانی خطاست  
 ۲) کار صواب باده‌پرستی است حافظا برخیز و عزم جزم به کار صواب کن  
 ۳) ملک و ملکوتمان مشابه با آنکه منزهیم ز اشباح  
 ۴) صلاح ما همه در گوشه خرابات است چرا ملامت ما می‌کنند اهل صلاح؟

املای چند واژه نادرست است؟

"موجودات ذی‌حیات - ترسناک و موهش - مزیح و شوخی - نسیان و فراموشی - لثیم و فرومایه - طمأنینه و آرامش - بیغوله‌ای دور از مردم - نوشتن رغه - دلاک و قیتم - پلاسی مندرس"

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

- ۱) گفت در کار گاو بسیار فکرت کردم بدانچه بدو خیانتی منسوب گردانم تا در کشتن او به نزدیک دیگران معذور باشم. هرچند تأمل می‌کنم گمان من در وی نیکوتر می‌شود.  
 ۲) چون صفات افلاک و اجرام سماوی گذر کند، خود را بر آسمان‌ها رفتن و پیریدن و عروج کردن از آسمان به آسمان و گردانیدن چرخ‌وفلک و اشباه آن بیند.  
 ۳) و تو را حکایت کنم که هرگز با هیچ دوستی جدال و خصومت نکردم و هرچند که با من سفاهت کردند، من با ایشان حلم ورزیدم و هرگز بر هیچ گناه کبیره اقدام ننمودم.  
 ۴) گاه مجرمان را ثواب کردار مخلصان ارزانی می‌دارند و گاه ناصحان را به عذاب ذلت جانین مؤاخذت می‌نمایند و هوا بر احوال ایشان غالب و خطا در افعال ایشان ظاهر.

در متن زیر چند غلط املایی یافت می‌شود؟

"صفت سوم حرص است که آدمی را وامی‌دارد بر جمع نمودن زاید از آنچه احتیاج به آن دارد و این صفت از جمله صفات مهلکه است که هرچند در آن فروروی عمق آن را نیایی و می‌بینیم حریصی را که این قدر از اموال و خانه و مستقلات دارد که اگر به فراقبت بگذرانند، صدسال دیگر او را کفایت می‌کند، باز در صدد زیاد کردن مال است و تأمل نکند که فایده آن چیست و چه ثمر دارد."

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

در همه گزینه به جز ..... غلط املایی یافت می‌شود.

- ۱) صبای نصرت بر زلف پرچم و گوشوار الم او وزید و دیوار ادبار خاکِ خواری در کاسه خصم کرد.  
 ۲) چون قضا نازل شود چشم بصیرت بسته ماند و ما را نیز اسیر سولت خویش گرداند.  
 ۳) پای ملاحظه بر گردن هرکه توان نهادن جز مردم تبع فرومایه و خصال ناستوده.  
 ۴) مدتها به فراغ دل در روضه ارم حیات می‌کرد.

در ابیات کدام گزینه غلط املایی می‌یابید؟

- الف) کردگارش کرد مخدول و تو مستغنی ز جنگ  
 ب) زاهدی بینی که بگذارد به طاعت عمر خویش  
 ج) به عرش نسبت این آستان چگونه کنم  
 د) رخصتی تا که ز من شعله بر این جیش لثیم  
 ه) دریغا گنجۀ خرم که اکنون جای ماتم شد  
 روزگارش کرد مقهور و تو فارغ ز انتقام  
 آن‌همه طاعت به یک زلت بر او گردد وبال  
 بری است دامنش از گرد ذلت اشباح  
 که مرا بردن فرمان تو فخری است عظیم  
 که از فر چنین صدی فراغ افتاد فرجامش

- ۱) الف، ب  
 ۲) ب، ج  
 ۳) الف، د  
 ۴) ه، ج

در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

- ۱) لثیم‌تر دوستان اوست که در حال شدت و نکبت دوستی و صداقت را مهمل گذارد و غافل‌تر ملوک آن است که در حفظ ممالک و اهتمام رعایا نکوشد.  
 ۲) هرگاه که در این مقامات تأملی رفت و طریق صواب در آن مشتبه نگردد و پوشیده نیست که آدمی از سهو و غفلت و جرم و ذلت کم معصوم تواند بود.  
 ۳) و علما گویند که در قعر دریا با بند غوطه خوردن و در مستی لب مار دم‌بریده مکیدن خطر است و از آن هایل‌تر و مخوف‌تر خدمت و غربت سلاطین است.  
 ۴) ای اصحاب صناعت و ارباب بضاعت و طایفه سنت و جماعت، سپاس خدای را که اگر به‌صورت، اختلاف اشباه است به معنی ائتلاف ارواح است و اگر به‌ظاهر تفرقه بلاد است به باطن اتحاد اعتقاد است.

- ۱) هریکی را مکافاتنی درخور باشد و عقوبت ذلت و تقصیر عتاب باشد و ملامت.  
 ۲) پس در آنچه در فراق او پیوندد، مبادرت نموده شود و در اتمام آنچه به دوستان برگیرد، اهتزاز نماید.  
 ۳) قربت و مکانت او بر نزدیکان شیر گران آمد و در مخاصمت او با یکدیگر مطابقت کردند.  
 ۴) پیر برپا خواست و عندلیب هزار نوا بینوا شده و غنای سور و سرور به غم و غصه بدل گردید.

- ۱) از چنگ غزا همی چو نتوان جستن با چرخ چه معنی است جدل پیوستن  
 ۲) بی تلافی نیست شوقم در تگ و پوی وصال دست اگر کوتاه شد آهم رثا خواهدشدن  
 ۳) غالب مجروح اگر در خاک و خون غلتد چه باک روح پاک اندر جوار لطف رب‌العالمین  
 ۴) زین نمط دارند بر خود صد نشان لیک کی بینند آن را طاغیان

- الف) غازی ز بی شهادت اندر تک‌پیوست  
 ب) بار دیگر سوخت هم واپس بجست  
 ج) متاع عقل و جان و دل همه سوخت  
 د) یوسفی بوکه درآید ز تک این چه طبع  
 ه) در آن مقام که آید به جذر و مد دریا  
 ولن را که غم تو کشت فاضل‌تر از اوست  
 باز کردش حرص دل ناسی و مست  
 من این آتش ندانم کز کجا خواست  
 از توسل به بزرگان رسی ساخته‌اند  
 هنر چه مایه تواند نمود موج غدیر

- ۱) الف، ب  
 ۲) ج، د  
 ۳) ه، ج  
 ۴) د، الف

- ۱) خنده چون مینای می کم کن، که چون خالی شدی می‌گزارد چرخ بر طاق فراموشی تو را  
 ۲) که بگزارد او خواب شاه جهان نهفته برآرد ز بند نهان  
 ۳) آن است خرد که حق این جادو مرد از ره دین و زهد بگزارد  
 ۴) حاجت بنمای تا برآرم مقصود بگوی تا گزارم

- الف) زیر رکاب تواند شاه سواران ملک غاشیه‌داران تو (کارگزاران - کارگذاران) دین  
 ب) به‌جای دشمنان از کینه‌توزان به‌جای دوستان از (حق‌گزاران - حق‌گذاران)  
 پ) منش با خرقهٔ پشمین کجا اندر کمند آرم زره مویی که مژگانش ره (خنجرگزاران - خنجرگذاران) زد  
 ت) شمس ملکان و ملک (تاج‌گذاران - تاج‌گزاران) تاج سر شاهان جهان سید احرار

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

- ۱) در این خرابه همانا عمارتی که کنی قرض نه حظ خود آسودگی خلق خداست  
 ۲) قضا را به دست لطیفی فتاد به گفتار نغزش دل و هوش داد  
 ۳) به فکر این‌وآن، عمر گرامی رفت از دستم مرا طول عمل بر ستر هستی خط بطلان شد  
 ۴) از تیغ نورافزای تو، وز رخس سوراوای تو بر گرز طورآسای تو، نور تجلی ریخته

- در کدام دو بیت غلط املائی وجود دارد؟
- الف) مولع شده بر گفتن شکر تو شب و روز  
ب) سر آشفته به بیقوله میخانه زدم  
ج) سفر بیرون از این عالم کن و بالای این عالم  
د) این چنین عمری که مایه دوزخ است  
ه) روزی که در فراغ جمال تو بوده‌ام
- چون عابد بیدار به تسبیح سحر بر  
خم همه عاقل و خمخانه همه باطل بود  
که دل زین هر دو مستغنی است برتر زین و زن دانش  
مر قصابان غضب را مصلخ است  
گریبان در اشتیاق وصال تو بوده‌ام

- ۱) الف، ه  
۲) ب، ه  
۳) ج، د  
۴) الف، ج

در کدام گزینه غلط املائی بیشتری هست؟

- ۱) شاه چون این مقدمات استماع کرد متهمّیر و متفکّر شد و گفت صولت و شکوه سیاست ملک، او را ادب می‌کند.  
۲) از عادات روزگار این است که هرگاه لعیمی در معرض وجاهت افتاد، نکبت کریمی توقع باید کرد.  
۳) هرکه در فرجام کارها ننگرد بی‌سروسامان باشد تا آنگاه که عجل بر سر او لشکر تازد و بر او قالب آید.  
۴) گفته‌اند غم بلاست و نزدیکی دشمن بلا و درماندگی بلا و فراغ دوست بلا و عنوان همه بلاها مرگ است.

در کدام گزینه غلط املائی دیده می‌شود؟

- ۱) کسی که بر خشم و غضب خویش قادر و غالب نباشد، در کارها به ناحق اقدام کند.  
۲) یک سال در محرومی از سعادت غربت و مهجوری از آستان خدمت سنگ صبر بر دل بست.  
۳) چون مناظره به این حدّ رسید و جزر محاوره بدین مد کشید، برفت.  
۴) پادشاه اسرار خویش را باید عزیز و مستور دارد تا هیبت او در دل عوام افتد.

در کدام گزینه غلط املائی بیشتری هست؟

- ۱) شیر چون برفت تأمل کرد و کسان فرستاد و لشکر را حاضر خاست تا آن‌ها را گسیل کند.  
۲) دشمن را به دست قهر از پای درآوردن و ذبون ساختن، هیچ صاحب عزم به آن راضی نشود.  
۳) توانگران را سنا گفتمی و بر درویشان جفا روا داشتی که هر جا گل است خوار هست.  
۴) کار گذشته تدبیر را نشاید روی به شادمانگی و فراقت آر که دشمن برافتد.

کدام بیت نادرستی املائی دارد؟

- ۱) شد عرصه زمین چو بساط ارم جولان از پرتو سعادت شاه جهانستان  
۲) سلطان‌نشان عرصه اقلیم سلطنت بالانشین مسند ایوان لامکان  
۳) سیمرغ وهم را نبود قوت عروج آنجا که باز همت او سازد آشیان  
۴) حکمش رون چو باد در اطراف بر و بهر مهرش نهان چو روح در اعضای انس و جان

ترکیب‌های زیر در مجموع چند نادرستی املائی دارند؟

"غنیمت وجود آشنا / بیقوله‌ای در بیلاقی / اهل‌وعیال / بحران و بلوغ / زندگی مرّقه / شندرغاز بانک / تنگی معیشت / تصلّای غم غربت / زندگی بی‌تلاطم / مجسمه قاطر / ارزیابی شتاب‌زده"

- ۱) چهارتا  
۲) سه‌تا  
۳) دوتا  
۴) یکی

چندتا از ترکیب‌های زیر نادرستی املائی دارند؟

"بحر خروشنده / بر حذر بودن و احتیاط کردن / تقریر و بیان / مخزول و نالان / وقار و طمأنینه / عنودان بدگهر / حقارت و بدبختی / گناه و زلت / لثیمی و کریمی / محمیز و بچگان / صولت حیدری / هزای شیر"

- ۱) یکی  
۲) دوتا  
۳) سه‌تا  
۴) چهارتا

چندتا از ابیات زیر نادرستی املائی دارند؟

- (الف) گفت که دیوند جمله عامه اگر دیو  
 (ب) دست بر پشت مار مالیدن  
 (ج) چو درآید ترش‌ترش تو بدو پیش او خمش  
 (د) تا مرا عشق تو تعلیم سخن گفتن کرد
- بدکشانند و باسفاهت و شومان  
 به تلطف نه کار هشیار است  
 قضیبش را بدین بکش که سلام‌علیکم  
 خلق را ورد زبان مدحت و تحسین من است

- (۱) چهارتا  
 (۲) سه‌تا  
 (۳) دوتا  
 (۴) یکی

متن زیر چند نادرستی املائی دارد؟

"حضرت عیسی روح‌الله می‌گذشت. ابلهی با وی دچار شد و از حضرت عیسی سخنی پرسید؛ بر سبیل تلطف جوابش باز داد و آن شخص مسلم نداشت و آغاز عربده و سفاحت نهاد. چندان‌که او نفرین می‌کرد، عیسی تحسین می‌نمود. عزیزی بدانجا رسید؛ گفت: ای روح‌الله، چرا ذبون این ناکس شده‌ای و هرچند او قهر می‌کند، تو لطف می‌فرمایی و بآنکه او جور و جفا پیش می‌برد، تو مهر و وفا پیش می‌نمایی؟"

- (۱) یکی  
 (۲) دوتا  
 (۳) سه‌تا  
 (۴) چهارتا

ابیات زیر را به ترتیب کدام املائی واژه‌ها کامل می‌کند؟

- (الف) خدای را که تواند ..... شکر و سپاس؟ یکی منم که به مدحش کنم شکرباری  
 (ب) به خدا خبر ندارم چو نماز ..... که تمام شد رکوعی که امام شد فلانی

- (۱) گذارد، می‌گذارم  
 (۲) گذارد، می‌گذارم  
 (۳) گزارد، می‌گذارم  
 (۴) گزارد، می‌گذارم

کدام بیت نادرستی املائی دارد؟

- (۱) برشو ای رایب روز از در شرق  
 (۲) دهر را تاج زر آویز به فرق  
 (۳) ای شب موهش انده‌گستر  
 (۴) مطلع یأس و هراسی تو مگر
- بشکف ای غنچه صبح از بر کوه  
 کامدم زین شب مظلم به ستوه  
 اندک احسان و فراوان‌ستمی  
 سحر حشر و غروب عدمی

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"گام: سقف دهان / تیزیا: شتابنده / مفتاح: کلید / اولن: رنگ‌ها / بدسگال: بداندیش / تکیده: باریک‌اندام / خودرو: لجوج / طبیعت: خو / گمیت: اسب سرخ مایل به سیاه / مسخرگی: دلگی / مندرس: آموخته / دین: وام / قیم: سرپرست / بیغوله: کنج / گله: میان دو کتف / دهش: بخشش"

- (۱) یکی  
 (۲) دوتا  
 (۳) سه‌تا  
 (۴) چهارتا

باتوجه به معنای مقابل واژه‌ها، در ترکیب‌های زیر چند نادرستی املائی هست؟

"دهش: بخشش / صولت: هیبت / هژا: آواز مهیب / خزالن: درماندگی / سور: شاخ و جز آن / رعب: دلهره / غنا: توانگری / نصیان: فراموشی / وصوص: دودلی"

- (۱) چهارتا  
 (۲) سه‌تا  
 (۳) دوتا  
 (۴) یکی

ابیات زیر در مجموع چند نادرستی املائی دارند؟

- (الف) ز کوی میکده برگشته‌ام ز راه خطا  
 (ب) بمانده بی رخ زیبای خویش دشمن‌کام  
 (ج) از کوی مغان، نیم‌شبی، ناله نی خاست  
 (د) هم‌سنگ خویش گریه خون راندم از فراغ
- مرا دگر ز کرم با ره صواب انداز  
 فتاده خوار و خجل در کف زمانه زبون  
 زاهد به خرابات مغان آمد و می خواست  
 تا سنگ را ز گریه من دل به درد خاست

- (۱) چهارتا  
 (۲) سه‌تا  
 (۳) دوتا  
 (۴) یکی

- ۱) فرض یزدان را بگذار هرکس که کند خدمت خاصه سلطان به خلا و به ملا  
 ۲) بیوس خاک درش وانگه ار مجال بود سلام من برسان و پیام من بگزار  
 ۳) باید احسانی چنان کردن که بعد از خرج راه قرض خود بگرام و بازم نباید کرد قرض  
 ۴) نه راه است اینکه بگذاری مرا بر خاک و بگریزی گذاری آر و بازم پرس تا خاک رهت گرم

- ۱) خصلت نیکو، ضربتی سخت، سمیل کردن  
 ۲) چهره تکیده، گوش استماع، مخزول و نالان  
 ۳) حجب و فروتنی، با طمأنینه‌ای خاص، انشای ارتجالی  
 ۴) رقع‌ای پرمحتوا، اهلیت ناصر خسرو، ورطه بزرگ

"خانقاه طوس، برپای خواستن، به محض شکستن خطوط، صوله‌های غواص‌ها، دعای فرج و توصل، نصیان و غفلت، راهیابی به مراتب غرب، اسوه و تمثیل وفاداری، حکشدن شعری لطیف، الم‌دارن مجاهد"

- ۱) شش  
 ۲) هشت  
 ۳) هفت  
 ۴) پنج

- ۱) ظاهراً چون طبیعتی در طینت موجود نیست  
 ۲) گر طمع داری از آن جام مرضع می لعل  
 ۳) نفس خسیس حرص‌خو عاشق مال و گفتگو  
 ۴) به تنگ آمد دلش ناگه از این بوم  
 زن سبب هر جا که باشی خُبت پنهانی کنی  
 ای بسا در که به نوک مژه‌ات باید شُفت  
 یافت به گنج رحمت از دو جهان فراغتی  
 ز هم‌پروازی اقران و اشباح

"عمارت دهقانی به مدلت و فرومایگی منصوب است؛ چه ادای خرج بر نهاد مرد بامرؤت عظیم گرن بود و بازرگانی، خود همه رنج و دردسر است. جان و مال در معرض تلف باید نهاد و کسب و حرفت مردم بازاری خود با رنج و آزار باشد و چون قوت او روز به روز به دست آید، اگر روزی ضعف بر حال مستولی شود، آن روز ضایع بماند."

- ۱) قوت  
 ۲) منصوب  
 ۳) عظیم  
 ۴) عمارت

- ۱) یکی را که معزول کردی ز جاه  
 ۲) نویسنده را گر ستون عمل  
 ۳) چو نرمی کنی خصم گردد دلیر  
 ۴) درشتی و نرمی به هم در به است  
 چو چندی برآید ببخشش گناه  
 بیافتد، نبرد طناب امل  
 وگر خشم‌گیری شوند از تو سیر  
 چو رگ‌زن که جزاح و مرهم‌نه است

"و قوی‌تر رکنی بنای مودت راه، کتمان اسرار است و من در باطن کار محرم دیگر ندارم و اعتماد بر کرم و عهد تو مقصور داشته‌ام؛ و می‌توانم دانست که خطری بزرگ است، اما به مروّت و حریت آن لایق‌تر که مرا بدین آرزو برسانی و اگر از آن‌جهت رنجی تحقّل باید کرد سحر شمری."

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

- ۱) چون سکندر شاه شد صاحبقران و خواجه خضر  
 ۲) خواست ایزد شاه را آگه کند از کید خصم  
 ۳) گرچه پیر است آسمان لیک این قدر مبهوت نیست  
 ۴) مدح شاه و خواجه می‌خواندم به آواز بلند  
 کز حیات شاهش ایزد داد عمر جاودان  
 ورنه هرگز این قضا نازل نگشتی ز آسمان  
 کز خدایش شرم ناید وز شهنشاه جوان  
 با بیانی نقض کش بود از فصاحت ترجمان



در میان ترکیب‌های زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟  
 "عذاب قرض - نقض پیمان‌ها - مقابله لئیمی - کاغذ زیر بغل - حقه اصرار - اطلاع بر رقعہ - برهنگی و عاجزی - بحران بلوغ - زندگی بی‌تلاطم - حقوق شندرغاز"

- (۱) چهار  
 (۲) سه  
 (۳) دو  
 (۴) یک

واژه نوشته‌شده برای کدام عبارات، نادرستی املائی دارد؟  
 الف) میان دو کتف: قارب ب) آرامش یافتن: تسلا ج) هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم: وقب  
 د) باد شمال شرقی: صبا ه) دوری: فرقت و) روانه کردن: گصیل کردن

- (۱) الف - د  
 (۲) ب - ه  
 (۳) ب - ج  
 (۴) الف - و

چندتا از ترکیب‌های زیر نادرستی املائی دارد؟  
 "حاذم و محتاط - ضایع و تباہ - قبطه و رشک - مولع و آزمند - خزلان و پستی - مرقح و آسوده - تسلا و آرامش - غارب و وقب"

- (۱) یکی  
 (۲) دو تا  
 (۳) سه تا  
 (۴) چهارتا

در بیت گزینه ..... غلط املائی دیده می‌شود.

- (۱) ابروت هلال ماه خوبی رخسار تو مهر انور چشم  
 (۲) در خدمت تو شیرین همچون شراب وصل است این باده به تلخی همچون فراغ یاران  
 (۳) گفت آیا ای عجب با چشم کور چون همی‌خوانی همی‌بینی سطور  
 (۴) ز هول سیل عالم بر شده ایمن لب کشتی ز روح نوح پیغمبر شده بی‌قوت دین کنعان

کدام بیت نادرستی املائی یا رسم الخطی دارد؟

- (۱) خاریم و طربناک‌تر از باد بهاریم خاکیم و دلاویزتر از بوی عبیریم  
 (۲) از نعره مستانه ما چرخ پرآواست جوشنده چو بهریم و خروشنده چو شیریم  
 (۳) از شوق تو بی‌تاب‌تر از باد صبایم بی روی تو خاموش‌تر از مرغ اسیریم  
 (۴) آن کیست که مدهوش غزل‌های رهی نیست؟ جز حاسد مسکین که بر او خرده نگیریم

کدام بیت نادرستی املائی دارد؟

- (۱) در بحر مایی و منی افتاده‌ام بیار می تا خلاص بخشدم از مایی و منی  
 (۲) خون پیاله خور که هلال است خون او در کار یار باش که کاربست کردنی  
 (۳) می ده که سر به گوش من آورد چنگ و گفت خوش بگذران و بشنو از این پیر منحنی  
 (۴) ساقی به بی‌نیازی رندان که می بده تا بشنوی ز صوت معنی "هو الغنی"

در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- (۱) گفتم عشقت غرابت و خویش من است غم نیست غم از دل بداندیش من است  
 (۲) خصم سرکش شود از راه تحقل مقلوب خاک خاموش به از آب کند آتش را  
 (۳) رو مسخره‌گی پیشه کن و مطربی آموز تا داد خود از مهتر و کهتر بستانی  
 (۴) مکن به لهو و لعب صرف، نوجوانی را به خاک شوره مریز آب زندگانی را

- ۱) و آنچه می‌گویم نه از برای آن می‌گویم تا بر رأی ملک در حادثهٔ خویش خطایی ثابت کنم یا عیبی به‌جانب او منسوب گردانم، اما حسد جاهلان در حق ارباب هنر و کفایت رسمی معلوف و عادتی مستمر است.
- ۲) چنان‌که ملاطفت کرد و پرسیدش از کجایی و چه نامی و صنعتی دانی، در قعر بهر موذت چنان غریق بود که مجال نفس زدن نداشت.
- ۳) این اندیشه بر او غالب شد تا آنجا که حماقت طبع و سخاوت رای اوست، فرصتی دیگر می‌جوید که صریح گفتن از ادب بندگی دور افتد و آلا اظهار کردنی.
- ۴) صواب آن است که هر دو تن حق طلبید که صاحب حق را مظفر باید شمرد، اگرچه حکم به خلاف هوای او نفاذ یابد و طالب باطل را مخزول پنداشت.

در کدام بیت غلط املائی می‌یابید؟

- ۱) چه رسوایی است با مستوری اسرار محبت را  
۲) گرد غربت ز رخس بحر کند پاک آخر  
۳) به‌صورت از نظر ما اگرچه محبوب است  
۴) داشت باران، طمع از کاغذ ابری صائب
- که چندان که می‌سازند پنهان، می‌شود پیدا  
هرکه در راه طلب کرد چو سیلاب خورد  
همیشه در نظر خاطر مرقه ماست  
از لعیمان جهان آن‌که سخاوت می‌خواست

در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

"دست معلم از عقب حیوان روان شد؛ فک زیرین را پیمود، از یال و قارب به زیر آمد. سرپاش از درمانده‌گی‌اش خبر می‌داد، اما گریزی رندانه زد و از مخمضه رست."

- ۱) یک  
۲) دو  
۳) سه  
۴) چهار

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) کف لثیمش نشد از حرص و آز  
۲) با فراق چند سازم برگ تنه‌ایم نیست  
۳) گردش چرخ این رسن را علت است  
۴) دل ما به دور رویت ز چمن فراق دارد
- جز ز پی زر ستدن هیچ باز  
دستگاه صبر و پایاب شکیبایم نیست  
چرخ گردان را ندیدن زلت است  
که چو سرو پایبند است و چو لاله داغ دارد

املائی واژهٔ انتخاب‌شده در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) اگر (غیاث - قیاس) کنم من ز دجله تا جیحون  
۲) تو از ما (فارق - فارغ) و ما با تو همراه  
۳) امشب بنشینم چون آن مه بگرفت  
۴) چندین چه غمزه می‌زنی از بهر کشتنم
- ز لشکر تو همی‌نگسلا نفر ز نفر  
ز ما فریاد می‌آید تو خاموش  
تا روز همی‌زنیم (طاس - تاس) و لب طشت  
صید تو زنده نیست مکن رنجه (شست - شصت) را

در کدام بیت، غلط املائی وجود ندارد؟

- ۱) ز روزگار فراغت چگونه دارم چشم  
۲) خاک وجود ما را از آب دیده گل کن  
۳) از کشاکش یک‌نفس چون موج فارغ نیستیم  
۴) چون مگس حاضر شود در هر طعام
- چنین که خواجه فراغت ز حال ما دارد  
ویران‌سرای دل را گاه امارت آمد  
گرچه در آغوش بهر بی‌کران افتاده‌ایم  
از وقاحت بی‌صلا و بی‌سلام

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) رخ زشت چون خبث طینت میوش  
۲) سر برآوردند ارواح نباتی از زمین  
۳) سرخوش چو بهر عیش کله‌گوشه بشکنند  
۴) به کف تیغ من ازدهاپیکر است
- به گمنامی و بازگوشی مکوش  
سوراصرافیل تا از رعد گردید آشکار  
نقل خراب ز انجم هفت‌آسمان کنند  
ابا صولت شیر و خشم پلنگ

- ۱) بر لوح مآصی خط عذری نکشیدیم / پهلوی کبایر حسناتی ننوشتیم  
 ۲) وجوه قرض می‌ام هست لیک می‌ترسم / که می‌فروشم نام از قباله بردارد  
 ۳) گر من از چشم همه خلق بیفتم سهل است / تو مپندار که مخزول تو را ناصر نیست  
 ۴) چو بر دانا گشادای حیلہ را در / چو فوک مارکش در سر کنی سر

- ۱) غرض از نوشتن رقعہ - پلاس کهنہ - گذاردن و اجازه دادن - فراغ و آسایش  
 ۲) خواستن دینار مغربی - ابوالفتح احمد - عذر خواستن - قوک و غورباغہ  
 ۳) اهلّیت و شایستگی - بهایم و چهارپایان - تسبیح و سبحان الله گفتن - قیم و سرپرست  
 ۴) خشنودی خدای عزّوجلّ - جلّ جلاله - عذاب قرض و دین - چهره و منظر

- ۱) عظم دیدار تو دارد جان بر لب آمده / باز گردد یا برآید چیست فرمان شما  
 ۲) چنگ خمیده قامت می خواندت به عشرت / بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد  
 ۳) و گر کنم طلب نیم‌بوسه صد افسوس / ز حَقّۀ دهنش چون شکر فروریزد  
 ۴) بر آستانۀ میخانه هرکه یافت رهی / ز فیض جام می اسرار خانقہ دانست

- ۱) به هر جفا ز وفای تو می نخواهم گشت / از اینکه نقض وفا شیوۀ احبّا نیست  
 ۲) تا کاخ صمد ساختی ایوان صنم را / پرداختی از هرچه به جز دوست حرم را  
 ۳) این منم از پشت کوژ، چنگ حریفان عشق / زار بنالم ولی خوار ندانم که چیست  
 ۴) آب حیات موج زد دوش ز صحن خانه ام / یوسف من فتاد دی همچو قمر به چاه من

"دست معلم از عقب حیوان روان شد؛ فکّ زیرین را پیمود، از یال و قارب به زیر آمد. سراپاش از درمانده‌گی‌اش خبر می‌داد، اما گریزی رندانه زد و از مخمسه رست."

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

- ۱) بدان که هر ابتدایی را انتهای است و هرگاه که مدت عمر سپری شد و هنگام عجل فراز رسید، لحظتی مهلت صورت نبندد.  
 ۲) چون این ابیات مناسب حال گفتم، گرد ملال به جاروب مقال زفتم همه از شراب این سخن مست و شراب آشتی در دست از منزل نفاق خواسته در محل اتّفاق نشستند.  
 ۳) دمنه گفت: قاضی را به گمان خود، بی حجّت ظاهر و دلیل روشن حکم نشاید کرد؛ و نیز اگر شما را این شبهت افتاده است و تبع همه بر گناه من قرار گرفته است، آخر من در کار خود بهتر دانم.  
 ۴) چون نفس از مواظبت نظر معطل شود و از فکر در حقایق و غوص در معانی اعراض کند، مواد خیرات عالم قدس از او منقطع شود.

- ۱) شها مگر به صریر تو داد خویش آرم / به صولت تو نمایم علاج این غم را  
 ۲) آن‌که در میدان نظم او را چنین باشد مجال / کی کند واجب که در بیقولہ‌ای سازد مقرّ؟  
 ۳) کی بود گویی که بینم من ز دوران فلک؟ / چون فراغت از جهان گم گشته دوران فراغ  
 ۴) هرچه فرماید برد فرمان قضا ازبهر آنک / کفر باشد نقض آن داند قضا خود این‌قدر

- (۱) نظر و عنایت، هوای نفس، برهنگی و عاجزی، نوال و لطف  
 (۲) غلغله‌زن، غرابیت و نزدیکی، مرمت و رسیدگی، بوته خار  
 (۳) صاحب پیرایه، گرم و رسا، پلاس پاره، عذر خواستن  
 (۴) یله و رها، صحبت و محاوره، رقع و نامه، محال و دروغ

- (۱) گفت: مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید چنان‌که غبار آن دام، فروغ چشم را زایل گرداند.  
 (۲) زهی خداوند پاک که بنده گناه کند و از فضل و کرم، او را شرم بود که در وصف او زبان، لال است.  
 (۳) چون بخواستیم رفت گرمابه‌بان و هرکه آنجا بودند همه برخواستند و بایستادند و خدمت کردند.  
 (۴) کریم، یار خود را در سوز هجر و فراغ نیفکند و قرض دوستی خود را برپای معرفت و صحبت نیک استوار گرداند.

- (۱) زلّت، نغز، امارت، صور  
 (۲) ذلّت، نقض، عمارت، سور  
 (۳) زلّت، نقض، عمارت، صور  
 (۴) ذلّت، نغز، امارت، سور

- (۱) قصر ستمکاران، دیواره اهرام، صورت و سیرت، تره‌بار و بنشن  
 (۲) چوپان گرگ طبع، غالب‌های شعری، ثبات و پایداری، لاغر و رنگ‌پریده  
 (۳) اوصاف روی، پای‌افزار وصله‌دار، عزم صلح، شندرغاز و پول اندک  
 (۴) خشم طوفان، کوتاه‌نظری، توصیف و طنز، خلف صدق نیاکان

- (۱) وسواس قاضی، قیاس و سنجش، آزاده‌گان و جانبازان، تمثیل  
 (۲) اسرار و رازها، عزم و تصمیم، متن تقریظ رهبر، فتوحات آینده  
 (۳) طاس و طشت، عنان و سنان، خطوط و ستور، معركة قلوب  
 (۴) فارق و آسوده‌خاطر، صدای همهمه، مایه ننگ، مراتب قرب

- (۱) نادر و بی‌نظیر، تکیده و لاغر، معلوف و خوگرفته، فراعنة مصر قدیم  
 (۲) غلغله‌زن و غوغاکنان، مرمت و اصلاح، قرار و طمأنینه، شندرغاز و پول کم  
 (۳) ضرورت و الزام، دلکی و مسخره‌گی، مُحال و بی‌اصل، آسودگی و فراق  
 (۴) ضایع و تباه، مغلوب و شکست‌خورده، قورباغه و قوک، ذبح کردن حیوان

- (۱) یکی از دوستان گفت امتناع سخن از آن جهت است که غالب اوقات در سخن نیک و بد اتفاق افتد.  
 (۲) روزی شخصی خوش‌محضر و لطیفه‌گوی، همنشین ملوک گشته و با رغبتی صادق و شوقی غالب به خدمت او شتافت.  
 (۳) هر دو به افزونی قربت از دیگر ندیمان مرتبه تقدّم یافته و محرم اصرار مملکت و حکومت گشتند.  
 (۴) بر خردمند صواب آن است که در کارها غفلت کم رود و مهقات را خوار شمرده نیاید.

- (۱) بین همه بحریان به کف گوهر خویش یافته  
 (۲) گر چه دوریم از بساط قرب همت دور نیست  
 (۳) نفوس و عنصر و ارواح و چرخ و اخترت بادا  
 (۴) باز را خون خورد از صولت انصاف تو کبک  
 تو به میان جذر و مد در چه شمار اندری؟  
 بنده شاه شماییم و ثناخوان شما  
 مطیع و تابع و محکوم و خدمتکار و فرمان‌بر  
 رنگ خونش به همین واسطه در منقار است

۱ معنای همهٔ واژگان در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ..... درست آمده است.

- (۱) (مَلَك: فرشته)، (مقرون: همراه)  
 (۲) (لختی: اندکی)، (عقد: مخنقه)  
 (۳) (مبشّر: نویددهنده)، (مرشد: ارشادشده)  
 (۴) (کافی: دانای کار)، (مؤکد: استوار)

۲ معنای واژگان "حضرت، کوشک، مشتیه‌شدن، به‌غایت" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) پیشگاه، قایق، اشتباه گرفتن، انتها  
 (۲) درگاه، قصر، اشتباه‌کننده، بی‌نهایت  
 (۳) پیشگاه، هر بنای رفیع، تردید کردن، در پایان  
 (۴) آستانه، قصر، به اشتباه افتادن، بی‌نهایت

۳ در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ..... معنای همهٔ واژگان صحیح آمده است؟

- (۱) (تعبیه کردن: قرار دادن)، (خلیفت: جانشین)، (عنایت: توجه)  
 (۲) (غنا: توانگری)، (قرب: هم‌جواری)، (متلألئ: تابان)  
 (۳) (ربوبیت: مهربانی)، (خزاین: گنجینه‌ها)، (اعزاز: گرامیداشت)  
 (۴) (نفایس: چیزهای گران‌بها)، (اصناف: گونه‌ها)، (قبضه: یک مشت از هر چیزی)

۴ در کدام گزینه، رابطه‌های معنایی "تضاد و تضمن" به کار رفته است؟

- (۱) هرکه چیزی دوست دارد جان‌ودل بر وی گمارد / هرکه محرابش تو باشی سر ز خلوت برنیارد  
 (۲) ای سرو بلند بوستانی / در پیش درخت قامتت پست  
 (۳) گر من از عهدت بگردم ناجوانمردم نه مردم / عاشق صادق نباشد کز ملامت سر بخارد  
 (۴) هر که می‌ورزد درختی در سراستان معنی / بیخش اندر دل نشاند تخمش اندر جان بکارد

۵ در کدام گزینه معنی واژه‌ای در مقابل آن نادرست آمده است؟

- (۱) حلاوت: شیرینی / شب‌گیر: سحرگاه / ادبار: پشت کردن  
 (۲) تیمار: غمخواری / زَنخندان: چانه / مناسک: آیین‌ها و مراسم  
 (۳) مستور: پنهان / سرسام: هذیان / چاشتگاه: نزدیک ظهر  
 (۴) صنم: بُت / وزر: بار سنگین / متقارب: منظم

۶ معنی واژه‌های "نژند - دغل - یک دوال - زهد" به ترتیب در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

- (۱) خوار - مکر - چرم - باتقوا  
 (۲) زیون - ناراستی - یک لایه - پارسایی  
 (۳) اندوهگین - مگار - پوست - نیک‌مرد  
 (۴) ناراست - تنبل - یک پاره - پرهیزگاری

۷ معنی واژگان "تمگن - صباحت - رایت - حضرت" در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

- (۱) توانگری - صبحگاه - پرچم - آستانه  
 (۲) ثروت - خوب‌رویی - بیرق - والامقام  
 (۳) توانگری - سحرگاه - اندیشه - بزرگ  
 (۴) ثروت - سفیدی رنگ انسان - درفش - درگاه

۸ معنی مقابل چند واژه، غلط است؟

(الوهیت: خدایی) (هزاردستان: بلبل) (مشتیه: دچار اشتباه) (شریعت: مقابل طریقت و عرفان) (تمگن: مکان داشته) (عاری: فاقد) (دد: وحشی) (بالبداهه: ارتجالاً)

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

- ۱) (تازی: عربی)، (رشحه: قطره)، (بار: رخصت)  
 ۲) (سمند: اسب زردرنگ)، (سیماب: نقره)، (اثن: فرمان)  
 ۳) (چنبر: حلقه)، (منکر: انکارکننده)، (دهشت: ترس)  
 ۴) (مشک: خیک)، (منکر: ملکوتی)، (اهتزاز: جنبیدن)

- ۱) (سیماب: جیوه)، (خرگه: سرایرده بزرگ)، (مشک: خیک)  
 ۲) (بیرق: رایت)، (موعد: تعیین شده)، (درایت: تدبیر)  
 ۳) (سترگ: عظیم)، (افق: کرانه)، (تازی: عرب)  
 ۴) (رعا: زیبا)، (بار: رخصت)، (افسر: صاحب منصب)

- ۱) (ملالت: آزرده‌گی، سرزنش)، (گشن: انبوه، پر شاخ و برگ)  
 ۲) (موالات: دوستی، پیروی کردن)، (درای: زنگ کاروان، پتک)  
 ۳) (خایب: ناامید، بی‌بهره)، (وقیعت: بدگویی، جدال)  
 ۴) (دها: بخشش، عطا)، (پایمردی: خواهشگری، شفاعت)

- الف) (دژم: ژیان) (درفش: بیرق) (مجرد: صرف)  
 ب) (ترک: کلاهخود) (غو: غریو) (پشت پای: قفا)  
 ج) (گشن: انبوه) (جال: دام) (ابرش: اسبی با نقطه‌هایی بر اعضا)  
 د) (وقیعت: بدگویی) (خایب: بی‌بهره) (غضنفر: خشمگین)

- ۱) الف، ج  
 ۲) الف، د  
 ۳) ب، د  
 ۴) ب، ج

- الف) (ارک: دژ)، (مد: یاری‌دهنده)  
 ب) (مسامحه: ریاکاری)، (خوان: سفره گسترده)  
 ج) (مفرح: شادشده)، (تلقد: آموختن)  
 د) (حشر: رستاخیز)، (برزیگر: کشاورز)

- ۱) ب، ج  
 ۲) الف، د  
 ۳) ج، د  
 ۴) ب، الف

- ۱) اعمی و بصیر - هبوط و صعود - سفر و حضر - قانع و طامع  
 ۲) عزل و نصب - جزر و مد - هزاره و غریو - مضرات و منافع  
 ۳) ایجاز و اطناب - مدح و ذم - سلاست و روانی - ینبوع و چشمه  
 ۴) بدو و ختم - افراط و تفریط - انقباض و انبساط - ابطال و الغا

- ۱) گرچه محبوب از نظر کرده است بی‌جایی تو را همچنان جوید ز هرجایی تماشایی تو را (: پنهان)  
 ۲) از ترش‌رویان شود ماتم‌سرا دارا السرور ره مده رضوان به جتت زاهد دل‌مرده را (: بهشت)  
 ۳) دیدۀ بیدار تا ببیند نظم او تیر همت را به پای عقل کافی بر نهیم (: دانای کار، باکفایت)  
 ۴) ساقی بده آن کوزه یاقوت روان را یاقوت چه ارزد بده آن قوت روان را (: خوراک)

- ۱) (شبگیر: پیش از صبح)، (شایق: اشتیاق)، (گران: عظیم)، (زبونی: درماندگی)  
 ۲) (جهد: رنج بردن)، (سست‌عنصر: کاهل)، (مقرون: پیوسته)، (خطوه: گام)  
 ۳) (شبهت: تردید)، (دربایست: نیاز)، (رایت: درفش)، (عنا: نغمه و آهنگ)  
 ۴) (افگار: خسته)، (جمله: سراسر)، (خرگه: گروه و دسته)، (بختک: کابوس)

در کدام گزینه مفهوم "گر" متفاوت است؟

- ۱) ز پیمان تو سر نگردد نهی      وگر دور مانم ز تخت مهی  
 ۲) به خنجر دل دشمنان بشکنیم      وگر کوه باشد ز بن بر کنیم  
 ۳) چه باید مرا جنگ زابلستان      وگر جنگ ایران و کابلستان  
 ۴) بزرگان گیتی مرا کهترند      وگر چند با گنج و با افسرند

در کدام گزینه معنای یک واژه نادرست نوشته شده است؟

- ۱) (رشحه: قطره)، (خود: تفو)  
 ۲) (ژنده: مهیب)، (الحاح: درخواست کردن)  
 ۳) (غو: فریاد)، (غضنفر: خشمگین)  
 ۴) (تفرج: گشت و گذار)، (فایق: برگزیده)

در کدام گزینه یکی از واژه‌ها نادرست معنا شده است؟

- ۱) شعف (شادمانی) - کذا (چنین) - محقر (کوچک) - موجب (وظایف)  
 ۲) معونت (یاری) - سو (دید) - ریاحین (گل‌های خوشبو) - موالات (پیروی کردن)  
 ۳) چله (زه کمان) - جال (دانه) - گشن (انبوه) - کلون (چفت)  
 ۴) گرازان (با ناز راه رونده) - قُلا کردن (کلک زدن) - مسامحه (ساده‌انگاری) - قداره (نوعی جنگ‌افزار)

معنای داده‌شده برای هریک از واژه‌ها کاملاً درست است؛ به‌جز:

- ۱) (اجنبی: بیگانه، خارجی)  
 ۲) (غیرت: هیبت، تعصب)  
 ۳) (ولایت: خطه، شهرستان)  
 ۴) (افسر: صاحب‌منصب، کلاه پادشاهان)

معنی واژه "مثال" در کدام گزینه متفاوت آمده است؟

- ۱) بخندید پیروز و دادش مثال      که گردد مضاعف بر او آن نوال (= بخشش)  
 ۲) زهی بر کار و ساکن تو به ظاهر      مثال مرهمی در کار کردن  
 ۳) در آکنده ز شادی‌ها درون چاکران خود      مثال دانه‌های دُر که باشد در انار ای دل  
 ۴) مثال چرخ و خاک بارگاهش      حدیث تشنه و آب زلال است

در کدام گزینه معنی همهٔ واژه‌ها درست است؟

- الف) (گشن: انبوه)، (الحاح: اسرار)  
 ب) (ملالت: سرزنش)، (کوشک: قصر)  
 ج) (طوع: فرمان‌بری)، (وبال: گناه)  
 د) (محمل: مهد)، (دها: هوش)

- ۱) د، ج  
 ۲) ج، ب  
 ۳) الف، ج  
 ۴) ب، د

معنای واژه‌ها در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ..... به ترتیب درست آمده است.

- ۱) فراخ، تعلیمی، فائق: راحت، نوعی عصای سبک، پیروز  
 ۲) سر، غو، ادبار: رئیس، خروش، پشت کردن  
 ۳) سو، وقیعت، نژند: دید، سرزنش، اندوهگین  
 ۴) رایت، ملالت، کافی: درفش، سرزنش، کاردان

در کدام گزینه معنای تمام واژه‌ها درست آمده است؟

- ۱) (برنشستن: سوارشدن)، (مناسک: جای عبادت)، (مهقات: کارهای خطیر)  
 ۲) (مقرون: همراه)، (نماز پیشین: نماز صبح)، (وبال: گناه)  
 ۳) (شوریده‌رنگ: آشفته‌حال)، (عقد: پیمان)، (رقعه: نامهٔ کوتاه)  
 ۴) (ادبار: پشت کردن)، (تیره‌رایی: ناراستی)، (نژند: اندوهگین)

- ۱) قرار برده ز من آن دو نرگس رعنا (فراق - فراغ) برده ز من آن دو جادوی مکحول  
 ۲) هان به جز من خسروی جویید در این مرحله خلق گشتند اندر آن (اصرار - اسرار) باهم یکدله  
 ۳) (قصه - غصه) عشق خود رود پیش فسرندگان ولی سنگ تراش کی خرد گوهر شب فروز را  
 ۴) حکمتش آرد ز باد مهرگان ز درست قدرتش بارد ز ایر ماه دی سیم (حلال - هلال)

معنی واژه‌های کدام گزینه تماماً درست است؟

- الف) (عارضه: علت)، (جیب: گریبان)  
 ب) (چاشنی: شیرین) (نژند: زبون)  
 پ) (لقا: رو) (مستور: محجوب)  
 ت) (فام: رنگ) (عقد: مخنقه)  
 ث) (مرغزار: سبزه) (دون: پست)

- ۱) ب، پ  
 ۲) ت، ث  
 ۳) پ، الف  
 ۴) ت، ب

معانی داده شده برای هریک از واژه‌ها کاملاً درست است؛ به جز .....

- ۱) رشحه: قطره، چکیده  
 ۲) فرض: لازم، ضروری  
 ۳) چنبر: حلقه و هر چیز هلال مانند  
 ۴) مشک: خیک، انبان

معنی واژه‌های کدام گزینه تماماً درست است؟

- الف) (رشحه: چکیده) (الحاح: اصرار)  
 ب) (برافراختن: شعله ورشدن) (خدو: نفو)  
 ج) (سترگ: قدرتمند) (مجژد: صرف)  
 د) (خجسته: مبارک) (درفش: بیرق)

- ۱) الف، ب  
 ۲) الف، د  
 ۳) ج، د  
 ۴) ب، ج

تمام معنی‌های مقابل کدام واژه‌ها درست است؟

- الف) مُد: یاری کننده، مددکننده  
 ب) موالات: پیروی کردن، دوستی  
 ج) ملالت: آزرگی، سرزنش  
 د) عیار: سنج، خالص  
 هـ) رستن: نجات یافتن، رهایی دادن

- ۱) الف، هـ  
 ۲) ج، د  
 ۳) هـ، ج  
 ۴) ب، د

معنای چند واژه نادرست است؟

- (یوز: جانوری شکاری)، (ناو: قایق کوچک)، (کراهیت: ناپسندی)، (گسیل کردن: سوارشدن)، (مخنقه: تاج)، (راغ: دامنه کوه)، (دغل: مگار)، (تیره‌رایی: بداندیشی)، (نژند: خشم)، (خطوات: گام)

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

- (اجنبی: بیگانگان)، (بختک: کابوس)، (رأفت: شفقت)، (غیرت: حمیت)، (نهیب: حیرت)، (زبونی: فرومایگی)، (درایت: لیاقت)، (ولایت: خطه)، (تسخیر: چیرگی)

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار



در میان واژه‌های زیر معنی چند واژه نادرست است؟  
 (شراع: خیمه)، (صنع: آفرینش)، (گران: سنگین)، (حمیت: عزم)، (جیب: یقه)، (شَل: دست و پای ازکارافتاده)، (چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و یک تار دارد)، (دون‌همت: حریرص)

- (۱) دو  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) پنج

معنی چند واژه نادرست است؟  
 "منسک: جای عبادت حاجیان / شراع: زیرانداز / وزر: بار سنگین / گسیل کردن: پاره کردن / صلت: فخر / شبگرد: سحرگاه / فروماندن: متحیر شدن / تیره‌رایی: ناراست"

- (۱) پنج  
 (۲) شش  
 (۳) چهار  
 (۴) سه

معنی چند واژه در مقابل آن درست نوشته شده است؟  
 "ارتجالاً: بدیهه‌گویی / تهنیت: تسلی عزادار / شائبه: بی‌گمان / لفاف: پیچیده / غایت: بی‌نهایت / رغبت: خاست / غنا: بی‌نیاز / نفایس: جمع نَفَس"

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

معنی چند واژه نادرست است؟  
 (خوالیگر: آشپز)، (ثقت: اعتماد)، (سپردن: پایمال کردن)، (نوند: اسبی که بر اعضایش نقطه‌ها باشد)، (خدو: آب دهان)، (دژم: خشمگین)، (ژیان: شیر)، (یکایک: ناگهان)، (دستوری: رخصت)، (جال: دام)

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

معنای ذکرشده در کمانک چند کلمه نادرست است؟  
 (انجمن: مجلس) (فایق: پیروزی) (الحاح: درخواست کردن) (تخلّص: رهایی دادن) (تپش: اضطراب) (اساطیر: داستان‌های حقیقی) (مواجب: حقوق) (کیمیا: ماده‌ای با خاصیت درمانی) (دستوری: اجازه دادن) (غزا: پیکار)

- (۱) دو  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) پنج

معنی چند واژه نادرست است؟  
 (ارک: دژ)، (تعلیمی: عسای سنگین)، (شماتت: ملالت)، (کلون: چفت)، (برزیگر: دهقان)، (چَلّه: کمان)، (قوّال: بازیگر نمایش‌های دوره‌گردی)، (مقید: گرفتار)، (فُلا کردن: کلک زدن)، (خون: سفره کوچک)

- (۱) شش  
 (۲) پنج  
 (۳) چهار  
 (۴) سه

معنای چند واژه نادرست است؟  
 "خایب: بی‌بهره / صولت: جلال / هُزا: آواز مهیب / جیب: چانه / قدس: پاکی / سور: شاخ گوزن / طالع: سرنوشت / جَلت: بزرگ است / جَبّار: مسلط / ریحان: هر گیاه سبز و خوشبو"

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

در کدام گزینه معنای همه واژه‌ها درست آمده است؟

- (۱) نژند: ناراحت‌کننده، زرخدن: چانه، (رضوان: بهشت)، (چنبر: گردنبند)  
 (۲) خطوات: گام، (خوالیگر: آشپز)، (مظاهر: پشتیبانی)، (سمند: اسب زرد)  
 (۳) (خدو: آب دهان)، (شوربا: نوعی آش ساده)، (گرازان: حمله‌کنان)، (محمل: کجاوه)  
 (۴) (صباح: زیبایی)، (مد: یاری‌دهنده)، (افگار: مجروح)، (ارتجالاً: بالیداهه)

معنی واژه‌ها در کدام گزینه تماماً درست است؟

۴۰

- ۱) (غو: غریو)، (خایب: بی‌بهره)، (راغ: صحرا)، (سرسام: هذیان)  
۲) (هنر: علم)، (شب‌گیر: سحرگاه)، (زنخدان: چاله)، (اعتذار: پوزش خواستن)  
۳) (پشت پا: روی پا)، (کلون: چفت)، (مشته: اشتباه‌کننده)، (نفیر: نفرت داشتن)  
۴) (نهیب: هراس)، (یُغور: ستبر)، (قلا کردن: کلک زدن)، (جال: دانه)

معنی چند واژه نادرست است؟

۴۱

(گرازان: شتابان)، (چاشتگاه: صبح زود)، (قوال: بازیگر نمایش‌های دوره‌گردی)، (ژنده: مهیب)، (غو: غریو)، (محمل: مهد)، (پایمردی: خواهشگری)، (مظاهرت: پشتیبانی)، (خرگه: خیمه کوچک)

- ۱) دو  
۲) سه  
۳) چهار  
۴) پنج

معنی چند واژه نادرست آمده است؟

۴۲

(نژند: اندوهگین)، (خیرخیر: بیهوده)، (توقیع: واقع‌شدن)، (صباح: روشنایی)، (رشحه: چکیده)، (نهیب: هیبت)، (یکایک: ناگهان)، (نوند: اسب)، (شکاری: نخجیر) (پایاب: بخش کم‌عمق آب)

- ۱) یک  
۲) دو  
۳) سه  
۴) چهار

معنی چند واژه، در مقابل آن نادرست است؟

۴۳

(چاشنی: طعم)، (صنع: احسان)، (مخنقه: عقد)، (فام: رنگ)، (افگار: خسته)، (سور: روشنایی)، (شبرگرد: شب‌رو)، (لقا: سیما)، (طعن: سرزنش کردن)، (برزن: محله)

- ۱) یک  
۲) دو  
۳) سه  
۴) چهار

در موارد کدام گزینه معنی همه واژگان درست است؟

۴۴

الف) (تیره رای: ناراستی)، (مناسک: جای عبادت حاجیان)  
ب) (رایت: درفش)، (تازیک: غیر ترک)  
ج) (ضیعت: زمین زراعتی)، (استسقا: آب دادن)  
د) (نهیب: هراس)، (سست‌عنصر: کاهل)

- ۱) الف، ج  
۲) الف، د  
۳) ج، ب  
۴) ب، د

معنای چند واژه نادرست آمده است؟

۴۵

(درفش: بیرق)، (هنر: علم)، (لاف زدن: افتخار کردن)، (ابرش: اسب سرخ‌رنگ)، (ژیان: خشم)، (کیمیا: اکسیر)، (منزه: پاک)، (سترگ: عظیم)

- ۱) یک  
۲) دو  
۳) سه  
۴) چهار

معنای چند واژه نادرست آمده است؟

۴۶

(اختلاف: رفت و آمد)، (سیادت: خردمندی)، (عصیان: نافرمانی)، (شماتت: سرکوفت)، (قلا کردن: دگرگون کردن)، (مجادله: خشم گرفتن)، (گرازان: شتابان)، (تلقذ: آموختن)

- ۱) یک  
۲) دو  
۳) سه  
۴) چهار

معنای چند واژه نادرست نوشته شده است؟

۴۷

(بژ: دریا)، (مظاهرت: پشتیبانی)، (اهمال: کاهلی)، (پایمردی: میانجی‌گری)، (رشحه: دریا)، (خرگه: خیمه بزرگ)، (آماس: ورم)، (شراع: قایق کوچک)

- ۱) یک  
۲) دو  
۳) سه  
۴) چهار

(مخنقه: گردنند)، (فایق: برگزیده)، (اختلاف: رفت و آمد)، (مظاهر: پشتیبانی)، (راغ: صحرا)، (ضاحت: زیبایی)، (وقیعت: توقع)، (خایب: ناامید)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

معنی چند واژه در کمانک مقابل آن نادرست آمده است؟

(خُطوه: گام)، (افگار: مجروح)، (بار: اجازه)، (گشن: انبوه)، (توند: اسب)، (خایب: امیدوار)، (قفا: پشت گردن)، (یم: حق)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

معنی چند واژه به درستی بیان نشده است؟

(آز: بدخواهی)، (اجنبی: بیگانه)، (اذن: بانگ نماز)، (افراط: کوتاهی کردن در کاری)، (التهاب: زبانه آتش)، (اهتزاز: دوری جستن)، (بر: سینه)، (بساط: چیز گستردنی)، (بلاغت: زبان آوری)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

چند خانه در جدول زیر درست پر نشده است؟

واژه	هم معنا	هم خانواده	مفرد
خزاین	گنجینه	مخزن	خزینه
وسائط	واسطه‌ها	وسیع	وسیطه
الطاف	نیکویی‌ها	لطیف	لطیفه

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

معنی چند واژه در مقابل آن درست است؟

(ادبار: پشت کردن)، (نژند: بدبخت)، (کراهیت: ناپسند)، (صلت: بخشش)، (شب‌گیر: پیش از شب)، (افگار: مجروح)، (راغ: باغ)، (جیب: پیشانی)، (توقیع: نامه)

- (۱) سه  
(۲) چهار  
(۳) پنج  
(۴) شش

معنی مقابل واژه‌های کدام گزینه، همگی درست است؟

۱- نهیب: فریاد بلند ۲- غیرت: رشک بردن ۳- درایت: تقدیر ۴- التهاب: برافروختگی ۵- تلبیس: اهریمن ۶- طوع: فرمان ۷- افسر: منصب ۸- اذن: اجازه ۹- موزون: خوش‌نوا

- (۱) نهیب، درایت، التهاب  
(۲) غیرت، تلبیس، اذن  
(۳) غیرت، افسر، طوع  
(۴) نهیب، التهاب، موزون

در کدام گزینه معنی همه واژه‌ها درست است؟

- (۱) نژند: خوار و زبون، (زُقع: نامه بلند)، (شائبه: شک)، (صنم: بُت)  
(۲) سیماب: ابر، (خنیده: مشهور)، (صغیر: آواز)، (تمکن: ثروت)  
(۳) وبال: گناه، (افگار: خسته)، (ارتجالاً: بدیهه‌گویی)، (غنا: بی‌نیازی)  
(۴) تلبیس: دروغ، (محمل: مهد)، (مَلک: فرشته)، (شراع: خیمه)

در همه ابیات به‌جز بیت ..... واژه‌ای یافت می‌شود که تحول معنایی یافته است.

- (۱) چو تو آمدی مرا بس که حدیث خویش گفتم  
چو تو ایستاده باشی ادب آن که من بیفتم  
(۲) در بیابان فنا گم‌شدن آخر تا کی  
ره بپرسیم مگر پی به مهمات بریم  
(۳) اندر خور افسر شود از علم به تعلیم  
آن سر که ز بس جهل سزاوار فسار است  
(۴) صبحدم از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت  
قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند

شوخ / رعنا / زین / سپر / صزه / درزی / دستار / تماشا / مزخرف / چشم / سوفار / کثیف / رکاب

- (۱) سه  
(۲) چهار  
(۳) پنج  
(۴) شش

در بین واژه‌های زیر معنای چند واژه درست آمده است؟

(نژند: اندوهگین) (زنخدان: صورت) (گیوه: پای افزار) (مناسک: آیین) (مؤگد: استوار) (شاب: جوانی) (راغ: دامنه کوه) (تشرع: عرفان) (همایون: نیک‌بخت) (شوریدگی: شیدایی) (شرع: خیمه) (مقارب: همگرا)

- (۱) ده  
(۲) هشت  
(۳) نه  
(۴) هفت

در کدام گزینه معنی تمام واژه‌ها درست است؟

- (۱) (عندلیب: هزاردستان) (توقیع: نامه و فرمان) (تیره‌رایی: ناراستی) (افگار: خسته)  
(۲) (تمگن: ثروت) (قوت: رزق روزانه) (شائبه: گمان) (خطوات: گام)  
(۳) (مطرب: نوازنده) (زهد: پارسایی) (صباح: سحر) (حشم: خدمتکاران)  
(۴) (مستور: پنهان) (بذله‌گو: لطیفه‌پرداز) (صنم: دلبر) (نماز پیشین: نماز ظهر)

چند واژه نادرست معنا شده است؟

"گوشک: قصر / مخفه: گردنبد / خرگه: تاج / خیرخیر: به‌گندی / کراهیت: بدخلفی / حمیت: جوانمردی / شوریده‌رنگ: آشفته‌حال / سور: جشن / دون‌همت: کوتاه‌همت / خطوات: گام"

- (۱) سه  
(۲) پنج  
(۳) چهار  
(۴) شش

معنی چند واژه در مقابل آن غلط است؟

(بادپا: تیزتک)، (پایاب: عمیق)، (نبازی: خوار نشماری)، (خُود: تاج)، (رستاخیز: مردن)، (خرگه: سراپرده)، (شب‌گیر: نیمه‌شب)، (سینه‌مالان: سینه‌خیز)

- (۱) چهار  
(۲) سه  
(۳) دو  
(۴) پنج

معنی چند واژه نادرست آمده است؟

"عافیت: سلامت / باره: اسب / برومند: بارآور / فروغ: نورانی / افسر: تاج و کلاه پادشاهان / گران: عظیم / موزون: خوش‌نوا / اختر: ستاره / جنون: شوریدگی / زبونی: فرومایه"

- (۱) سه  
(۲) یک  
(۳) دو  
(۴) چهار

در هر دو گروه از واژگان کدام گزینه اشتباهی وجود دارد؟

(الف) (دارالسلطنه: پایتخت) - (خصال: خوی‌ها) - (نهیپ: فریاد بلند) - (مهیب: ترسناک)  
(ب) (تفریط: زیاده‌روی) - (اذن: رخصت) - (غیرت: حمیت) - (شایق: آرزومند)  
(پ) (موعد: هنگام) - (رعنا: خوش قد و قامت) - (بختک: کابوس) - (منزوی: گوشه‌گیر)  
(ت) (اعطا: واگذاری) - (رمق: تاب‌وتولن) - (التهاب: برافروختن) - (افراط: کوتاهی کردن در کاری)

- (۱) الف - ب  
(۲) الف - پ  
(۳) ب - ت  
(۴) ب - پ

معنای چند واژه نادرست است؟

(توفیق: سازگار گردانیدن)، (جیب: گریبان)، (زنخدان: پیشانی)، (توقیع کردن: چشم داشتن)، (روضه: تعزیه)، (مخفه: گردنبد)، (وزر: گناه)، (یوز: شکارچی)، (باره: اسب)، (کافی: باکفایت)، (رایت: بیرق)

- (۱) چهار  
(۲) پنج  
(۳) دو  
(۴) سه

معنی چند واژه درست است؟  
 (التهاب: برافروختن)، (درایت: لیاقت)، (بختک: رؤیا)، (موزون: خوش‌نوا)، (غیرت: تعصب)، (شایق: آرزومند)، (تفریط: از حد درگذشتن)، (زنبورک: نوعی حشره)، (خصال: خوی)،  
 (دارالسلطنه: مرکز شهر)

- (۱) چهار  
 (۲) پنج  
 (۳) شش  
 (۴) هفت

چند واژه نادرست معنا شده است؟  
 "جهد: سعی / جمله: سراسر / خنیده: نامدار / خویشان: اقوام / رایت: دَرَفش / گزاف‌کاری: بیهوده‌کار / غایت: پایان / محمل: بیهوده / موسم: هنگام / جفا: ستمگر"

- (۱) سه  
 (۲) پنج  
 (۳) چهار  
 (۴) شش

کاربرد معنایی واژه "اتفاق" در کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) با هرکسی به مذهب خود باید اتفاق شرط است یا موافقت جمع یا فراق  
 (۲) پراکندگی از نفاق خیزد پیروی از اتفاق خیزد  
 (۳) حُسن به اتفاق ملاحظت جهان گرفت آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت  
 (۴) ولیکن اتفاق آسمانی کند تدبیرهای مرد باطل

معنای واژگان ذکرشده در کمانک در چند مورد نادرست آمده است؟  
 (متقارب: همراه)، (صباح: زیبایی)، (تلبیس: نیرنگ‌سازی)، (چاشتگاه: سحرگاه)، (متلألئ: والا)، (کافی: لایق)، (شایق: آرزومند)، (تشرع: طریقت)، (توقیع کردن: امضا کردن)، (وبال: گناه)

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

معنی چند واژه نادرست است؟  
 (روضه: گلزار) / (حمیت: غیرت) / (ادبار: بدبختی) / (دغل: ناراست) / (دون‌همت: زشت) / (افکار: مجروح) / (حشم: خدمتکاران) / (هفت: عزم و اراده) / (فروماندن: متحیرشدن) /  
 (شوریده‌رنگ: آشفته‌حال) / (دلدار: عاشق)

- (۱) دو  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) یک

کدام بیت نادرستی املائی یا رسم‌الخطی دارد؟

- (۱) خاریم و طربناک‌تر از باد بهاریم خاکیم و دلاویزتر از بوی عبیریم  
 (۲) از نعره مستانه ما چرخ پرآواست جوشنده چو بهریم و خروشنده چو شیریم  
 (۳) از شوق تو بی‌تاب‌تر از باد صباپییم بی روی تو خاموش‌تر از مرغ اسیریم  
 (۴) آن کیست که مدهوش غزل‌های رهی نیست؟ جز حاسد مسکین که بر او خرده نگیریم

در ابیات زیر، املائی کدام واژگان نادرست به کار رفته است؟

- (الف) کس را سزای ذات تو مدحی نداد دست  
 (ب) ز خود گذشته‌ای ای قطره محال اندیش  
 (ج) سفله تبع است جهان بر کرمش تکیه مکن  
 (د) محمل جانان بیوس آنگه به زاری عرضه دار  
 گر بنده حق آن نگذارد بر او مگیر  
 شدن به بحر و گهر برخواستن ننگ است  
 ای جهان‌دیده ثبات قدم از سفله مجوی  
 کز فراقت سوختم ای مهربان فریادرس

- (۱) نگذارد، برخواستن، تبع  
 (۲) نگذارد، بحر، فراق  
 (۳) تبع، عرضه، محمل  
 (۴) عرضه، محال اندیش، سفله

در کدام ابیات، غلط املایی وجود دارد؟  
 الف) ز جدّ و جهد قرض کیمیای مقصود است  
 ب) به حلم و خشمش کردند وصف از آن معنی  
 ج) غزنده و سهمناک و توفنده  
 د) در دلش تاویل چون ترجیه یافت

وگرنه بر صفت کیمیا گیاهی نیست  
 مهیب و سهل بود بر غضنفر آتش و آب  
 بر دشت گذشت تند طوفانی  
 طبع در حیرت سوی گندم شتافت

- ۱) الف، د  
 ۲) ج، د  
 ۳) ب، ج  
 ۴) الف، ب

در کدام گزینه، املاي واژه مشخص شده، برای جاهای خالی صحیح نیست؟

- ۱) خیانتی روا دارد که خلل آن به اطراف و ..... مملکت او بازگردد، در دنیا مذموم باشد. (نواحی / نواهی)  
 ۲) هرگاه حوادث به عاقل محیط شود باید که در پناه صواب رود و بر خطا ..... ننماید. (اسرار / اصرار)  
 ۳) به صحبت دوستان و برادران هم مناز و بر وصال ایشان حریص مباش که ..... آن از شیون قاصر است. (صور / سور)  
 ۴) تأیید آسمانی و ثبات ..... صاحب شریعت بدان پیوست و انصار حق را سعادت هدایت راه راست نمود. (عظم / عزم)

در کدام گزینه واژگانی که در ابیات زیر غلط املایی دارند، درست مشخص شده است؟  
 الف) این همه خواجهگان گربه طبع که سگ نفس را شدند تبع  
 ب) شد ز خیالت خراب سینۀ ما، چون کنیم؟  
 ج) نظیر تو ز کریمان به دهر پیدا نیست  
 د) هرکسی موسم گل گوشۀ باغی دارد

موکب سلطان بزرگ، کلبۀ درویش خورد  
 به هیچ شهر و نواهی به هیچ برن و بوم  
 ساکن کوی تو از روضه فراقی دارد

- ۱) طبع - خورد - نظیر  
 ۲) خورد - نواهی - روضه  
 ۳) تبع - نواهی - نظیر  
 ۴) خورد - نواهی - فراقی

در کدام بیت غلط املایی دیده نمی شود؟

- ۱) صفحه تیغ زبانت آری از عیب خلاف  
 ۲) واعظ، حدیث سایۀ طوبی فروگزار  
 ۳) به گل ز خانه خود عندلیب محمل بست  
 ۴) به سوار روح بنگر، منگر به گرد غالب
- روی مرآت (آینه) ضمیرت صافی از رنگ ریاست  
 کاینجا سخن ز سرو روان محمد است  
 ز غنچه های چمن چون جرس فغان برخاست  
 که غبار از سواری حسن و منور آمد

مفهوم کدام دو بیت باهم متناسب است؟  
 الف) غم که دور از من دیوانه نگردد هرگز  
 ب) عشق گرد دل فرزانه نگردد هرگز  
 ج) عشق از کوی خرابات به جایی نرود  
 د) هرکه ترجیح دهد عقل و خرد را به جنون

آشنایی است که بیگانه نگردد هرگز  
 خانه دیو، پریخانه نگردد هرگز  
 گنج دلگیر ز ویرانه نگردد هرگز  
 دارم امید که دیوانه نگردد هرگز

- ۱) الف و ب  
 ۲) ج و د  
 ۳) ب و د  
 ۴) الف و د

در کدام گزینه غلط املایی دیده نمی شود؟

- ۱) مصر قربت می گذرد تاج عزت بر سرش  
 ۲) صفیر مرغ دلم ذکر توست در همه حال  
 ۳) در مغیلان گاه عشقت خستگان درد را  
 ۴) از سر دار میندیش که در لشکر عشق
- گر ز یوسف پیرهن چاه وطن دارد دریغ  
 چو ماهی ارچه بود کامم از زبان خالی  
 زخم هر خار مغیلان مرحم و درمان شده  
 الم نصر منصور به جز دار نبود

- ۱) این کار بدون مظاهر و مؤونت و مساعدت تو بر نمی‌آید و فتح نصرت صورت نگیرد.
- ۲) حرص مال و حُب فرزند، موجب شد تا جانب فتوت و مروّت را محمل بگذارد.
- ۳) درویشی مجرد به گوشه‌ای نشسته بود. پادشاهی بر او بگذشت. درویش از آنجاکه فراق ملک قناعت است، سر برنیاورد.
- ۴) با اصرار وی بر قافیۀ یغورش تبسم رضایت طالع شد و برای خدمتگزاری رخصت یافت.

در کدام بیت غلط املایی دیده نمی‌شود؟

- ۱) خَمْش این طبل مزین تیغ بزین وقت غزاست
- ۲) کس را سزای ذات تو مدحی نداد دست
- ۳) بلکه در تنبلی و کم‌دلی و پربیمی است
- ۴) من درین مدح تو یک معجزه دیدم ز قلم

در کدام گزینه غلط املایی دیده نمی‌شود؟

- ۱) بر شاخ وجود بنده مرغی است
- ۲) من بنده را ز عاجزی اندر سنای تو
- ۳) شاهان جهان را نبود پرده قربت
- ۴) جان بی‌رنگی است هرکس بگذرد از قید جسم

در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

- ۱) خواست طوفانی هم از خاک شهیدان ز آستانت
- ۲) به راه خیر به یک خطوه افتد صد مکث
- ۳) ز سوره شاه خبر داد باغ را مه مهر
- ۴) بی گلستان تو در دست به جز خاری نیست

در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

- ۱) این تهمت حقیرتر از آن است که چون او بنده‌ای امانت خود را بدان معیوب گرداند یا حرص آن خرد او را مهجوب گرداند.
- ۲) و از حقوق پادشاهان بر خدمتکاران گزارد حق نعمت و تقریر ابواب مناصحت است و نیز پرهیز از مخالفت.
- ۳) هیچ چیز در موازنۀ دوستان مخلص نیاید که در ایام راحت معاشرت خوب از ایشان متوقع باشد در ایام محنت مظاهر به صدق.
- ۴) چون مجمع به عوام و خواص آراسته گشت، زیرک زبان فصاحت و ابروی صباحت بگشاد و همگی را به لطایف چاکرنوازی و غرایب دلجویی بنواخت.

در متن زیر املائی کدام واژه نادرست است؟

"چون آن‌جا رسید، چشمش بر گوهی افتاد به بلندی چنان‌که چشم شایقش بدان نمی‌رسید و کمند نظر از کمرگاهش نگذشتی، و نردبان هوا به گوشۀ بام رفعتش نرسیدی. شاه مرغان سلیمان‌وار نشسته بود و بزم و بارگاهی چون نزهتگاه خُلد آراسته. شاهین که امیر سلاح دیگر طیور بود کلاه زر در سر کشیده و از نشیمنگاه دست سلاطین برخاسته و بالای او به تفاخر ایستاده و چنگ منقار بلبل نوای غریب نواخته و سفیر الحان هزارستان هنگامهٔ لهو و طرب گرم کرده."

- ۱) غریب
- ۲) سفیر
- ۳) برخاسته
- ۴) سلاح

در کدام بیت غلط املایی به کار نرفته است؟

- ۱) حلا یاران که بخت آمد گه اینار رخت آمد
- ۲) گل شاهوار بر سر تخت زمزدین
- ۳) خواجه برو به چشم تأمل نگاه کن
- ۴) همی خرامد و عقلم به طبع می‌گوید

جاهای خالی متن زیر، با املائی کدام گزینه درست است؟  
 "و هرکه از شعاع عقل غریزی بهره‌مند شد و استماع سخن ناصحان را شعاع ساخت اقبال او چون سایهٔ چاه پایدار باشد، نه چون نور ماه در مُحاق و .....، دست مریخ .....  
 نصرتش صیقل کند و قلم عطارد منشور دولتش ..... کند و ملک امروز به جمال عقل ملک‌آرای متحلی است."

- (۱) ذوال - صلاح - طوقیع  
 (۲) زوال - صلاح - طوقیع  
 (۳) ذوال - صلاح - توقیع  
 (۴) زوال - صلاح - طوقیع

در کدام عبارت غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) هرکه از این چهار خصلت یکی را مهمل گذارد، روزگار حجاب مناقشت پیش مرادهای او بدارد.  
 (۲) یک‌یک ضیاع را نام بر وی خواندند اقرار کرد به فروختن آن به طوع و رغبت.  
 (۳) اگر مصلحت بینی به شهر اندر برای تو مقامی بسازم که فراغ از این به دست دهد و به صلاح اعمال شما اقتدا کنند.  
 (۴) تا مر این روزهٔ رضا و حدیقهٔ علیا چون بهشت به هشت باب اتفاق افتاد.

در متن زیر، املائی کدام واژه نادرست است؟

"گفت در این کار تأمل باید کرد، و در فراز و نشیب و چپ و راست آن نیکو بنگریست و هرکه از شعاع عقل غریزی بهره‌مند شد و استماع سخن ناصحان را شعاع ساخت اقبال او چون سایهٔ چاه پایدار باشد، نه چون نور ماه در مُحاق و زوال، دست مریخ صلاح نصرتش صیقل کند، و قلم عطارد منشور دولتش توقیع کند و ملک امروز به جمال عقل ملک‌آرای متحلی است."

- (۱) تأمل  
 (۲) توقیع  
 (۳) مُحاق  
 (۴) صلاح

در همهٔ گزینه‌ها به جز ..... غلط املائی دیده می‌شود.

- (۱) مردم روزگار که بر زهد مولانا متفق بودند، وقتی پژمرده‌گی و دلتنگی او را در غیبت شمس دیدند، از کردار خود پشیمان شدند.  
 (۲) شیخ فریدالدین عطار، کتاب اسرارنامه را به جلال‌الدین خوردمسال هدیه داد، پدر مولانا از بلخ به روم و نواحی اطراف آن هجرت کرد.  
 (۳) مولانا، بی‌توجه به ملامت و هیاهوی اطرافیان برای شمس غزل می‌سرود تا اینکه یارلان مولانا به آزار و اذیت شمس برخاستند و شمس نیز قونیه را ترک کرد.  
 (۴) مولانا بعد از شمس با شیخ صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی، آشنا شد و به اصرار مریدان به درس و وعظ بازگشت تا در پنجم جمادی‌الآخر، خورشید عمرش غروب کرد.

در کدام عبارت نادرستی املائی یافت می‌شود؟

- (۱) هیبت ملک از حد بگذشت و ترسی و هراسی بر من غالب شد و عنان اختیار از دست من برون شد.  
 (۲) هیچ‌کس را خوار مدار اگرچه مشرک بود، و در عاقبت او نگر؛ که تو اند که معرفت از تو سلب کنند و بدو دهند.  
 (۳) چون مجمع خاص به عوام و خواص آراسته گشت، زیرک زبان فصاحت و ابروی صباحت بگشاد.  
 (۴) مرد باید که به جمال شکوفه و طراوت برگ آن فریفته نشود چون به حلاوت سمرت و یمن عاقبت واثق نتواند بود.

در کدام عبارت نادرستی املائی دیده می‌شود؟

- (۱) آشناوار به در آشیانه آمد و گفت: امشب حجرهٔ ما ببايد آراست و این رنج از طبع من ببايد کاست.  
 (۲) جمالی که زبان فصاحت از بیان صباحت او عاجز آید، چنان‌که در شب تاری صبح برآید یا آب حیات از ظلمات به درآید.  
 (۳) طایفهٔ اهل فضل و بلاغت در صحبت او هریکی بذله و لطیفه‌ای چنان‌که رسم ظریفان باشد همی‌گفتند.  
 (۴) هرگاه که خواب یا غفلتی درآمدی، سیاهی با حربهٔ آتشین از پیش مهرباب پدید آمدی با هیبتی بانگ بر من زدی.

در کدام گزینه غلط املائی می‌یابید؟

- (۱) آنگاه، آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاهز و غریو خواست. امیر برخاست.  
 (۲) امیر نامه‌ها فرمود به غزنین، بر این حادثهٔ صعب که افتاد و سلامت که به آن مقرون شد و مثال داد هزار هزار درم به مستحقان دهند.  
 (۳) سراچهٔ ذهنم آماس می‌کرد، وقتی به خانهٔ خودمان باز می‌گشتیم، قوز می‌کردم و از فرط هیجان لگه می‌دویدم.  
 (۴) رفیقی خوش‌خلق و بذله‌گو که عندلیب انجمن ما محسوب می‌شد، حسن سیرت را با صباحت توأم داشت.



در گروه واژگان زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟  
 "الحاح و پافشاری، اساطیر باستان، محضر و استشهادهنامه، خالگیری چالاک، خرد و اندک، مایع رنج، منش خبیث، سه پوزه سه سر، خوار و پست، مهتر آهرمن، معرب اژی‌دهاک، سترگ و بزرگ، فریاد و غو"

- (۱) دو  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) پنج

تعداد غلط املائی در کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- (۱) کرد مأمور آن مصیبت‌خانه را بحر اندوه و ملال خویشتن  
 (۲) غذا را در آن سال از آن خوب‌شخم ز هر تخم برخواست هفتاد تخم  
 (۳) دهر به پیش او ببر تا کندش به از شکر قهر به پیش او بنه تا کندش همه رضا  
 (۴) به پای تخت او تا سر گزارند گهرها از صدف‌ها گشته قلتان

بیت کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی بیشتری دارد؟

"تا تو را جای شد ای سرو رون در دل من هیچ‌کس می‌نپسندم که به جای تو بود"

- (۱) دلم ببرد و به جان زینهار می‌دهد کسی به شهر شما این کند به جای کسی؟  
 (۲) هر گلی کز نوبهار کام دل آید به عرض باغبانش خرمن آرآید به دوران شما  
 (۳) اگر غیری نظربازی کند با صورت دیگر مرا منظور در آفاق، باری، نیست غیر از تو  
 (۴) من اگر باده خورم و نه چه کارم با کس حافظ راز خود و عارف وقت خویشم

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) به حکم تجارب روشن می‌گردد که عاقل را از حطام این دنیا به کفاف خرسند باید بود و بدان قدر که حاجات نفسانی فرونماید.  
 (۲) هرگاه حوادث به عاقل محیط شود باید که در پناه صواب دود و بر خطا اصرار ننماید و آن را ثبات عزم نام نکند.  
 (۳) سبب نزول آیت آن بود که عرب چون از حج و مناسک فارغ می‌شدند، هرکسی بر در کعبه می‌ایستادی و خصال نیکوی پدر خویش گفتی.  
 (۴) مصالح اطراف و حوادث نواهی چگونه معلوم شود و بر احوال اعدا و عزم خصمان به چه تأویل وقوف یابد.

در کدام بیت، غلط املائی دیده نمی‌شود؟

- (۱) می بده تا دهمت آگهی از سرّ غذا که به روی که شدم عاشق و از بوی که مست  
 (۲) چو راند از در خود قهر حق لئیمی را به میل نیل امانی و حرص جمع حطام  
 (۳) مرغ فارغ‌بال بودم در هوای عافیت از کمین برخواست ناگه غمزۀ صیدافکنش  
 (۴) هم به کف نعمت‌نشان و هم به دل منت‌پذیر هم به جان خدمت‌نمای و هم به تن طاعت‌گذار

در کدام گزینه در شکل همزهٔ واژه‌ها غلط وجود دارد؟

- (۱) شیء نورانی / جزء اول / ماء معین (= آب گوارا) / سوء‌هاضمه  
 (۲) متلألئء / پروتئین / تئاتر / رئوس  
 (۳) رؤیا / لؤلؤ / سؤال / مؤسس  
 (۴) تأملات / تأثیرگذاری / الآن / مار بوآ

در میان گروه و ترکیبات چند غلط املائی وجود دارد؟

"تهیب و صغیر گلوله‌ها، اهتزاز پرچم آغشته به خون، طرد و منزوی شدن، سرسپردگی دشمنان قفقاز، عرصهٔ دهشت‌بار محشر، افراطوتفریط، زندان موصل یعنی‌ها، موج افسارگسیختهٔ ارس، دارالسلطنهٔ آغا محمدخان، تحت‌الحمایگی محض، توفندگی طوایف و قبایل"

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

- ۱) پسندیده‌تر اخلاق ملوک رغبت نمودن است در محاسن ثواب و عزیز گردانیدن خدمتکاران مرضی اثر.
- ۲) بیماری اگرچه در آغاز سهل نماید، چون در مداوای آن احوال رود، مزمن شود.
- ۳) در فطرت کاینات به وزیر و مشیر و معرفت و مظاهر محتاج نگشت و آدمیان را به نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید.
- ۴) و هرگاه حوادث به عاقل محیط شود، باید که در پناه صواب رود و بر خطا الحاح ننماید و آن را ثبات عزم و حسن عهد نام نکند.

در متن زیر، املای چند واژه نادرست است؟

"بخشایندهای که تار عنکبوت را سدّ عصمت دوستان کرد، در فطرت کاینات به وزیر و معاونت و مظاهر محتاج نگشت و آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید، و از برای هدایت رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت برهانیدند، و صحن گیتی را به نور علم و معرفت آذین بستند، و به معجزات ظاهر و دلایل واضح مخصوص گردانید و خردمندان دنیا را معلوم گشت که به معجزات حسّی التفات نمی‌نمایند، و تأیید آسمانی و ثبات عزم صاحب شریعت بدان پیوست."

- |       |         |
|-------|---------|
| ۱) یک | ۲) دو   |
| ۳) سه | ۴) چهار |

در عبارت زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

"اکنون بازگوید داستان ملوک در ترجیه جانب صواب در استخدام ایشان تا مقزّر گردد که کدام طایفه قدر تربیت، نیکوتر شناسند و شکر آن بسزاتر گذارند."

- |         |        |
|---------|--------|
| ۱) دو   | ۲) سه  |
| ۳) چهار | ۴) پنج |

در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

- ۱) چون بلا بدو رسد، دل از جای نبرد و دهشت و حیرت را به خود راه ندهد و وجه تدبیر و عین صواب بر وی پوشیده نماند.
- ۲) و هرکجا کرمی شامل و مروّتی شایع است، طبع از احوال حقوق نفور باشد و همّت بر گزارد مواجِب آن مقصور.
- ۳) و هنر خود هرگز پنهان نماند اگرچه نمایش زیادت نرود، چون نسیم مشک که به هیچ تأویل نتوان پوشانید و هرچند در مسطور داشتن آن جد رود، آخر راه جوید و جهان معطر گرداند.
- ۴) امروز که او را این رنج افتاد، اگر به همه نوع خویشتن بر او عرضه نکنیم و جان و نفس فدای ذات و فراق او نگردانیم، به کفران نعمت منسوب شویم و به نزدیک اهل مروت بی‌قدر و قیمت گردیم.

در کدام عبارت‌ها غلط املایی می‌یابید؟

- الف) استعراق او در محبّت به مرتبه‌ای برسد که اکثر بلاها را بفهمد ولیکن به آن راضی و راغب و به دل و جان آن را طالب باشد.
- ب) همانا نفعه رحمتی از گلشن عنایت در احتراز آمد و ابواب الطاف شهریار جهان بر چهره حال ناتوان باز کرد. پس لازم بود با عدم بضاعت و فقدان استطاعت، جهد و سعی پیش گیرم.
- ج) هرچند جمع بیش کند حسرت پیش بود و نصیب او جز به قدر کفایت نبود و باقی همه وزر و وبال آن جهان باشد و اگر حلال نبود عذاب بر این حسرت بگذارد.
- د) فاخته زخمه چنگ ساخته، سفیر هزاردستان هنگامه لهُو لعب گرم کرده، خروس را صدای اذان به گوش‌های صدرنشینیان ملکوت رسیده و هدهد قبای حریر پوشیده.

- |            |            |
|------------|------------|
| ۱) الف - ج | ۲) د - الف |
| ۳) ب - ج   | ۴) ب - د   |

املای واژه‌های کدام گزینه به ترتیب برای کامل کردن پایان بیت‌های زیر درست است؟

- |                                   |                                    |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| الف) تا چین سر زلف بتان شد وطن دل | عزم سفرش از گذر حُبّ وطن (.....)   |
| ب) نامم افزود و آبرویم کاست       | بینوایی به از مدلت (.....)         |
| ج) مگر طاعت ایزد بی‌نیاز          | که او راست فرمان و تقدیر و (.....) |

- |                        |                         |
|------------------------|-------------------------|
| ۱) خاست - خواست - خاست | ۲) خاست - خواست - خواست |
| ۳) خواست - خاست - خاست | ۴) خواست - خاست - خواست |

در متن زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟

"خردمند هر کار بر خویشتن نپسندد در حق دیگران روا ندارد که چون روز جزا فرارسد هر کرداری را کیفر و ثوابی است و چون مهلت برسد هر آینه بر مؤونت و مظاهر یاران و اتق نتوان بود و بی‌خردن بی‌وفا را فهم، این چنین نیست که دل بر اندیشه ناصواب دارند."

- |       |         |
|-------|---------|
| ۱) یک | ۲) دو   |
| ۳) سه | ۴) چهار |

- (۱) گل باغ صیادت کز رخس دحر      هزاران خنده بر باغ ارم کرد  
 (۲) آن طرفی کی گیاست امن و امان از کجاست      غزه به سبزی مشو گرگ سیه در غفاست  
 (۳) سؤال کردم از خوار کاین صلاح تو چیست؟      جواب داد که گلزار صد عدو دارد  
 (۴) پیش طبیبش سر بنه یعنی مرا تریاغ ده      زیرا در این دام نذ من زهرها نوشیده‌ام

- (۱) در آیینۀ عقل جز صورت صدق و جمال صواب نتوان دید که عقل مشعلۀ طریق و قائد توفیق است و هرکه را زیور عقل شریف ندادند بار تکلیف بر وی ننهاده‌اند.  
 (۲) به کرم و صیادت و مردمی و مروّت آن لایق‌تر که سخن مرا باور داری و حکما گویند که دوستی میان ابرار و مصلحان زود استحکام پذیرد و دیر منقطع گردد.  
 (۳) گفت ای خواجه از دست تو شیرین و چرب بسیار خوردم. شرم داشتم که بدین قدر تلخی از خود، اثر کراهیت ظاهر کنم. خواجه گفت: چون شکر نعمت چنین می‌گذاری تو را در بندگی نگذارم.  
 (۴) و هرکه از حمیت و غیرت بهره ندارد از قبیل بهایم بود و از شرف انسانیت محروم؛ و این حکایت بر اختلاف طبایع آدمیان دلیلی واضح است.

- (۱) و خردمند و حلال‌زاده را چاره نباشد از گزارد حق و تقریر صدق.  
 (۲) شبی از شب‌های غربت بدان رباطی که مقصد بود فرود آدمم و با رفیقی تدبیر خاست و نشست.  
 (۳) توانگران خیر دنیا و آخرت ببردند که صدقه و زکات می‌دهند و حج و قضا می‌کنند و ما نمی‌توانیم.  
 (۴) زبان که سفیر ضمیر است بی‌دستوری او، کلمه‌ای که نباید گفتن، بگویند و سبب هلاک تو گردد.

- (۱) در خانه جای عقل بود یا مقام عشق      معمور عشق باش که جان را حمایتی است  
 (۲) ز شمع اشک و ز پروانه خاست خاکستر      چو عشق خانه‌برانداز می‌سرشت مرا  
 (۳) این زخم که از تیغ قضا بر جگر ماست      موقوف به روی دلی از مرهم غیب است  
 (۴) زان شب که ساعت کرد خوش بحر فراغت طالع      چون خنده یک صبح مرا طبع پریشان خوش نکرد

- (۱) هرکجا کرمی شامل و مروّتی آشکار است طبع از اهمال حقوق نفور باشد و همت بر گزاردن مواجب آن محدود و مقصور.  
 (۲) اما غیرت و حمیت در دین آن است که در نشر مسائل حرام و حلال نهایت مبالغه را بکند و در امر به معروف و نهی از منکر مسامحه نکند.  
 (۳) چون از این مناجات فارغ شد در کوکبۀ نصرت به مضاف رفت و فتوحی عظیم حاصل شد تا عاقلان را معلوم شود که عمل هیچ‌کس را خدای مهمل نگذارد.  
 (۴) سخن او گرچه بی‌ملاحظه و درشت رود، به سمع رضا باید شنود و متابعت کرد. حالی صواب من آن است که بر بالایی روم و رسالت از دور گزارم.

- (۱) زنان باید چشم از روی بیگانگان دور دارند و روی از نامحرمان مسطور.  
 (۲) تو جهد خویش و بندگی به‌جای آوردی، خدا نمی‌خواهد به قضا رضا ده که ما دادیم.  
 (۳) بر وصال حریص مباش که صور آن از شبون کمتر است و اندوه بر شادی راجح.  
 (۴) اگر خار در چشم مستبد افتد و در بیرون رفتن آن غفلت ورزد و خار دارد بی‌شبهت کور شود.

- (۱) جانی مانده است رهن این وام      جان را بدهیم و برگذاریم  
 (۲) من کز وطن سفر نگزیدم به عمر خویش      در عشق دیدن تو هواخواه قربتم  
 (۳) من پاک‌باز عشقم تخم غرض نکارم      پشت‌وپناه فقرم پشت طمع نخارم  
 (۴) بس بگشتم که بپرسم سبب درد فراغ      مفتی عقل در این مسئله لایعقل بود

- ۱) نمی‌دانست کان شوق از کجا خاست  
۲) چون تو را افسردگی ذایل شود  
۳) ننگند کرم‌های حق در قیاس  
۴) دلم را آرزویی بس عجب خواست
- به حیلت‌سازی‌اش تسکین همی‌خواست  
در جمادی زندگی حاصل شود  
چه خدمت‌گذار زبان سپاس  
نمی‌دانم که این از چه سبب خواست

- ۱) جانی که تو را یافت به قالب چه نشیند  
۲) خنده‌ها دارد ز روزن خانه معماریت  
۳) تا لب نانی به دست آرم چه خون‌ها می‌خورم  
۴) به پیش دل ما همه روشن است
- مرغی که تو را شد ز نشیمن چه نویسد  
تا چه بر قالب زند بهر تو غالب‌کاریت  
دست کوتاه را تنور رزق چاه بیژن است  
که بر آن همه غالب این یک تن است

- ۱) قضا چون سایه از دنباله اعمال می‌آید  
۲) قضا را دست پیچ خود کند در کجروی نادان  
۳) دل از قضا به دست رضا داده‌ایم ما  
۴) به زخم تیر قضا بیخ کافران برکند
- گناه لغزش خود را چرا کس بر قضا بندد؟  
گناه خویشتن را کور دایم بر عصا بندد  
عمری است تا رضا به قضا داده‌ایم ما  
چو دید روی علی را و حال پیغمبر

- ۱) قلندران حقیقت به نیم‌جو نخرند  
۲) گناهت را کند تسبیح و طاعات  
۳) قامتش خم گشت و نگذارد قدم در راه راست  
۴) به تراوت، رخ تو رشک گل سیراب است
- قبای اطلس آن‌کس که از هنر آری‌ست  
که در توبه‌پذیری بی‌نذیر است  
راستی صائب عجب غفلت سرشستی بوده است  
به تبسم، دهنش غیرت تنگ شکر است

- ۱) در حال گرسنگی و تشنه‌گی، طعام و شراب نتواند خاست؛ و اگر به دردی درماند بیان آن ممکن نشود.  
۲) و اگر خوار در چشم افتد، در بیرون آوردن آن غفلت ورزد و آن را خوار دارد، بی‌شبهت کور شود.  
۳) و اهل این قضه مر آن پیر را از ارباب دل دارند؛ اما وی را به هلول و نسخ ارواح منسوب کنند.  
۴) چون [موسی] خواست که وی را با حق تعالی وقتی باشد، از پس چهل روز وعده به تور آمد و سخن خداوند بشنید.

- ۱) به گداز ماه منگر به گسستگی زهره  
۲) آن‌که جامه قدرتش را در ازل نساج صنع  
۳) به دولتت شود آزاد گردنم از غرض  
۴) آزارجو عزیز بود، لطف‌جوی خوار
- تو حلاوت غمش بین که یکش هزار بادا  
از مشیت رشت پود و از حمیت بافت تار  
از به همتت شود آسوده خاطر ز عقاب  
این است طبع دهر، دلت مضطرب چراست؟

"از بحران‌های عصبی که تحفه برخورد فرهنگ شرق با غرب است در آن زمان خبری نبود. به این زندگی آن‌قدرها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بیانگارد و در نذرش اگر یک روی زندگی زشت می‌شد، روی دیگری بود که بشود به آن پناه برد."

- ۱) دو  
۲) چهار  
۳) یک  
۴) سه

- (۱) جمع گشته سایه الطاف با خورشید فصل  
 (۲) گویاترم ز بلبل اما ز رشک عام مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست  
 (۳) وی ز شعر من و شعار تو فاش سهل ناممتنع چو سحر مبین  
 (۴) گزار کن چو صبا بر بنفشه زار و بیین که از تطاول زلفت چه بی‌قرارانند

(خنیده: مشهور) (تلبیس: دروغ و نیرنگ‌سازی) (تازی: ترک) (مشعشع: تابان) (مذلت: گناه) (پرونده: سالم) (کوشک: قصر) (رأفت: مهربانی)

- (۱) چهار (۲) پنج  
 (۳) شش (۴) هفت

- (۱) پرهیز کن به جان ز خرافات ناکسان هرچند با خسان کنی اینجا نشست و خواست  
 (۲) گر رسد از تو به گوشم که بمیر ای سعدی تا لب گور به اعزاز و کرامت بروم  
 (۳) گر طاق دو ابروی تو منظور نبودی مسجود ملایک نشدی غالب آدم  
 (۴) از تشنگان بادیه هجر یاد کن روزی گرت به کعبه قربت بود وصول

"غالب بی‌علم، بی‌حیات است و قلب بی‌عقل، بی‌ثبات دولت در عدم تعبیه است و راه عدم در قهر است و راه وجود در لطف."

- (۱) یک (۲) دو  
 (۳) سه (۴) چهار

- (۱) میوه گر نقض و پخته و نوری است گر بیفتد ز شاخ دستوری است  
 (۲) گر پای بر فرقم نهی تشریف غربت می‌دهی جز سر نمی‌دانم نهادن عذر این اقدام را  
 (۳) آسایش غذا و قدر زیر دست توست با خامه تو هر دو رفیقند و سازگار  
 (۴) یکی پابسته در زنجیر اندوه یکی دلخسته در زندان قالب

"اردشیر گفت: از تنگی مقام و مأوای خود میندیش که مرا سراهای خوش و خرم است با صد هزار آیین که صحن‌های آن از میدان وهم فراخ‌تر و منازلی چون روی دوستان، دلگشا که در آن جایگاه، فرش‌های شایق و زیبا بگسترانند و خدمت‌کاران را هر یک به خدمتی بگمارند. چون هنگام هلول آید، راه بدان عمارت عالی معتبر همچنان یابد که بدان خرابه مختصر و زوال و فنا به آن طرب‌سرای همچنان نزول کند که بدین خانه محقر."

- (۱) یک (۲) دو  
 (۳) سه (۴) چهار

- (۱) سوی صلاح دل و دین آمده جبریل امین در طلب نعمت جان بحر تقاضا دل من  
 (۲) گفت که ای سر خدا روی به هر کس منما شکر خدا کرد و ثنا بهر لقای دل من  
 (۳) خصمی که تیر کافرش اندر غذا نکشت خونس بریخت ابروی همچون کمان دوست  
 (۴) سعدیا در پای جانان گر به خدمت سر نهی همچنان عذرت بیاید خواستن تقصیر را

"... اکنون چیزی اندیشیده‌ایم که تو را در آن فراغت و ما را امن و راحت باشد. اگر تعرض خویش از ما زایل کنی هر روز موظف یکی شکاری پیش ملک فرستیم. شیر بدان رضا داد و مدتی بر آن برآمد. التفات ننمود و جفاها راند و گفت: "این شکارگاه و صید آن به من اولی‌تر، که قوّت شوکت من زیادت است." من شتافتم تا ملک را خبر کنم. شیر بخواست و گفت: او را به من نمای. و گفت: در این چاه است و من از وی می‌ترسم، شیر او را بگذاشت و خود را در چاه افگند و نفس خونخوار به مالک سپرد."

- (۱) یک (۲) دو  
(۳) سه (۴) چهار

- (۱) نماز شام غریبان چو گریه آغازم به مویه‌های غریبانه غصه پردازم (دو)  
(۲) نباشد سود من زین غصه کردن به جز اندوه جان و قصه خوردن (دو)  
(۳) دوست خواهی که تا بماند دوست آن طلب زو که تبع و خاطر اوست (یک)  
(۴) آرز بگزار و پادشاهی کن گردن بی‌طمع بلند بود (یک)

"و با این همه اگر کسی از گناهکاران در طلب رضا و فراغ دوستان سعی پیوندد و در کسب منافع معونت و مضاهرتی واجب دارد ممکن است که آن وحشت برخیزد و من از آن ضعیف‌تر و عاجزترم که چیزی بر خاطرم گذرانید، یا توانم اندیشید که خدمت من سبب الفت را مثبت گرداند، اگر بازآیم پیوسته در خوف و خشوع باشم و هر روز بل هر ساعت مرگ تازه مشاهده کنم."

- (۱) یک (۲) دو  
(۳) سه (۴) چهار

"اکنون بازگوید داستان ملوک در ترجیه جانب صواب در استخدام ایشان تا مقزّر گردد که کدام طایفه قدر تربیت نیکوتر شناسند و شکر آن بسزاتر گذارند."

- (۱) یک (۲) دو  
(۳) سه (۴) چهار

- (۱) و حقیقت روزه را امساک باشد و کل طریقت اندر این مضمر است و کمترین درجه اندر روزه گرسنگی است و گرسنگی به همه زبان‌ها ستوده است اندر میان خلق شرعاً و عقلاً.  
(۲) پس وجوب روزه یک ماه باشد بر عاقل بالغ مسلم صحیح مقیم و ابتدای آن از رؤیت حلال رمضان باشد، یا کمال ماه شعبان و مر هر روز را نیتی صحیح باید و شرطی صادق.  
(۳) اما امساک را شرایط است: چنان‌که حلق را از طعام و شراب، نگاه داری، باید که چشم را از نظاره حرام و شهوت و گوش را از استماع لهو و غیبت و زبان را از گفتن لغو و آفت و تن را از متابعت دنیا و مخالفت نگاه داری.  
(۴) بخشاینده‌ای که تار عنکبوت را سد عصمت دوستان کرد و نیش پشه را تیغ قهر دشمنان گردانید.

- (الف) چو در قضا تو بتازی ز بحر گرد برآری  
(ب) صد هزارن کشتی با هول و سهم  
(ج) غریو و هلهله ز انبوه مرد و زن برخاست  
(د) سرانگشت تحیر بگزد عقل به دندان
- هزار بحر بجوشد چو قطره‌ای بچکانی  
تخته‌تخته گشته در دریای وهم  
تو گفتی آنکه دمیدند صوراسرافیل  
چون تعقل کند این صورت انگشت‌نما را

- (۱) الف، د (۲) ج، ب  
(۳) الف، ب (۴) ج، د

- (۱) از خس و خار قرض گر پاک باشد سینه‌ها هیچ باغ دلگشا چون دیدن احباب نیست  
(۲) هرکه او نام تو جوید ایمن است از نام و ننگ هرکه او فخر تو آرد فارغ است از فخر و آر  
(۳) همه مقهور و قدرتش قاهر صنع او بر ظهورشان ظاهر  
(۴) کرده‌ام قالب تهی از اشتیاق عمرهاست قامت چون شمع در مهراب آغوشم گذار

- ۱) خالق ز تو راضی و خلائق ز تو خشنود  
دولت به تو موصول و سعادت به تو مقرون
- ۲) چون یافت غریبو را بهانه  
برخواست صبوری از میانه
- ۳) ملائک باروار و در لوای عصمت او شد  
خلایق با هزاهز در رکاب رای او آمد
- ۴) به شش طریق جایبت ستاندم از عامه  
ز خانه و ز دکان و ز باغ و ضیعت و تیم

- ۱) ای دردمند هجر میانداز دل ز درد  
کاینک طیبب آمده درمان رسیدنی است
- ۲) پروانه‌وار پیش روم بهر سوختن  
کان شمع دیده در شب هجران رسیدنی است
- ۳) در ره بساط لعل ز خون جگر کشم  
کان نازنین چو سرو خرامان رسیدنی است
- ۴) جانی که از فراق رها کرد خانه را  
یاد آورید کآرزوی جان رسیدنی است

- ۱) او را تب سختی فراگرفت، آن‌چنان که کسی نمی‌توانست او را ببیند و از مردمان محجوب و مسطور گشت.
- ۲) سپیده فردا گنجه با نهیب و سفیر گلوله‌های توپ روس باز شد. توده‌های دود و آتش و گرد و غبار با آخرین حلقه‌های شب درآمیختند.
- ۳) افراط و تفریط‌های بعضی‌ها، مشکلاتی ایجاد می‌کرد که برخی ترجیه می‌دادند در برنامه‌های عمومی شرکت نداشته باشند.
- ۴) بسیار دعا کرد و گفت: این سلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست. قانعم و وذر و وبال این چه به کار آید؟

- ۱) و رسولان برفتند و امیر بر اثر ایشان، رسولان بدان مغروران رسیدند و پیغام‌ها بگذارند.
- ۲) فرزندان ایشان که مستحق آن تخت باشند و بر جای‌های ایشان بنشینند با فراق دل روزگار را کرانه کنند.
- ۳) دریغا و بسیار بار دریغا که آن روضه‌های رضوانی بر جای نیست که این تاریخ بدان چیزی نادر شدی.
- ۴) چه اسکندر آن مملکت‌های بزرگ که گرفت، سبیل وی آن است که کسی بحر تماشا به جای‌ها بگذرد.

- ۱) حرص هر جا غالب افتد بر جگر دندان فشار  
در هجوم تشنگی‌ها امتحان دارد عقیق
- ۲) گل صدف‌برگ ندانم به چه رونق بشکفت  
یا صنوبر به کدامین قد و قامت برخواست
- ۳) اگر زلت نبودی کهتران را  
نبودی عفو کردن مهتران را
- ۴) سارون بار من افتاد خدا را مددی  
که امید کرم همره این محمل کرد

- ۱) حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام بر کار کرد.
- ۲) خاک سوگند برداد که مرا مبر که من نهایت بُعد اختیار کردم که غربت را خطر بسیار است.
- ۳) خاک در کمال مذلت و خاری با حضرت عزت و کبریایی چندین ناز می‌کند.
- ۴) یاران مولانا به آزار شمس برخاستند و شمس ناگزیر دل از غونیه برکنند.

- الف) بر آستانه میخانه هرکه یافت رهی  
ز فیض جام می (.....) خانقه دانست
- ب) نظاره رخ تو به (.....) خوب‌تر  
بوسیدن لب تو به ابرام خوش‌تر است
- ج) با این‌همه هر آن‌که نه (.....) کشید از او  
هر جا که رفت هیچ‌کسش محترم نداشت

- ۱) اصرار، اسرار، خاری  
۲) اصرار، اصرار، خاری
- ۳) اصرار، اسرار، خواری  
۴) اسرار، اصرار، خواری

در میان گروه واژگان زیر چند غلط املایی به کار رفته است؟  
 "مناسک حج / مرثیه و سوگواری / خورد و بزرگ / درخواست و طلب / افغان و زاری / غوغا و هیاهو / سیر و صفر / نواهی و مناطق / اخلاق و صیрт / اسرارنامه عطار / عظم و اراده"

- (۱) سه  
 (۲) چهار  
 (۳) پنج  
 (۴) شش

در کدام بیت غلط املایی یافت نمی‌شود؟

- (۱) عجز خواهید روح را که ز عجز صفت روح بهر طین گفتم  
 (۲) باری چو ره به محفل غربت نمی‌دهند از دور دیده‌بان ننگ‌های دور باش  
 (۳) گر من نکوشمی به تواضع نبینمی از هر خسی مزلت و از هر کسی عنا  
 (۴) هاله تا غالب تهی از خویشتن صائب نکرد دست در آغوش وصل ماه نتوانست کرد

معنای صحیح واژگان "مُشْتَبِه - متعصّب - طوع - غایت - تعبیه کردن"، به ترتیب در کدام گزینه ذکر شده است؟

- (۱) اشتباه‌کننده - غیرتمند - گردنبند - نهایی - ساختن  
 (۲) اشتباه‌شده - خشمگین - توانایی - فرجام - جاسازی کردن  
 (۳) اشتباه‌کننده - غیرتمند - فرمان‌برداری - فرجام - جاسازی کردن  
 (۴) اشتباه‌شده - خشمگین - گردنبند - نهایی - تهیه کردن

"مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد" از کیست و مطالب آن چگونه تدوین شده است؟

- (۱) نجم‌الدین رازی، نثر همراه با نظم  
 (۲) نجم‌الدین رازی، نظم  
 (۳) سنایی، نثر همراه با نظم  
 (۴) سنایی، نظم

در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

- (۱) مرد آن است که چون ضرورتی پیش آید مهمل بندد و چون قمر عرصه مشارق و مغارب ببیند تا آنگاه که آرامگاهی مهیا کند.  
 (۲) کدام اعجاز ازین فراتر، که اگر مخلوقی خاستی که این معانی در عبارت آرد، بسی کاغذ مستعرق گشتی و حق سخن گزارده نشدی  
 (۳) و چندان که اندک وقوفی افتاد و فضیلت آن بشناختم به رغبت صادق و حرص غالب در تعلّم آن می‌کوشیدم، تا بدان صنعت شهرتی یافتم.  
 (۴) و چون پادشاه اسرار خویش را مستور داشت، در دل‌های عوام محیب بود و دست حوادث مواهب زمانه از وی نتواند روفت.

املای کدام بیت، کاملاً درست است؟

- (۱) سلاح بنده شرمنده بعدازاین جنگ است که جای بنده در این ده خرابه‌ها تنگ است  
 (۲) خیزند به دعوی و کنند اصرار بر گفته ناصواب و نامتقن  
 (۳) ولیکن چه چاره؟ که از دار غربت سوی دوست شرح صفر می‌فرستم  
 (۴) چه مایع خون جگر خورد تا که گشت امروز به دهر شهره علی‌رغم دشمنان ادب

در کدام بیت غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) عقوبت محال است اگر بت‌پرست به فرمان ایزد پرستد صنم  
 (۲) زلف طرز تو زان پس حيله‌ها انگيخته است تا به افسون و حیل دزدیده از رضول تو را  
 (۳) وی ز شعر من و شعار تو فاش سهل ناممتنع چو سحر مبین  
 (۴) یک کشتی از دانش و عظم باید چنین بحر پر وحشت بی‌کران را

املای کدام بیت نادرست است؟

- (۱) غربت تو باز هستم کرد در صحرای اُنس شربت تو باز مستم کرد در باغ صفا  
 (۲) آن خواجه که در قالب اقبال روان اوست نزد عقلا تحفه اسرار نهن اوست  
 (۳) پس راست بدار قول و فعلت را خیره منشین به یک‌سو از محمل  
 (۴) دلم خزانه اسرار بود و دست قضا درش بیست و کلیدش به دلستانی داد



- ۱) اصرار همراهان، مجلس درس و وعظ، آماس و ورم، محضر استاد
- ۲) ملامت و هياهو مردم، شيخ سلاح‌الدين زرکوب، طعنه و ناسزا، مرثيه و دلداري
- ۳) گشت‌وگذار، عضله و استخوان‌بندی، متعصب و شرافتمند، عندليب انجمن انس
- ۴) ذوق و قريحه، صباحت رخسار، فروگذاري و اهمال، متأثر و اندوهگين

- ۱) اين عصا از دوزخ آمد چاشني كه هلا بگريز اندر روشني
- ۲) اي گنج نوشدارو با خستگان ننگه كن مرهم به دست و ما را مجروح مي‌گذاري
- ۳) بؤدم چو رشحه دلي غمين، آلم و فراق تو در كمين نشوي به درد و الم قرين، گر از اين آلم برهاني‌ام
- ۴) عاشقي از فرط عشق آشفته بود بر سر خاكي به زاري خفته بود

در عبارت "همه آنچه در ثواب و صلاح دنيا به كار شود اوساط مردمان را در سياست ذات و خانه و تبع خویش بدان احتياج افتد در اين آيت آمده است اگر مخلوق خاستي اين معاني در عبارت آرد بسي كاغذ مستغرق گشتي و حق سخن بر اين جمله گذارده نشدي" کدام واژه غلط املايي نيست؟

- ۱) گذارده
- ۲) ثواب
- ۳) خاستي
- ۴) تبع

۱ در کدام گزینه، معنی واژه‌ای نادرست آمده است؟

- ۱) عبث: بی‌فایده (منتشا: عصابی مخصوص از چوب ستبر) (ناورد: پیکار)  
 ۲) عیار: آزمون (عماد: ستون) (متبلور: بلوری شده)  
 ۳) تگ: بُن (تهمتن: نیرومند) (تزویر: نفاق)  
 ۴) بدیع: نو (غُفده: گره) (عرصه: گسترده)

۲ معانی واژگان کدام گزینه تماماً درست است؟

- ۱) (پوییدن: رفتن)، (تاک: انگور)، (جسیم: خوش اندام)  
 ۲) (فاحش: واضح)، (مَت: نیکویی)، (نبات: گیاهان)  
 ۳) (مُطاع: فرمانروا)، (انبساط: خودمانی‌شدن)، (کاینه: موجود)  
 ۴) (مُمد: ادامه‌دهنده)، (وظیفه: وجه معاش)، (فایق: برتر)

۳ در کدام گزینه معنای همهٔ واژگان صحیح است؟

- ۱) (فایق: صفوت)، (جسیم: خوش اندام)، (باسق: بلند)، (وسیم: صاحب‌جمال)  
 ۲) (انابت: پیشمانی)، (وظیفه: مقرری)، (اعراض: روی آوردن)، (تحفه: ارمغان)  
 ۳) (تحیر: سرگردانی)، (منگر: زشت)، (تضرع: التماس کردن)، (قدوم: گام‌ها)  
 ۴) (حلیه: زیور و زینت)، (مطاع: فرمانروا)، (خون: سفرهٔ فراخ و گشاده)، (ربیع: بهار)

۴ در کدام گزینه معنای واژه‌ای نادرست آمده است؟

- ۱) (قسیم: صاحب‌جمال)، (ممد: یاری‌رساننده)، (بنان: سرانگشت)  
 ۲) (حلیه: زینت)، (وسیم: خوش‌بو)، (جود: کرم)  
 ۳) (انبساط: خودمانی‌شدن)، (مَت: نیکویی)، (مطاع: فرمانروا)  
 ۴) (وظیفه: مقرری)، (روی: چاره)، (قدوم: آمدن)

۵ در چند بیت معنای واژه به‌درستی مشخص نشده است؟

- الف) ز ابر آب گرفتن وظیفهٔ صدف است  
 ب) ای صاحب کرامت شکرانهٔ سلامت  
 پ) چرا دامن‌آلوده را حد زخم  
 ت) نظر کن که با صد هزاران کرامت  
 ث) کسی کز بار مَت پشت غیرت خم نمی‌سازد  
 من آن نیم که به هر سفله لب بجنانم (وظیفه: مقرری، وجه معاش)  
 روزی تفقدی کن درویش بینوا را (روزی: رزق)  
 چو در خود شناسم که تردانم (حد: کیفر و مجازات شرعی برای مجرم)  
 گرفتار آن چشم سحرآفرینم (گرامت: عطا، بخشش)  
 گر اندازند در پایش جهان را برنمی‌گیرد (مَت: شکر و سپاس)

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

۶ در کدام گزینه معنای همهٔ واژه‌ها درست است؟

- ۱) (مفخر: مایهٔ ناز و بزرگی)، (سلسله‌جنبان: محرک‌ها)، (وجه: وجود)  
 ۲) (ارغند: شَرزه)، (دارالملک: پایتخت)، (معجر: سرپوش)  
 ۳) (خمار: میکده)، (پس‌افکند: میراث)، (آوند: آویزان)  
 ۴) (اورنگ: سریر)، (محتسب: پاسبان)، (قدوم: فرارسیدن)

۷ در کدام گزینه معنای یک واژه نادرست است؟

- ۱) (معجر: سرپوش)، (تریاق: پادزهر)، (پس‌افکند: میراث)  
 ۲) (پرده: آهنگ)، (حریف: همراه)، (دستور: وزیر)  
 ۳) (فسرده: یخ‌زده)، (گرزه: غضبناک)، (تاب: پرتو)  
 ۴) (ظن: پندار)، (مستغرق: شیفته)، (آوند: آویزان)

۸ در همهٔ گزینه‌ها به‌استثنای گزینهٔ ..... همهٔ واژه‌ها درست معنی شده است.

- ۱) نماینده (نشان‌دهنده)، بنان (انگشت)، اعراض (انصراف)  
 ۲) فاحش (آشکار)، صفوت (برگزیده)، قدوم (گام‌ها)  
 ۳) سریر (اورنگ)، مدام (می)، سلسله‌جنبان (محرک)  
 ۴) ارغند (خشمگین)، آوند (آویخته)، پس‌افکند (میراث)

معنای صحیح واژگان "تعبیر، قاش، بزم، شرزه" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) بازگویی، کوهه زین، ضیافت، خشمگین  
(۲) شرح دادن، قاچ، شادی، خطرناک  
(۳) بیان کردن، لباس رزم، محفل، خطرناک  
(۴) معین کردن، زین، سور، بدسرشت

در گروه کلمه‌های زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

"تَحیر و سرگشتگی، سوءهاضمه امپراتوری‌ها، نمط عشق، مُتاع و فرمانروا، طیلسان مدیترانه، خون نعمت بی‌دریغ، فراغت و آسایش، طایر قدس، ثمرت تجربت بط"

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

در کدام گزینه معنی همه واژه‌ها درست است؟

- (۱) (یعما: تاراج)، (کردن: اسبی به رنگ سرخ تیره)، (تلقی: دریافت)  
(۲) (ماورا: ماسوا)، (اسرا: در شب سیر کردن)، (تفّرج: گردش)  
(۳) (عدلیه: دادگستری)، (اندوه‌گسار: غم‌انگیز)، (انگاره: نقشه)  
(۴) (زخمه: ضربه)، (داعیه: دعاها)، (قندیل: چراغ)

معنی واژه‌های "تداعی، بازبسته، پس‌افکند و استبعاد" به ترتیب در کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) پی‌درپی، وابسته، پس‌افکنده، دوری  
(۲) به خاطر آوردن، پیوسته، میراث، دورشدن  
(۳) خاطره، وابسته، میراث، دور کردن  
(۴) یادآوری، مرتبط، پس‌افکنده، بعید شمردن

در کدام گزینه معنی همه واژگان درست است؟

- (۱) (ضجّه: شیون)، (طاق: یکتا)، (ولیمه: مهمانی)  
(۲) (وخامت: بدفرجامی)، (کلک: آتشدان)، (آزگار: تمام و کامل)  
(۳) (شگرف: نیرومند)، (بلامعارض: بی‌فاصله)، (استیصال: درماندگی)  
(۴) (تفرید: یگانه دانستن خدا)، (گرم‌رو: مشتاق)، (رجز: جنگ)

معنای واژگان در کدام گزینه، صحیح آمده است؟

- (الف) عماد: نگاه‌دارنده  
(ب) اکناف: کناره  
(ج) آزگار: تمام و کامل  
(د) وخامت: ترسناک

- (۱) ج، الف  
(۲) ب، د  
(۳) الف، ب  
(۴) د، ج

معنای واژگان "اعانت، مخاصمت، انضمام، محظوظ" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) یاری، دشمنی، ضمیمه کردن، بهره‌ور  
(۲) یاری‌دادن، دشمن، ضمیمه‌شده، تنگنا  
(۳) پشتیبانی، خصومت، نکوهش کردن، بهره‌ور  
(۴) توجه کردن، خصومت، پیوستن، تنگنا

ترتیب توالی ابیات به لحاظ داشتن هم‌خانواده‌های "مستقر، متمکن و عماد" در کدام بیت‌ها درست آمده است؟

- (الف) کجا رسم به مکانت که پشه نتواند  
(ب) چو بر زمانه به هر حال اعتمادی نیست  
(ج) ناوک اندازن چشم ترک‌تازت از چه روی  
(د) شد کاروان و خون دل بی‌قرار ما  
که در نشیمن سیمرخ آشیانه کند  
نه عاقل است که او تکیه بر زمانه کند  
بر کمان‌سازان ابرویت کمین‌بازی کنند  
رفت از قفای محمل و ما را خبر نکرد

- (۱) الف، ب، د  
(۲) د، ج، ب  
(۳) د، الف، ب  
(۴) ج، د، ب

در کدام گزینه معنی همه واژه‌ها درست است؟

- (۱) (معقر: سالخورده)، (اعانت: امانت دادن)  
(۲) (تَعَب: رنج)، (غرس: چین)  
(۳) (محظوظ: نگهداری‌شده)، (آزگار: زمانی دراز)  
(۴) (تَعَب: رنج)، (جُل: پوشش)

معنی کدام واژه‌ها درست است؟  
 الف) (آخته: برکشیده)، (روایی: روایت‌شده)  
 ب) (کلک: آتش‌دان)، (سجّیه: خو)  
 ج) (محظوظ: بهره یافتن)، (جمایل: محافظ)  
 د) (گرم‌رو: کوشا)، (تطاول: تعدی)

- ۱) الف، د  
 ۲) ب، ج  
 ۳) ج، الف  
 ۴) د، ب

در کدام گزینه معنای همهٔ واژه‌ها درست است؟

- ۱) (صحیفه: کتاب)، (تحریر: بیان)، (کربت: غم)  
 ۲) (وخامت: بدفرجامی)، (آزگار: تمام و کمال)، (اعانت: یاری)  
 ۳) (حشم: خدمتکار)، (وادی: سرزمین)، (بحبوحه: میان)  
 ۴) (تعب: سختی)، (بلامعارض: ناگهانی)، (اثنا: هنگام)

معانی کدام واژه‌ها، "همگی" درست است؟

الف) دستور: مشاور، اجازه، وزیر، راهنما  
 ب) طاق: رواق، سقف، یکتا، ابرو  
 پ) تعال: اهمال کردن، عذر آوردن، درنگ، به تعویق انداختن کاری  
 ت) اندیشه: بدگمانی، ترس، اندوه، خروشان

- ۱) الف، پ  
 ۲) ب، ت  
 ۳) ت، پ  
 ۴) الف، ب

پسوند "ان" در قافیه‌های کدام ابیات، کاربرد و مفهومی دوگانه دارد؟

الف) عاقلان کی دل به دست زلف دلداران دهند  
 ب) ای شاه تاج‌داران وی تاج شهریاران  
 ج) تا چند دم از گل زنی ای باد بهاران  
 د) چه خوش است بوی عشق از نفس نیازمندان  
 نقره‌داران چون نشان زر به طراران دهند  
 گردون کامکاری خورشید کامکاران  
 گل را چه محلّ پیش رخ لاله عذاران  
 دل از انتظار خونین دهن از امید خندان

- ۱) الف، د  
 ۲) ب، ج  
 ۳) ج، د  
 ۴) ج، الف

در چند مورد از ابیات زیر، معنای واژه‌های مشخص شده، نادرست بیان شده است؟

الف) سر ز حیرت به در می‌کده‌ها برکردم  
 ب) ترک عمل بگفتم ایمن شدم ز عزلت  
 ج) همت از صاحب‌دلی کن التماس  
 د) سپهبد چنین گفت چون دید رنج  
 چون شناسای تو در صومعه یک پیر نبود (مرید)  
 بی‌چیز را نباشد اندیشه از حرامی (اندوه)  
 پس به صاحب‌دولتی کن التجا (پاداش)  
 که دستور بیدار بهتر ز گنج (وزیر)

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

معنی کدام موارد نادرست آمده است؟

الف) کتّادهٔ چیزی را کشیدن: خواستار چیزی بودن  
 ب) تجرید در اصطلاح تصوّف: تحقق بنده است به حق  
 ج) حلیه: مکر  
 د) مراقبت در اصطلاح عرفان: نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق.  
 ه) غاشیه: یکی از نام‌های قیامت

- ۱) ج، ب  
 ۲) ه، د  
 ۳) الف، ج  
 ۴) الف، ب

معنای واژه‌های "فضل، انابت، قسیم، باسق" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) بخشش، پشیمان، صاحب‌جمال، بلند  
 ۲) کرم، بازگشت به سوی خدا، بهره، بلند  
 ۳) کرم، توبه، صاحب زیبایی، بالیده  
 ۴) بخشش، پشیمانی، تقسیم‌کننده، گناهکار

در کدام گزینه معنی واژه ای نادرست آمده است؟

- ۱ (مَلِك: خداوند) (تاک: رز) (بنان: سرانگشت) (فایق: برگزیده)  
 ۲ (منت: نیکویی) (نبات: گیاه) (ناموس: شرافت) (افشیره: عصاره)  
 ۳ (قدوم: فرارسیدن) (کاینه: موجود) (پایمرد: شفیع) (فاحش: واضح)  
 ۴ (ورق: برگ) (تحیر: سرگشتگی) (تقصیر: کوتاهی) (انابت: عبادت کردن)

در کدام گزینه تمام واژه‌ها درست معنا شده‌اند؟

- ۱ (داروغه: نگهبان) (واعظ: پنددهنده)  
 ۲ (مسلک: ایمان) (خقار: می‌فروش)  
 ۳ (تزویر: دورویی) (اجانب: بیگانه)  
 ۴ (دینار: نوعی سکه نقره رایج در زمان قدیم) (طرف: کناره)

در کدام گزینه، معنی مقابل همه واژه‌ها درست است؟

- ۱ (وجه: ذات)، (وسیم: دارای نشان پیامبری)، (فائق: برتری)  
 ۲ (تزویر: نیرنگ)، (استقرار: استوار)، (تاوان: غرامت)  
 ۳ (وظیفه: وجه معاش)، (داروغه: شگرد)، (مدام: می)  
 ۴ (درهم: مسکوک طلا)، (سلسله‌جنبان: محرک)، (قسیم: صاحب‌جمال)

در کدام گزینه معنی واژه نادرست آمده است؟

- ۱ زل زدن: با چشمی ثابت و بی‌حرکت به چیزی نگاه کردن.  
 ۲ عامل تخریب: شخصی نظامی که کارش، کار گذاشتن تله‌های انفجاری است.  
 ۳ اختر سعد: سیاره زحل است که به "سعد اکبر" مشهور است.  
 ۴ کلوخ: پاره گل خشک‌شده به صورت سنگ

همه معنای واژگان در کدام گزینه صحیح آمده است؟

- الف) اعراض: گسترده کردن  
 ب) اجانب: بیگانه  
 ج) فرض: لازم  
 د) شرحه: پاره گوشتی که از درازا بریده باشند.  
 ۱ ج، د  
 ۲ الف، ب  
 ۳ د، الف  
 ۴ ب، ج

معنای واژه‌های "صبح، تداعی، کازیه، طیلسان" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ بامداد، یادآوری، جاکاغذی، کلاه  
 ۲ سپیده‌دم، یادآوری، کاغذ، جامه  
 ۳ سپیده‌دم، دعوت کردن، کاغذ، نوعی ردا  
 ۴ پگاه، به‌خاطر آوردن، جاکاغذی، نوعی ردا

معنی واژه‌های "هفت" در بیت "هفتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

- که دراز است ره مقصد و من نوسفرم" با همه ابیات به جز بیت گزینۀ ..... یکسان است؟  
 ۱ شکر خدا که هرچه طلب کردم از خدا  
 ۲ دریا و کوه در ره و من خسته و ضعیف  
 ۳ بهشت اگرچه نه جای گناهکاران است  
 ۴ روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک  
 بر منتهای هفت خود کامران شدم  
 ای خضر بی‌خجسته مدد کن به هفتم  
 بیار باده که مستظهرم به هفت او  
 لاجرم هفت پاکان دو عالم با اوست

معنی لغات کدام گزینه‌ها تماماً نادرست است؟

- الف) فرض؛ ضروری ب) ارغند؛ دلیر ج) طاق؛ اتاق د) نشئه؛ سرمستی  
 ۱ الف، د  
 ۲ ج، الف  
 ۳ ج، ب

در کدام گزینه معنای همه واژه‌ها درست است؟

- ۱ (وجه: ذات)، (گرامت: جبران خسارت)، (پایمرد: استوار)  
 ۲ (دینار: سکه طلا)، (قدوم: قدم‌ها)، (صفوت: برگزیده)  
 ۳ (مطاع: فرمان‌بر)، (ادیب: مرتبی)، (وظیفه: مقرری)  
 ۴ (باسق: بالیده)، (سلسله‌جنبان: محرک)، (حزن: اندوه)

واژه‌های انتخاب‌شده در موارد کدام گزینه تماماً درست است؟  
 الف) ویژگی نوعی مار سمی خطرناک (شرزه - گرزه) / تریاق (زهر - پادزهر)  
 ب) پنهان (مستور - مسطور) / پاره گوشتی که از درازا بریده باشند. (شرحه - شرحه شرحه)  
 ج) سریر (آوند - اورنگ) / فریاد و زاری به صدای بلند (نفیر - انابت)  
 د) حریف (دردآشنا - همدم) / معجر (سریوش - کلاه)

- ۱) الف، ج  
 ۲) ج، د  
 ۳) ب، د  
 ۴) الف، ب

معنی واژه در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) زخمه: ضربه، (برزخ: دوزخ)  
 ۲) داعیه: ادعا، (پالیز: باغ)  
 ۳) گشاده‌دستی: سخاوت، (کرامت: بخشندگی)  
 ۴) چشمداشت: توقع امری از کسی، (داغ: نشان)

معنی واژه‌های "کرامت، چشم داشتن، برزخ، زخمه" در کدام گزینه درست آمده است؟

- ۱) جوانمردی، منتظر دریافت پاداش بودن، حفاصل میان دو چیز، ضربه  
 ۲) بزرگی‌ها، مراقب بودن، صحرای محشر، نوازش  
 ۳) سخاوت، دقت کردن، توقف میان دنیا و آخرت، آسیب  
 ۴) خودپسندی، منتظرشدن، قیامت، مجروح

در کدام گزینه معنی برخی از واژگان نادرست است؟

- ۱) مجسم: تجسم‌یافته، (مُصر: پافشاری‌کننده)، (شامه: حس بویایی)  
 ۲) شرف: بزرگواری، (روضه: نوحه‌سرایایی)، (دبیاچه: مقدمه)  
 ۳) حیثیت: آبرو، (پگاه: صبح زود)، (اهمال: فروگذاشتن)  
 ۴) موهوم: خیالی، (متقاعد: مجاب‌کننده)، (معبّر: گذرگاه)

معنای واژه‌های "متقاعد، شامه، مُصِرّ، خِشَاب" در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) قانع‌شده، حس بویایی، پافشاری‌کننده، جعبه فلزی مخزن گلوله  
 ۲) مجاب، بو، پافشاری، قنداق اسلحه  
 ۳) قانع‌کننده، حس بویایی، اصرار کردن، لوله اسلحه  
 ۴) مجاب‌شده، بوی خوش، اصرار، گلوله

کدام گزینه به ترتیب به معنای صحیح واژه‌های "کربت، خیره‌سر، تعال، اندیشه" اشاره می‌کند؟

- ۱) غم - گستاخ - درنگ - بدگمانی  
 ۲) اندوه - بی‌تاب - عذر آوردن - گرمی و حرارت  
 ۳) غریبی - لجوج - به تعویق انداختن - فکر  
 ۴) ظلم و ستم - بی‌شرم - اهمال - ترس

در کدام گزینه معنای همه واژگان درست است؟

- ۱) شرف: بزرگواری، (محضر: دادگاه)، (دبیاچه: سرآمد)  
 ۲) پگاه: هنگام سحر، (حمایل: محافظت‌شده)، (شامه: حس بویایی)  
 ۳) حیثیت: آبرو، (معبّر: عبور کردن)، (گردان: واحد نظامی شامل سه گروهان)  
 ۴) زخمه: ضربه، (حفاظ: نگهبانی)، (متقاعد: مُجاب)

معنی "اندیشه" در کدام گروه از ابیات همانند است؟

- الف) خویشتن را به میان سپه اندر فکند / نه ز انبوهش اندیشه نه از خصم حذر  
 ب) سخن گفته دگر بازنیاید به دهن / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد  
 ج) کو صبر و چه دل، کانچه دلش می‌خوانند / یک قطره خون است و هزار اندیشه  
 د) اندیشه از محیط فنا نیست هرکه را / بر نقطه دهان تو باشد مدار عمر

- ۱) ج، د  
 ۲) الف، ب  
 ۳) ب، ج  
 ۴) الف، د

معنی چند واژه در کمانک مقابل آن نادرست آمده است؟

سورت (شدت اثر) / مرتعش (لرزان) / عماد (تکیه‌گاه) / منتشا (عصایی مخصوص از چوب ستبر و گره‌دار) / سنان (سرنیزه) / نای (گلو) / هریوه (اهل هرات) / تراویدن (چکین) / ناورد (جنگجو) / فراز آمدن (بالا رفتن)

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

معنای چند واژه نادرست است؟  
(حلیه: زینت)، (وسیم: خوش‌بو)، (وظیفه: مقرری)، (بنان: انگشتان)، (ممت: شکر)، (مفخر: مایه ناز)، (مدام: می)، (اعراض: روی‌گردانی)، (باسق: برگزیده)، (شهد: خالص)

- (۱) دو  
(۲) سه  
(۳) چهار  
(۴) پنج

معنی چند واژه نادرست است؟  
(طرف: کناره)، (صفوت: فایق)، (سرور: شادی)، (معاملت: احکام و عبادات شرعی)، (وسیم: خوش‌بو)، (حلیه: مکر)، (ذوالجلال: بزرگواری)، (انابت: برآوردن)، (رز: درخت انگور)، (انصراف: روی‌گردانی)

- (۱) دو  
(۲) سه  
(۳) چهار  
(۴) پنج

معنای واژه "همت" در کدام گزینه با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) کسی کاو پادشاه و مهتر و فرمانروا باشد  
(۲) ای توانگر مفروش این‌همه نخوت که تو را  
(۳) همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس  
(۴) روی خوب است و کمال هنر و دامن‌پاک  
به آن کوشد که او را همت و کام و هوا باشد  
سر و زر در کف همت درویشان است  
که دراز است ره مقصد و من نوسفرم  
لاجرم همت پاکان دو عالم با اوست

معانی واژگان کدام گزینه تماماً درست است؟  
(الف) مطاع (فرمان‌بردار)، انبساط (خودمانی‌شدن)  
(ب) مهد (گهواره)، زرخدان (چاله)  
(ج) ناموس (آبرو)، درهم (مسکوک نقره)  
(د) استقرار (برپایی)، قسیم (صاحب‌جمال)

- (۱) الف، ب  
(۲) د، ج  
(۳) ج، ب  
(۴) الف، د

معنای چند واژه نادرست است؟  
(انابت: پشیمانی)، (خمار: میکده)، (غرامت: تاوان)، (مفخر: مایه ناز و بزرگی)، (مطاع: فرمان‌بر)، (سلسله‌جنبان: محزک)، (مدام: شراب)، (ممت: شکر)، (کازیه: جاکاغذی)، (معترف: اقرارکننده)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

در کدام گزینه "همت" به همان معنایی به کار رفته است که در بیت زیر آمده است؟  
"همت اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود"

- (۱) به همت برآر از ستیزنده شور  
(۲) روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک  
(۳) برسان بندگی دختر رز، گو به درآی  
(۴) بهر آسایش سخن کوتاه کن  
که بازوی همت به از دست زور  
لاجرم همت پاکان دو عالم با اوست  
که دم همت ما کرد ز بند آزادت  
در عوضمان همتی همراه کن

معنای چند واژه در مقابل آن درست آمده است؟  
(اسرا: رازها)، (قتدیل: چراغ)، (بن: بلوط)، (داعیه: ادعا)، (زخمه: ضربه)، (کرنند: اسب سرخ تیره)، (قدس: پاک)، (تعبیر: بازگویی)، (انگاره: طرح)، (تموز: ماه پنجم سال رومیان)

- (۱) چهار  
(۲) پنج  
(۳) شش  
(۴) هفت

معنی واژه "اندیشه" در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیئات
- ۲) حکیمان را در این اندیشه بگذار
- ۳) در میان ما و تو حایل نباشد بحر و کوه
- ۴) از برای دوست شهری دشمن ما شد، ولی
- غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را
- شرر از تیشه خیزد یا ز سنگ است
- رهروان را کی بود اندیشه از بالا و پست
- گر مسخر می‌کنیم، از این و آن اندیشه نیست

معنای چند واژه نادرست است؟

(کربت: اندوه)، (سپردن: طی کردن)، (ایمن: دل‌آسوده)، (دیباچه: مقدمه)، (داعیه: آذاعا)، (تعلل: اهمال کردن)، (متقاعد: مجاب کردن)، (ارتفاع: کاشت بذر در زمین زراعتی)

- ۱) یک
- ۲) دو
- ۳) سه
- ۴) چهار

معنی چند واژه، نادرست است؟

(آزرم: حیا) (مایه: توانایی) (تپش: حرارت) (گربت: اندوه) (پی: قدم) (دل‌گسل: نومیدکننده) (ساروان: شتردار) (هیون: قوی‌هیكل) (حمایل: محافظ)

- ۱) یک
- ۲) دو
- ۳) سه
- ۴) چهار

معنای چند واژه نادرست آمده است؟

(ادیب: سخن‌دان) (اکراه: خوشایند بودن) (تزویر: نیرنگ) (خقار: مست) (داروغه: شبگرد) (دینار: سکه نقره) (گرامت: تاوان) (مدام: می) (والی: فرمان‌بر) (تاب: فروغ)

- ۱) دو
- ۲) سه
- ۳) چهار
- ۴) پنج

معنای واژه "همت" در بیت زیر، در چند بیت تکرار شده است؟

"همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس  
 الف) مرد همت نه مرد تهمت باش  
 ب) هرکه را یک ذره همت داد دست  
 ج) همت عالی ز فلک بگذرد  
 د) بهر آسایش سخن کوتاه کن  
 که دراز است ره مقصد و من نوسفرم  
 چون پیمبر نه‌ای، ز امت باش  
 کرد او خورشید را ز آن ذره پست  
 مرد به همت ز ملک بگذرد  
 در عوضمان همتی همراه کن

- ۱) یک
- ۲) دو
- ۳) سه
- ۴) چهار

معنای چند واژه نادرست است؟

(اندیشه: بدگمانی)، (ولیمه: مهمانی و عروسی)، (جبهه: پیشانی)، (زاد: توشه)، (کتابده: نوعی کمان)، (تپش: گرمی و حرارت)، (تفرید: کناره گرفتن از خلق و تنهاشدن)، (ارتفاع: محصول زمین‌های زراعتی)

- ۱) یک
- ۲) دو
- ۳) سه
- ۴) چهار

در ابیات زیر چند "ن" به مفهوم جمع دلالت می‌کنند؟

الف) اردشیر بابکان بنهاد بر سر تاج داد  
 ب) موی او تاری و تیره چون رولان اهرمن  
 ج) پلنگان بنالند در کوهساران  
 بازوی مردی به دفع تاج‌داران برگشاد  
 روی او تابان درخشان همچو جان جبرئیل  
 هژبران بمیرند در نیستان‌ها

- ۱) چهار
- ۲) پنج
- ۳) شش
- ۴) هفت

معنای چند واژه در مقابل آن درست آمده است؟

(افسرده: سرمازده)، (کربت: ظلم و ستم)، (ولیمه: مهمانی و عروسی)، (پگاه: هنگام غروب)، (کتابده: نوعی کمان)، (معمر: سالخورده)، (سجیه: عادت)، (جبهه: رخسار)، (گرم رو: کوشا)

- ۱) سه
- ۲) چهار
- ۳) پنج
- ۴) شش



معنای چند واژه نادرست آمده است؟  
(اعراض: روی گردانی)، (جسیم: خوش اندام)، (شفیع: پایمرد)، (قسیم: دارای نشان پیامبری)، (فاحش: آشکار)، (عاکف: کسانی که در مدتی معین به عبادت پردازند)، (ممت: نیکویی)،  
(نماینده: نشان دهنده)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

تمامی معانی کدام واژه‌ها درست است؟

- (الف) شبه: همسان، مانند  
(ب) تاک: رز، انگور  
(ج) تقصیر: کوتاهی، گناه  
(د) مطاع: اطاعت شده، فرمان بردار  
(ه) باسق: بلند، بالیده
- (۱) الف، ج، ه  
(۲) ب، ج، د  
(۳) الف، ب، د  
(۴) ج، د، ه

معنی واژگان کدام گزینه تماماً درست است؟

- (الف) ادیب: سخن دان (درهم: مسکوک نقره که ارزش آن بیشتر از دینار بوده است)  
(ب) حدّ: مجازات شرعی (داروغه: شبگرد)  
(ج) وجه: مقزری (خقار: می فروش)  
(د) اکراه: ناخوشایند داشتن امری (افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و... می بندند)
- (۱) ب، د  
(۲) الف، ب  
(۳) ج، د  
(۴) الف، ج

معنی چند واژه نادرست است؟

(خقار: مست)، (درهم: مسکوک نقره)، (اکراه: ناخوشایند بودن)، (مدام: می)، (ملک: پایتخت)، (داروغه: شبگرد)، (ادیب: سخنران)، (قبا: جامه‌ای که از سوی پیش باز است)، (جلال: بزرگواری)، (نماینده: نشان دهنده)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

معنی مقابل چند واژه نادرست است؟

- (نماینده: نشان دهنده) (حلیه: زینت) (جلال: زیبایی) (پویدن: رفتن) (انبساط: خودمانی) (قبا: جامه) (فائق: بالیده) (ممت: سپاس) (بنت: دختران)
- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

به ترتیب، معنای واژگان گروه ..... تماماً درست و معنای واژگان گروه ..... تماماً نادرست است.

- (الف) آونگ: آویخته، (ستوران: حیوان چارپا)، (سعد: مشتری)  
(ب) ارغند: شوزه، (سیم: نقره)، (پس افکند: میراث)  
(ج) عطا: دهش، (کله خود: کلاه چرمی)، (معجز: درپوش)  
(د) گرز: پتک، (ضمد: جراحت)، (کلوخ: سنگ)
- (۱) الف، ج  
(۲) ب، د  
(۳) ج، ب  
(۴) الف، د

معنی چند واژه در مقابل آن درست است؟

(سامان: درخور)، (سودا: دیوانگی)، (شرحه: پاره گوشتی که از پهنا بریده باشند)، (دمساز: درد آشنا)، (حریف: دوست)، (دستور: وزیر)، (بی خودی: بیهودگی)، (محب: معشوق)، (ایدون: این چنین)

- (۱) هفت  
(۲) شش  
(۳) پنج  
(۴) چهار

- ۱) دریا و کوه در ره و من خسته و ضعیف ای خضر پی خجسته مدد کن به همتم  
 ۲) زهی همت که حافظ راست از دنیی و از عقبی نیاید هیچ در چشمش به جز خاک در کویت  
 ۳) روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک لاجرم همت پاکان دو عالم با اوست  
 ۴) بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

در کدام گزینه، معنای نادرست واژگان کمتر است؟

- ۱) (ایدونک: آن چنان)، (سامان: امکان)، (مات: مرده)  
 ۲) (صبح: شراب سحرگاهی)، (بازبسته: مرتبط)، (نمط: نوعی پارچه)  
 ۳) (کازیه: جاگاذی)، (طیلسان: نوعی ردا)، (مستور: پوشش)  
 ۴) (بیگاه شدن: فرار سیدن هنگام طلوع)، (تاب: فروغ)، (سور: شیپور)

معانی چند واژه درست است؟

(قدوم: گام‌ها)، (ممت: نیکویی)، (حریف: دوست)، (پس افکند: میراث)، (وجه: ذات)، (تموز: ماه دهم از سال یونانیان)، (قدیل: چراغ)، (کهر: اسبی به رنگ زرد و بور)

- ۱) سه  
 ۲) چهار  
 ۳) پنج  
 ۴) شش

همة معانی مقابل کدام واژه‌ها درست است؟

(الف شفیع: یاری، پایمرد ب) داروغه: شبگرد، حاکم ج) باسق: بلند، بالیده د) غرامت: تاوان، خسارت مالی ه) سامان: درخور، امکان

- ۱) ه، ج  
 ۲) الف، د  
 ۳) ب، ج  
 ۴) الف، ه

معنی فعل از مصدر "گرفتن" در کدام ابیات یکسان است؟

(الف) تو را خود صاحب دیوان شفیع است گرفتم خود هزاران جرم داری  
 (ب) مرا بکشتی و خصمان به خون گرت گیرند به یک کرشمه دل همگنان بگردانی  
 (پ) تا شانه را به جعد معنیر کشیده‌ای کاشانه را به عنبر سارا گرفته‌ای  
 (ت) اگر من بشکنم جامی و یا مجلس بشورانم مگیر از من منم بیدل، تویی فرزانه ای ساقی

- ۱) الف، ب  
 ۲) پ، ت  
 ۳) ب، ت  
 ۴) الف، پ

معنای چند واژه در مقابل آن‌ها نادرست بیان شده است؟

(مسلک: روش)، (ثابت قدم: ثابت عزم)، (فراغت: آسودگی)، (تدبیر: پایان بینی)، (بیت الاحزان: خانه غم‌ها)، (استقرار: برپایی)، (احداث شدن: ساختن)، (قدس: پاک)، (موافق: هم‌رأی)

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

معادل معنایی واژه‌های "دیوانگی، خیال، ناگزیر، دوستدار" به ترتیب در ابیات کدام گزینه یافت می‌شود؟

(الف) هر کو به همه عمرش سودای گلی بودست داند که چرا بلبل دیوانه همی‌باشد  
 (ب) شهید عشق تو بعد از اجل چو جان زنده گدای کوی تو نزد همه چو زر محبوب  
 (ج) محب دوست نیندیشد از جفای رقیبان ترا که شوق حرم نیست غم بود ز حرامی  
 (د) یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم زن دو لب شیرینت صد شور برانگیزم  
 (ه) تیری که زد به غمزه لاید به سینه آمد سینه شکاف کردم، پیکان برون نیامد  
 (و) ندارد آه ما جولانگهی از آسمان بهتر ز ناچاری سر آتش بر خاکستر فرود آید

- ۱) د، الف، و، ب  
 ۲) د، الف، ه، ج  
 ۳) الف، د، ه، ب  
 ۴) الف، ب، و، ج

معنی چند واژه غلط است؟

(قوت: خوراک)، (نغمه: نوا)، (بی‌خودی: بی‌هوشی)، (سودا: خیال)، (محب: دوستی)، (جمال: زیبایی)، (مات: حیات)، (بزم: میهمان)

- ۱) دو  
 ۲) سه  
 ۳) چهار  
 ۴) پنج

معنی چند واژه در مقابل آن نادرست است؟  
(آستانه: آغاز)، (غرفه: پیشگاه خانه)، (تموز: ماه چهارم از سال رومیان)، (یغما: تاراج)، (قاش: کوهه زین)، (تفرجگاه: گردشگاه)، (بن: پسته وحشی)، (تعبیر: عبرت گرفتن)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

در کدام گروه، تنها معنای یک واژه غلط است؟

- (۱) (ابدیت: بی‌کرائگی)، (تلقی: تعبیر)، (سموم: باد بسیار گرم)  
(۲) (طفیلی: وابسته)، (قدس: صفا)، (ماورا: برتر)  
(۳) (مشایعت: بدرقه کردن)، (نشئه: کیفوری)، (قتدیل: چراغ)  
(۴) (شیهه: صدای اسب)، (اندوه‌گسار: غم‌انگیز)، (استشمام: بوییدن)

معنی واژه‌های کدام گزینه تماماً درست است؟

- (۱) (متقاعد: مجاب‌کننده)، (حفاظ: نرده)، (حزین: غم‌انگیز)  
(۲) (محضر: دادگاه)، (شرف: بزرگواری)، (دیباچه: مقدمه)  
(۳) (حمایل: نگه‌دارنده)، (شامه: حس بویایی)، (شبح: مثل و مانند)  
(۴) (معبر: عبرت‌پذیر)، (مجسم: تجسم‌یافته)، (مصّر: پافشاری‌کننده)

معنای چند واژه نادرست است؟

(پگاه: هنگام سحر)، (حفاظ: نرده)، (تعلل: درنگ)، (حیثیت: آبرو)، (اهمال: مهلت دادن)، (شرف: بزرگواری)، (کلافه: بی‌تاب و ناراحت)، (مجسم: به‌صورت جسم درآمده)

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

در کدام گزینه فعل "ساخت" با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست  
(۲) به یاد چشم تو خود را خراب خواهم ساخت  
(۳) آن خانه را که جام نباشد چو نیست نور  
(۴) غمزه گو ناوک خود بیهده زن پس مفکن  
(۱) عالمی دیگر نباید ساخت وز نو آدمی  
(۲) بنای عهد قدیم استوار خواهم کرد  
(۳) ما خانه ساختیم تو تدبیر جام کن  
(۴) که دل‌وجان دگر ساختم از آهن و سنگ

معنی چند واژه در مقابل آن نادرست است؟

(افسرده: سرمازده)، (تفرید: یگانه دانستن خدا)، (مقالات: گفتار)، (دعوی: ادعا)، (کلان: دارای سنّ بیشتر)، (شگرف: قوی)، (زاد: توشه)، (شیدا: دل‌داده)

- (۱) دو  
(۲) سه  
(۳) چهار  
(۴) یک

در ابیات کدام گزینه واژه "زاد" معنای یکسان دارد؟

- (الف) تو را به خاک فروبرده است هفت پست  
(ب) ای بسا شاعر که بعد از مرگ زاد  
(ج) نمی‌رسد به زمین پایش از صدای رحیل  
(د) آدم خاکی‌نهاد، دون‌نظر و کم‌سواد  
(ه) کثرت اگر چیره شد، چیره شود کافری  
(الف) سفر نمی‌کنی از خود که زاد می‌خواهد  
(ب) چشم خود بر بست و چشم ما گشاد  
(ج) سبک‌روی که سرانجام زاد عقبی کرد  
(د) زاد در آغوش تو پیر شود در برم  
(ه) جان که به توحید زاد گردد از ایمان بری

- (۱) ب، ج  
(۲) ج، الف  
(۳) ه، الف  
(۴) د، ج

معنای چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

(کتف: طرف)، (شگرف: نیرومند)، (مقالت: گفتارها)، (تفرید: یگانه دانستن خدا)، (شیدا: دل‌داده)، (گرده: قرص خورشید)، (وادی: سرزمین)، (استغنا: نیازمندی)

- (۱) دو  
(۲) سه  
(۳) چهار  
(۴) یک

معنی چند واژه در مقابل آن درست است؟

(اورند: آونگ)، (معجر: سرپوش)، (پس‌افکنند: میراث)، (گرزه: خشمگین)، (عطا: دهش)، (سفله: فرومایگی)، (فسرده: منجمد)، (بگسل: دور شو)

- (۱) سه  
(۲) چهار  
(۳) پنج  
(۴) شش

- (۱) (وسیم: دارای نشان پیامبری)، (فاحش: آشکار)، (ناک: انگور)  
 (۲) (فطاع: فرمان‌بردار)، (وظیفه: وجه معاش)، (بنان: سرانگشت)  
 (۳) (روی: چاره)، (انبساط: خودمانی‌شدن)، (باسق: بالیده)  
 (۴) (تضرع: سرگردانی)، (شفیع: پامرد)، (ورق: برگ)

معنی چند واژه نادرست آمده است؟

(حریف: همراه) (سریر زدن: توقف چندروزه در سفر به جایی) (طیق: سینی گرد کوچک فلزی) (صبح: پگاه) (بازبسته: وابسته) (بی‌خودی: بی‌هوشی) (شیدا: سودا) (استبعاد: دور گرداندن) (رواق: سقف خمیده و محدب)

- (۱) دو  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) پنج

معنی چند واژه در مقابل آن نادرست است؟

(طبق: سینی گرد بزرگ)، (کازیه: کاغذی)، (تداعی: انگیزه)، (مغ: موبد زرتشتی)، (نط: بساط شطرنج)، (چشمگیر: باارزش)، (جزاره: ویژگی نوعی مار)، (طیلسان: نوعی ردا)، (مربک: اسب)، (رواق: بالاخانه)

- (۱) دو  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) پنج

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

(۱) کلیله گفت: چگونه قربت و مکانت جویی نزدیک شیر؟ دمنه گفت: صاحب‌همت روشن‌رای را کسب کم نیاید و عاقل را تنهایی و غربت زیان ندارد و حمل بارن گران او را رنجور نگرداند.

- (۲) خردمند اگر به قلعتی ثقت افزایش دهد که اساس آن هرچه مستحکم‌تر باشد یا به کوهی که از گرداندن باد و ربودن آب در آن ایمن توان زیست، البته به عیبی منسوب نگردد.  
 (۳) و آن‌که سعی برای آخرت کند، مرادهای دنیا بیاید و حیات ابد او را به دست آید و آن‌که سعی او به مصالح دنیا باشد، زندگانی بر او وبال گردد و از ثواب آخرت بماند.  
 (۴) چون بساط طعام بگسترده‌ترند، خسرو در صدر مسند شاهی بنشست و مثال داد جمله دیده بصیرت بگشایید و هریک از اهل خان و حاضران دیوان در مرتبه فرودست خویش نگرید و شکر ایزدی بر مقام خویش بگزارید.

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) بنده تائب نبود تا پشیمان نشود به دل و استغفار نکند به زبان و از عهد مظالم بیرون نیاید و تا جهد نکند در عبادت.  
 (۲) درود نامعدود بر ارواح نقاط مراکز جود که هریک در صدر نبوت چندین هزار سرگشته‌گان را به سر حد هدایت رسانیده.  
 (۳) می‌اندیشم که به هر وجه که ممکن گردد، بکوشم که اهمال در مذهب حمیت رخصت نبینم و در طلب زیادت قدم نمی‌گذارم که به حرص منسوب شوم.  
 (۴) اگر در آن سعی پیوسته آید و رنجی تحمل کرده شود، ضایع و بی‌ثمر بماند، زیرا که بقای ذکر در امتداد روزگار ذخیرتی نفیس است.

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) اما اگر بار دیگر به سر ضلالت باز رود و خواهد که در حمایت توبه و حریم عنایت گریزد، البته مفید نباشد و از عذاب روز قیامت امان نیابد و آن را مستحق باشد.  
 (۲) خواهی در معرض فساد باش، خواه در لباس صلاح، چون این فصل بشنود از خوردن اعراض کرد و روزگار در عبادت مستغرق گردانید.  
 (۳) این است داستان حذر از مکان غدر و مکاید رای دشمن، اگرچه در تضرع و ذلت مبالغت نماید که زاغی تنها، با عجز و ضعف خویش، خصمان قوی را مغلوب نماید.  
 (۴) او در حق من پیوسته الطاف و انعام می‌فرمود که تقریر افتاد، اگر من در این حال شکر نعمت ایشان به دعا نگزارم به کفران نعمت منسوب شوم.

در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- (۱) نخواست که غبار این تهمت بر دامن او نشیند. در آیینۀ رای خویش نگاه کرد، روی صواب چنان دید که زمام حرکت به سوی مقصدی معین برتابد.  
 (۲) شیر را دو شگال زیرک طبع نیکومحضر و پسندیده‌منظر ندیم و انیس بود؛ یکی دامنه نام و دیگری داستان. هر دو به مزید غربت از دیگر خواص خدم مرتبه مقدم یافته و مشیر و محرم اسرار مملکت گشته.  
 (۳) پادشاه باید که داند که آفریدگار او را بر کل خلائق مسلط گردانیده است و دست او بر رعایا مطلق کرده و امر او نافذ و حکم او حتم و فرمان او متاع است.  
 (۴) جماعت متحیر آن حال شدند و با یکدیگر در قیل‌وقال افتادند. بعضی به زبان ملامت کردند و برخی تدبیر قرامت؛ پیر بر فرار اصرار کرد و خود را بی‌ثبات و قرار.

- ۱) ایزد تعالی مرا از عادت خون‌ریزی و حرام‌خوری توفیق توبه رفیق راه گردانید و انابت از شرّ و وصول به خیر کرامت کرد و از جنس درندگان به خلعتِ اختصاص مشرف گردانید.
- ۲) و یک حاجت باقی است که در جنب عواطف ملکانه خطری ندارد و اگر به قضا مقرون گردد، عزّ دنیا و آخرت به هم پیوند و ثواب و ثنا ایّام مبارک ملک را اندوخته شود.
- ۳) ملک را این وقاحت از او سخت منکر آمد و گفت: تقصیر و غرامت و گناه و ندامت همه در راه فرودستان آمده است و قبول و اجابت همیشه از بزرگان مستقبل آن شده است و اصرار در این، شرط نیست.
- ۴) امروز که او را این رنج افتاد، اگر خوبستن بر او عرضه نکنیم و جان و نفس فدای ذات و فراغ او نگردانیم، به کفران نعمت منصوب شویم و به نزدیک اهل مرّوت بی‌قدر و قیمت گردیم.

در عبارات کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- الف) هرگاه سحاب بحر او در بارین آرد و طراوت حیا و کرم بر گل رخسار مبارک ظاهر گردد و سخاوت او بر سؤال ارباب حوائج سبقت نماید، دلّ خواستن بر جبین امیدواران پدید نیاید.
- ب) پیوسته خوان نیکو نهادی و احسان کردی و می‌گفت من آن دوست‌تر دارم که زندگانی چنین کنم و به محتاجان دهم تا در ایّام حیات مرا ثنا گویند و بعد از وفات بر من دعا کنند.
- ج) وزارت و امارت و زراعت هم منصوب است به انواع مشقّت‌ها و اصناف رنج‌ها، که وزیر به قربت پادشاه مبتلا بود به صدد کارهای بزرگ و او را خصمان بزرگ بسیار باشند.
- د) نسیم صیای خلد، عالم جان را گلشن کند و پرتو مهر، ساحت جهان را روشن. از بوستان طبع و آسمان کِلک استاد، تا اسم سخن بر زمان آمده و رسم سخن‌سنجی در میان، شیخ و مثالش در فضل و کمال پدید نیامده است.

- |        |   |
|--------|---|
| الف، ب | ۱ |
| ب، ج   | ۲ |
| د، الف | ۳ |
| ج، د   | ۴ |

کدام گزینه جملات زیر را به‌درستی تکمیل می‌کند؟

- الف) لاجرم در هر مصاف که رایب او ..... شد، دشمن را مقهور گردانید.
- ب) توانگری که در ..... مقام کند، مال او به دست دشمن افتد و به اهل و فرزند نرسد.
- پ) مزدور در آرزوی حور و قصور، عارف در ..... عیان، غرقه نور است.

- |                  |   |
|------------------|---|
| منسوب، غربت، بهر | ۱ |
| منسوب، غربت، بحر | ۲ |
| منسوب، قربت، بهر | ۳ |
| منسوب، قربت، بحر | ۴ |

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) به سمع ملک رسیده است که ماری به خدمت گوکی رازی گشت. چون صلاح حال و فراغ وقت در آن دید، آن را مدلّت نشمرد و در لباس عار پیش طبع نیاورد.
- ۲) و هرگاه حوادث به عاقل محیط شود، باید که در پناه صواب رود و بر خطا اصرار ننماید و آن را ثبات عزم و حسن عهد نام نکند و بر خردمند واجب است که به قضا‌های آسمانی ایمان آورد.
- ۳) آنگاه حجره از حضور اغیار چون گلزار بهشت از زحمت خار خالی دارم که نشست جای تو را شاید پرداخته کنند و هرآنچه اسباب فراغت و استراحت باشد، ساخته دارند.
- ۴) و بنده این‌قدر مقتر می‌گرداند که اگر رای ملک ببیند زبان‌های خاص و عام، ثنای او را گویان باشد و دل‌ها ولای او را جویان؛ و شاه از این موعظت مستغنی است.

در بیت گزینه ..... غلط املائی وجود ندارد.

- |                                    |   |
|------------------------------------|---|
| ساغر تقدیر ما را مست آزادی نمود    | ۱ |
| زین سبب از نشعه آن باده مدهوشیم ما | ۲ |
| گرچه در ظرف صدف بحر نگردهد مستور   | ۳ |
| سینه کیست که گنجینه اسرار تو نیست  | ۴ |
| چو فضله است که زاییده از غذای لطیف | ۵ |
| سفر اگر همه دشت است باشدش پایان    | ۶ |
| هر آن‌کسی که مباحث می‌کند به نسب   | ۷ |
| فراغ اگر همه بحر است باشدش پایاب   | ۸ |

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- |  |   |
|--|---|
| سموم سرد عقل بی‌درد، تبعیدی‌ها و مأموران، عزیمت رضاشاه | ۱ |
| حوضه حکمت و علم، صفای اهورایی، مار غاشیه حکومت         | ۲ |
| ترقی عدلیّه، حدّ و حصر، سوء‌هاضمه                      | ۳ |
| سلانه سلانه، عقرب جزاره دموکراسی، وصله‌های طیلسان آبی  | ۴ |

در کدام گزینه غلط املایی به کار رفته است؟

- ۱) صواب محض بود رزق خامشان صواب  
 ۲) ز باد صولت او خاک خواهد استعفا  
 ۳) خنده چون مینای می کم کن که چون خالی شدی  
 ۴) تا ز خود فارغ نیایم با دگر کس چون رسم  
 که گفتگو ز خطا و صواب خالی نیست  
 ز تف هیبت او آب گیرد استسقا  
 می‌گذارد چرخ بر طاق فراموشی تو را  
 ور بگویم فارغم از خود بود سودا و زن

جاهای خالی متن، با کلمات کدام گزینه کامل می‌شوند؟

"از عادات پادشاه، آنچه نکوهیده‌تر است، سفلگی است که سفله به‌حق ..... هیچ نیکوکاری نرسد و پادشاه نشاید که ..... فرمان دهد که امضای فرمان او به نازله ..... ماند که از آسمان به زمین آید و چنانچه پیش آید که ازبهر ..... کئی، مالی بسیار انفاق باید کرد، دست منع پیش خاطر خویش نیاورد."

- ۱) گزاری، بی‌تأمل، غذا، سلاح  
 ۲) گذاری، بی‌تعقل، غزا، سلاح  
 ۳) گذاری، بی‌تعقل، قضا، صلح  
 ۴) گزاری، بی‌تأمل، قضا، صلاح

در ابیات کدام گزینه غلط املایی مشهود است؟

- الف) ز روضه دیر مغان آرزو کنم در حشر  
 ب) وصل تو داشت حوزه ارباب ذوق جمع  
 ج) هر غذایی سببی دارد و من در غم دوست  
 د) به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز  
 قریب را دل محزون سوی وطن باشد  
 هجر تو کرد خاطر جموعشان پریش  
 اجلم می‌کشد و درد فراقش سبب است  
 به یار یک جهت حق‌گزار ما نرسد  
 ۱) الف، ب  
 ۲) د، ج  
 ۳) ج، ب  
 ۴) الف، ج

در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

- ۱) گر دعوی دانش کنی از بهر مباهات  
 ۲) هر یکی زان به حاجتی منسوب  
 ۳) سفر کنید از این قربت و به خانه روید  
 ۴) سپاس و شکر ایزد چون گزاریم؟  
 تسخیر نموده است تو را حب ریاست  
 لیک نامحرمان از آن محجوب  
 از این فراق ملولیم عزم فرمایید  
 مگر جان را به شکر او سپاریم

در کدام بیت، غلط املایی وجود ندارد؟

- ۱) سارقی کاو نمی‌کند اقرار  
 ۲) پس از غربت مکن غربت فراهم  
 ۳) هیون خاست از هر دری ده هزار  
 ۴) چو خُسن و پادشاهی یار باشند  
 باید اقرار خواست با اسرار  
 پس از هجران مخر هجران دیگر  
 پراکنده از دشت وز کوهسار  
 طلب کاران مفلس خار باشند

املای دو واژه "قربت / غربت" در کدام گزینه درست نیست؟

- ۱) نه مرا طاقت غربت، نه تو را خاطر قربت  
 ۲) غربت من در جهان از بهر توست  
 ۳) به محبت رسی از آن قربت  
 ۴) چون تو در قربت نیفتادی چه دانی حال من  
 دل نهادم به صبوری که جز این چاره ندارم  
 قربت خاصان درگاهم بده  
 برهی از مشقت غربت  
 محنت غربت نداند هیچ کس آلا غریب

در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینه ..... حداقل دو واژه به کار رفته است که هم‌آوای آن‌ها در زبان فارسی وجود دارد.

- ۱) کسی که راه به بحر محیط وحدت برد  
 ۲) گر صغیر کلک طوفان صور اسرافیل نیست  
 ۳) از چنین ارکان‌ها چون حاجیان بادت ثواب  
 ۴) به اختیار قضای زمان بیاید ساخت  
 غریب نیست در آغوش دشت سیلابش  
 از چه اکنون با قیام خود قیامت می‌کند  
 وز چنین انصاف‌ها چون غازیان بادت جزا  
 که دایم آن نبود کاخ‌تیار ما باشد

- (۱) یک بود و دوگشت و تا دو گردد سه  
 (۲) سراسر جهان پیش او خوار بود  
 (۳) اگر بار خار است خود کشته‌ای  
 (۴) این جا مدار کارگذاری به همت است
- کردند مرا دچار این دله  
 جوان‌مرد بود و وفادار بود  
 و گر پرنیان است خود رشته‌ای  
 از بحر آتشین گذرد نی‌سوار عشق

- (۱) من بنده به گناه خویش اعتراف می‌آرم و اگر عقوبتی فرماید مُحق و مصیب باشد که خطایی کرده‌ام و در امضای فرمان تأخیر شمرده‌ام و از بیم این مقام و حول این خطاب باز اندیشیده که ملکه جهان برجای است.  
 (۲) چه می‌ترسم که اگر از این تربت نقل کنیم، هوای قربت ما را نسازد و به توهم سود ده چهل، رأس‌المال عافیت نیز زیان کنیم که نقش انگیخته تقدیر بیشتر از آن است که در قالب انداخت ما نشیند.  
 (۳) این سخن بر شیر گران آمد، اندیشید که اگر گویم اهمال ورزیدم به تحیر منسوب گردم و اگر به قصور قوت اعتراف نمایم علامت عجز التزام باید نمود.  
 (۴) سر برآورد و گفت: ای خدمتکاری که رأی تو گره‌گشای مبهمات اغراض است، من بیرون شد این کار به دست آوردم اما به دست یاری تو اگر رسم حق‌گذاری در مساعدت به جای آرم، با تمام پیوندند.

- (الف) بر سر خون لبت دست چو من درویشی  
 (ب) هجر بیسندم اگر وصل میسر نشود  
 (ج) کو عهد و کو وثیقه که با بنده کرده‌ای  
 (د) در سرای دوستی آن به که فرشی افگنم
- به گدایی رسد آخر چو به یغما نرسد  
 خوار بردارم اگر دست به خرما نرسد  
 از عهد و قول خویش عبر می‌کنی مکن  
 خشت او باشد ز جان و خون او باشد ملات
- (۱) یک  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) دو

- (الف) ز کوی میکده برگشته‌ام ز راه خطا  
 (ب) جهانت خوش و رفتنت بر (.....) عبادت قبول و دعا مستجاب  
 (پ) بر تو فرخنده باد ماه صیام  
 (د) خلد بایدت ز کردگار (.....)
- مرا دگر ز کرم با ره (.....) انداز  
 عبادت قبول و دعا مستجاب

- (۱) صواب، صواب، ثواب  
 (۲) ثواب، ثواب، صواب  
 (۳) صواب، ثواب، ثواب  
 (۴) ثواب، صواب، صواب

"روی حال خویش با ننگ دروغ سیاه مگردان و بدان که دروغ ضمیمه ضلال است، و حقیقت بدان که عیب که از یک دروغ گفتن بنشیند به هزار راست برنخیزد و آن‌که به دروغ‌گویی منصوب گشت، اگر راست گوید، از او باور ندارند، و تا توانی با دوست و دشمن راه احسان و اجمال می‌سپری که هم در دوستی بیافزاید و هم از دشمنی بکاهد؛ و ای فرزندان، به هیچ تأویل با بدین آشنایی مکنید."

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

- (۱) چون صریح دولت از منصب شاهی خالی و عاقل ماند و مملکت را وارث و مستحقّی نبود، دشمن قصد این دیار کند و در استیصال ما کوشد.  
 (۲) و دیگر گواهی دادن الله را به یکتایی در صفت که در آن بی‌شیخ است و آن وی را صفت است نامعقول، کیف آن مفهوم و نامحدود و دور از اوهام.  
 (۳) و خردمند اگر به قلعتی ثقت افزاید که بنیاد آن هرچه مؤکدتر باشد و اساس آن هرچه مستحکم‌تر یا به کوهی که از گردانیدن باد و ربودن آب در آن ایمن توان زیست، البته به عیبی منسوب نگردد.  
 (۴) هرگاه که در این مقامات تأملی بسزا رفت و فضایل عفو و احسان مقزّر گشت، همت بر ملازمت آن سیرت مقصور شود و وجه صلاح و طریق ثواب در آن مشتبه نگردد.

در متن زیر املاي چند واژه نادرست آمده است؟  
 "پس از آن عرش را آفرید، کرسی را برقرار ساخت و دو قدم را در آن گزارد و بر همه چیز قالب گشت و قادر، پس قلم عزم در مُرگب علم غوطه‌ور گشت و به دست قدرت، در لوح محفوظ مصون، نوشت."

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

در ابیات زیر مجموعاً چند غلط املايي وجود دارد؟  
 "چو هست قرب حقیقی چه غم ز بعد مزار نظر به غربت یار است نی به قرب دیار  
 رسید عمر به پایان و داستان فراق ز حد گذشت و به پایان نمی‌رسد طومار  
 بکش جفای رقیب ار حبیب می‌خواهی کنار گل نبری گر کنی کناره ز خوار  
 چه هجر و وصل مساوی است در حقیقت عشق اگر ز هجر بسوزی بساز و وصل انگار"

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

کدام عبارت‌ها غلط املايي ندارند؟  
 الف) در کار گاو بسیار فکرت کردم و حرص نمود بدانچه بدو خیانتی منصوب گردانم.  
 ب) درویش از آنجاکه فراغت ملک قناعت است، سر برنیاورد و التفات نکرد.  
 ج) چون مرد دانا باشد، مباشرت کار بزرگ او را رنجور نگرداند و عاقل را تنهایی و قربت زیان ندارد.  
 د) به صواب آن نزدیک‌تر که مزدوری چند حاضر آرم و ستور بسیار کرا گیرم و گنج به خانه برم.

- (۱) الف - ب  
 (۲) الف - ج  
 (۳) ب - د  
 (۴) ج - د

املاي چند واژه نادرست است؟  
 "بزله و شوخی - عتاب و سرزنش - احتمام و کوشش - صدر و بالای مجلس - ذی‌حیات و زنده - پرمهابت و باعظمت - اهتزاز درفش ملی - گفتار نغز و لطیفه - بحیوحه و میان - کج و مأوج"

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

در همه گزینه‌ها به جز ..... غلط املايي وجود دارد.

- (۱) چون صورت غضب شهریار بنشست و از آنچه بود آسوده‌تر گشت، کلمه‌ای که لایق سیر حمیده و خلق کریم او بود، بر زبان براند.  
 (۲) خسرو از این سخن اعجاب تمام کرد و متعجب بماند که مگر از حول این واقعه و ترس این حادثه که او را افتاد، التماسی بدین خساست می‌کند.  
 (۳) به حُسن التفات ملک ملحوظ و به انواع کرامات محظوظ گشت تا به حدی که خرس را بر مقام او رشک بیفزود اما اظهار کردن صلاح ندانست.  
 (۴) شیری آنجا پادشاهی دارد، چنین نگارستانی را شکارستان خویش کرده و ددان آن نواهی را در دام طاعت خود آورده و اسباب عیش در آن آرام‌جای، ساخته می‌دارد.

در کدام گزینه غلط املايي می‌یابید؟

- (۱) در ثنایت معترف گردم به عجز خویشتن گر نه با طبع من اقبال تو یابد انضمام  
 (۲) ای که انگشت‌نمایی به کرم در همه شهر وه که در کار غریبان عجبت اهمالی است  
 (۳) وقت آن شیرین‌قلندر خوش که در اطوار سیر ذکر تسبیح ملک در حلقه زَنار داشت  
 (۴) اندر آن زندان ز ذوق بی‌قیاس خوش شکفت از قرص جسم تو حواس

در عبارت زیر املاي کدام واژه نادرست است؟  
 "من چون امیدوار می‌باشم به منزلت خود باز رسم و جمال حال من تازه شود طریق آن است که به حیلت در پی گاو ایستم تا پشت زمین را وداع کند و در دل خاک منزلی آبادان گرداند، که فراغ دل و صلاح کار شیر در آن است، چه در ایثار او افراط کرده و به سستی رای منصوب گشته است."

- (۱) منصوب  
 (۲) افراط  
 (۳) صلاح  
 (۴) فراغ



- ۱) لئیم‌تر دوستان اوست که در حال شدت و نکبت دوستی و صداقت را مهمل‌گذارد و غافل‌تر ملوک آن است که در حفظ ممالک و اهتمام رعایا نکوشد.
- ۲) هرگاه که در این مقامات تأملی رفت و طریق صواب در آن مشتبه نگردد و پوشیده نیست که آدمی از سهو و غفلت و جرم و ذلت کم معصوم تواند بود.
- ۳) و علما گویند که در قعر دریا با بند غوطه خوردن و در مستی لب مار دم‌بریده مکیدن خطر است و از آن هایل‌تر و مخوف‌تر خدمت و غربت سلاطین است.
- ۴) ای اصحاب صناعت و ارباب بضاعت و طایفه سنت و جماعت، سپاس خدای را که اگر به‌صورت، اختلاف اشباه است به معنی ائتلاف ارواح است و اگر به‌ظاهر تفرقه بلاد است به باطن اتحاد اعتقاد است.

"عظیمت رضاخان، غرض کردن نهال، آموزش آذرم و عفاف، خبر ترقی و انتصاب، بساط تهویه، سینه شرحه‌شرحه از فراغ، تلاًؤ قندیل پروین، درازی دست تطاول، طرب بی‌تعب، عقرب جزاره و مار قاشیه"

- |        |        |
|--------|--------|
| ۱) پنج | ۲) شش  |
| ۳) هفت | ۴) هشت |

- |                                      |                                     |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) اینجا مدار کارگزاری به همت است    | از بحر آتشین گذرد نی‌سوار عشق       |
| ۲) چه سود قرب کریمان، خسیس‌طبعان را؟ | که سوزن ارچه ز عیسی بود، نظرتنگ است |
| ۳) بی تأمل سینه بر دریای هایل می‌زنم | نیست از شوق رهایی بی‌قراری‌های من   |
| ۴) به حسن رتبت او نارسیده دست قضا    | نکرده با وی قدری زمانه غدار         |

- ۱) هریکی را مکافات‌ی درخور باشد و عقوبت ذلت و تقصیر عتاب باشد و ملامت.
- ۲) پس در آنچه در فراق او پیوندند، مبادرت نموده شود و در اتمام آنچه به دوستان برگردد، اهتزاز نماید.
- ۳) قربت و مکانت او بر نزدیکیان شیر گران آمد و در مخاصمت او با یکدیگر مطابقت کردند.
- ۴) پیر برپا خواست و عندلیب هزار نوا بینوا شده و غنای سور و سرور به غم و غصه بدل گردید.

"هیچ‌کس از سهو و زلت خالی و معصوم نتواند بود و هرگاه به‌قصد و عمد، منصوب نباشد مجال چشم‌پوشی اندر آن هرچه فراخ‌تر است و هرکه از ناصحان در مشاورت و از فقها در مواضع شبهت به رخصت راضی گردد از منافع علاج به صواب بازماند."

- |       |         |
|-------|---------|
| ۱) یک | ۲) دو   |
| ۳) سه | ۴) چهار |

- ۱) علما گویند در قعر دریا با بند غوطه خوردن و در مستی لب مار دم‌بریده مکیدن، خطر است و از آن هایل‌تر و مخوف‌تر خدمت و قربت سلاطین.
- ۲) جواب داد: رنج مفارقت تو بر من چنان مستولی شده بود که از انس وصال ایشان تفرّجی حاصل نیامد و هر که از تنهایی تو و انقطاع که بوده است می‌اندیشم، صفوت عیش من کدورت پذیرد.
- ۳) و خردمند اگر به قلعتی ثقت افزاید که بنیاد آن هرچه مؤگدتر باشد و اساس آن هرچه مستحکم‌تر یا به کوهی که از گردانیدن باد و ربودن آب در آن ایمن توان زیست، البته به عیبی منسوب نگردد.
- ۴) بیچاره به اضطرار، جلا اختیار کرد و به طرفی از ساحل دریا کشید که آنجا بیشه‌ای انبوه بود و به قوتی که از ثمرات آن حاصل می‌آمد قانع گشت و توشه راه عقبی به عنایت می‌ساخت و بضاعت آخرت به طاعت مهتا می‌کرد.

- |  |  |
|--|--|
| ۱) جهت گوهر فائغ به تک بحر حقایق       | چو به سر باید رفتن چه کنم پای دون را   |
| ۲) ای که درد سخت صاف‌تر از طبع لطیف    | گر رود سفوت این طبع سخن‌دان تو مرو     |
| ۳) چه تقصیر ازو گشت صادر چو آدم؟       | که عریان شد از هلیه یکسر شکوفه         |
| ۴) عالم پر از حمد و ثنا از طوطیان آشنا | مرغ دلم بر می‌پرد چون ذکر مرغان می‌رود |

در عبارات کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟  
 الف) گفت: جوینده این جهان همیشه در زلّ معصیت است و جوینده آن جهان همیشه در عزّ طاعت.  
 ب) عاقلان بنای کار خود و از آن دشمن بر قاعده صواب نهند و سخن خصم به سمع تمییز شنوند.  
 ج) و آنگاه بر کران چشمه ای رفت که در او گوکان بودند و ملک کامگار و متاع داشتند.  
 د) و طالبان کرامت به او قربت جویند و خود را به فضیلت منسوب دارند.

- ۱) الف، ب  
 ۲) ب، د  
 ۳) د، ج  
 ۴) ج، الف

در کدام گزینه واژه انتخاب شده برای تکمیل بیت صحیح نیست؟

- ۱) عاشق روی جوانی خوش نو ..... وز خدا دولت این غم به دعا خواسته‌ام (خواسته‌ام / خواسته‌ام)  
 ۲) زن طاق دو ابرو که به خوبی شده طاق اند کزى است در آن طاق که ..... به کسری است (منسوب / منسوب)  
 ۳) پیران صاف طینت رای ..... دارند صائب مگرد غافل از استشاره صبح (ثواب / صواب)  
 ۴) اگر گفتم دعای می‌فروشان چه باشد حق نعمت ..... (می‌گذارم / می‌گذارم)

در کدام گروه از واژه‌های زیر، غلط املائی وجود دارد؟

- الف) صنعت و پیشه  
 ب) غرامت و خسارت  
 ج) احداس و تأسیس  
 د) ثواب و صحیح  
 ه) محتسب و گرمه
- ۱) الف، ج  
 ۲) ب، ه  
 ۳) ج، د  
 ۴) الف، ب

در گروه کلمه‌های زیر چند غلط املائی وجود دارد؟  
 "منسوب به تحیّر، خولن و سفره، ثواب و مصلحت، تضرع و زاری، متاع و فرمانروا، مستغرق در بحر، ثمرت تجریت بط، فراغت و آسایش، طایر قدس"

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

در کدام گزینه غلط املائی می‌یابید؟

- ۱) با خوار بودی همنشین چون عقل با جانی قرین بر آسمان رو از زمین منزل به منزل تا لقا  
 ۲) رعدش بغرد از دل جانش ز ابر قالب چون برق بجهد از تن یک لحظه‌ای نیاید  
 ۳) ز قول بنده نبوده است هتک مستوری به لفظ بنده نرفته است کشف کتمانی  
 ۴) پس ای خاکسار گنه عن‌قربین سفر کرد خواهی به شهری غریب

در گروه واژگان زیر چند غلط املائی می‌یابید؟  
 "سقله و نادان - ظلم و بیداد - تزویر و ریاکاری - ازدهای گرز - شیر شرزه ارغند - کلاه خود - معجز و رویند - اورنگ و سریر - پنهان و نهفته - مرهم و ضماد - فسرده و یخ زده - مشت و ضربت - سطوران و چهارپایان - نحس و بدین - آوند و آویخته - میراث و پس افکند"

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) به اعتماد وفا، نقد عمر صرف مکن که عن‌قربین تو بی‌زر شوی و او بیزار  
 ۲) زبان طعن نگرده غبار مشرب ما هجوم خوار همان زیب دامن صحراست  
 ۳) کم طعنه‌ام زنی که غرقی به بحر بُهت مردید اگر هدایت بر ساحلم کنید  
 ۴) کیست آن می‌خواره و افیونی صافی‌ضمیر تا تو را گوید که ای خر، خیره عرعری می‌کشی

در گروه واژگان زیر چند غلط املائی وجود دارد؟  
 "وارهیدن از دم ستوران، نهفتن چهره، ضربت نواختن، قلب فسرده، معجر و روبند، اژدهای گرز، شیر شرزۀ ارقد، تزویر و دورویی، ظالمان سفله، صریر و تخت، عطا و بخشش، حتّاک و پرده‌داری، به‌زودی و عن‌قرب، جرئت و جسارت، سرکار گذاشتن کسی"

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- (۱) جهت گوهر فائق به‌تک بهر حقایق  
 (۲) زهی حمیده خصالی که گاه فکر ثواب  
 (۳) در گلستانی کان گلبن خندان بنشست  
 (۴) سؤال کردم از خار کاین سلاح تو چیست
- چو به سر باید رفتن چه کنم پای دولن را  
 تو را رسد که کنی دعوی جهانبانی  
 سرو آزاد به یک پای قرامت برخاست  
 جواب داد که گلزار صد عدو دارد

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) در ثنایت معترف گردم به عجز خویشتن  
 (۲) میندار اگر سفله قارون شود  
 (۳) گوشه و خوشه بساخت از پی مجد و ثنا  
 (۴) تبه گردد آن مملکت عن‌قرب
- گرنه با طبع من اقبال تو باید انضمام  
 که طبع لئیمش دگرگون شود  
 گوشه‌ آرزو عرش از صریر، خوشه‌ چرخ از بنان  
 کز او خاطر آزرده آید غریب

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) پیش از ممات هرکه فنا کرد نفس را  
 (۲) مریض الفتش تمحید آسودن نمی‌داند  
 (۳) مفارقت نکنم دیگر از حریم حرم  
 (۴) محب تو به جنان نعیم مأوا ساخت
- بعد از حیات مشربش آب بقا بود  
 مگر گرداندن رنگی دهد تغییر پهلویش  
 گرم به کعبه وصل افتد اتفاق وصول  
 حسود را به جهنم ز بغض دل جا کرد

در ابیات کدام گزینه غلط املائی می‌یابید؟

- (الف) مخور فریب صلاح توانگران زنهار  
 (ب) چون مه پی فضایش غمگین مشو ز کاهش  
 (ج) گر صواب کار خواهی اندر این وادی صعب  
 (د) در سلوک عشق کم از بچه‌ بت نیستی  
 (ه) زهی به جاه تو معمور کعبه دولت
- که روزه داشتن سفله، صرفه نان است  
 زیرا ز بعد کاهش چون مه در ازدیادی  
 از خطای نفس خود تا چند بینی اضطراب  
 در رضای دوست هردم می‌دهد او تن به آب  
 زهی به صدر تو منسوب قبله احسان

- (۱) ه، الف  
 (۲) د، ج  
 (۳) ب، د  
 (۴) ه، ج

در کدام بیت، غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) نه مرا طاقت غربت نه تو را خاطر قربت  
 (۲) چون راه سخن نیست در آن غنچه مستور  
 (۳) سر ما فرونیاید به کمان ابروی کس  
 (۴) کار صواب باده‌پرستی است حافظا
- دل نهادم به صبوری که جز این چاره ندارم  
 گوش دو جهان تنگ شکر از سخن کیست  
 که درون گوشه‌گیران ز جهان فراق دارد  
 برخیز و عزم جزم به کار صواب کن

در همهٔ گزینه‌ها به‌جز ..... غلط املائی وجود دارد.

- (۱) آن دو بت که از پس ملک بخواستند و پیش او فرود آمدند، دو اسب باشد که از جهت شاه هدیه آرند.  
 (۲) چون بخواند همگان خیره ماندند و بر او ثنا گفت و ایزد را بر سهل گردانیدن این غرض، شکرها گزارد.  
 (۳) پدر من چون طعمه بیافتی، او را مطربان خوش‌زخمه از کجا بودندی که بر سر خان غزل‌های خسروانی زدندی.  
 (۴) و نیز منزلتی نو نمی‌جویم و در طلب زیادتی قدم نمی‌گذارم که به حرص و گرم‌شکمی منصوب شوم و امیدوارم به منزلت خود باز رسم.

- ۱) سکندراینه، جمشیدجاه و فرخ‌روز  
 ۲) تا ز دور آسمان و قُرب و بعد آفتاب  
 ۳) سینۀ شرهه‌شهره‌ام شرح دهد فروغیا  
 ۴) از پی این صور و این شادی به خدمت آمده
- فلک صریر و ملک خلق و آفتاب احسان  
 گاه‌گاهی همچو گوی و گاه چون چوگان شود  
 جور و جفای مهوشان، مهر و وفای عاشقان  
 مهتران نامدار از شهرهای مشتهر (معروف)

- الف) زین نعمت بیهوده می‌گفت آن شبان  
 ب) نشان هاضمه طباخ و نام دافعه کناس (جاروب) کز این‌ها قوت افزاید برای قوت چار ارکان  
 ج) طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری  
 د) گل چو سمن غالیه در گوش داشت  
 ه) به چه‌کار آیدت ز گل تبقی
- گفت موسی با کی استت ای فلان؟  
 ارادتی بنما تا سعادتت ببری  
 مه چو فلک قاشیه بر دوش داشت  
 از گلستان من ببر ورقی

- ۱) الف، ب، ج  
 ۲) ب، ج، د  
 ۳) ه، د، ج  
 ۴) الف، ه، د

- ۱) غرق غبار و غربت، بی‌تابی و بی‌قراری  
 ۲) سپاس‌گذاری از نعمت‌ها، سایهٔ دلپذیر  
 ۳) خستگان راه بادیه، پای‌فروسدگان و واماندگان  
 ۴) ایثارگران میوه، میراث ماندگار و جاودانه

- ۱) از توسن هوس ز ازل چون پیاده‌ایم  
 ۲) زنهار پیش حکم قضا، از حیات خویش  
 ۳) گرچه در ظرف صدف بحر نگردهد مستور  
 ۴) نبی چو گفت شهید است هرکه مرد غریب
- رخش مرا تا به ابد زیر زین ماست  
 پیش لب‌ت گر آینه گیرند، دم من  
 سینۀ کیست که گنجینهٔ اسرار تو نیست  
 تو را ثواب شهیدان کربلا بادا

- ۱) این غربت را چندان در دل خود وزن منه که شکر در همهٔ ابواب واجب است و هیچ پیرایه در روز محنت چون زیور صبر نیست.  
 ۲) شاه را داعیهٔ صدق رغبت بجنید مثال فرمود که درآید، اتصال آزادچهره به خدمت پادشاه و مکالماتی که میان ایشان رفت.  
 ۳) آزادچهره گفت: آنچه می‌گویی همه خلاصهٔ خرد و مایهٔ دانش و حاصل تجربهٔ ایام است و به اشارات عقل و احکام شرع مؤکد.  
 ۴) و خردمند و حلال‌زاده را چاره نباشد از گذارد حق و تقریر صدق؛ چه هرکه بر پادشاه نصیحتی بی‌پوشاند، خود را خیانت کرده باشد.

- ۱) چنان بر خویشتن اندوه غربت را گوارا کن  
 ۲) از نفاق دوستان، دشمن گوارا می‌شود  
 ۳) من در اندیشه که بت یا مه نو یا ملکست  
 ۴) می‌گذارد داغ محرومی به دل آینه را
- که مانند گهر بیزار از یاد وطن باشی  
 مرهم خاری که رو پنهان نماید سوزن است  
 یار بت‌پیکر مهروی ملک‌سیما بود  
 سیر حُسن خود گر از چشم تماشایی کند

- ۱) چو موج آن‌کس که داد از کف عنان اختیار خود  
 ۲) حسن قریب تو مرا کرد غریب دو جهان  
 ۳) شیخ از آن کند اصرار بر خرابی احرار  
 ۴) بود مقصودش که در دست تو گردد ساخته
- همایل ساخت دست خویش را بر گردن دریا  
 فردی تو چون نکند از همگان فرد مرا  
 چون بقای خود بیند در فنای آزادی  
 در ادای قرض من دوران از آن احمال کرد

در گروه کلمات زیر به ترتیب چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی دارای غلط املائی هستند؟  
 "آخرین رمق‌ها، شبح شما، هزین‌ترین لحن، زله‌شدن بچه‌ها، تلّ خاک، انهدام تیربار، صدای محیب، ملاحظه ماه، جثه آدم، اصرارهای من، لوله سلاح، تهدید دشمن، تفره رفتن شما"

- (۱) دو - سه  
 (۲) سه - سه  
 (۳) سه - دو  
 (۴) دو - دو

در کدام بیت، غلط املائی یافت می‌شود؟

- (۱) دوش در صومعه آمد صنم باده‌فروش جام می بر کف و زَنار حمایل بر دوش  
 (۲) خلیل عشق دلدارم ز آتش گلشنی دارم از آن رو جانب آتش ز صحن روزه بگیریم  
 (۳) بود مقصودش که در دست تو گردد ساخته در ادای قرض من دوران از آن اهمال کرد  
 (۴) سلاح خویش ز لاحول ساز زانکه تو را غرور غول، سراسیمه کرد در صحرا

در چند مورد املائی واژه مشخص شده، غلط است؟

- الف) وحدت از یاد دویی اندوه کثرت می‌کند در وطن ز اندیشه (غربت - قربت) وطن گم کرده‌ام  
 ب) همچو گل یک سال اگر کردیم (قربت - غربت) اختیار مزده بلبل را که دیگر با گلستان آمدم  
 ج) مرا که نیست به خاک درت امید وصول کجا به منزل (قربت - غربت) بود مجال نزول  
 د) ز آسمان تا کرد میل (قربت - غربت) اهل زمین شه به فرّ او زمین چون آسمان آراسته

- (۱) یک  
 (۲) دو  
 (۳) سه  
 (۴) چهار

ابیات کدام گزینه فاقد غلط املائی است؟

- الف) مسوم هیبت او گر گذر کند بر آب صدف ز صورت او گوهر مذاب دهد  
 ب) جهان قلمرو امن است اگر توان گردید چو طبع کر به اشارت ز هر سخن محظوظ  
 ج) سقراط طفل درس او، طوبی معنی قرص او تیر سپهر از ترس او خط شسته، دفتر سوخته  
 د) امروز بر این حوض طرب کن که تو راست فردا لب حوض کوثر و صدر بهشت  
 ه) نگذاشت مرا دست تولّی تو مغلوب مغلوب نگشت آن که شد از حق به تو منصوب

- (۱) الف، هـ  
 (۲) ب، ج  
 (۳) د، هـ  
 (۴) د، ب

آرایه‌های مقابل ابیات همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... تماماً درست ذکر شده است.

- (۱) گر تو یوسف‌صفت از خانه به بازار آیی دل شهری همه بر آتش سودا فکنی (مجاز - ایهام تناسب)  
 (۲) بی خون جگر، معنی رنگین ندهد روی چون نافه بریدند به خون، ناف سخن را (کنایه - حس‌آمیزی)  
 (۳) بحر از باد مخالف می‌شود شوریده‌تر از نصیحت مست را هشیار کردن مشکل است (اسلوب معادله - جناس)  
 (۴) سرّ شراب عشقش مست مدام داند هشیار چون نخورده است او را خبر چه باشد (ایهام - متناقض‌نما)

در کدام گزینه غلط املائی می‌یابید؟

- (۱) همچو شمعت قربت هستی بلاگردان بس است رنگ‌ها داری که می‌گردد همان گرد سرت  
 (۲) صبوری پیشه کن تیمار بگزار به تقدیر خدا این کار بگذار  
 (۳) سخت‌پای و ضخمران و راست‌دست و گردشَم تیزگوش و پهن‌پشت و نرم‌چرم و خُردموی  
 (۴) دو کون از صنع او یک گل به باقی ز ملکش نه فلک یک شب‌چراغی

در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- (۱) گر به خوبان دگر پیش تو هم از پی غیر گنهی نیست ز تحدید جزا چیست غرض  
 (۲) شهید گشت مروّت قریب گشت هنر ذلیل گشت معارف یتیم گشت وطن  
 (۳) اگر صبا ز سر کوی او رسد، "شاهی" نسیم روضه به جان ستم‌رسیده رسد  
 (۴) سیاه‌بختی من شرح ده مشو غافل شکسته‌حالی من عرض کن مکن احمال

- ۱) هرگاه حوادث به عاقل محیط شود، باید که در پناه صواب دود و بر خط اسرار ننماید و آن را ثبات عزم و حُسن عهد نام نکند.
- ۲) شاه مرغان سلیمان وار نشسته بود و بزم و بارگاهی چون نزهتگاه خُلد آراسته. شاهین که امیر صلاح بود، کلاه زر در سر کشید و بالای سر او به تفاخر ایستاده.
- ۳) چون پدر درگذشت و آن همه خاسته و ساخته پیش پسر گذاشت، پسر دست به اتلاف و اسراف درآورد و با جمعی از اخوان شیاطین، خوان افراط بازکشید.
- ۴) چنانکه در باب مبدأ از بدایت فطرت ارواح و اشباح و ملک و ملکوت شرحی داده آید و در باب معاش از تربیت انسان، طرفی نموده شود.

۱ در کدام بیت زمینه میهنی حماسه دیده می‌شود؟

- (۱) بجنید رهام زن رزمگاه      برون تاخت اسب از میان سپاه  
 (۲) بزرگان ایران گشاده دل اند      تو گویی که آهن همی بگسلند  
 (۳) بدو داد شاه اختر کاویان      بر آن‌سان که بودی به رسم کیان  
 (۴) به رزم اندرون کشته شد اشکبوس      وزو شادمان شد دل گیو و طوس

۲ مفهوم کدام بیت از عبارت "این فصل بدان آوردم تا مردم بدانند که به شدتی که از روزگار پیش آید نباید نالید." دور است؟

- (۱) مرد آن است که در کشاکش دهر      سنگ زیرین آسیاب باشد  
 (۲) پس از دشواری آسانی است ناچار      ولیکن آدمی را صبر باید  
 (۳) سختی ایام نتواند مرا خاموش کرد      خنده‌ها چون کبک در کوه و کمر باشد مرا  
 (۴) با تهیدستان ندارد سختی ایام کار      سرو بی‌حاصل ز سنگ کودکان آزاده است

۳ کدام بیت مفهوم متفاوتی دارد؟

- (۱) مملکتی بهتر ازین ساز کن      خوش‌تر ازین حجره دری باز کن  
 (۲) هرچه دهد مشرقی صبح بام      مغربی شام ستاند به وام  
 (۳) چنین است رسم سرای درشت      گهی پشت بر زین گهی زین به پشت  
 (۴) منزل فانیسست قرارش مبین      باد خزانیسست بهارش مبین

۴ به ترتیب کدام ابیات از ابیات زیر با دو عبارت "الدهرُ یومانِ یومٌ لکَ و یومٌ علیکَ" و (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ) قرابت معنایی دارند؟

- الف. در گیتی ای شگفت کران داشت هرچه داشت  
 ب. چنین است رسم سرای سپنج  
 ج. همه مرگ راییم شاه و سپاه  
 د. گرید همی نیاز جهان از عطای تو  
 چون بنگرم عجایب گیتی کران نداشت  
 گهی نوش بار آورد گاه رنج  
 اگر دیر مانیم اگر چند گاه  
 خندد همی عطای تو بر گنج شایگان

- (۱) الف، د  
 (۲) الف، ج  
 (۳) ب، د  
 (۴) ب، ج

۵ مفهوم بیت کدام گزینه از دیگر ابیات دور است؟

- (۱) اگر خواهی که پیش افتی به هر گام      به ترک خود نباید گفت ناکام  
 (۲) ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید      هم مگر لطف شما پیش نهد گامی چند  
 (۳) خواهی که مقام "لی مع الله" یابی      گامی بنه از من و تویی پیش ترک  
 (۴) ز منزل هوسات ار دو گام پیش نهی      نزول در حرم کبریا توانی کرد

بیت کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی بیشتری دارد؟

"تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود"

- ۱) دلم ببرد و به جان زینهار می‌دهد کسی به شهر شما این کند به جای کسی؟
- ۲) هر گلی کز نوبهار کام دل آید به عرض باغبانش خرمن آراید به دوران شما
- ۳) اگر غیری نظربازی کند با صورت دیگر مرا منظور در آفاق، باری، نیست غیر از تو
- ۴) من اگر باده خورم و نه چه کارم با کس حافظ راز خود و عارف وقت خویشم

بیت "تا خار غم عشقت آویخته در دامن کوه‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها" با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- ۱) به وفای تو کز آن روز که دلبند منی دل نبستم به وفای کس و در نگشایم
- ۲) دوستان گویند سعدی دل چرا دادی به عشق تا میان خلق کم کردی وقار خویش را
- ۳) ز دست عشق تو هر جا که می‌روم دستی نهاده بر سر و خاری شکسته در پایی است
- ۴) ای بادیۀ هجران تا عشق حرم باشد عشاق نیندیشند از خار مگیلانت

کدام بیت با بیت "گفتم که بوی زلفت، گمراه عالمم کرد گفتا اگر بدانی، هم اوت رهبر آید" نزدیکی معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) آن کس از دزد بترسد که متاعی دارد عارفان جمع بگردند و پریشانی نیست
- ۲) هین خمش باش و ببندیش از آن جان غیور جمع شو گر نبود حرف پریشان چه شود
- ۳) جمع کن به احسانی حافظ پریشان را ای شکنج گیسویت مجمع پریشانی
- ۴) دل پریشان نبد آن روز که تنها بود کرد جمعیت نااهل پریشانش

کدام بیت با عبارت زیر ارتباط معنایی دارد؟

"الهی، اگر طاعت بسی ندارم، اندر دو جهان جز تو کسی ندارم."

- ۱) تو نه مرد گل بستان امیدی سعدی که به پهلو نتوانی به سر خار برفت
- ۲) چه باشد گر ز رحمت پارسایی کند در کار درویشی دعایی
- ۳) هر کس امیدوار به اعمال خویشتن سعدی امیدوار به لطف و عطای توست
- ۴) سعدی به جفا دست امید از تو ندارد هم جور تو بهتر که ز روی تو صبوری

همهٔ ابیات به جز بیت گزینهٔ ..... بیانگر مفهومی مشترک هستند.

- ۱) منم چو شبنم گل آبروی گلزارش نمی‌شود نکند حسن دیده‌بانی من
- ۲) منم که قیمت یا قوت داغ می‌دانم سرشک را گهر شب چراغ می‌دانم
- ۳) لامکان سیرتر از عشق بود همت من چرخ کبکی است که در چنگل شهباز من است
- ۴) صائب منم امروز که در نه صدف چرخ پیدا نتوان کرد کسی هم‌گهر من

کدام بیت با عبارت "بکوش تا گندم‌نمای جوفروش نباشی" قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور که نان گندم درویش طعم جو دارد
- ۲) مباف جامۀ روی و ربا که جز ابلیس کس این دو رشتهٔ پوسیده بود و تار نکرد
- ۳) ز طاعتی که کنی بهر خلق از آن اندیش که آن رفیق تو را دزد راه خواهد بود
- ۴) تخم رسوایی دهد بر، دانهٔ تسبیح زرق آری آری دانه جنس خویش را بار آورد

کدام بیت با سایر ابیات تفاوت مفهومی دارد؟

- ۱) دوستان را دیده‌های عیب‌بین پوشیده است عیب خود را از زبان دشمنان باید شنید
- ۲) پردهٔ مردم دریلن پردهٔ عیب خود است عیب خود می‌پوشد از چشم خلایق عیب‌پوش
- ۳) به عیب خویش بپرداز تا شوی بی‌عیب مباش آینهٔ عیب دیگران زنهار
- ۴) با هزاران چشم می‌جوئیم عیب خویش را چون رسد نوبت به عیب خلق، ستاریم ما



- ۱) دستگیری می‌کنم آن را که گیرد دست من / چون دعا دارد اثرها زیر لب خواندن مرا  
 ۲) چراغ زندگی را گر جهان افروز می‌خواهی / مده از دست چون دامن شب‌ها دستگیری را  
 ۳) دستگیری نیست پیری را به جز افتادگی / این کهن دیوار را تعمیر کردن مشکل است  
 ۴) عمر کوتاه می‌شود از دستگیری پایدار / در بساط زندگانی خضر از آن جاوید ماند

مفهوم کدام گزینه با مصراع "شکر نعمت، نعمت افزون کند" قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) نیافرید خدایت به خلق حاجتمند / به شکر نعمت حق در به روی خلق میند  
 ۲) خردمند طبعان منت‌شناس / بدوزند نعمت به میخ سپاس  
 ۳) به جز شکر نعمت نگیرد که شکر / عقاب است و نعمت چو کبک دری  
 ۴) نعمت آن راست زیادت که همه شکر کند / تو نه‌ای از در نعمت که همه کفرانی

کدام بیت با دیگر گزینه‌ها قرابت ندارد؟

- ۱) گر نمی‌خواهی در آتش سوختن / بایدت اندرز ما آموختن  
 ۲) گر از سوختن رست خواهی همی‌شو / به آموختن سر بنه بر ستانه (آستانه)  
 ۳) هرکه از آموختن ندارد ننگ / دُر برآرد ز آب و لعل از سنگ  
 ۴) سر از قلاده آموختن مپیچ و بدان / که دیگران هم از آموختن شدند استاد

همه ابیات به جز بیت گزینه ..... بیانگر مفهومی یکسان هستند.

- ۱) از دم تیغ است پشت تیغ بی‌آزارتر / هرکه می‌گرداند از من روی، ممنونش منم  
 ۲) می‌شود پرشور هر وادی که مجنونش منم / وقت ملکی خوش که در صحرا و هامونش منم  
 ۳) چارباغ عالم از طبع روانم تازه است / دجله و نیل و فرات و رود جیحونش منم  
 ۴) هرکه کرد ادراک من دریافت راز چرخ را / آسمان سربسته مکتوبی است مضمونش منم

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) دل‌وجان را به بُعد و قربت تو / هست در امر و در مشیت تو  
 ۲) دمی طاعت به است از هشت جنت / که اعیان است در وی نور قربت  
 ۳) گر غبار بندگی سازی طراز آستین / بر در قربت توانی گشت خاک آستان  
 ۴) به طاعت قرب ایزد می‌توان یافت / قدم در نه گرت هست استطاعت

بیت زیر با همه ابیات قرابت مفهومی دارد به جز .....  
 "خدمت حق کن به هر مقام که باشی / خدمت مخلوق افتخار ندارد"

- ۱) در خدمت حق گر تو مردانه کمر بندی / بخشد به تو هر لحظه تاج و کمری دیگر  
 ۲) خواهی که قبول حق بود خدمت تو / یک جو ز حق خدمت کس بازگیر  
 ۳) ای فیض بیا به جانب حق رو کن / این روی و ربای خلق را یکسو کن  
 ۴) کار حق کن بار حق کش جز ز حق / هیچ‌کس را کار و باری دیده‌ای

مفهوم مقابل عبارت "الصبر مفتاح الفرج" در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) رفتی و مرا ماندی در کنج شکیبایی / ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی  
 ۲) راست گفתי که فرج یابی اگر صبر کنی / صبر نیک است کسی را که شکیبایی هست  
 ۳) صبر می‌زد لاف چون طوفان غم بالا گرفت / عاجزی شد زانکه کشتی درخور طوفان نداشت  
 ۴) می‌کند بی تو شکیبایی یعقوب، کمال / که جمیلی تو و صبر از تو بود صبر جمیل

- (۱) چون تو را میل و مرا از تو شکیبایی نیست
  - (۲) بر دل شیدا نهم داغ شکیبایی و صبر
  - (۳) گفتمی که شکبیا شو تا نوبت وصل آید
  - (۴) کنون چنان که همی بایدت بکش، ای دوست
- صبر خواهم که کنم لیک توانایی نیست  
سینه گر نتوانمت بر سینه سیمین نهاد  
تو پیش نظر وانگه امکان شکیبایی  
که عقل و صبر مرا دست اختیار بماند

- (۱) گو چشمه آب کوثر و بستان بهشت باش
  - (۲) سنبل فردوس ریزد خار در پیراهنش
  - (۳) آن پری کیست که از عالم جان روی نمود
  - (۴) کی به دست سنبل فردوس دل خواهیم داد
- ما را مقام بر سر این کوی خوش تر است  
دیدۀ هرکس که شد آینه دار خط تو  
وین چه حوری است که بر ما در فردوس گشود  
ما که در سودای زلف یار دل دل می کنیم

- (۱) عالم خاک به جز صورت دیواری نیست
  - (۲) نبود سیرت شایسته خودآرایان را
  - (۳) به فکر زینت باطن کسی نمی افتد
  - (۴) موی سفید و روی سیه عیب مشک نیست
- چه در این صورت دیوار تو حیران شده ای؟  
که برون ساز محال است درون ساز شود  
مدار مردم عالم به ظاهر آرای است  
با خلق خوش به صورت زیبا چه حاجت است؟

- (۱) راحت و رنج حیات گذران است چو موج
  - (۲) گنج و رنج و غم و شادی جهان در گذرند
  - (۳) دوام خنده شادی چو غنچه یک دهن است
  - (۴) خوش برانیم و بدانیم به هرگونه که هست
- نشود شادی و غم پای نفس را زنجیر  
عاقل آن به که در اندیشه پایان باشد  
خوشم به تنگ دلی با غم همیشه خویش  
راحت و محنت ایام به سر خواهد شد

- (۱) نعل هرکس را که شوق کعبه در آتش گذاشت
  - (۲) گر بود شوق حرم بعد منازل سهل است
  - (۳) از خیال یار، دل شد کعبه حاجت مرا
  - (۴) توشه راه است برق گرم رو را خاروخس
- جای چون مژگان دهد خار مغیلان را به چشم  
هجر در راه حقیقت نکند منع وصال  
نقش شیرین در نظرها ساخت شیرین سنگ را  
کعبه رو دلگیر از خار مغیلان کی شود؟

- (۱) مقام ما به سر کوی یار خواهد بود
  - (۲) نسیم او همه دلکش تر از نسیم بهشت
  - (۳) گفتم خوشا هوایی کز باد خلد خیزد
  - (۴) بوی بهشت می گذرد یا نسیم دوست
- که بر بهشت برین اختیار خواهد بود  
هوای او همه خرم تر از هوای بهار  
گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید  
یا کاروان صبح که گیتی منور است

- (الف) دامن گره به دامن ساحل نمی زند
  - (ب) دریاست دهر کشتی خویش استوار دار
  - (پ) موج این دریا نجوید ساحل آرام را
  - (ت) پای همت در دل دریا نهم تا در شوم
  - (ث) آشفته و مستیم و بر گذرگاه
- موجی که خو به شورش دریا گرفته است  
دریا تهی ز فتنه طوفان نمی شود  
طاقت و آسودگی از من گریزان باد و هست  
قطره نیسانم از طوفان چه می ترسانی ام  
سنگ و چه و دریا و کوهسار است

- (۱) الف، پ، ت
- (۲) ب، ت، ث
- (۳) الف، پ، ث
- (۴) پ، ت، ث

- ۱) مرگ می‌باشد علاج تشنه‌کامی‌های حرص  
 ۲) مرگ است چاره زندگی ناگوار را  
 ۳) مرگ را بر خود گوارا کن در ایام حیات  
 ۴) مرگ چون موی از خمیر آسان کشد بیرون تو را  
 پر نشد پیمانه تا پیمانه نشکست و نریخت  
 جز مرگ اگر تو چاره‌گری یافتی بگو  
 در بهارن بگذران فصل خزان خویش را  
 ریشه گر در سنگ داری در دیار زندگی

کدام بیت با سایر ابیات قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) صائب ز اهل عقل شنیدن حدیث عشق  
 ۲) ای چشم عقل خیره در اوصاف روی تو  
 ۳) خرد حیران در آن وصف و بیان است  
 ۴) عقل از تو چه دریابد تا وصف تو اندیشد  
 اوصاف یوسف از لب اخوان شنیدن است  
 چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی  
 که هر وصفش که گویم بیش از آن است  
 در عقل نمی‌گنجی در وصف نمی‌آیی

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) بدین زور و زر دنیا چو بی‌عقلان مشو غزه  
 ۲) مست است زمین زیرا خورده است به‌جای می  
 ۳) خاک بغداد به مرگ خلفا می‌گرید  
 ۴) شاهان بر آستان جلالت نهاده سر  
 که این آن نوبهاری نیست کش بی‌مهرگان بینی  
 در کاس سر هرمز خون دل نوشرون  
 ورنه این شطّ روان چیست که در بغداد است  
 گردنکشان مطاع و کیخسرون گدا

کدام گزینه از مفهوم بیت زیر دور است؟

"مپندار این شعله، افسرده گردد که بعد از من افزود از مدفن من"

- ۱) فسردگی مطلب از دلم که در ایجاد  
 ۲) اگر به تربت مجنون بری ز لیلی نام  
 ۳) خاک شد دیده غمدیده مجنون و هنوز  
 ۴) ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم  
 به تیغ شعله بریدند ناف داغ مرا  
 فغان "احرق قلبی" برآید از کنفش  
 چشم جان، جانب لیلی نگران است هنوز  
 که لاله می‌دمد از خاک تربت فرهاد

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) خاک این باغ به خوناب جگر آغشته است  
 ۲) ز فیض خاکساری دانه نخل پایداری شد  
 ۳) افتادگی آموز اگر طالب فیضی  
 ۴) شبیم به آفتاب رسید از فروتنی  
 برگ گل آینه روی خزان است اینجا  
 تو گر از پا درآیی شهبواری می‌شود پیدا  
 هرگز نخورد آب زمینی که بلند است  
 افتاده شو مگر تو هم از خاک بر شوی

کدام گزینه با بیت "آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد" تناسب معنایی دارد؟

- ۱) مرگ را در طینت آسوده‌طبعان راه نیست  
 ۲) آرزویی به دل خسته به‌جز مرگ نماند  
 ۳) زندگانی است که جز مرگ سرانجام نداشت  
 ۴) زلال خضر تو را پیش‌مرگ خواهد شد  
 آتش یاقوت بیدل، ایمن از خاکستر است  
 چوب خشک است درختی که بر او برگ نماند  
 گر نمی‌بود نفس صبح کسی شام نداشت  
 چنان‌که سرو تو را پایدار می‌بینم

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) پادشاهی که طرح ظلم افکند  
 ۲) پایداری به عدل و داد بود  
 ۳) تخم ظلم شاه نافرمانی مردم بود  
 ۴) از ظلم حذر کن اگر ت باید ملک  
 پای دیوار ملک خویش بکند  
 ظلم و شاهی چراغ و باد بود  
 جو چو کاری حاصل آن کشته کی گندم بود  
 در سایه معدلت بیاساید ملک

- ۱) زینهار از قرین بد زینهار و قِنَا رَبَّنَا عَذَابَ النَّارِ  
 ۲) جز صراحی و کتابم نبود یار و ندیم تا حریفان دغا را به جهان کم بینم  
 ۳) با اهل هنر گوی گریبان بگشا و ز نااهلان تمام دامن درکش  
 ۴) اگر در جهان از جهان رسته‌ای است در از خلق بر خویشتن بسته‌ای است

- ۱) هلاک خویشتن می‌خواهد آن مور که خواهد پنجه کردن با عقابی  
 ۲) با عقاب تیزچنگ و با همای خوب‌پر ابلهی باشد که رقاصی کند کبک دری  
 ۳) بی‌خرد باشد هر آن‌کس شیر خواند مر تو را زانکه تو فیل‌افکنی شیران بوند آهوفکن  
 ۴) با شیر پنجه‌کردن روبه نه رای بود باطل خیال بست و خلاف آمدش گمان

- ۱) کسی را که رستم بود هم‌نبرد سرش ز آسمان اندر آید به گرد  
 ۲) وگرنه بیوشم سلیح نبرد به جنگ اندر آیم به کردار گرد  
 ۳) تهمتن به قلب اندر آمد نخست زمین را به خون دلیران بشست  
 ۴) همه کار من گشت خواهد تباه بترسم درآید به خاکم کلاه

- ۱) خانه را خوار کن خورش را خرد از جهان جان چنین توانی برد  
 ۲) تن که تو اش پرورش جان دهی پرورش لقمه موران دهی  
 ۳) هفت گاو فربه بس پروری خوردشان آن هفت گاو لاغری  
 ۴) کشاورز بر گاو بندد لباد (یوغ) ز گاواهن و گاو جوید مراد

- ۱) با ضعیفان پنجه کردن نیست کار اقویا در قفس دارد نیستان شیر خون‌آشام را  
 ۲) پنجه کردن با زبردستان ندارد حاصلی سیل چون آمد در کاشانه می‌باید گشود  
 ۳) هلاک خویشتن می‌خواهد آن مور که خواهد پنجه کردن با عقابی  
 ۴) جنگ و زورآوری مکن با مست پیش سرپنجه در بغل نه دست

- ۱) سحر را با معجزه کرده قیاس هردو را بر مکر پندارد اساس  
 ۲) هردو صورت گر به هم ماند رواست آب تلخ و آب شیرین را صفاست  
 ۳) زین عصا تا آن عصا فرقی است ژرف زین عمل تا آن عمل راهی شگرف  
 ۴) حرف ظرف آمد در او معنی چو آب بحر معنی، عنده ام‌الکتاب

- ۱) برادران به جهان اعتماد کی شاید که می‌بکاهد شادی و غم بیفزاید  
 ۲) خویشتن در بند نیک و بد مکن ازبهر آنک زشت و خوب و وصل و هجران درد و درمان بگذرد  
 ۳) غصه چون دست برآرد تو به می دست‌گرای که چو سرمست شوی غصه به سر خواهد شد  
 ۴) جهان گویی همه خواب‌وخیال است خیال و خواب اگر نبود، چه حال است

مفهوم کدام ابیات با جمله "چه سود که حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند." متناسب است؟

- الف) سیاهان حیش ترکان چینی  
 ب) ز همنشینی جانان تمتعی یابد  
 ج) رخس سیه شده اندک ز همنشینی زلف  
 د) گرد کی گردد به گرد دامنش  
 ه) باد کز لطف اوست جان بر کار

- ۱) ج، ه  
 ۲) الف، ه  
 ۳) ب، د  
 ۴) الف، د

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) برهم خورد از جوهر خود آینه صاف  
 ۲) لاله داغ است از فغان بلبل و گل بی‌خبر  
 ۳) تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم  
 ۴) نبسته جز بدی من، کمر به کینه مرا  
 حیرت زده از جنبش مزگان گله دارد  
 آشنا رحمی نکرد اما دل بیگانه سوخت  
 از که می‌نالی و فریاد چرا می‌داری؟  
 ز سنگ گوهر خود نالد آبگینه مرا

زمینه حماسه در کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) بیامد بگسترد سیمرغ پر  
 ۲) به نام است سهراب گرد دلیر  
 ۳) ز ششصد همانا فزون است سال  
 ۴) بدزد جگرگاه دیو سپید  
 ندید اندرو هیچ آیین و فر  
 نه از دیو پیچد نه از پیل و شیر  
 که تا من جدا گشتم از پشت زال  
 ز شمشیر او گم کند راه شید

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) روز رزم ار شیر بیند تیغ آتش‌بار او  
 ۲) تهمتن برآشفتم و با طوس گفتم  
 ۳) شیرافکنی که در رزم گر شیر بیند او را  
 ۴) خدنگ او نگرگ آسا به روز رزم مرگ آسا  
 ناخن از بیمش کند در پنجه پنهان گربه‌وار  
 که رهام را جام باده است جفتم  
 از پیش او گریزد چون شیر دیده روباه  
 به گاه ضرب گرگ آسا به گاه حمله شیرآیین

کدام گزینه با عبارت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

"عزیزی گفتم: چرا زبون این ناکس شده‌ای؟ عیسی گفتم: من از سخن او جاهل نمی‌گردم او از خلق و خوی من عاقل می‌گردد."

- ۱) صحبت نیکان بود اکسیر ناقص طینتان  
 ۲) از بدن فیض محال است به نیکان نرسد  
 ۳) بدن را صحبت نیکان به اصلاح آورد گاهی  
 ۴) ما خصم را به روز تواضع کنیم دوست  
 می‌شود یاقوت در پیمانۀ گل، ژاله‌ها  
 تیر کج باعث آرام نشان می‌گردد  
 که شیرین کام تلخ بحر از آب گهر گردد  
 بیرون برد ز تیر کجی را کمان ما

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را  
 ۲) غایب از خود نشده چون پیش او حاضر شوم  
 ۳) غایب مباش یک‌نفس از دوست زان که دوست  
 ۴) ز دیده غایب اگر شد به دل بود حاضر  
 کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را  
 نیست جز غیبت ز خود سرمایه ذوق حضور  
 در غیبت و حضور تو پیوسته حاضر است  
 یکی است در دل مؤمن حضور و غیبت شاه

کدام بیت با عبارت "وسعت تو را چگونه در سخن تنگ‌مایه گنجانم؟" تناسب معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) جز وصف و ذکر تو نکم ز آنکه خوش‌تر است
  - ۲) کمال حسن وجودت به وصف راست نیاید
  - ۳) سعدی بس از این سخن که وصفش
  - ۴) ز وصف آن دهان من در شگفتم
- وصفت ز هر حکایت و ذکر ت ز هر سخن  
مگر هم آینه گوید چنان‌که هست حکایت  
دامن ندهد به دست ادراک  
که مردم چون سخن گویند بر هیچ

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) خارخار حرص، فلس از طینت ماهی نبرد
  - ۲) به می رفع کجی مشکل بود از طبع کج طینت
  - ۳) از صحبت نیکان نشود طینت بد نیک
  - ۴) رهزن از راه محال است نهد پای به راه
- چون ز جمعیت شود دل جمع، دنیا دار را؟  
به زور سیل نتوان راست کردن قلم را  
بادام همان تلخ برون از شکر آید  
طینت کج قلمان راست به مسطر (: خط‌کش) نشود

کدام گزینه با عبارت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

"بعضی دیگر از بچه‌ها گوشه خلوتی یافته‌اند و گذشته خویش را با وسواس یک قاضی می‌کاوند و سراپای زندگی خویش را محاسبه می‌کنند و وصیت‌نامه می‌نویسند و تو به ناگاه دلت می‌لرزد: آیا وصیت‌نامه‌ات را تنظیم کرده‌ای؟"

- ۱) دم را شمرده ساز که مردان خود حساب
  - ۲) جواب پرسش اعمال خود مهیا کن
  - ۳) آسوده از حساب به روز شمار شد
  - ۴) مرا چه صبح ز روز جزا مترسانید
- دامن به دست پرسش محشر نداده‌اند  
شدن ز شرم و خجالت چو آب در پیش است  
اینجا کسی که درد و غم بی‌شمار یافت  
همیشه روز حساب است دم شمارن را

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) صحبت نیکان، بدان را خوب رسوا می‌کند
  - ۲) به رنگ خویش کنندت بدان، نبینی آن
  - ۳) حذر ز صحبت ناجنس حرز عاقبت است
  - ۴) بدخو شدی ز خوی بد یار بد چنانک
- می‌نماید تلخی بادام افزون در شکر  
که زر به صحبت سیماب سیم‌گونه شود  
که خون ز سرانگشت خار می‌ریزد (حرز = چشم‌زخم)  
خنجر خمیده گشت چو خمیده شد نیام

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) خلوت‌گزیده را به تماشا چه حاجت است
  - ۲) تا خار غم عشقت آویخته در دامن
  - ۳) ای باغ نیکویی، گل روی تو را چمن
  - ۴) با روی تو فارغ ز گلستان بهشتیم
- چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است  
کوته‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها  
گل‌درچمن دریده ز شوق تو پیرهن  
با بوی تو مستغنی از انفاس بهاریم

مفهوم چند بیت با آیه (كَلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةً الْمَوْتِ) متناسب است؟

- الف) آتش سودا نمی‌خواهد به افسون اجل
  - ب) نزد گرگ اجل، چه بره، چه گرگ
  - ج) این رمه مرگ‌مرگ راست همه پاک
  - د) بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر
  - ه) نمی‌سازد اجل از گفتگوی عشق خاموشم
- مرغ نتواند هنوز از تربت مجنون گذشت  
پیش حکم قضا، چه خاک و چه باد  
آن‌که چون دنیه است و آن‌که خشک و نزار است  
که عاقبت برود هرکه او ز مادر زاد  
من آن طفلم که درس خویش در آدینه می‌خوانم

- ۱) یک  
۲) دو  
۳) سه  
۴) چهار

- ۱) در حجره مهجوران چون کلبه زنبوران هم نیش کشیدستی هم نوش نهادستی  
 ۲) برگ‌ها هم‌رنگ باشد در نظر میوه هریک بود نوعی دگر  
 ۳) گر به مثل سنگ طور آینه گردد طاقت آن حسن بی‌مثال ندارد  
 ۴) حقا که تویی سایه حق گرچه به تحقیق مه صد یک آن نور ندارد که تو داری

مفهوم عبارت "نیکو، بهتر هزار بار از نیکورو." با مضمون کدام بیت متناسب نیست؟

- ۱) چون می روشن در آینه صافی خوی جمیل از جمال روی تو پیدا  
 ۲) چو در غیب نیکو نهادت سرشت نباید ز خوی تو کردار زشت  
 ۳) در صورت تو سیرت زیبای ملک بود آن ظاهر آزرده، فریبای ملک بود  
 ۴) بی‌جان حسن معنی صورت به کار نابد گر تو جمال یوسف یا یوسف جمالی

عبارات زیر با همه ابیات قرابت مفهومی دارد؛ بهجز .....  
 "با صدایی که به قول معروف، گویی از ته چاه درمی‌آمد، با زهرخندی گفت: داد زن؛ من گوش استماع ندارم، لکن تقول."

- ۱) این نصیحت نزد تو چون ماجراست پند من در گوش او باد هواست  
 ۲) "اوحدی" پند لطیف است و نصیحت، لیکن با حریفان، عجب از پند کسی بپذیرم  
 ۳) از پی عشق نصیحت چه کنی خسرو را باری آن‌کس که نصیحت شنود عاقل هست  
 ۴) نغمه عشاق را شرط است حسن استماع در حضور بلبلان چون گل سراپا گوش باش

مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱) چو شه در عدل خود نمود سستی پدید آمد جهان را تندرستی  
 ۲) اگر زمانه بنام ز عدل او نه شگفت که عدل او ز حوادث زمانه را سپر است  
 ۳) رسم ستم نیست جهان یافتن ملک به انصاف تون یافتن  
 ۴) ظلم را بندد به جای عدل کار عدل را داند به سان ظلم عار

کدام بیت با بیت زیر تناسب مفهومی دارد؟

"گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز گفتم ز خوبرویان این کار کمتر آید"

- ۱) محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد؟ از گلشن زمانه که بوی وفا شنید؟  
 ۲) دل خویش را بگفتم چو تو دوست می‌گرفتم نه عجب که خوبرویان بکنند بی‌وفایی  
 ۳) خوش است از خوبرویان که جفا گاهی وفا لیکن ز من مهر و وفا از تو همه جور و الم باشد  
 ۴) خوبرویان جفاپیشه وفا نیز کنند به کسان درد فرستند و دوا نیز کنند

ابیات همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... بیانگر مضمونی مشترک هستند.

- ۱) گور ظالم نگر از رخت پر از نقش و نگار که برون نقش و نگار است و درون ناله زار  
 ۲) قهر نادان نکند آبروی علم به گور دست ظالم نزند شیشه انصاف به سنگ  
 ۳) حکیم گوید در گور سگ شود ظالم مگر ز گور وی آواز سگ شنید حکیم  
 ۴) زمین چو گور ستمگر ز بس که تافته شد به رنگ دود سزد گر دمد ز خاک گیاه

مفهوم ابیات همه گزینه‌ها یکسان است؛ به جز:

- ۱) ز بدگهر همه نیک تو بد شود لیکن به قول نیک تو فعل بدش نکو نشود  
 ۲) به فعل و قول زبان یک‌نهاد باش و مباش به دل خلاف زبان چون پیشیز زرانود (پیشیز: پول فلزی کم‌ارزش)  
 ۳) قول چون خرما و همچون خار فعل این نه دین است این نفاق است ای کرام  
 ۴) لباس ظاهر و باطن به هم موافق کن نه همچو دریا خونخوار و پاک‌دامن باش

- مفهوم بیت "چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من" چیست؟
- ۱) ماه به رخسار زیبایی من حسد می‌برد.
- ۲) من با شفافیت خود، جلوه‌دهنده زیبایی‌ها هستم.
- ۳) زیبایی جعد و پیچ زلف من ماه را به حیرت می‌اندازد.
- ۴) ماه، به چین و شکن زلف من زیبایی می‌دهد.

مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

- ۱) به پای خویشتن آیند عاشقان به کمندت که هرکه را تو بگیری ز خویشتن برهانی
- ۲) با سخن‌های تلخ چون زهرت عیش من خوش‌تر از شکر باشد
- ۳) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها
- ۴) هرآنچه بر سر آزادگان رود زیباست علی‌الخصوص که از دست یار زیباخوست

همة ابیات با بیت زیر قرابت معنایی دارند به جز .....

"صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر، سیرت زیبا بیار"

- ۱) ظاهر خود را میارای ای فقیر تا که گردد باطنت بدر مَنیر
- ۲) بود معنی یکی صورت هزاران مجو جمعیت از صورت‌شماران
- ۳) معنی بنمود رو به صورت این معنی و صورت اتّفاقی است
- ۴) دلم کف کرد کاین نقش سخن شد بهل نقش و به دل رو گر ز مایی

شعر "پیش از تو / هیچ فرمانروایی را ندیده بودم / که پای‌افزاری وصله‌دار به پا کند / و مشک‌کی کهنه بر دوش کشد" با کدام بیت، تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) پیش مثالش کند ستاره تواضع پیش مرادش کند زمانه مدارا
- ۲) سرو هرچند سرافراز بود در بستان پیش بالای بلند تو فروتن باشد
- ۳) صراحی بدو گفت: نشنیده‌ای تواضع ز گردن‌فرازان نکوست؟
- ۴) من پیش تو بر زمین نهم سر کان پای بر آسمان نهاده

در کدام گزینه مفهوم دو بیت با یکدیگر تناسب دارند؟

- ۱) تا خار غم عشقت آویخته در دامن کوته‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها  
زیر سر بالش دیباست تو را کی دانی که من از خار و خس بادیه بستر کردم
- ۲) می‌سوزم و می‌سازم از آن روی که چون عود کار من دلسوخته از سوز به ساز است  
بسوز ای دل که تا خامی نیاید بوی دل از تو کجا دیدی که بی‌آتش کسی را بوی عود آید؟
- ۳) این‌همه گفتیم لیک اندر بسیج بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ  
عنایتی که تو را بود اگر مبدّل شد خلل‌پذیر نباشد ارادتی که مراست
- ۴) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی‌بردش تا به‌سوی دانه و دام  
چون ز میدان قضا تیر بلا گشت روان جان سپر سازد مردانه و پنهان نشود

مفهوم بیت "آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد" با کدام گزینه تناسب دارد؟

- ۱) به آب تیغ اجل تشنه است مرغ دلم که نیم‌کشته به خون چندبار برگردد
- ۲) هیچ‌کس دیدی که خواهد در دمی صدار مرگ مرگ را من خواستارم، مرگ به زین زندگی
- ۳) خدنگ چارپیر مرگ باز نتوان داشت هزار تو آگرت درع و جوشن و سپر است
- ۴) اندرین معنی مگر صد جان برند مرد آن دان کاو به‌پیش از مرگ مُرد

مفهوم بیت "هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی یقین دانم که بی‌شک، جان جانی" در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) خود نه زبان در دهان عارف مدهوش حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا
- ۲) هرکس به تو ره یافت ز خود گم گردید آن‌کس که تو را شناخت خود را نشناخت
- ۳) بلا شد درک حسن خال و خط ما هوشمندان را به عشق ما کند صیاد، دام و دانه آرایبی
- ۴) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی



- (۱) این همه عکس می و نقش نگارین که نمود  
 (۲) عکس روی تو چو در آینه جام افتاد  
 (۳) در خم زلف تو آویخت دل از چاه زنج  
 (۴) آن شد ای خواجه که در صومعه بازم بینی
- یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد  
 عارف از خنده می در طمع خام افتاد  
 آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد  
 کار ما با رخ ساقی و لب جام افتاد

عبارت زیر، با چند بیت از ابیات زیر، قرابت مفهومی دارد؟

"این قصه، عجیب‌ترین قصه‌هاست؛ زیرا که در بدایت، بند و چاه بود و درنهایت، تخت و گاه بود."

- (الف) عزیز مصر به‌رغم برادران غیور  
 (ب) عزیزتر نیم از یوسف درست‌سخن  
 (ج) کدام دلو فرورفت و پُر برون نامد  
 (د) روی یوسف تا کبود از سیلی اخوان نشد  
 (ه) حکمت لم یزلی، یوسف کنعانی را
- ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید  
 که جایگاهش گه چاه و گاه زندان بود  
 ز چاه یوسف جان را چرا فغان باشد  
 همچو رود نیل بر مصرش روان، فرمان نشد  
 گر به زندان فکند، کامروا نیز کند

- (۱) دو  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) پنج

همهٔ گزینه‌ها به‌جز ..... با سرودهٔ زیر از سهراب سپهری قرابت معنایی نزدیکی دارند.

"چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید"

- (۱) دیدهٔ ظاهر اگر پُر خَس و خاشاک کنی  
 (۲) همه‌کس را مگر این ذوق نباشد که مرا  
 (۳) عیب مجنون مکن ای مُنکر لیلی که ز دور  
 (۴) اگر نمود به‌ظاهر که عشق زاد ز من
- از خَس و خار به دامن گل بی‌خار آری  
 کانچه من می‌نگرم بر دگری ظاهر نیست  
 حالتی هست که آن بر همه‌کس ظاهر نیست  
 همی‌بدان به حقیقت که عشق زاد مرا

بیت "تا عهد تو دربستم عهد همه بشکستم بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها" با کدام بیت‌های زیر تناسب معنایی دارد؟

- (الف) یاد باد آن‌کو به‌قصد خون ما  
 (ب) گر میسر نشود با توأم امکان وصول  
 (ج) از پی پیوند حلقهٔ سر زلفت  
 (د) تا دل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او
- عهد را بشکست و پیمان نیز هم  
 نیست ممکن که فراموش کنم عهد وصال  
 رشتهٔ الفت ز هرچه بود گسستیم  
 زن سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند

- (۱) ج، د  
 (۲) الف، ب  
 (۳) ب، ج  
 (۴) د، الف

همهٔ بیت‌های زیر به‌جز ..... با مَثَل "از کوزه همان برون تراود که در اوست"، تقابل معنایی دارند.

- (۱) فتنهٔ صد انجمن، آشوب صد هنگامه‌ایم  
 (۲) گر به‌ظاهر چشم ما خشک است چون جام تهی  
 (۳) بستن لب بر در روزی کند کار کلید  
 (۴) داغ پنهانم نمی‌بینند و مهر سربه‌مهر
- گر به‌ظاهر چون شراب کهنه خاموشیم ما  
 گریهٔ مستانهٔ ما همچو مینا در گلوست  
 کوزه از خُم پر شراب ناب می‌آید برون  
 آنچه بر اجزای ظاهر دیده‌اند آن گفته‌اند

مفهوم کدام گزینه با بیت "پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست" تناسب دارد؟

- (۱) در موج خیز گل چمن‌آرا نهان شده است  
 (۲) دل در میان داغ جگرسوز گم شده است  
 (۳) تا پا کشند بی‌جگران از طریق عشق  
 (۴) بیرون بر از سپهر مرا، روشنی ببین
- آب از هجوم سنبل و ریحان پدید نیست  
 از جوش لعل، کوه بدخشان پدید نیست  
 از کعبه غیر خار مغیلان پدید نیست  
 نور چراغ در ته دامن پدید نیست

- (۱) با گلستان جملانش نکشد فصل بهار  
 (۲) راستی را حیرت آوردم چو دیدم قد او  
 (۳) در خلد اگر پهلوی طوبیم نشانند  
 (۴) در گلستانی که آن سرو میان باریک هست
- اهل دل را به تماشای گل و نسرين دل  
 زانکه بر سرو روان هرگز ندیدم گلستان  
 دل می‌کشدم باز به آن جلوه قامت  
 سرو را در دیده باریک بین اندام نیست

- ابیات کدام گزینه قرابت معنایی دارند؟  
 الف) قطره‌قطره ز دریا چو به ساحل آیی  
 ب) زندگی رهروان در تک و تاز است و بس  
 ج) ساحل آن باشد که امنیت در او لنگر کند  
 د) موج این دریا نجوید ساحل آرام را
- ور به دریا برسی قطره نه‌ای، دریایی  
 قافله موج را جاده و منزل کجاست؟  
 جای دست‌انداز موج بحر را ساحل مخولن  
 طاقت و آسودگی از من گریزان باد و هست

- (۱) الف، ج  
 (۲) د، ج  
 (۳) ب، الف  
 (۴) ب، د

- زمینه حماسه کدام ابیات، درست بیان شده است؟  
 الف) برفتند، جاماسپ، خورشید و زال  
 ب) یکی داستان زد جهاندار شاه  
 ج) به سال اندکی و به دانش بزرگ  
 د) سر اندر سپهراختر کاویان
- گرفته دو تن زال را سخت یال (خرق عادت)  
 به یاد آورم اندرین کینه‌گاه (داستانی)  
 گوی، بدنزادی، دلیر و سترگ (قهرمانی)  
 چو ماه درخشنده اندر میان (ملی)

- (۱) الف، ج  
 (۲) ب، د  
 (۳) ب، الف  
 (۴) د، ج

مفهوم برداشت‌شده از کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) خورشید کای مرد رزم‌آزمای  
 (۲) چنان ننگش آمد ز کار هجیر  
 (۳) تا خار غم عشقت آویخته در دامن  
 (۴) مرا مادرم نام مرگ تو کرد
- هماوردت آمد مشو باز جای: دعوت به مبارزه  
 که شد لاله‌رنگش به کردار قیر: ندامت و پشیمانی  
 کوته‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها: ترجیح غم عشق بر دیگر زیبایی‌ها  
 زمانه مرا پتک ترگ تو کرد: تهدید در رجزخوانی

بیت زیر، با کدام بیت "تقابل" مفهومی دارد؟

"گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز  
 گفتا ز خوب‌رویان این کار کمتر آید"

- (۱) ترسم نکند لیلی هرگز به وفا میلی  
 (۲) قدمی که برگرفتی به وفا و عهد یاران  
 (۳) شمع جانم را بکشت آن بی‌وفا  
 (۴) خوب‌رویان جفاپیشه وفا نیز کنند
- تا خون دل مجنون از دیده نیالاید  
 اگر از بلا بترسی قدم مجاز باشد  
 جای دیگر روشنایی می‌کند  
 به کسان درد فرستند و دوا نیز کنند

بیت زیر با همه گزینه‌ها به جز ..... قرابت معنایی دارد.

"شما را چو باور به یزدان بود  
 هم او مر شما را نگهبان بود"

- (۱) سعیدیاگر بکند سیل فنا خانه عمر  
 (۲) که گرچه مرغ توگل کند به دانه و آب  
 (۳) خدا وقتی بخواهد می‌شود وقتی نخواهد نه  
 (۴) گر خلق تکیه بر عمل خویش کرده‌اند
- دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست  
 به دست خود ز برای خود آشیانه کند  
 گلی بازیچه طوفان غارتگر نخواهد شد  
 ما را بس است رحمت و فضل تو متکا

- ۱) طریق عشق جانان چیست در دریای خون رفتن      مدان آسان که دشوارست ره بی‌رهنمون رفتن  
 ۲) اگر تو جرعه فشانی کمی بریز به خاک      مرا ز خاک شدن در طریق عشق چه باک؟  
 ۳) طریق عشق پر آشوب و فتنه است ای دل      بیفتد آن‌که در این راه با شتاب رود  
 ۴) از آن زمان که دلم نشئه یافت از می عشق      به خویشتن همه دشوار دهر آسان گفت

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) به پای خویش نیفکنده روشنی هرگز      اگرچه کار چراغ است نور بخشیدن  
 ۲) نبود سیرت شایسته خودآرایان را      که برون‌ساز، محال است درون‌ساز شود  
 ۳) بخل بهتر ز سخایی که به آواز بود      تیرگی به ز چراغی است که فریاد کند  
 ۴) قلب روی‌اندود نستانند در بازار حشر      خالصی باید که از آتش برون آید سلیم

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) چو عیب تن خویش داند کسی      ز عیب کسان بر نخواهد بسی  
 ۲) دیده از عیب کسان در خواب چون مخمل کنید      چون رسد نوبت به عیب خود، نظر احوال (= دوبین) کنید  
 ۳) عیب خود ابله نبیند در جهان      باشد اندر جستن عیب کسان  
 ۴) هرچند بود آینه احوال دگر ضد      از عیب کسان زن هنر خود بشناسی

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) داند عاقلان که مجانین عشق را      پروای قول ناصح و پند ادیب نیست  
 ۲) گل عیب در دامن باد صبا آویخته است      گوش هر بی‌درد، کی شایسته پیغام اوست  
 ۳) نماند در سر سعدی ز بانگ رود و سرود      مجال آنکه دگر پند پارسا گنجد  
 ۴) پند ارباب خرد پنبه گوش است مرا      ناله نی حدی محمل هوش است مرا

کدام گزینه با بیت "چو خود را به چشم حقارت بدید

صدف در کنارش به جان پرورید" قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) نظر کردن به درویشان منافی بزرگی نیست      سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش  
 ۲) نظر در خود کنم باشد که روزی      از این پرده شود پیدا رخ تو  
 ۳) خودبین مباش تا به حیات ابد رسی      آئینه سد به راه سکندر کشیده است  
 ۴) سایه نه به خود فتاد در چاه      بر اوج به خویشتن نشد ماه

کدام ابیات با یکدیگر قرابت معنایی دارند؟

- الف) درآید سنگ در گریه درآید چرخ در کدیه (گدایی) ز عرش آید دو صد هدیه چو او درس نظر گوید  
 ب) چو بادند پنهان و چالاک‌پوی      چو سنگ‌اند خاموش و تسبیح‌گوی  
 ج) کار درختان خور و بار است و برگ      کار تو تسبیح و نماز و دعاست  
 د) همه مشغول ذکر و تسبیحند      گر کلوخ است و سنگ و گر چوب است

- ۱) الف - ج      ۲) د - ب  
 ۳) ج - د      ۴) ب - الف

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) تو ظاهر خود به جامه آراسته‌ای      دل‌های پلید و جامه پاک چه سود  
 ۲) لباس ظاهر و باطن به هم موافق کن      نه همچو دریا خون‌خوار و پاک‌دامن باش  
 ۳) صورت ظاهر فنا گردد بدن      عالم معنی بماند جاودان  
 ۴) روی و ریا را مکن آیین خویش      هرچه فساد است ز روی و ریاست

- ۱) منهدم گشت چو بنیاد وفا کعبه دل حاکمی کو که ز بیداد بتان داد زخم  
 ۲) دلم ز جور بتان لذتی دگر دارد جفا به دفتر شوقم وفا حساب شود.  
 ۳) تا چند عاشقان را خوبان به رشک سوزند یارب جزای خود ده این قوم بی‌وفا را  
 ۴) عاشق بزد از بخت به دیوان که فریاد بگسستن دل مشکل و امید وفا هیچ

- ۱) خیمهٔ انس من بر در این کهنه رباط که اساسش همه بی موقع و بی بنیاد است  
 ۲) چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری که تا بر هم زنی دیده، نه این بینی نه آن بینی  
 ۳) ساغر لبریز می‌ریزد ز دست رعشه دار در جوانی ها تمتع از جهان باید گرفت  
 ۴) چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است چو بر صحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند

- ۱) موی سفید و روی سیه عیب مشک نیست با خلق خوش به صورت زیبا چه حاجت است؟  
 ۲) سعی کن چون عارفان در پاکی باطن که نیست پاکی ظاهر متاع روی بازار صلاح  
 ۳) ظاهر و باطن مردان به صفا می‌باشد پشت این آینه ها روی‌نما می باشد  
 ۴) آب و رنگ صورت ظاهر دو روزی بیش نیست حسن اخلاق جمیل از روی زیبا بهتر است

- ۱) وقتی دل سودایی، می‌رفت به بستان‌ها بی‌خوبیستم کردی، بوی گل و ریحان‌ها  
 بوی گل و بانگ مرغ برخاست هنگام نشاط و روز صحراست  
 ۲) تا عهد تو دربستم عهد همه بشکستم بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها  
 هرکس به تماشایی رفتند به صحرایی ما را که تو منظوری خاطر نرود جایی  
 ۳) تا خار غم عشقت آویخته در دامن کوته‌نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها  
 از دوست به یادگار دردی دارم آن درد به صد هزار درمان ندهم  
 ۴) گر در طلبت رنجی، ما را برسد شاید چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها  
 در عاشقی‌گیر نباشد ز ساز و سوز استفاده‌ام چو شمع، مترسان ز آتشم

- "گویند مگو سعدی، چندین سخن از عشقتش می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها"  
 ۱) هرکه را عشق نباشد نتوان زنده شمرد و آنکه جانش ز محبت اثری یافت، نمرد  
 ۲) اگر زبان مرا روزگار دربندد به عشق در سخن آیند ریزه‌های عظام (= استخوان‌ها)  
 ۳) کهن شود همه‌کس را به روزگار ارادت مگر مرا که همان عشق اول است و زیادت  
 ۴) به بد و نیک زمانه نجهد عشق ز خانه نبود عشق فسانه که سمایی است سمایی

- ۱) آب و رنگ صورت ظاهر دو روزی بیش نیست حسن اخلاق جمیل از روی زیبا بهتر است  
 ۲) موی سفید و روی سیه عیب مشک نیست با خلق خوش به صورت زیبا چه حاجت است؟  
 ۳) شب که از خوی بد او رخت می‌بندم ز کویش بامدادان عذر می‌خواهد ز من روی نکویش  
 ۴) از حسن خلق دیو شود در نظر پری برق (= رویند) بود گشاد جبین روی زشت را

کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی ندارد؟  
"آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام"

بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد"

- ۱) دریا ب که از روح جدا خواهی رفت
- ۲) ای شرر، از هم‌رهان غافل مباش
- ۳) اگر ملک سلیمانم ببخشند
- ۴) بس که از هر سو گریزد مرگ بیند پیش روی

در پردهٔ اسرار فنا خواهی رفت

فرصت ما نیز، باری بیش نیست

در آخر خاک راهی عاقبت هیچ

شاید از میدان کینت خصم ننماید قرار

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) یکی گذر به سر تربتم که بعد از مرگ
- ۲) گر نگشتم کشتهٔ تو کاش باری بعد مرگ
- ۳) بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر
- ۴) شوق وصلت بعد مرگ از دل بیرون کی می‌رود

ز خاک من به رهت نرگس انتظار شود

بهر قبر کشتگان خاک من سازند خشت

کز آتش درونم دود از کفن برآید

گرد می‌گردیم و می‌گیریم دامان شما

دل زبردستان خود شاد دار" با کدام بیت متناسب نیست؟

- ۱) گر شرف خواهی، بکن با زبردستان مرحمت
- ۲) چو شاه‌دان چمن زبردست خُسن تو آند
- ۳) دائم گل این بستان شاداب نمی‌ماند
- ۴) نظر کردن به درویشان منافی بزرگی نیست

مهر با مه کرده تا گرمی بلندی یافته

کرشمه بر سمن و جلوه بر صنوبر کن

دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش

مفهوم آیهٔ (الا بذكر الله تطمئن القلوب) از کدام بیت دریافت نمی‌شود؟

- ۱) تا زنده‌ایم، یاد لبش بر زبان ماست
- ۲) به شهر و کوه و صحرا هرکه بینی
- ۳) سینه صیقل‌ها زده در ذکر و فکر
- ۴) یادگار از مردمان ذکر نکو ماند همی

ذکرش دوی درد دل ناتوان ماست

زبان دل به ذکرت گرم دارد

تا پذیرد آینهٔ دل نقش بکر

چون تو از ذکر نکو در عمر نیکومحضری

مفهوم حدیث "الذهر یومان یوم لک و یوم علیک" با همهٔ ابیات به جز ..... قرابت دارد.

- ۱) صباح مستی و شاخِ خمار می‌گذرد
- ۲) در جهان گر خوشی کم است مرا
- ۳) ز جام خُسن حالا سرخوشی اما نمی‌دانی
- ۴) خوارتر از شیشهٔ خالی به بزم بادام

خوشی و ناخوشی روزگار می‌گذرد

خوش از آنم که ناخوشی هم نیست

که این رطل گران در پی خمار بی‌کران دارد

عزّتی گر بود؛ رفت، از اعتبار ما می‌پرس

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) الا تا نیچی سر از عدل و رای
- ۲) یکی خانه از داد بنیاد کن
- ۳) عدل کن عدل که گفتند حکیمان جهان
- ۴) به از عدالت محض است با عدوی تو ظلم

که مردم ز دستت نیچند پای

وزن کشور خویش آباد کن

مملکت بی‌مدد عدل نماند بر جای

به از قناعت صرف است با ولای تو آرز

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) مقام ما به سر کوی یار خواهد بود
- ۲) نسیم او همه دلکش‌تر از نسیم بهشت
- ۳) گفتم خوشا هوایی کز باد خُلد (= بهشت) خیزد
- ۴) بوی بهشت می‌گذرد یا نسیم دوست؟

که بر بهشت برین اختیار خواهد بود

هوای او همه خرم‌تر از هوای بهار

گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید

یا کاروان صبح که گیتی منور است

- ۱) اگر تدبیر بستی راه تقدیر چرا ماهی اسیر شست بودی  
 ۲) تدبیر کند بنده و تقدیر نداند تدبیر به تقدیر خداوند نماند  
 ۳) تقدیر قطع رشتهٔ تدبیر می‌کند تدبیر ساده‌لوح چه تقدیر می‌کند  
 ۴) شکوه‌ها از گردش تقدیر کرد کار خود را محکم از تدبیر کرد

کدام یک از گزینه‌های زیر، با بیت‌های زیر، ارتباط مفهومی دارد؟

- "هرکه با پولادبازو پنجه کرد ساعد مسکین خود را رنجه کرد  
 باش تا دستش ببندد روزگار پس به کام دوستان، مغزش برآر"

- ۱) همی تا برآید به تدبیر کار مدارای دشمن به از کارزار  
 ۲) عدو را به فرصت تون کند پوست پس او را مدارا چنان کن که دوست  
 ۳) گر اندیشه باشد ز خصمت گزند به تعویذ (= دعا) احسان زبانش ببند  
 ۴) منن تا توانی بر ابرو گره که دشمن اگرچه زبون، دوست به

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) نرگس همی رکوع کند در میان باغ زیرا که کرد فاخته بر سرو مؤذنی  
 ۲) درختان در سراندازی چو شیخان زبان‌ها سبز در تسبیح سبحان  
 ۳) ذکر لب و دهان تو تسبیح بیدلان نعل سم سمند تو محراب عاشقان  
 ۴) سرخوش از کیفیت باد سحر طایران تسبیح خون بر هر شجر

همهٔ گزینه‌ها به جز ..... با دو بیت زیر قرابت معنایی دارد.

- "چون بتابد آفتاب معرفت از سپهر این ره عالی‌صفت  
 هریکی بینا شود بر قدر خویش بازیابد در حقیقت صدر خویش"

- ۱) صد هزار اسرار از زیر نقاب روز می‌بنماید چون آفتاب  
 ۲) کلید معرفت آمدت عبادت به شرط آنکه گویی ترک عادت  
 ۳) هست دائم سلطنت در معرفت جهد کن تا حاصل آید این صفت  
 ۴) مغز ببند از درون نه پوست او خود نبیند ذره‌ای جز دوست او

مفهوم کدام گزینه با آیهٔ (ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون) تناسب دارد؟

- ۱) صد کشته زنده کردی و کس را خبر نشد یک مرده زنده کرد مسیح و قیامت است  
 ۲) هرکس که نیست زنده به عشق تو مرده به خود مرده پیش زنده‌دلان از فسرده به  
 ۳) زندهٔ جاوید گردد کشتهٔ شمشیر عشق زانکه از کشتن بقا حاصل شود جرجیس را  
 ۴) یار، قتل عاشقان امروز با فردا فکند شاد زی ای آن‌که بر امید فردا زنده‌ای

بیت "زین کاروانسرای، بسی کاروان گذشت ناچار، کاروان شما نیز بگذرد" با کدام گزینه قرابت ندارد؟

- ۱) در عالم فانی که بقا پابه‌رکاب است گر زندگی خضر بود نقش بر آب است  
 ۲) مشو غافل درین گلشن چو شبنم از نظربازی که تا برهم گذاری چشم را افسانه خواهی شد  
 ۳) نسیم صبح فنا تیغ بر کف استاده است نفس چگونه برآرد چراغ هستی ما؟  
 ۴) به آهی می‌تون از خود برآوردن جهانی را که یک رهبر به منزل می‌رساند کاروانی را

- ۱) یکی را به عزت نشانده به تخت  
یکی را به خواری کند پاره رخت
- ۲) یکی را دهد وصل و سازد بلند  
یکی را ز هجران درآرد به بند
- ۳) یکی را به رویی کند دردمند  
یکی را به مویی کند پایبند
- ۴) یکی را می‌برد بر عرش اعظم  
یکی را می‌کشاند تا جهنم

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) دور فلکی یکسره بر منہج عدل است  
خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل
- ۲) به تدبیر صفای طینت ظالم مبر زحمت  
سیاهی نیست ممکن از سر داغ پلنگ افتد
- ۳) می‌جهند از آه مظلومان سلامت ظالمان  
برق اگر سالم ز خرمنگاه می‌آید برون
- ۴) ز زخم تیر مکافات ظالمان نرهند  
که پیش‌تر ز نشان ناله از کمان خیزد

مفهوم کدام بیت متفاوت با سایر ابیات است؟

- ۱) یار بی‌پرده از درودیوار  
در تجلی است یا اولی‌الابصار
- ۲) ذرات جهان را همه در رقص بیایی  
آن دم که شود پرتو خورشید هویدا
- ۳) پیدا شده از مهر رخت جمله ذرات  
شد مهر جمال تو ز هر ذره هویدا
- ۴) دیده آن دیده که بینا بود از نور یقین  
که جمال تو هویدا ز همه ذرات است

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) خارخار حرص، فلس از طینت ماهی نبرد  
چون ز جمعیت شود دل جمع، دنیا دار را؟
- ۲) به می رفع کجی مشکل بود از طبع کج طینت  
به زور سیل نتوان راست کردن قُل را
- ۳) از صحبت نیکان نشود طینت بد نیک  
بادام همان تلخ برون از شکر آید
- ۴) رهزن از راه محال است نهد پای به راه  
طینت کج قلمان راست به مسطر (: خطکش) نشود

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) از خون یکی کرده‌ای امروز صبوخی  
از سرخوشی نرگس خون خوار تو پیدا است
- ۲) شکستگی دل از دیده ترم پیدا است  
به سنگ خوردن مینا ز ساغر پیدا است
- ۳) اگر نه عاشقی این چهره خزانی چیست؟  
اگر نه ماتمی این بخت آسمانی چیست؟
- ۴) معشوق عیان می‌گذرد بر تو ولیکن  
اغیار همی‌بیند از آن بسته نقاب است

مفهوم ابیات دوگانه کدام گزینه قرابت ندارد؟

- ۱) غم و شادی جهان را نبود هیچ ثبات  
هر زمان، حال وی از شکل دگر خواهد شد
- ۲) بر ما چو دور خرمی بگذشت و آمد وقت غم  
دل شاد باید داشتن کان هم نیاید، بگذرد
- ۳) بیدل گمان مبر که نصیحت کند قبول  
من گوش استماع ندارم لمن تقول
- ۴) ما عاشقیم و گر همه عالم دهند پند  
مشنو که من نه پند کسی گوش می‌کنم
- ۳) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید  
قضا همی‌بردش تا به سوی دانه و دام
- ۴) بست و گشاد حکم قضا را چه چاره است  
نتوان خیال بست که مگشای یا میند
- ۴) تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من  
هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود
- ۴) ز چشمانم روان گردد سرشک شادمانی‌ها  
گر آن سرو روان یکدم نشیند در کنار من

کدام گزینه با عبارت "تنها خداست که نمی‌توان در انتظارش بود. در انتظار خدا بودن، یعنی دریافتن اینکه او را هم‌اکنون در وجود خود داری." قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) محراب از انتظار تو آغوش کرده و بر خانه خدا ز برای خدا مرو
- ۲) معشوق تو همسایه و دیواربه‌دیوار در بادیه سرگشته شما در چه هوایید
- ۳) نشاید وصف او گفتن که چون است که از تشبیه و از وصف او برون است
- ۴) جویندگان جوهر دریای کنه تو در وادی یقین و گمان از تو بی‌خبر(کنه: اصل)

کدام گزینه با عبارت زیر تناسب مفهومی ندارد؟  
"بعضی دیگر از بچه‌ها گذشته خویش را با وسواس یک قاضی می‌کاوند و سراپای زندگی خویش را محاسبه می‌کنند و وصیت‌نامه می‌نویسند."

- ۱) خود حسابی خط پاکی است ز دیوان حساب آنچه امروز توان کرد به فردا مگذار
- ۲) زن پیش‌تر که حشر به دیوان کشد تو را کنجی نشین و از نفس خود حساب گیر
- ۳) چه گردیدی گره، تخمی پی فردا بکار اینجا به دامن از ندامت قطره چندی ببار اینجا
- ۴) پیش‌دستی کن و دیوان خود امروز بپرس چه ضرور است به فردا فکنی دیوان را؟

مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) ای چشم عقل خیره در اوصاف روی تو چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی
- ۲) هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی یقین دامن که بی‌شک جان جانی
- ۳) کجا وصف تو دانا کرد ادراک که عاجز، اوفتاد اندر کف خاک
- ۴) ای در میان جانم و جان از تو بی‌خبر وز تو جهان پر است و جهان از تو بی‌خبر

کدام بیت‌ها باهم قرابت معنایی دارند؟

- الف) پیدا بود که بنده به کوشش کجا رسد  
ب) قلم به ساعتی آن کارها تواند کرد  
ج) عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت  
د) عییم مکن به رندی و بدنامی ای حکیم
- بالای هر سری قلمی رفته از قضا  
که عاجز آید از آن کارها، قضا و قدر  
که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت  
کاین بود سرنوشت ز دیوان قسمتم

- ۱) الف - ب
- ۲) الف - د
- ۳) ب - د
- ۴) ج - الف

بیت گزینه ..... با سایر ابیات تفاوت معنایی دارد.

- ۱) دل را غمی ز پرسش روز حساب نیست هرگز خراج، کشور ویران نداشته است
- ۲) چون دادنی است روز قیامت حساب خود امروز خود حساب نباشد کسی چرا؟
- ۳) خواهی که بی‌حساب به جنت تو را برند صائب نفس شمرده زن و خود حساب باش
- ۴) حساب خویش هم اینجا بکن، گزاف مگوی که آن نه روز گزاف است، هست روز حساب

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) اگر دانی که تا هستم نظر جز با تو پیوستم پس آنگه بر من مسکین جفا کردن صوابستی
- ۲) تا خار غم عشقت آویخته در دامن کوتاه‌نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها
- ۳) همه‌کس را به تو این میل نباشد که مراسم کافتایی تو و کوتاه‌نظر مرغ شب است
- ۴) با وجود رخ و بالای تو کوتاه‌نظری است در گلستان شدن و سرو خرامان دیدن

مفهوم بیت "نقش کردم رخ زیبای تو در خانه دل خانه ویران شد و آن نقش به دیوار بماند" با کدام بیت زیر قرابت ندارد؟

- ۱) هرگز نقش تو از لوح دل‌وجان نرود هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود
- ۲) گر دود از پی خوبان دل من معذور است درد دارد چه کند کز پی درمان نرود
- ۳) هرچه جز بار غمت بر دل مسکین من است برود از دل من وز دل من آن نرود
- ۴) آن‌چنان مهر توام در دل‌وجان جای گرفت که اگر سر برود از دل و از جان نرود



- الف) حُسن عنوان چنان‌که معلوم است  
 ب) حرف بی‌جا غافلان را غوطه در خون می‌دهد  
 ج) در پیش ما فتاده مستی و هوشیاری  
 د) هر جا گذری اشک من از دیده پدیدار  
 ه) ز رنگ گونه زردم چو روز گشت هویدا
- خبر خوش بود به نامه کزش  
 مرغ بی‌هنگام را تیغ اجل گوید جواب  
 در هرکه هرچه باشد رفتار می‌نماید  
 هر سو نگری روی وی از پرده هویداست  
 اگرچه راز دل خود ز چندگونه نهفتم

- ۱) ه، ب، الف  
 ۲) الف، ج، ه  
 ۳) د، ج، ب  
 ۴) الف، ب، د

- ۱) آینه می‌برد کجی از نقش‌های کج  
 ۲) تا دیده‌ات ز نور یقین غیب‌بین شود  
 ۳) مکن به عیب نظر از هنر که موی شکاف  
 ۴) چون مگس چند طلبکار جراحی باشی؟
- عیب کسان به دیده هنر می‌شود مرا  
 در عیب مردم و هنر خود نظر مکن  
 کند ز مور ضعیف انتخاب موی کمر  
 دیده از عیب خلایق به هنر باید داشت

- ۱) شبنم به آفتاب رسید از فروتنی / در نیستی کوفت تا هست شد  
 ۲) شکر نعمت، نعمت افزون کند / شکر کن تا خدا بیفزاید  
 ۳) طلب صحبت خسان نکنی / از مصاحبت ناجنس احتراز کنی  
 ۴) شکیبیا باش در ناکامی و رنج / برخیز و مخور غم جهان گذران

- "به شدتی که از روزگار پیش آید نباید نالید و از فضل و رحمت پروردگار ناامید نباید شد."  
 الف) نیست روشن گهر از سختی دوران، دل‌تنگ  
 ج) با درد صبر کن که دوا می‌فرستمت  
 ه) بسا محنت که دولت، آخر اوست
- ب) بیش‌ازاین سختی مکن، با کار دشوارم بساز  
 د) از شب بخت سیاهم، صبح امید می‌نزد

- ۱) د - ب  
 ۲) د - ج  
 ۳) ب - الف  
 ۴) ج - ه

- ۱) زهی گویا ز تو کام و زبانم  
 ای سختن مَهر زبان‌های ما  
 تویی هم آشکارا، هم نهانم  
 بوی تو جان‌داروی جان‌های ما
- ۲) دمی آب خوردن پس از بدسگال  
 شادمانی مکن که دشمن مُرد  
 به از عمر هفتاد و هشتاد سال  
 تو هم از مرگ جان نخواهی بُرد
- ۳) خوش برانیم و بدانیم به هرگونه که هست  
 فانوس گردباد بود روزگار ما  
 راحت و محنت ایام به سر خواهد شد  
 جز خار و خس، زمانه به بالا نمی‌برد
- ۴) قطره باران که درافتد به خاک  
 باران که در لطافت طبعش خلاف نیست  
 زو بدمد بس گهر تابناک  
 در باغ، لاله روید و در شوره زار، خس

- ۱) بیداری حیات شود منتهی به مرگ  
 ۲) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت  
 ۳) نی کاروان برفت و تو خواهی مقیم بود  
 ۴) این چرخ ستمگر جفاکوش  
 آرامش است عاقبت اضطراب‌ها  
 هم بر چراغدان شما نیز بگذرد  
 ترتیب کرده‌اند تو را نیز محملی  
 کی نوبت کس کند فراموش؟

- ۱) بر تیر جورتان ز تحفل سپر کنیم      چون صبر توان کرد که مقدور نمانده‌ست؟  
 ۲) مَهر خموشی‌ام به دهن چون صدف زدند      ای مهر تو در دل‌ها، وی مَهر تو بر لب‌ها  
 ۳) غم و شادی جهان را نبود هیچ ثبات      گفت زمان عشرت دیدی که چون سرآمد؟  
 ۴) که دوست خود روش بنده‌پروری داند      گفتا تو بندگی کن کاو بنده‌پرور آید

- ۱) بر صورت من ز روی هستی      آرایش آفرین تو بستی  
 ۲) چون‌که تو خیرالبشری بر خدا      من ز توأم واله و حیران علی  
 ۳) روزی که آفرید تو را صورت‌آفرین      بر آفرینش تو به خود گفت آفرین  
 ۴) آینه تو را ببیند اندازه عرش خویش      در آینه کجا گنجد اشکال کمال تو

- ۱) تا هست حق و باطل و سود و زیان، رساد      از حق به او عنایت و از او به خلق سود  
 ۲) بداندیش خلق از حق آگاه نیست      ز غوغای خلقش به حق راه نیست  
 ۳) چو به حق مشغول شدی فارغ از آب و گل شدی      چون‌که بی‌دست و دل شدی در زن در این ابا  
 ۴) کسی را که حق داد بر خلق دست      نشاید که جز حق‌گزاری کند

- ۱) بشد رستم و شاه بنشست شاد      جهان کرد روشن به آیین و داد  
 ۲) به یک زخم زو دو سر افکند خوار      به یک ره بدن تیغ جوشن گذار  
 ۳) بیوشید رستم سلیح نبرد      چو پیل ژیان شد که برخاست گرد  
 ۴) ز نیروی رستم ز بالای او      بینداخت یک ران و یک پای او

- ۱) در هرکه هرچه باشد رفتار می‌نماید      می‌دهد ظاهر هرکس خبر از باطن او  
 ۲) پرتو نیکان نگیرد هرکه بنیادش بد است      ز وحشی نیاید که مردم شود  
 ۳) خروشان دل خاک، در زیر نعل      ز نعلش زمین شد همه چاک‌چاک  
 ۴) ذکر حق آرامش جان می‌دهد      ایمان ما ز غارت شیطان نگاه دار

- ۱) کی شنیدن می‌تواند رتبه دیدن گرفت      چشم اگر بینا بود حاجت به فال‌گوش نیست  
 ۲) از سفرکردن ظاهر، نشود کار تمام      هرکه از خویش سفر کرد تمام است اینجا  
 ۳) که می‌گوید پری در دیده مردم نمی‌آید      که دائم در نظر باشد پریزادی که من دارم  
 ۴) بحر در حوصله قطره ننگد هیئات      دیده چون درک کند حُسن جهانگیر تو را؟

- ۱) زمین لگد خورد از گاو و خر به علت آن      که ساکن است نه مانند آسمان دوار  
 ۲) دشمن طاووس آمد پز او      ای بسی شه را بکشته فر او  
 ۳) گفت من آن آهوم کز ناف من      ریخت آن صیاد خون صاف من  
 ۴) تو آسوده بر لشکر مانده، زن      که نادان ستم کرد بر خویشتن

- ۱) عدو را به فرصت توان گند پوست  
پس او را مدارا چنان کن که دوست
- ۲) چون نداری ناخن دزنده تیز  
با ددان آن به که کم گیری ستیز
- ۳) من با سپاهی ز خود بیشتر  
که نتوان زد انگشت بر بیشتر
- ۴) چو دشمن به عجز اندر آمد ز در  
نباید که پرخاش جویی دگر

- الف- هیچ فردی در پی اصلاح خوی خویش نیست  
ب- اگر شادی ست ما را گر غم از ماست  
ج- از این تعلق بیهوده تا به من چه رسد  
د- می کند در راه خود دام گرفتاری به خاک  
ه- همی چه گویم و خودکرده را چه چاره توان
- گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست" در کدام بیت ها دیده می شود؟  
هرکه را دیدیم در آرایش روی خود است  
که بر ما هرچه می آید هم از ماست  
وز آنکه خون دلم ریخت تا به تن چه رسد  
دیدۀ هرکس که چون طاووس دنبال خود است  
بدین حدیث که کردم خود اقتصار کنم

- ۱) ج و ه  
۲) الف و د  
۳) ب و ه  
۴) الف و ج

- ۱) تا به جایی رساندت که یکی  
از جهان و جهانیان بینی
- ۲) هر دو عالم یک فروغ روی اوست  
گفتمت پیدا و پنهان نیز هم
- ۳) می کند باد صبا هر روز پیش از آفتاب  
مصحف خلق تو را از بوی گل تفسیرها
- ۴) دیدم گل و بوستانها، صحرا و بیابانها  
او بود گلستانها، صحرا همه او دیدم

- ۱) در لب تشنه ما بین و مدار آب دریغ  
بر سر کشته خویش آی و ز خاکش برگیر
- ۲) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست  
دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد
- ۳) مرغ ز دام بسته نیفتد دگر به دام  
یاقوت را به سینه کان بازگشت نیست
- ۴) دنیا به اهل خویش ترخم نمی کند  
آتش امان نمی دهد آتش پرست را

"قطره دانش که بخشیدی ز پیش  
متصل گردان به دریاهاى خویش"

- ۱) شد حواس و نطق با پایان ما  
محو نور دانش سلطان ما
- ۲) علم اگر اندک بود، خوارش مدار  
زان که دارد علم، قدر بی شمار
- ۳) پیش دانا از همه علمها بالاترست  
خویش را با دانش سرشار، نادان ساختن
- ۴) گر به جهل آیم، آن زندان اوست  
ور به علم آیم، آن ایوان اوست

- ۱) دشنام خلق را ندهم جز دعا، جواب  
ابرم که تلخ گیرم و شیرین عوض دهم
- ۲) کم میاش از درخت سایه فکن  
هرکه سنگت زند، ثمر بخشش
- ۳) سزای بی ادبان را به من حواله کن  
که شست صاف و کمان کشیده ای دارم
- ۴) سفیه را به سفاقت جواب باز مده  
ز بی وفا به وفا انتقام باید کرد

- ۱) نیست در دست سبوی من عنان اختیار / راز عشق از دل تراوش گر کند معذور دار  
 ۲) بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل / تون شناخت ز سوزی که در سخن باشد  
 ۳) ای که می‌جویی برون از خویشتن دلدار خویشت / در درون جان توست از خویشتن جو یار خویشت  
 ۴) آنکه باشد بدسگال و بدسرشت / از وی آید صد هزاران خوی زشت

همه گزینه‌ها با عبارت زیر تناسب معنایی دارند به جز .....  
 "یک بار دیگر به کلام بلندپایه از ماست که بر ماست ایمان آوردیم."

- ۱) تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم / از که می‌نالی و فریاد که را می‌داری؟!  
 ۲) گر گران‌باریم جرم چرخ چیست؟ / بار کردار بد خود می‌بریم  
 ۳) کفن بر تن تند هر کرم پیله / برآرد آتش از خود هر چناری  
 ۴) دل ما گرچه اندر سینه ماست / ولیکن از جهان ما برون است  
 مفهوم بیت "بیاموزمت کیمیای سعادت / ز هم‌صحبت بد، جدایی جدایی" در کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- ۱) یار ناپایدار دوست مدار / دوستی را نشاید این غدار  
 ۲) از بدان جز بدی نیاموزی / نکند گرگ، پوستین دوزی  
 ۳) با بهان لحظه‌ای چو بشتابی / نام نیکو از او بسی یابی  
 ۴) هرکه با دیگ همنشین گردد / جامه خویشت را سیاه کند

مفهوم همه گزینه‌ها با "گندم‌نمای جو فروش نباش" متناسب است به جز گزینه .....

- ۱) بیرون سپید و دل‌سپهی همچو آینه / یکرنگ و صاف گرد و رها کن منافقی  
 ۲) در کارهای دینی و دنیایی / جز همچنان مباش که بنمایی  
 ۳) زنهار تا به سیرت طراران (دزدان) ارزن نموده ریگ نیمایی  
 ۴) از مکافات عمل غافل مشو / گندم از گندم بروید جو ز جو

تقابل معنایی عبارت زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟

"پیران قبیله خویشت را حرمت دار ولیکن به ایشان مولع مباش تا همچنان که هنر ایشان همی‌بینی عیب نیز بتوانی دید."

- ۱) ادب پیر خرابات نگه‌داشتنی است / طبع پیران و دل نازک اطفال یکی است  
 ۲) گشایش از دم پیران بود جوانان را / به خاک‌بوس هدف، تیر بی‌کمان نرسد  
 ۳) دیده ز عیب دگران کن فراز / صورت خود بین و در او عیب ساز  
 ۴) ای جوانان هنر از پیر بیاید آموخت / یاد گیرید ز ما مستی و بی‌باکی را

مفهوم جمله دوم "معلم دور نبود، صورتک به رو نداشت." در تمام گزینه‌ها هست به جز گزینه .....

- ۱) لباس ظاهر و باطن به هم موافق کن / نه همچو دریا خونخوار و پاک‌دامن باش  
 ۲) درون را بیارای همچون برون / و یا کن برون را به رنگ درون  
 ۳) ظاهر و باطن به همدیگر نکوست / هرکه دارد هر دو، با ما آشناست  
 ۴) از مهر دوستان ریاکار خوش‌تر است / دشنام دشمنی که چو آیینه راست‌گوست

مفهوم بیت "چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت زین و گهی زین به پشت" در کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- ۱) مرا ز بخت همی گل شکفتی از بر گل / به غیر خار نروید کنونم از بر خار  
 ۲) آن روزگار کو که مرا یار، یار بود / دل بر کنار از این غم و او بر کنار بود  
 ۳) شد اوج وصل بر من مسکین حصبیض (پستی) هجر / دیشب سپهر بودم و امشب زمین شدم  
 ۴) شب صحبت غنیمت دل که بعد از روزگار ما / بسی گردش کند گردون، بسی لیل و نهار آرد

- ۱) زانکه از کوزه بهر عادت و خو بترآود گلاب و سرکه در او
- ۲) صورت ار با تو نباشد گو مباش خاک بر سر جسم را چون جان تو راست
- ۳) رأفت یاران نباشی آفت ایشان مشو سیرت حق چون نباشی صورت باطل مباش
- ۴) باطنت به گل ماند و ظاهرهت به نسرین هرگز تو برابر نبوی ظاهر و باطن

در کدام بیت زمینه حماسه (ویژگی حماسه) با بقیه یکسان نیست؟

- ۱) ببردند خوالیگران خون زر شهنشاہ بنشست با زال زر
- ۲) پراندیشه گفت ای جهاندیده زال به مردی بی‌اندازه پیموده سال
- ۳) اگر بازگردی بود سودمند نیازی به سیمرغ و کوه بلند
- ۴) بدو گفت سیمرغ کای پهلوان مباش اندرین کار خسته روان

در همهٔ گزینه‌ها مفهوم مقابل بیت "تا زیر خاکی ای درخت تنومند مگسل از این آب‌وخاک، ریشهٔ پیوند" آمده است به‌جز:

- ۱) تا چین سر زلف بتان شد وطن دل عزم سفرش از گذر حبّ وطن خاست
- ۲) دگر نه عزم سیاحت کند نه یاد وطن کسی که بر سر کویت مجاوری آموخت
- ۳) سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است صحیح نتوان مرد به‌سختی که من اینجا زادم
- ۴) میان جان من و چین جعد مشکینت تعلّی است حقیقی به‌حکم حبّ وطن

کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

"چون بسی ابلیس آدم‌روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست"

- ۱) حکایت چند از ابلیس و آدم همه ابلیس گشتند آدمی کو
- ۲) ای بسا شاعر که از سحر هنر رهن قلب است و ابلیس نظر
- ۳) ترک عجب و کبر کن تا قبله عالم شوی سیرت ابلیس را بگذار تا آدم شوی
- ۴) نشان راه ز دزدان ره چه می‌پرسی نه هرکه بر سر راه است رهبری داند

مفهوم کلی همهٔ ابیات باهم تناسب دارند، به‌جز:

- ۱) به نور طلعت تو یافتم وجود تو را به آفتاب توان دید کآفتاب کجاست
- ۲) جز تو کس نیست در سرای وجود نظر این است پیش اهل نظر
- ۳) اول و آخر اوست در همه حال ظاهر و باطن اوست در همه باب
- ۴) به مجاز، این‌وآن نَهی نامش به حقیقت چو بنگری همه اوست

مفهوم کدام بیت با بیت زیر هم‌خوانی دارد؟

"کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی‌بردش تا به‌سوی دانه و دام"

- ۱) منم آن مرغ دل‌خسته، شکسته‌بال و پرسته که دست آسمان دائم ز اختر می‌زند سنگم
- ۲) آن‌که باز همت او چون کند عزم شکار کرکس گردن رباید چون کبوتر ز آشیان
- ۳) گرت هواسست که دائم در این وسیع فضا بود قضا به رضایت، بده رضا به قضا
- ۴) خلق از برای دانه به دام اوفتاده، من در دانه دل نبستم و از دام فارغم

مفاهیم "ترک آرزوها، قناعت‌پیشگی، ارزش یافتن با سختی‌ها، تحمل سختی‌های راه عشق" به ترتیب از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

- الف) آتش سوزان نمی‌دارد خبر از زخم خار  
ب) در زمین پاک ما ریگ روان حرص نیست  
ج) برنخورد کسی در جهان به طول امل  
د) قول مطبوع از درون سوزناک آید که عود
- تیزی خار مگیلان از من مجنون می‌رس  
از رگ ابری مراد مزرع ما حاصل است  
همان به است که آمال مختصر باشد  
چو همی‌سوزد جهان از وی معطر می‌شود

(۲) ج، ب، الف، د

(۱) ج، ب، د، الف

(۴) ب، ج، الف، د

(۳) ب، ج، د، الف

عبارت "هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت" با مفهوم کدام بیت، متناسب است؟

۱

- (۱) راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست      آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست  
(۲) در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست      در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست  
(۳) هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود      در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست  
(۴) هر چه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست      ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

در کدام بیت زمینه میهنی حماسه دیده می‌شود؟

۲

- (۱) بجنید رهام زن رزمگاه      برون تاخت اسب از میان سپاه  
(۲) بزرگان ایران گشاده دل اند      تو گویی که آهن همی بگسلند  
(۳) بدو داد شاه اختر کاویان      بر آن‌سان که بودی به رسم کیان  
(۴) به رزم اندرون کشته شد اشکبوس      وزو شادمان شد دل گيو و طوس

متن زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

۳

"هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت."

- (۱) غم ایمان خویش خور که تو را      روز محشر امان به ایمان است  
(۲) ترک عمل بگفتم و ایمن شدم ز عزلت      بی‌چیز را نباشد اندیشه از حرامی [راهزن]  
(۳) غمگین مباش چون خط بطلان نمی‌توان      بر سرنوشت خویش ز چین جبین زدن  
(۴) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل      مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان

کدام بیت بیانگر سرانجام "ضحاک" است؟

۴

- (۱) بریده سر و تئش بر دار کرد      دو پایش ز بر سر نگوئسار کرد  
(۲) به اژمش سراسر به دو نیم کرد      جهان را از او پاک بی‌بیم کرد  
(۳) به چاه اندر افتاد و بشکست پست      شد آن نیک‌دل مرد یزدان‌پرست  
(۴) گسسته شد از خویش و پیوند، او      بمانده بدن گونه در بند، او

مفهوم بیت زیر با کدام بیت، تناسب دارد؟

۵

"بگفتا رو صبوری کن در این درد      بگفت از جان صبوری چون توان کرد"

- (۱) ای آشنای کوی محبت صبور باش      بیداد نیکوان همه بر آشنا رود  
(۲) صبر کن بر نفس گرم خود ای تشنه‌جگر      که چو دل آب شود چشمه حیوان گردد  
(۳) صبوری ورز اگر خواهی که کام دل به دست آری      سرانجام همه کارت بود از صبر پابرجا  
(۴) هر آن‌کس که نصیحت همی‌کند به صبوری      به هرزه باد هوا می‌دمد بر آهن سردم

"چون شیر به خود سپه شکن باش" فرزند خصال خویشتن باش

- ۱) پارسا باش و نسبت از خود کن      پارسا زادگی ادب نبود
- ۲) چو کنعان را طبیعت بی هنر بود      پیمبرزادگی قدرش نیفزود
- ۳) نباید کند جز که نام نکو      خردمند زین زیستن آرزو
- ۴) هنر بنمای اگر داری نه گوهر      گل از خار است و ابراهیم از آرزو

زمینه حماسه در کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

- ۱) همان زال کاو مرغ پرورده بود      چنان پیرسر بود و پژمرده بود
- ۲) جهاندار هوشنگ با رای و داد      به جای نیا تاج بر سر نهاد
- ۳) سواران لشکر برانگیختند      همه دشت پیشش درم ریختند
- ۴) چو بشنید گفتار اخترشناس      بخندید و پذیرفت از ایشان سپاس

مفهوم کلی کدام دو بیت، با یکدیگر تناسب دارد؟

- الف) آزادی اگر خواهی از عقل گریزان باش      سرخیل مجانین شو، سرحلقه طفلان باش
- ب) من و انکار شراب این چه حکایت باشد      غالباً این قدم عقل و کفایت باشد
- ج) یکی از عقل می لافد یکی طامات می بافد      بیا کاین داورى ها را به پیش داور اندازیم
- د) عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوش است      عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما

- ۱) الف - ج
- ۲) الف - د
- ۳) ب - ج
- ۴) ب - د

کدام گزینه با بیت "چه در کار و چه در کار آزمون" نباید جز به خود، محتاج بودن" قرابت معنایی دارد؟

- ۱) سال ها چون سنگ بودی دل خراش      آزمون را یک زمانی خاک باش
- ۲) چون شیر به خود سپه شکن باش      فرزند خصال خویشتن باش
- ۳) در آزمون تو گرچه روزگار رفت      چو روزگار بهر آزمون دتری
- ۴) چون دید هیچ نیست فکندش به خاک و رفت      زین سانش آزمون! چه نیک آزمون دنی

پیام داستان "زاغ و کبک" با مفهوم کدام گزینه تناسب ندارد؟

- ۱) طبع دون از ره تقلید به نیکان نرسد      پای اگر خواب کند چشم نگویند آن را
- ۲) اهل تقلید ندارند ثباتی در ذات      صدق این واقعه از سایه خود کن تحقیق
- ۳) کام تقلید ز نعمت نبرد بهره ذوق      غیر ریزش نبود بهره دندان صدف
- ۴) تقلید چون عصاست به دست در این سفر      وز فرّ ره عصات شود تیغ ذوالفقار

کدام گزینه مفهوم نزدیک تری به دو بیت زیر دارد؟

"سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته جانی  
به گوش ارغوان آهسته گفتم بهارت خوش که فکر دیگرانی"

- ۱) به زان نبود که برگ عزلت سازیم      چشم از بد و نیک خلق پیش اندازیم
- ۲) بنوازی ارگدایی به تفقّد و عطایی      نکنی از این زیانی، نرسد از آن شکست
- ۳) از بدان نیکی، بدی از نیکوان شایسته نیست      راستی عیب نمایان می شود در تیر مار
- ۴) دل وصف او به نیکی کردی همیشه، آری      چون عشق سخت گردد دل کز کند روایت



- (۱) ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم  
باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست
- (۲) خلاص ده ز تن تیره روح قدسی را  
که آن همای بدین استخوان نمی‌ارزد
- (۳) از جنون این عالم بیگانه را گم کرده‌ام  
آسمان‌سیرم زمان خانه را گم کرده‌ام
- (۴) چو ذره گرچه حقیرم ببین به دولت عشق  
که در هوای رخت چون به مهر پیوستم

مفهوم "پیر" در زندگی مولانا در بیت کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (۱) پیر خمیازه‌کش وضع جوان می‌باشد  
حسرت تیر در آغوش کمان می‌باشد
- (۲) پیر باشد نردبان آسمان  
تیر، پژان از که گردد از کمان
- (۳) در پیری اگر باشد امیدی ز شکفتن  
دائم گره قبضه به ابروی کمان چیست
- (۴) کمان ترک چون دور افتد از تیر  
دفی باشد کهن با مطربی پیر

مفهوم "العبد يُدبّر و الله يُقَدِّر" در کدام گزینه یافت نمی‌شود؟

- (۱) با همه تدبیر خویش ما سپر انداختیم  
روی به دیوار صبر، چشم به تقدیر او
- (۲) هرکجا تدبیر می‌چیند بساط مصلحت  
از کمین بازیچه تقدیر می‌آید برون
- (۳) گرچه صائب شود از من گره عالم باز  
عاجز قوت سرینجه تقدیرم من
- (۴) کارهایی که درش بسته تقدیر بود  
چو تو تدبیر کنی در بگشاید یزدان

کدام بیت با مفهوم عبارت "مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان‌که یک‌لحظه از حق‌تعالی غایب نشود" تناسب دارد؟

- (۱) میان خلق، با خلق آشنا کامل نمی‌گردد  
که در دریاست آب گوهر و داخل نمی‌گردد
- (۲) چه زتار مغ بر میانت چه دلخ  
که درپوشی ازبهر پندار خلق
- (۳) خواه اطلس بیوش و خواهی دلخ  
با خدا باش در میانه خلق
- (۴) عبادت به اخلاص نیت نکوست  
وگرنه چه آید ز بی‌مغز پوست؟

متن زیر با کدام بیت قرابت مفهوم ندارد؟

"الطاف الوهیت و حکمت ربوبیت به سرّ ملایکه فرومی‌گفت: معذورید که شما را سروکار با عشق نبوده است."

- (۱) وز فرشته نیز رشکم هیچ نیست  
ز آنکه آنجا عشق و پیچاپیچ نیست
- (۲) باز عشق آمد که ناخن بر رگ جانم زند  
زیور گوش ملائک سازد افغان مرا
- (۳) جذبه عشق نیچند به ملائک صائب  
این کمندی است که در گردن انسان باشد
- (۴) عشق از برای زینت انسان پدید شد  
محروم از این شرف به‌یقین دلان، فرشته‌اند

مفاهیم "رهایی‌ناپذیری از عشق - نصیحت‌ناپذیری عاشق - جاودانگی عشق" به ترتیب در کدام بیت‌ها ذکر شده است؟

- الف) مرا مگوی که سعدی طریق عشق رها کن  
سخن چه فایده گفتن، چو پند می‌ننوشم
- ب) نگاه من به تو و دیگران به خود مشغول  
معاشران ز می و عارفان ز ساقی مست
- ج) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر  
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
- د) گفتم کرانه گیرم از آشوب عشق او  
وین بحر را چو نیک بدیدم کران نبود
- ه) دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند  
از گوشه بامی که پریدیم، پریدیم

- (۱) د - الف - ج  
(۲) ب - د - ج
- (۳) ه - الف - د  
(۴) ب - د - ه

"آن چه بود؟ گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند و بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانهداری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود."

- ۱) صائب از عشق چه سان قامت خود راست کند؟  
 ۲) ذره ناچیز ما بر گردن همت گرفت  
 ۳) چند کشند اهل دل بار بلای آسمان  
 ۴) نداشت طاقت این بار آسمان و زمین
- که فلک از ته این بار گران پس خم زد  
 بار سنگین امانت را که گردون برتافت  
 خود به کران نمی رسد جور و جفای آسمان  
 ظلوم ماست که شد عامل امانت عشق

مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دور است؟

- ۱) بعد از این از خلق و تزویرش برآرم سر به کوه  
 ۲) تا نگردیده است صائب استخوانت توتیا  
 ۳) دور شو زین مردم ناهل دور از مردمی  
 ۴) بکش نفس ستوری را به دشنة حکمت و طاعت
- با دل ما کی کند دیو آنچه انسان می کند  
 گوشه ای زین خلق ناهموار می باید گرفت  
 دیو گردد هرکه آمیزش به اهریمن کند  
 بکش زین دیو دستت را که بسیار است دستانش

بیت زیر با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

"نیست جانش محرم اسرار عشق  
 هرکه را در جان غم جانانه نیست"

- ۱) حدیث عشق به زندان بگویی نی به ملک  
 ۲) هر نگاهی محرم رنگ لطیف عشق نیست  
 ۳) جان بیاید داد در عشق غمش تا چون صبا  
 ۴) ما را به جز آه سحر هم نفسی نیست
- که اهل عشق بود سر عشق را محرم  
 پرده ای از اشک بر رخسار می باید کشید  
 با سر زلفش توانی محرم راز آمدن  
 زیرا که جز او محرم اسرار نداریم

مفهوم کدام گزینه با بیت "کز عشق به غایتی رسانم

کاو ماند اگر چه من نمانم" قرابت معنایی دارد؟

- ۱) عشق در دل ماند و یار از دست رفت  
 ۲) بشکست اگر دل من به فدای چشم مست  
 ۳) به لب آمده است جانم، تو بیا که زنده مانم  
 ۴) زین پیش ممان در غم خویشم که از این پس
- دوستان دستی که کار از دست رفت  
 سر خم می سلامت، شکند اگر سبویی  
 پس از آن که من نمانم به چه کار خواهی آمد؟  
 دانی که اگر بی تو بمانم، بنمانم

مفهوم مصراع "ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد" در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) ریشه آزادی در خاک این گلشن کجاست  
 ۲) سرو را گرچه به بالای تو ماندی نیست  
 ۳) نخل ما را ثمری نیست به جز گرد ملال  
 ۴) سرو از بی ثمری خلعت آزادی یافت
- سرو همچون گردن قمری است اینجا غل به کف  
 بنده با قد تو از سرو سهی آزاد است  
 طعمه خاک شود هرکه فشانم ما را  
 جگر خویش مخور گر ثمری نیست تو را

مفهوم کدام رباعی با سایر رباعی ها متفاوت است؟

- ۱) گویند که عاشقان علمدار شدند  
 افسوس که ما رهگذر خواب شدیم  
 ۲) ما سینه زدیم، بی صدا باریدند  
 ما مدعیان صف اول بودیم  
 ۳) با نام شما سرود بودن خواندیم  
 در راه شماییم ولی گاهی هم  
 ۴) رازی که خطرکنندگان می دانند  
 با بال شکسته پر گشودن، هنر است
- خورشید فروزان سر دار شدند  
 یارن به سراپرده دلدار شدند  
 از هرچه که دم زدیم، آن ها دیدند  
 از آخر مجلس شهدا را چیدند  
 از نور شما به زندگی تاباندیم  
 شرمنده که پشت میزها جا ماندیم  
 در بازی خون، برندگان می دانند  
 این را همه پرنندگان می دانند!

مفهوم آیه کریمه (إذها إلى فرعون إنه طغى فقولا له قولاً ليّنا...) در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... تکرار شده است.

- ۱) به دشمن دوست شو زانسان که هرگز به تیغ دشمنی نخراشدت پوست
- ۲) درشتان را ملایم طینتی‌هایم خجل دارد زبان از نرم‌گویی سرنگون افکند دندان را
- ۳) تو هم جنگ را باش چون کینه خاست که با کینه‌ور مهربانی خطاست
- ۴) دل به دشمن چون ملایم شد مصفا می‌شود سنگ با آتش چو نرمی کرد مینا می‌شود

عبارت "قاضی بسیار دعا کرد و گفت: "این صلت فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد." با همه ابیات به جز ..... تناسب مفهومی دارد.

- ۱) اگر عنقا ز بی‌برگی بمیرد شکار از دست گنجشکان نگیرد
- ۲) مکن باور که هرگز تر کند کام ز آب جو نهنگ لجه‌آشام
- ۳) عقاب آنجا که در پرواز باشد کجا از صعوه صیدانداز باشد
- ۴) با عقاب تیزچنگ و با همای تیزپر ابلهی باشد که رقاصی کند کبک دری

متن زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟  
"هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت."

- ۱) غم ایمان خویش خور که تو را روز محشر امان به ایمان است
- ۲) ترک عمل بگفتم، ایمن شدم ز عزلت بی‌چیز را نباشد اندیشه از حرامی [راهن]
- ۳) غمگین مباش چون خط بطلان نمی‌توان بر سرنوشت خویش ز چین جبین زدن
- ۴) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل مرد یزدان شو و فارغ‌گذر از اهرمنان

کدام گزینه با بیت "بلند آن سر که او خواهد بلندش" قرابت معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) هرچه خواهی کن که ما را با تو روی جنگ نیست سر نهادن به در آن موضع که تیغ افراستی
- ۲) به کیوان برکنشی آن را که خواهی به خذلان درکنشی آن را که خواهی
- ۳) اگر بلندتباری، چه جویی از پستی اگر خدای پرستی، چه خواهی از اصنام
- ۴) از عزیزی گر نخواهی تا به خواری اوفتی روی نیکو را عزیز و مال و نعمت خوار دار

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) کشتزار آن جهان است این جهان تا توانی تخم نیکی می‌فشان
- ۲) تو تا زنده‌ای سوی نیکی گرای مگر کام یابی به دیگر سرای
- ۳) خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است
- ۴) از کرم اینجا چو بنشانی درخت میوه‌اش آنجا خوری ای نیک‌بخت

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) طایر قدسم و خال رخ یارم هوس است سوی گلزار جمالش پی آن دانه روم
- ۲) چون زادم از نتایج علوی به مهد خاک عنقای قاف هم‌تم از عرش زد صفیر
- ۳) تو ز لاهوتی ای الهی‌دل ملک ناسوت را به ناس بهل
- ۴) دل دوش می‌پرید که من مرغ زیرکم آمد به دام زلف خودش موکشان کشید

کدام گزینه مفهومی متفاوت دارد؟

- ۱) کدام دلو فرورفت و پر برون نامد ز چاه، یوسف جان را چرا فغان باشد
- ۲) تو را غروب نماید ولی شروق بود لحد چو حبس نماید خلاص جان باشد
- ۳) فروشدن چو بدیدی برآمدن بنگر غروب، شمس و قمر را چرا زیان باشد
- ۴) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

- ۱) بگذر از دیر و حرم جانانه جای دیگر است  
 ۲) من در این جمع و پریشان دلم از غوغایی  
 ۳) هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟  
 ۴) تا نپنداری که با دیگر کسم خاطر خوش است
- خانه دل جای او وین خانه جای دیگر است  
 دیده جایی نگران دارم و خاطر جایی  
 من در میان جمع و دلم جای دیگر است  
 ظاهرم با جمع و خاطر جای دیگر می‌شود

- ۱) برد آدم از امانت هرچه گردون برنتافت  
 ۲) آن بار که از شدت او کوه ابا کرد  
 ۳) آسمان دوش خمی دارد که بارش عالم است  
 ۴) ما ظلومیم و جهول از احتمال بار یار
- ریخت می بر خاک چون در جام گنجین نداشت  
 با قوت تو حامل آن بار توان بود  
 کار صد قدرت همین یک ناتوانی می‌کند  
 گرچه رسواییم یارب نی تو رسوا کرده‌ای؟

"زندگی، رسم پذیرایی از تقدیر است  
 وزن خوشبختی من، وزن رضایتمندی است."

- ۱) ما نمی‌ترسیم از تقدیر و بخت  
 ۲) با همه تدبیر خویش ما سپر انداختیم  
 ۳) کارهایی که درش بسته تقدیر بود  
 ۴) دوش از پیر خرد جستم طریق عافیت
- آگهیم از عمق این گرداب سخت  
 روی به دیوار صبر چشم به تقدیر او  
 چون تو تدبیر کنی در بگشاید یزدان  
 گفت ای غافل به هر تقدیر با تقدیر صلح

- ۱) تن از دیدار جان مانع شود چشم جهان‌بین را  
 ۲) جهان و هرچه در روی جهان است  
 ۳) من خورشید جمال تو عیان می‌بینم  
 ۴) خورشید جمال رخ آن یار عیان دید
- حجاب تن چو برداری، جمال جان عیان بینی  
 همه از ذات حق عکسی عیان است  
 عکس روی تو ز مرآت جهان می‌بینم  
 از پرده ذرات جهان دیده بینی

- ۱) در آن تاریک شب می‌گشت پنهان  
 ۲) آبی‌تر از آنیم که بی‌رنگ بمیریم  
 ۳) فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد  
 ۴) از این سدّ رولان در دیده شاه
- فروغ خرگه خوارزمشاهی (اتمام پادشاهی)  
 از شیشه نبودیم که با سنگ بمیریم (بی‌ثمر مردن)  
 در غیرت ما نیست که در ننگ بمیریم (ایستادگی)  
 ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت (دردسرساز بودن رود سند)

- ۱) بر سر اغیار چون شمشیر باش  
 ۲) گر بزرگی به کام شیر در است  
 ۳) تکیه بر عقل خود و فرهنگ خویش  
 ۴) جوانمردی شیر با آدمی
- هین مکن روباه‌بازی، شیر باش  
 شو خطر کن ز کام شیر بجوی  
 بودمان تا این بلا آمد به پیش  
 ز مردم رمی دلن نه از مردمی

- ۱) من ملک بودم و فردوس برین جایم بود  
 ۲) من آن مرغم که هر شام و سحرگاه  
 ۳) بلبل گلشن قدسم شده از جور فلک  
 ۴) به جان او که به شکرانه جان برافشانم
- آدم آورد در این دیر خراب‌آبادم  
 ز بام عرش می‌آید صغیرم  
 بی‌گنه بسته زندان و گرفتار قفس  
 اگر به‌سوی من آری پیامی از بر دوست

- ۱) سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است صحیح  
 ۲) در ره عشق وطن از سر و جان خاسته‌ایم  
 ۳) غربت می‌سنیدید که افتید به زندان  
 ۴) ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک
- تتوان مرد به‌سختی که من اینجا زادم  
 تا در این ره چه کند همت مردانه ما  
 بیرون ز وطن پا مگذارید که چاه است  
 خدا داند چه افسرها که رفته

مفهوم همه ابیات یکسان است به‌جز بیت گزینۀ.....

- ۱) از علایق فارغاند آزادمردان همچو سرو  
 ۲) در زمان آزاد گردد سرو از بالای خویش  
 ۳) دل‌آزده زود از قید هستی می‌جهد بیرون  
 ۴) سازوبرگ عشرت از بار تعلق رستن است
- خار نتواند گرفتن دامن برچیده را  
 گر به‌پیش قد آن سرو خرامان بگذرد  
 سپند شوخ یکدم بیش در مجمر نمی‌باشد  
 سرو را آزادگی‌ها دارد این مقدار سبز
- کدام بیت با بیت "از چنبر نفس، رسته بودند آن‌ها" تناسبات مفهومی دارد؟

- ۱) آوخ که دست مرگ گریبان جان گرفت  
 ۲) به معصیت چه زند ره تو را که گر خواهد  
 ۳) بگذشت ز خاکم بت گل پیرهن من  
 ۴) نیست بتی چون تو سدّ راه تو خود را
- این نفس شوخ، دامن شهوت رها نکرد  
 ز طاعت تو، تو را بت تراشد آزر نفس  
 چون صبح نفس جامعه درید از کفن من  
 یار ابراهیم بت‌شکن شو و بشکن

مفهوم ترکیب "دریای خون" در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت معنایی دارد؟

- ۱) آن دشت را که رزمگه تو بود ورا  
 ۲) در آن دریای خون، در دشت تاریک  
 ۳) چه دارم هرچه دارم من نشاید آن تو را دانم  
 ۴) خنجر تیز تو هامون را کند دریای خون
- دریای خون لقب شود و کوه استخولن  
 به دنبال سر چنگیز می‌گشت  
 یکی دریای خون دانم که آن را دیده می‌گویم  
 آتش قهر تو ز دریا برانگیزد غبار

مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱) بدین لگام و بدین زینت نفس بدخو را  
 ۲) دام هم از ما بساختند چو دیدند  
 ۳) خواب و خورت ز مرتبۀ خویش دور کرد  
 ۴) آب حیات از آتش گلخن دمد چو باد
- در این مقام همی نرم و رام باید کرد  
 سوی خوشی‌های جسم میل و هوامان  
 آنکه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی  
 گر نفس خاک‌پاش به گلخن درآورم

مفهوم مقابل همه ابیات نادرست است به‌جز.....

- ۱) بفرمود پس کاوه را پادشا  
 ۲) بی‌پوید کاین مهتر آهرمن است  
 ۳) ستم‌دیده را پیش او خواندند  
 ۴) بیامد به درگاه سالار نو
- که باشد بر آن محضر اندر گوا (تأیید استشهدانامه)  
 جهان‌آفرین را به دل، دشمن است (دعوت به انقلاب)  
 بر نامدارانش بنشانند (مظلوم‌نمایی کاوه)  
 بدیدند آنجا و برخاست غو (شادی فریدون با دیدار مردم)

مفهوم کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) ای مرغ پای‌بسته به دام هوای نفس  
 ۲) کندیم ز دل بیخ هواها و هوس‌ها  
 ۳) گفت من تیغ از پی حق می‌زنم  
 ۴) برون شو ز آشیان جان، مکن منزل در این بستان
- کی بر هوای عالم روحانیان پری  
 دادیم به خود راه بلاها و آلم‌ها  
 بنده حقم نه مأمور تنم  
 نگیرد در قفس آرام، سیمرغ بیابانی

مفهوم بیت "تو یک ساعت، چو افریدون به میدان باش تا زان پس به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی" با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- ۱) در او گر جامه‌ای دوزی، ز فضلش آستین یابی
  - ۲) اگر در باغ عشق آبی، همه فراش دل یابی
  - ۳) بهانه بر قضا چه نهی، چو مردان عزم خدمت کن
  - ۴) زبان از حرف پیمایی یکی یک‌چند کوتاه کن
- مفهوم کدام گزینه با بیت "زور داری، چون نداری علم کار لاف آن نتوان به‌آسانی زدن" متناسب است؟

- ۱) زر نداری نتوان رفت به زور از دریا
- ۲) به مردی و نیروی بازو مناز
- ۳) زور بازو داری و شمشیر تیز
- ۴) بیار آنچه داری ز مردی و زور

مفهوم کدام بیت به عبارت زیر نزدیک‌تر است؟

"اینجا به هیچ قیمت نشکنید؛ آنجا شکسته و خمیرشده باشید. اینجا همه‌اش در پرده بمانید؛ آنجا در محضر خدا، پرده‌ها را بردارید."

- ۱) بهر شکسته‌دلان کرده شفاعت و حق
- ۲) از راه تواضع به فلک رفت مسیحا
- ۳) خاکساری رخ دشمن به زمین می‌مالد
- ۴) بی‌مغز بود سر که نهادیم پیش خلق

مفهوم عبارت "روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد / زیرا هر دم به تلاش است تا که فرارود" با کدام بیت زیر قرابت دارد؟

- ۱) تا از دم جان‌پرور او زنده شود خاک
- ۲) پیوند روح نگسلد از جسم زیر خاک
- ۳) آمدن ما را بدین عالم بگو معنیش چیست
- ۴) لنگر تن روح را نتواند از پرواز داشت

کدام گزینه با عبارت زیر ارتباط معنایی ندارد؟

"از آسمان تاج بارد، اما بر سر آن‌کس که سر فروآرد"

- ۱) در بهاران کی شود سرسبز، سنگ
- ۲) چو شبنم بیفتاد مسکین و خرد
- ۳) غزه مشو گر ز چرخ کار تو گردد بلند
- ۴) در این حضرت آنان گرفتند صدر

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم
  - ۲) دل در این پیرزن عشوه‌گر دهر میند
  - ۳) خیمهٔ انس مزین بر در این کهنه رباط
  - ۴) به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی
- اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است  
کاین عروسی است که در عقد بسی داماد است  
که اساسش همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است  
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد

کدام ابیات مفهوم یکسانی دارند؟  
 الف) شور عشق است نمک مائده هستی را  
 ب) در ازل با عشق رویت جان ما بود آشنا  
 ج) طریق عشق چه پویم که بخت تیره مرا  
 د) نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود  
 ه) پیش از آن روزی که جان را با بدن شد اتحاد

ای خوش آن عمر که در شغل محبت گذرد  
 عشق بازی جان من با تو نه اکنون می‌کند  
 ز قسمت ازل اندوه و غم نصیب آورد  
 زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت  
 عشق تو با جان من بودند یاران قدیم

- ۱) الف، ج، هـ  
 ۲) هـ، ب، ج  
 ۳) ب، د، هـ  
 ۴) ب، د، الف

کدام گزینه با مفهوم بیت "ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم" باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست" قرابت دارد؟

- ۱) تو ای شاهین نشینم در چمن کردی از آن ترسم  
 ۲) روح تو مرغ سدره‌نشین است و تن قفس  
 ۳) بی‌جذبه آن‌کسان که در این ره قدم نهند  
 ۴) به هوای لب بامت که نشیمن نتوان  
 هوای او به بال تو دهد پرواز کوتاهی  
 مرغ از قفس همیشه پریدن کند هوس  
 گر بر فلک روند، زمین‌گیر می‌شوند  
 طایران را همه از بال‌وپر انداخته‌ای

کدام بیت با بیت زیر تناسب معنایی دارد؟  
 "زور داری، چون نداری علم کار  
 لاف آن نتوان به‌آسانی زدن"

- ۱) بر دانش خود چو تکیه کردم  
 ۲) تو را دانش و هوش و داد است و فر  
 ۳) به دانش روان را توانگر کنید  
 ۴) گر ز دانش کسی بلند شدی  
 زآن از می غم پر است جامم  
 بر آیین شاهان پیروزگر  
 خرد را ز تن بر سر افسر کنید  
 سر دانا بر آسمان بودی

کدام بیت با عبارت زیر قرابت معنایی دارد؟  
 "پرم دریادل بود؛ در لاتی کار شاهان را می‌کرد؛ ساعتش را می‌فروخت و مهمانش را پذیرایی می‌کرد."

- ۱) بگشای دست و جان و دلت را به یاد دوست  
 ۲) قصر امل چه می‌کنی روزن دلگشا ببین  
 ۳) ترک احسان مکن از نقص تمکن زنهار  
 ۴) فقر اگر فرمانروای عالم ایجاد نیست  
 ایثار کن روان، که در این راه پست نیست  
 کلبه فقر خوش‌تر از شاه‌نشین خسروان  
 بکن ایثار تو را هرچه میسر باشد  
 از چه می‌گیرند شاهان از فقیران همتی

کدام گزینه با مفهوم بیت "گفتم که چو ناگه آمدی، عیب مگیر چشم تر و نان خشک و روی تازه" تناسب دارد؟

- ۱) ردّ سائل زشت است و مهمان ناخوانده تحفه‌ای از تحفه‌های بهشت.  
 ۲) به این سفره محضر محقر و مختصر تن درده که شب بیگانه است و دست از همه نقدها کوتاه.  
 ۳) خولان قلندرلن به‌وقت نهادن همان صفت دارد که سفره درویشان به‌وقت برداشتن.  
 ۴) ایمن بنشین که خانه و آنچه در اوست ملک توست و آشیانه و هرکه در وی است در تصرف تو.

کدام گزینه با عبارت "باید بکوشی طبیعت خود را بیایی و آن، طبیعت واقعی و بدون محدودیت توست." قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) رتبه حرف ز خاموشی هرکس پیداست  
 ۲) گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس  
 ۳) لوح امکان تنگ میدان است، ورنه می‌نمود  
 ۴) احتیاج خودشناسی جوهر آینه نیست  
 جوهر آینه از پشت هویدا گردد  
 خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس  
 جوهر خود را زبان خامه فولاد ما  
 من اگر خود را نمی‌دانم تو می‌دانی مرا

- ۱) از دلیل عقل بر من کوه و صحرا تنگ شد  
 ۲) عقل ما رهنمای هستی اوست  
 ۳) عَزَّ و صفش که روی بنماید  
 ۴) آتش و آب و باد و خاک سکون
- هست‌ها زیر پای هستی اوست  
 عقل را جان و عقل بر باید  
 همه در امر قدرت بی‌چون
- مفهوم کدام گزینه با بیت به حرص از شربتی خوردم، مگیر از من که بد کردم  
 بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا" قرابت دارد؟

- ۱) الا ای پیر فرزانه، مکن عییم ز میخانه  
 ۲) سر در ره تو باخته بودم به دست شوق  
 ۳) گر بنالم از غمت عییم مکن کایوب را  
 ۴) در جمع خوبان بوده‌ام، گر بر تنی عاشق شدم
- که من در ترک پیمانه دلی پیمان‌شکن دارم  
 عییم مکن اگر دهمت یادگار، پای  
 دم‌بدم می‌آورد ایدای کرمان در سخن  
 عییم مکن ای پارسا، در کافرستان بوده‌ام

- مفهوم مقابل بیت "رزق هر چند بی‌گمان برسد  
 الف) لعل می از جام زر در سنگ خارا می‌خورد  
 ب) چشم بی‌شرم تو سیری را نمی‌داند که چیست  
 ج) آفتاب از لعل غافل نیست در زندان سنگ  
 د) پیران تلاش رزق فزون از جوان کنند
- شرط عقل است جستن از درها" در کدام بیت‌ها آمده است؟  
 آدمی خون در تلاش رزق بی‌جا می‌خورد  
 در تلاش رزق تا حرص مگس باشد تو را  
 در تلاش رزق با بی‌دست‌وپایی فارغیم  
 حرص گدا شود طرف شام بیشتر

- ۱) ب، د  
 ۲) ب، ج  
 ۳) الف، ج  
 ۴) الف، د

مفهوم کدام گزینه با شعر "روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد / زیرا هر دم به تلاش است تا که فرارود." قرابت دارد؟

- ۱) دل پر خون کجا از جسم پا در گل خبر دارد  
 ۲) ز سیر عالم بالا نگردد تن حجاب جان  
 ۳) نبیند زیر پا چشمی که افتاده است بر منزل  
 ۴) ز دست و پای بی‌تابی زدن آسوده می‌گردد
- کجا این دل به دریا کرده از ساحل خبر دارد  
 که از نشو و نما این سرو پا در گل خبر دارد  
 دل حق‌جو کجا از عالم باطل خبر دارد  
 هر آن موجی از این دریای بی‌ساحل خبر دارد

مفهوم همه ابیات به جز بیت گزینه ..... یکسان است.

- ۱) عاشق صادق نمی‌اندیشد از روز حساب  
 ۲) خود حساب از پرسش روز حساب آسوده است  
 ۳) حساب روز قیامت به خود کنم آسان  
 ۴) در پای حساب، تا نمانی فردا
- نامه صبح است در هنگامه محشر سفید  
 نیست پروایی ز میزان مردم سنجیده را  
 گناه خویش من اینجا اگر شماره کنیم  
 زنهار امروز سر حساب خود باش

مفهوم مقابل آیه کریمه (إذهبوا إلىٰ فرعون انه طغی فقولوا له قولاً لینا...) در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) به دشمن دوست شو زان‌سان که هرگز  
 ۲) درشتان را ملایم طینتی‌هایم خجل دارد  
 ۳) تو هم جنگ را باش چون کینه خاست  
 ۴) دل به دشمن چو ملایم شد مصفا می‌شود
- به تیغ دشمنی نخراشدت پوست  
 زبان از نرم‌گویی سرنگون افکنند دندان را  
 که با کینه‌ور مهربانی خطاست  
 سنگ با آتش چو نرمی کرد مینا می‌شود

مفهوم بیت زیر، از کدام بیت دریافت می‌شود؟

"ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم  
 باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست"

- ۱) چون مرغ وحشی از قفس تن رمیده شد  
 ۲) مبتلای قفس تن نشدی طوطی جان  
 ۳) از گلبن وصل تو عجب برگ و نوا یافت  
 ۴) چو مرغ در قفس از بهر آشیان عارف
- آن دل، که در پناه رخس آرمیده بود  
 گر نبودی هوس آن لب شکرشکنش  
 چون بلبل جان گشت اسیر قفس تن  
 هوای از قفس تن گریختن دارم



کدام ابیات باهم تناسب مفهومی دارند؟  
 الف) گر تهیدستی نه واعظ مایه دیوانگیست  
 ب) یاد گیر از بید مجنون، شیوه افتادگی  
 ج) تهیدستی ندارد جز خجالت حاصل دیگر  
 د) خوش‌عنائی لازم دیوانگی افتاده است

چیست باعث کز درختان بید مجنون می‌شود؟  
 گر گذارند از بر فرق تو، سر بالا مکن  
 که بار بید مجنون سر به زیر انداختن باشد  
 بید مجنون از نسیمی هر طرف مایل شود

- ۱) الف، د  
 ۲) ب، ج  
 ۳) الف، ج  
 ۴) ج، د

مفهوم بیت "گر چه خوردی هردم از جام فلک صد گونه زهر هم به تریاکی رسی زین چرخ گردان غم مخور" در کدام گزینه بیشتر دیده می‌شود؟

- ۱) و نیز مانند مادرم توکلی داشت که به او مقاومت و استحکام و اراده می‌بخشید.  
 ۲) به این زندگی گذرا آن‌قدرها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگارد.  
 ۳) در نظرش اگر یک روی زندگی زشت می‌شد روی دیگری بود که بشود به آن پناه برد.  
 ۴) خاله‌ام با همه تمکنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود.

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، متفاوت است؟

- ۱) قلب مسیح خرم است از برکات مریمی  
 ۲) تا به منزل نرسی، بر تو نگردد روشن  
 ۳) چرخ از حرکت این برکت یافته است  
 ۴) یقین تو راست جهان، باید از تو یک حرکت  
 بزم خلیل روشن است از حرکات ساره‌ای  
 برکت‌ها که نهان در حرکات است تو را  
 از ما حرکت باید و از حق برکت  
 که تا بود برکت در ممالک از دادار

عبارت زیر، با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟  
 "مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن."

- ۱) قوی دار دل را و همت بلند  
 ۲) همت عالی نظر به پست ندارد  
 ۳) کسی را که همت بلند اوفتد  
 ۴) همت خویش قوی دار که مرغ دل تو  
 به همت توان گشت، فیروزمند  
 خانه گردون غم نشست ندارد  
 مرادش کم اندر کمند اوفتد  
 جز بدین بال به سرمنزل عنقا نرسد

کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟  
 "کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست  
 چرا به دانه انسانان این گمان باشد؟"

- ۱) دانه گندمی فکند آدم پاک را به خاک  
 ۲) آب و خاک و سعی دهقان محض روپوش است و بس  
 ۳) گم نخواهد گشت در خاک این گرمی تخم پاک  
 ۴) چو زیر خاک در این کشتزار جای کنیم  
 بهر شکار روح قدس مرکز خاک دام شد  
 قدرت حق است کآرد دانه‌ها از دانه‌ای  
 سبز خواهد کرد دهقان عاقبت این دانه را  
 گیاه مهر تو روید ز دانه دل ما

مفهوم کدام گزینه با بقیه در تقابل است؟

- ۱) همه را دل ز همت عالی  
 ۲) قناعت در مزاج همت مردان نمی‌باشد  
 ۳) هر کجا مور قناعت پر همت وا کرد  
 ۴) هر سفله پی به گنج قناعت کجا برد  
 از قناعت پر از طمع خالی  
 فلک هم ساغری دارد اگر باشد دماغ دل  
 چه عجب گر ز سر ملک سلیمان گذرد  
 این نقد در خزینه ارباب همت است

- ۱) چو تو خود کنی اختر خویش را بد
- ۲) چون شیر به خود سپه‌شکن باش
- ۳) به مهمانی خویش تا روز مرگ
- ۴) چو دریا به سرمایه خویش باش
- مدار از فلک چشم، نیک‌اختری را
- فرزند خصال خویشتن باش
- درختی شو از خویشتن ساز برگ
- هم از بود خود سود خود برتراش

- ۱) عقل و تدبیر و صفات توست چون استارگان
- ۲) موج از حقیقت گهر بحر غافل است
- ۳) چگونه قطره تواند محیط دریا شد؟
- ۴) یارب چه آفتابی کانجا که پرتو توست
- زن می خورشیدوش تو محو کن اوصاف را
- حادث چگونه درک نماید قدیم را؟
- ز راه فکر رسیدن به ذات ممکن نیست
- هم وهم تیره گردد هم فهم ابتر آید

- ۱) برو کز طعنه بدخواه ندیدم رویت
- ۲) برو ای ناصح و بر دُرَدکشان خرده مگیر
- ۳) برق غیرت چو چنین می‌جهد از مکمن غیب
- ۴) شاه ترکان چو پسندید و به چاهم انداخت
- نیست چون آیینه‌ام روی ز آهن چه کنم؟
- کارفرمای قدر می‌کند این من چه کنم؟
- تو بفرما که من سوخته‌خرمن چه کنم؟
- دستگیر ار نشود لطف تهمتن چه کنم؟

- ۱) بلبلی را که به دیدار ز گل قانع شد
- ۲) باش خرسند چو مردان به قناعت صائب
- ۳) مورم اما خوشه‌چین خرمن دونان نی‌ام
- ۴) دل قانع ز احسان کریمان است مستغنی
- در اگر بسته شود رخنه و دیواری هست
- که فقیر از دل خرسند توانگر گردد
- می‌کنم شگر به اکسیر قناعت خاک را
- به آب تلخ دریا احتیاجی نیست گوهر را

- الف) به سال اندکی و به دانش بزرگ
- ب) خروشان همی رفت نیزه به دست
- ج) بیامد به درگاه سالار نو
- گویی، بدنزادی دلیر و سترگ
- که ای نام داران یزدان پرست
- بدیدندش آن‌جا و برخاست غو

- ۱) فریدون - کاوه - فریدون
- ۲) مرداس - کاوه - ضحاک
- ۳) فریدون - کاوه - ضحاک
- ۴) مرداس - فرزند کاوه - فریدون

- ۱) هوای نفس تو همچون هوای گردانگیز
- ۲) در تو آن مردی نمی‌بینم که کافر بشکنی
- ۳) خویشتن را خیر خواهی خیرخواه خلق باش
- ۴) در شاهراه عشق مرو با هوای نفس
- عدو دیده و بینایی است و خصم ضیاست
- بشکن از مردی هوای نفس کافرکیش را
- زان که هرگز بد نباشد نفس نیک‌اندیش را
- گر مرد این رهی بنه از سر هوای عشق

- ۱) جسم خاکی است حجاب نظر راهروان
- ۲) با حجاب تن خاکی نتوان واصل شد
- ۳) مسوز این تن خاکی ز تاب آتش خشم
- ۴) بگشای دو دست خود گر میل کنار استت
- سیل چون گرد ره از خویش فشاند، دریاست
- کوزه خود بشکن، لب به لب جو بگذار
- که خاک را نبود تاب هیچ‌گونه عذاب
- بشکن بت خاکی را تا روی بتان بینی

- ۱) هرچند بود مردم دانا درویش  
صد ره بود از توانگر نادان بیش
- ۲) اسب تازی شده مجروح به زیر پالان  
طوق زّین همه در گردن خر می‌بینم
- ۳) به دانایان بود رنج مجسم  
به نادانان بود گنج معین
- ۴) جاهل آسوده، فاضل اندر رنج  
فضل مجهول و جهل معتبر است

- ۱) داروی درد شوق را با همه علم عاجزم  
چاره کار عشق را با همه عقل جاهلم
- ۲) ز روی علم قوا را به خرج باید داد  
و گرنه قوه هدر رفته است و رنج هباست (هبا: گرد و غبار)
- ۳) زور داری، چون نداری علم کار  
لاف آن نتوان به آسانی زدن
- ۴) ولیکن علم را هم بی‌عمل کامی روا نبود  
چه سان بینی شجاعی را که بی‌تیغ و سنان بینی

- ۱) معیار دوستان دغل روز حاجت است  
قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
- ۲) دوستان را به گاه سود و زیان  
بتوان دید و آزمود توان
- ۳) دوست آن دانه که گیرد دست دوست  
در پیریشان حالی و درماندگی
- ۴) ما جز رضای دوست تمنا نمی‌کنیم  
چون آرزوی ماست همه آرزوی دوست

- ۱) درع داودی است در راه طلب افتادگی  
از غم خار مغیلان نقش پا آسوده است
- ۲) شهسوار من که مه آینه‌دار روی اوست  
تاج خورشید بلندش، خاک نعل مرکب است
- ۳) خاک ره شو گر طلبکار دلی، کاین کعبه را  
جز غبار خاکساری جامه احرام نیست
- ۴) چو شبنم بیفتاد مسکین و خُرد  
به مهر آسمانش به عیوق بُرد

- ۱) همه مرغان خلاص از بند خواهند  
من از قیدت نمی‌خواهم رهایی
- ۲) از مراد خود تبرا کن اگر خواهی که تو  
در میان بی‌مردان یک نفس بی‌غم زنی
- ۳) به سیم و زر جوان‌مردی توان کرد  
خوش آن کس کاو جوان‌مردی به جان کرد
- ۴) خواهی که تمتع بری از دنیی و عقبی  
با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد

- ۱) بگیر ای جوان دست درویش پیر  
نه خود را بیفکن که دستم بگیر
- ۲) همچو زلفش سر به پاش افکنده‌ایم  
وین سرافرازی از آن افکنده‌ایم
- ۳) با این محیط فاسد و این مردم دنی  
احمق کسی که تن دهد اندر فروتنی
- ۴) هر تواضع که پی منفعت است  
از خسان آن نه تواضع صفت است

- ۱) از تجارب برای دفع حوادث سلاح‌ها توان ساخت.  
هر آن‌گاهی که باشد مرد هشیار  
ز سوراخی دوبارش کی گزد مار؟
- ۲) در آن مواضع از جهت گریزگاه روز حادثه صد سوراخ ساخته.  
مکن اندیشه فردا و قدح نوش امروز  
کان که عاقل بود اندیشه فردا نکند
- ۳) چنان باید که همگنان استخلاص یاران را مهم‌تر از تخلص خود شناسد.  
مرّوت نبینم رهایی ز بند  
به تنها و یارانم اندر کمند
- ۴) جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهائش ما در آن است.  
مورچگان را چو بود اتفاق  
شیر ژیان را بدراند پوست

مفهوم کدام گزینه با عبارت "آن قدر گفته‌ام صادقانه بود که در سنگ هم اثر می‌کرد." در تقابل نیست؟

- ۱) ناله زار عاشقان، اشک چو خون بیدلان  
هیچ اثر نمی‌کند در دل همچو سنگشان
- ۲) در این معنی سخن باید که جز سعدی نیاراید  
که هرچ از جان برون آید، نشیند لاجرم بر دل
- ۳) سعدی آتش زبانم در غمت سوزان چو شمع  
با همه آتش‌زبانی در تو گیراییم نیست
- ۴) اثر ز ناله خونین دلان گریزان است  
ز ناله ای دل خونین اثر چه می‌خواهی؟

مفهوم مقابل بیت "بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد" حاصل بی‌حاصلی نبود به‌جز شرمندگی" در کدام گزینه وجود دارد؟

- ۱) سرو گفتم که به بالای تو ماند روزی  
زهرام نیست کزین شرم به بالا نگرم
- ۲) از حجاب حسن شرم‌آلوده لیلی هنوز  
بید مجنون را میسر نیست سر بالا کند
- ۳) عزت ترک تجمل از کرم افزون‌تر است  
سر به گردون می‌فرازد نخل چون بی‌بر شود
- ۴) تهیدستی ندارد جز خجالت حاصل دیگر  
که بار بید مجنون سر به زیر انداختن باشد

مفهوم کدام گزینه با بیت "مرّوت نبینم رهایی ز بند" به تنها و یارانم اندر کمند" در تقابل است؟

- ۱) بر آبخورد آخر مقدم تشنگان اند  
می ده حریفانم صبوری می‌توانند
- ۲) کجاست عاشق صادق که نگسلد از دوست  
گرش بیژد دشمن به تیغ بند از بند
- ۳) غم فرستادی به جانم جان بدل ایثار کرد  
یار را هرگز نباشد راحت از یاران دریغ
- ۴) راحت دنیا ز خود بردار تو  
بهر یاران کن ورا ایثار تو

مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) غمان تو مرا نگذاشت تا غمگین شوم یکدم  
هوای تو مرا نگذاشت تا من آب و گل باشم
- ۲) در آب و گل ز آدم خاکی نشان نبود  
کاغشته شد به آب محبت خمیر ما
- ۳) سنت عشق سعدیا ترک نمی‌دهی بلی  
کی ز دلم به در رود خوی سرشته در گلم
- ۴) مهر بتان در آب و گل ما سرشته‌اند "صائب" خمیرمایه بت‌خانه ایم ما

بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- "بگیر ای جون، دست درویش پیر  
نه خود را بیفکن که دستم بگیر"
- ۱) هرکه او را یار باشد یار باش  
هرکه یارش نیست زو بیزار باش
  - ۲) تا توانی با جماعت یار باش  
رواق هنگامه احرار باش
  - ۳) تو خاطر نگهدار درویش باش  
نه در بند آسایش خویش باش
  - ۴) تو بر تخت سلطانی خویش باش  
به اخلاق پاکیزه درویش باش

مفهوم بیت "تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین دیو آدم را نبیند غیر طین" از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- ۱) ای که گویی حق به قرآن وصف او ظاهر نگفت
  - ۲) زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه شد
  - ۳) بلیس‌وار ز آدم مبین تو آب و گلی
  - ۴) تا کجا خود را شماری ماء و طین
- وصف او هست آنچه هست اندر کتاب مستطاب (= شایسته)  
دیو بگیریزد از آن قوم که قرآن خوانند  
ببین که در پس گل صد هزار گلزارم  
از گل خود شعله‌ طور آفرین

مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) هر سر موی تو را با زندگی پیوندهاست
  - ۲) بی‌قراران هر نفس در عالمی جولان کنند
  - ۳) هرکه گردانید از دنیای رهن روی خویش
  - ۴) خار صحرای علایق نیست دامن‌گیر من
- با چنین دلبستگی از خود برین مشکل است  
همچو بوی گل به یک جا آرمیدن مشکل است  
بی‌تردد پشت بر دیوار منزل داده است  
گردبادم، ریشه من بال پرواز من است

کدام گزینه از مفهوم عبارت "این صلت فخر است. پذیرفتم و بازادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است. حساب این نتوانم داد و نگویم که مرا سخت دربايست نیست، اما چون به آنچه دارم و اندک است، قانعم، وزر و وبال این چه به کار آید؟ برنمی‌آید؟

- ۱) استرداد صله به دلیل خرسندی به کم از دنیا
- ۲) استرداد صله به علت عدم نیاز به آن
- ۳) قبول صله با سپاسگزاری از امیر و استرداد آن
- ۴) اظهار سرافرازی به قبول صله و برگرداندنش به علت تردید در حلال بودنش

مفهوم مقابل پیام بیت "کدام دانه فرورفت در زمین که نرست؟ چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟ کدام گزینه است؟

- ۱) کدام دلو فرورفت و پر برون نامد
  - ۲) دانه با خاک چو پیوست سری پیدا کرد
  - ۳) تنت همچون گور خاک است، ای پسر میسند هیچ
  - ۴) چگونه دانه ما سر برآورد از خاک
- ز چاه، یوسف جان را چرا فغان باشد  
هرکه شد خاک‌نشین برگ و بری پیدا کرد  
جانیت را در خاک تیره جاودانه مستقر  
هنوز مو ز کف دست برنیامده است

مفهوم همه ابیات یکسان است، به جز .....

- ۱) در دل آزاده‌ام گرد تعلق فرش نیست
  - ۲) گل ناچیده، بویی ناکشیده زین چمن رفتم
  - ۳) مکن تکیه بر ملک دنیا و پشت
  - ۴) جهان بر آب نهادست و زندگی بر باد
- سیل از ویرانه من شرمساری می‌برد  
به تلخی رفتم اینک در میان این سخن رفتم  
که بسیار کس چون تو پرورد و کشت  
غلام همت آنم که دل بر او نهاد

مفهوم کدام گزینه با بیت "کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای" در تقابل است؟

- ۱) ز نیکی به نیکی رسد مرد از آن
  - ۲) یکی جز به نیکی جهان نسپرد
  - ۳) که نیکی‌ست اندر جهان یادگار
  - ۴) تو نام ما به کار خیر بفروز
- که هرکس که او گل کند گل خورد  
همی از نژندی فروپژمرد  
نماند به کس جاودان روزگار  
که نیکی مرد را فرخ کند روز

مفهوم بیت "بلند آن سر که او خواهد بلندش نژد آن دل که او خواهد نژدش" با کدام گزینه متناسب است؟

- ۱) به خود آنجا کسی نداند رفت
  - ۲) او شوی گر ز خود فنا گردی
  - ۳) تو از او وقت حاجت او را خواه
  - ۴) گر بخواند، جدا ندانی شد
- به خدا باشد از تواند رفت  
تو نمائی، چو آشنا گردی  
کاو نماید به هر مرادت راه  
ور براند، کجا توانی شد

- ۱) به هریکی را شده است یکتا نان  
مهتر از کوه قاف در میزان
- ۲) به دل آنکه برادران باشید  
که زر و سیم یار برپاشید
- ۳) دشمن دانا که غم جان بود  
بهتر از آن دوست که نادان بود
- ۴) سر به هم آورده دیدم برگ‌های غنچه را  
اجتماع دوستان یکدلم آمد به یاد

- ۱) من در این جمع و پریشان دلم از غوغایی  
دیده جایی نگران دارم و خاطر جایی
- ۲) به دل درآی به کار و تن از برون بگذر  
به جا نشین بر جمع و خود از میان برخیز
- ۳) ما را دلی بود که ز دنیای دیگر است  
ماییم جای دیگر و او جای دیگر است
- ۴) تا نینداری که با دیگر کسم خاطر خوش است  
ظاهر با جمع و خاطر جای دیگر می‌شود

- الف) برفتند، جاماسپ، خورشید و زال  
گرفته دو تن زال را سخت یال (خرق عادت)
- ب) یکی داستان زد جهاندار شاه  
به یاد آورم اندرین کینه‌گاه (داستانی)
- ج) به سال اندکی و به دانش بزرگ  
گوی، بدنزادی، دلیر و سترگ (قهرمانی)
- د) سر اندر سپهر اختر کاویان  
چو ماه درخشنده اندر میان (ملّی)

- ۱) الف، ج، د  
۲) ب، د
- ۳) الف، ب، د  
۴) ج، د

- ۱) در ازل، هر کو به فیض دولت، ارزانی بود  
تا ابد جام مرادش، همدم جانی بود
- ۲) نه این زمان دل حافظ در آتش هوس است  
که داغدار ازل همچو لاله خودروست
- ۳) پیش از آن کاین نفس کل در آب و گل معمار شد  
در خرابات حقایق عیش ما معمور بود
- ۴) سر ز مستی برنگیرد تا به صبح روز حشر  
هرکه چون من در ازل، یک جرعه خورد از جام دوست

- الف) گوهر عشق که دریا همه ساحل نبود  
آخرم داد چنان تخته به طوفان که می‌رس
- ب) پیش از این کاین سقف سبز و طاق مینا برکشند  
منظر چشم مرا ابروی جانان طاق بود
- ج) شراب حاضر و معشوق مست و من عاشق  
از من مدار توقع به عقل و هوش امشب
- د) از روی تو کی سیر شود عاشق اگر هم  
از صبح ازل تا نفس صور ببیند

- ۱) ج، الف، د، ب  
۲) الف، ج، د، ب
- ۳) ج، الف، ب، د  
۴) الف، ج، ب، د

- ۱) مریز آب خود را در این تیره خاک  
کز این آب شد آدمی تابناک
- ۲) تویی خالق بوده و بودنی  
بیخشی بر خاک بخشودنی
- ۳) خاک ما گل کرد در چل بامداد  
بعداز آن جان را در او آرام داد
- ۴) آفرین جان‌آفرین پاک را  
آن‌که جان بخشید و ایمان خاک را

- ۱) ای شکم خیره به نانی بساز  
تا نکنی پشت به خدمت دوتا
- ۲) هشدار که در سایه دیوار قناعت  
خوابی است که در خواب پروبال هما نیست
- ۳) از دل به هر خیال قناعت نموده‌ایم  
آینه روی گر نماید قفا بس است
- ۴) در شکرزار قناعت نبود تلخی عیش  
دیده مور در این بادیه تنگ شکر است

ابیات کدام گزینه مفهوم مشترک دارند؟  
 الف) مهر جان مگیر به دل کاین مُحیل دون  
 ب) ناکسان پیش گاه و کامروا  
 ج) ز مرغان حرم در کام زاغان طعمه اندازد  
 د) تا کی غم دنیای دنی ای دل دانا  
 نگذاردت که یاد جهان آفرین کنی  
 فاضلان دورمانده وین عجب است  
 مدار روزگار سفله پرور را تماشا کن  
 حیف است ز خوبی که شود عاشق زشتی

- ۱) ب، د  
 ۲) ب، ج  
 ۳) الف، د  
 ۴) ج، الف

مفهوم کلی کدام گزینه از بقیه دور است؟

- ۱) سرو صائب از هجوم قمریان باله به خویش  
 ۲) رتبه آزادگی بنگر که نخل میوه‌دار  
 ۳) می‌تون بر سرکشان غالب شد از آزادگی  
 ۴) خم شد از بار تعلق قامتت زبینه نیست  
 از مریدان باد نخوت می‌فزاید پیر را  
 از حجاب سرو نتوانست سر بالا کند  
 آب با آن منزلت در خاک باشد سرو را  
 دعوی وارستگی چون سرو، انداز تو را

مفهوم مقابل بیت "در ره عشق وطن از سر و جان خاسته‌ایم" تا در این ره چه کند همت مردانه ما در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) بود حب وطن ز ایمان، وطن جان را بود جانان  
 ۲) هر آن‌کس که خون خورد عمری چو من  
 ۳) ای وطن زین همه ابنای تو کس یافت نشد  
 ۴) ای نگهبان وطن، نوبت جانبازی توست  
 وطن را گر شناسد جان به قربان وطن گردد  
 از او بایسد آموخت، عشق وطن  
 که به راه تو نگویم ز سر، از زر گذرد  
 سر فدا ساز که هنگام سرافرازی توست

مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱) در نمی‌گیرد به ارباب خرد افسون عشق  
 ۲) نیست تدبیر خرد را در جهان عشق کار  
 ۳) مایه پرهیزگار قوت صبر است و عقل  
 ۴) عقل کجا پی برد شیوه سودای عشق  
 گر نه ای بیکار، خون مرده را تلقین مکن  
 ناخدا و تخت کشتی در این دریا یکی است  
 عقل گرفتار عشق صبر زبون هواست  
 باز نیابی به عقل سدّ معمای عشق

کدام بیت با بیت "کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند" کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟، تناسب معنایی ندارد؟

- ۱) شکوه سلطنت و حسن، کی ثباتی داد  
 ۲) ببین که تخت سلیمان چگونه شد بر باد  
 ۳) ملک پرویز کز جمشید بگذشت  
 ۴) بده جام می و از جم مکن یاد  
 ز تخت جم سخنی مانده است و افسر کی  
 اگر چه بود به فرمان او وحوش و طیور  
 به گنج افشانی از خورشید بگذشت  
 که می‌داند که جم کی بود و کی کی

دو بیت کدام گزینه مفهوم مشترک ندارند؟

- ۱) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر  
 به چنگ آر و با دیگران نوش کن  
 ۲) کسی نیک ببیند به هر دو سرای  
 خدا را بر آن بنده بخشایش است  
 ۳) بخور تا توانی به بازوی خویش  
 در جهان بال‌وپر خویش گشودن آموز  
 ۴) زنخدا فروربرد چندی به جیب  
 هرکه را درد طلب نیست غم رزق خورد  
 چه باشی چو روبه به وامانده سیر  
 نه بر فضل دیگران گوش کن  
 که نیکی رساند به خلق خدای  
 که خلق از وجودش در آسایش است  
 که سعیت بود در ترازوی خویش  
 که پرین نتوان با پروبال دگران  
 که بخشنده روزی فرستد ز غیب  
 رزق ما در قدم آبله پا شد

- (۱) منزل نقل مکان ماست اوج لامکان  
 (۲) نیست جای پرفشانی چاردیوار قفس  
 (۳) دل بی‌وسوسه از گوشه‌نشینان مطلب  
 (۴) شبیمی را کز محیط بیکران افتاد دور
- آسمان‌ها را به گرد ما رسیدن مشکل است  
 مانده‌ای در تنگنای طارم اخضر (آسمان) چرا؟  
 که هوس در دل مرغان قفس بسیار است  
 در کنار لاله و آغوش گل آرام نیست

"آنچه دارم از اندک‌مایه حطام دنیا، حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم."

- (۱) به یاد دوست قناعت کن اوحدی که دل تو  
 (۲) ز ناپاک‌زاده مدارید امید  
 (۳) ما تازه‌روی چون صدف از دانه خودیم  
 (۴) ز مال و منصب دنیا جز این نمی‌ماند
- به روز وصل ندیدم و نیست مرد وصالش  
 که زنگی به شستن نگردد سپید  
 خرسند از محیط به پیمانۀ خودیم  
 میان اهل مرّوت که یاد باد فلان

- (۱) کام تقلید ز نعمت نبرد بهره ذوق  
 (۲) بهره تحقیق از تقلید بردن مشکل است  
 (۳) رواج عالم تقلید سنگ راه شده است  
 (۴) شعله عشق ز تقلید بلندی گیرد
- غیر ریزش نبود درخور دندان صدف  
 خضر نتوان شد کنی گر جامه و دستار، سبز  
 وگرنه رشته زنار و سبحة هم‌تابند  
 شور بلبل ز تماشایی گلزار افزود

- (۱) حکایتی ز دهانت به گوش جان آمد  
 (۲) هر دل که شد به گوشۀ چشم وی آشنا  
 (۳) پیش غافل سخن از پند و نصیحت راندن  
 (۴) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
- دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم  
 یک‌سو نهاد گوش نصیحت‌پذیر را  
 هست بر صورت دیوار گلاب افشاندن  
 کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

مفهوم عبارت "مولانا در زندگانی اهل صلح و سازش و مدارا بود و همین صلح و یگانگی با عشق و حقیقت او را بردباری و تحمل عظیم بخشید به طوری که طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و با نرمی و حسن خلق، آنان را به راه راست می‌آورد." با کدام ابیات تناسب دارد؟

- (الف) میخشای بر هرکجا ظالمی است  
 (ب) چه کاری برآید به لطف و خوشی  
 (پ) مه نور از آن گرفت کز شب نرمید  
 (ت) سنگ دل را سرمه کن در آسیای رنج و درد  
 (ث) ای بدی که تو کنی در خشم و جنگ  
 (ج) به نرمی ز دشمن تolan کرد دوست
- که رحمت بر او چور بر عالمی است  
 چه حاجت به تندى و گردنکشی؟  
 گل بوی از آن یافت که با خار بساخت  
 دیده را زین سرمه بینا کن کمال این است و بس  
 با طرب‌تر از سماع و بانگ چنگ  
 چو با دوست سختی کنی دشمن اوست

- (۱) ج، ب، پ  
 (۲) ت، ث، الف  
 (۳) ب، پ، ث  
 (۴) ب، ت، ج

که گوید نیستم از هیچ آگاه" تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) کنه تو ز دانش خردها مستور  
 (۲) کس ز کوه و سنگ عقل و دل نجست  
 (۳) خرد بگذار و ما را در درون بین  
 (۴) جهانداری که این چرخ کهن ساخت
- وجه تو ز ادراک نظرها همه دور  
 فهم و ضبط نکته مشکل نجست  
 یکی خود را درونت با برون بین  
 خرد را دایه طفل سخن ساخت



- ۱) اگر بود به تو گل ارادت تو درست  
کلید رزق به غیر از شکسته پایی نیست
- ۲) شد به لب واکردنی گنجینه گوهر صدف  
در تلاش رزق، آدم بی‌دهن باشد چرا؟
- ۳) گرچه بیرون ز رزق نتوان خورد  
در طلب کاهلی نشاید کرد
- ۴) چون شیر مادر است مهیا اگرچه رزق  
این جهد و کوشش تو به جای مکیدن است

- الف) یک دست جام باده و یک دست جعد یار  
رقصی چنین میانه میدانم آرزوست
- ب) گوشم شنید قصه ایمان و مست شد  
کو قسم چشم صورت ایمانم آرزوست
- ج) یارن شدند بدر از اغیار گو به دل  
کای یار غار صحبت اغیارم آرزوست
- د) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست  
آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست
- ۱) الف، ب  
۲) ج، د
- ۳) الف، ج  
۴) ب، د

"پرونده عشق شد سرشتم جز عشق مباد سرنوشتم"

- ۱) گرچه تو را از ازل حسن خداداد بود  
عشق که بود اینکه داد حسن تو را این رواج
- ۲) به شیر بود مگر شور عشق سعدی را  
که پیر گشت و تغیر در او نمی‌آید
- ۳) غلام همت آنم که خاک عشق سرشست  
مرید فکرت آنم که راه انس نبشت
- ۴) کدامین سرخ‌گل را کاو پیرورد  
ندادش عاقبت رنگ گل زرد

شرط عقل است جستن از درها" مغایر است؟

- ۱) کلید رزق تو را سین جستجو دارد  
چو آسیا پی تحصیل رزق، گردان باش
- ۲) برات رزق تو بر آسمان نوشته خدای  
عبث توقع رزق از زمینیان داری
- ۳) ز کار تا نرود دست و پای سعی تو را  
امید رزق ز دست دعا نباید داشت
- ۴) سعی از برای رزق مقدر نمی‌کنیم  
ما این عرق ز جبهه خود پاک کرده‌ایم

"آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم."

- ۱) هر که دست خود کند پیش تهیدستان دراز  
بر امید میوه زیر سرو دامان وا کند
- ۲) قلب من گردیده از اکسیر خرسندی طلا  
چهره زربین و قصر ز رنگار من یکی است
- ۳) بر روزه قناعت خود صبر می‌کنیم  
گر جان به لب رسد غم دنیا نمی‌خوریم
- ۴) بی‌شک اندر طلب بیشتر از قدر کفاف  
سخت‌کوشی تو از غایت مستی باشد

- ۱) ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند، مردود همه جهان گشت.  
اهرمن از سجده انسان خاکی سر کشید  
زانکه بود از شعله‌های عشق پنهان بی‌خبر
- ۲) (أنا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال فابین ان يحملنها واشفقن منها و حملها الانسان...)  
عرش آن بار گرن‌سنگ که از دوش انداخت  
خاک بی‌باک، دلیر آمد و بر دوش گرفت
- ۳) شما چه دانید که ما را با این مشتکی خاک چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟ معذورید که شما را سروکار با عشق نبوده است.  
جلوه‌ای کرد رُخت دید ملک عشق نداشت  
عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد
- ۴) پس، از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل دل کرد.  
خاک دل آن روز که می‌بیختند  
شبنمی از عشق بر او ریختند

- ۱) ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم / باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست  
جان طایر قدس است، پَرَد در حرم قدس / صیاد اگر از قفس تن بیراند
- ۲) حکایت‌نویس مباش، چنان باش که از تو حکایت کنند.  
برکش آن نغمه که سرمایه آب و گل توست / ای ز خود رفته تهی شو ز نوای دگران
- ۳) همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، او را بردباری و تحمل عظیم بخشید.  
در کار عشق حاجت تیر و خدنگ نیست / خصمی که دل به صلح دهد، جای جنگ نیست
- ۴) من نیز فرزند این پدرم و از آن حساب و توقف و پرسش قیامت بترسم که وی می‌ترسد.  
خودحسابان که کشیدند به دیوان خود را / در همین نشئه ز آشوب قیامت رستند

کدام گزینه با مفهوم عبارت "مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند." تناسب دارد؟

- ۱) کاه اگر کوه شود، سر به فلک بر نزد / ور سُها کور شود، نور قمر کم نشود
- ۲) چهره با خورشید گشتن طاقت خفاش نیست / خیره می‌گردد نگاه بی‌جگر از آب تیغ
- ۳) دل چو روشن شد هنرها محو حیرت می‌شود / موج جوهر کم زند بال‌وپر اندر آینه
- ۴) جهان تیره به چشم تو روشن آمد از آنک / سر تو هست برون از دریچه پندار

مفهوم متن "بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان / بگذار که سرخوش و سرمست به دوردست‌ها روم / و بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم" کدام بیت را نقض می‌کند؟

- ۱) گر عاشق تو فردا اندر سفر نهد پا / صد در ز خلد گردد اندر سفر گشاده
- ۲) رو بر سر کوی او بنشین و به دست خود / پایی که همی‌بردت هر سو به سفر بشکن
- ۳) سرمه خاموشی من از سواد شهرهاست / چون جرس گلبانگ عشرت در سفر باشد مرا
- ۴) هر دم اندر سفر همی‌کن شاد / عالمی را به فز مقدم خویش

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) مثل آئینه مشو محو جمال دگران / از دل و دیده فروشوی خیال دگران
- ۲) در جهان بال‌وپر خویش گشودن آموز / که پریدن نتوان با پروبال دگران
- ۳) چون شیر به خود سپه‌شکن باش / فرزند خصال خویشتن باش
- ۴) ای که نزدیک‌تر از جانی و پنهان ز نگه / هجر تو خوش‌ترم آید ز وصال دگران

مفهوم ابیات دوگانه همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز:

- ۱) به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد  
چون داغ، دل به لاله باغ جهان میند / مرده است این چراغ، نفس تا کشیده‌ای
- ۲) بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد / حاصل بی‌حاصلی نبود به‌جز شرمندگی  
هیچ همدردی نمی‌یابم سزای خویشتن / می‌نهم چون بید مجنون سر به پای خویشتن
- ۳) نیست جانم محرم اسرار عشق / هرکه را در جان غم جانانه نیست  
تا نگردي آشنا در بحر عشقت راه نیست / گر نه ای موسی قدم در نیل نتوانی زدن
- ۴) خود ز فلک برتریم وز ملک افزون‌تریم / زین دو چرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست  
روح تو سدره‌نشین است و تن قفس / مرغ از قفس همیشه پریدن کند هوس

کدام ابیات با یکدیگر تقابل مفهومی دارند؟

- الف) از فکر رزق، چاک چو گندم به دل فتاد  
ب) جهد رزق ار کنی و گر نکنی  
ج) سعی در رزق کسان دل را منور می‌کند  
د) ز کار تا نرود دست و پای سعی تو را
- افکنند در تنور صد اندیشه نان مرا  
برساند خدای عزوجل  
کم بود دل‌های شب بی شمع بالین آسیا  
امید رزق ز دست دعا نباید داشت

- ۱) ب، پ  
۲) الف، ت  
۳) الف، پ  
۴) ب، ت

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) وجود تو از حضرت تنگ بار  
۲) بدو هیچ پوینده را راه نیست  
۳) جواهربخش فکرت‌های باریک  
۴) چون خرد در ره تو پی گردد
- کند پیک ادراک را سنگسار  
خردمند از این حکمت آگاه نیست  
به روز آرنده شب‌های تاریک  
گرد این کار وهم کی گردد

مفهوم عبارت "آنچه دارم اندک است، قانعم و این اندک‌مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم. وزر و وبال آن چه به کار آید؟" در کدام گزینه بیان نشده است؟

- ۱) راحتی گر هست در آغوش ترک مدعاست  
۲) خلعت دنیا زیاد از خویشتن در دسر است  
۳) نعمتی چون سیرچشمی نیست در خون وجود  
۴) کرده‌ام با خاکساری جمع اوج اعتبار
- احتیاج، آشوب‌ها دارد به استغنا زنید  
آنچه می‌آید زیاد از آستین چین می‌شود  
بی‌نیاز از بحر دارد آب این گوهر، مرا  
خار دیوارم، وبال هیچ دامن نیستم

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) در قبضه سعی است کلید در روزی  
۲) مرغ دست‌آموز روزی بی‌نیاز است از طلب  
۳) به کار تا نرود دست و پای سعی تو را  
۴) از توکل در حنا مگذار دست سعی را
- شیر از کشش طفل ز پستان به درآید  
در تلاش این شکار رام دست‌وپا من  
امید رزق ز دست دعا نباید داشت  
قفل روزی گر کلیدی دارد ابرام (= پافشاری) است و بس

مفهوم بیت "کدام دانه فرورفت در زمین که نرست؟"

- الف) چو دانه‌ای که بمیرد هزار خوشه شود  
ب) چگونه دانه ما سر برآورد از خاک  
ج) تو را غروب نماید ولی شروق بود  
د) روز مرگم بر سر تابوت خواهد شعله زد
- چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟ در کدام گروه ابیات آمده است؟  
شدم به فضل خدا صد هزار چون مردم  
هنوز مو ز کف دست برنیامده است  
لحد چو حبس نماید خلاص جان باشد  
آتش عشقت که در دل دارم از گهواره من

- ۱) الف، ج  
۲) ج، د  
۳) الف، ب  
۴) ب، د

مفهوم کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) این سبک‌بالان که تا عرش جنون سر می‌کشند  
۲) هر مقام عشق را موقوف زخمی ساختند  
۳) آفتاب دیگرند اینان که روز خصم را  
۴) فصل دیگر می‌گشایند از کتاب کربلا
- آفتاب وصل را چون صبح، در بر می‌کشند  
بی‌سران در هفت شهر عاشقی سر می‌کشند  
تیره می‌سازند چون از کوه سر بر می‌کشند  
عشق را با جوهر خون نقش دیگر می‌کشند

- ۱) بلی قضاست به هر نیک و بد، عنان‌کش خلق      بدان دلیل که تدبیرهای جمله خطاست
- ۲) بخواهد بُدن بی‌گمان بودنی      نکاهد به پرهیز افزودنی
- ۳) چنین است رسم قضا و قدر      ز بخشش نیابی به کوشش گذر
- ۴) قلم به ساعتی آن کارها تواند کرد      که عاجز آید از آن کارها، قضا و قدر

کدام بیت با عبارت زیر تناسب مفهومی ندارد؟  
گفتم: "علم در همه بابی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق."

- ۱) ز نور علم صائب شب شود از روز روشن‌تر      ندارد شمع حاجت هرکه دانایی است همراهش
- ۲) ز روی علم قوا را به خرج باید داد      وگرنه قوه هدر رفته است و باد هباست
- ۳) هر آن‌که را به جهان علم نیست چیزی نیست      اگرچه خود همه اقطار خاک را داراست
- ۴) چه حاجت است به تحصیل علم عارف را      ز خود برآمده را نردبان نمی‌باید

مضمون مصراع "ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد" در کدام بیت وجود ندارد؟

- ۱) از حوادث دل آزاد چه پروا دارد؟      چهره سرو ز بیداد خزان زرد نشد
- ۲) سرو از فریاد قمری ترک رعنائی نکرد      نیست از حال گرفتاران خبر آزاد را
- ۳) از علایق خط آزادی ندارد هیچ‌کس      دام‌ها از ریشه زیر خاک باشد سرو را
- ۴) سر به آزادی از خلق برآرم چون سرو      گر دهد دست که دامن ز جهان برچینم

ابیات همه گزینه‌ها به‌جز گزینه ..... باهم در تقابل‌اند.

- ۱) رزق هرچند بی‌گمان برسد      شرط عقل است جستن از درها  
سعی از برای رزق مقدر نمی‌کنیم      ما این عرق ز جبهه خود پاک کرده‌ایم
- ۲) در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم      لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی  
چرخ ار نگردد گرد دل، از بیخ و اصلش بر گنم      گردون اگر دونی کند، گردون گردان بشکنم
- ۳) هرکه مزروع خود بخورد به خوید (= نارس) وقت خرمنش خوشه باید چید      مکن اندیشه فردا و قدح نوش امروز  
کن که عاقل بود اندیشه فردا نکند
- ۴) بر بساط نکته‌دانان خودفروشی شرط نیست      یا سخن دانسته گوی ای مرد عاقل یا خموش  
صدف‌وار گوهرشناسان راز      دهان جز به لؤلؤ نکردند باز

کدام بیت با سایر ابیات تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) ز تیر عشق تو زخمی به سینه می‌خواهم      که هرکجا روم از تو نشانه‌ای باشد
- ۲) صد گونه مرهم از بنهی سودمند نیست      آن را که زخم بر جگر آمد ز شست عشق
- ۳) زخم تو آنچه می‌کند با دلخستگان عشق      صبح نکرده با هوا گل به چمن نمی‌کند
- ۴) سر متابید ز تسلیم که در عرصه عشق      هیکل عافیت از زخم حمایل بخشند

مفهوم مقابل بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟  
"بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد  
حاصل بی‌حاصلی نبود به‌جز شرمندگی"

- ۱) سرو را بی‌حاصلی باشد حصار عافیت      اهل دنیا تکیه بر دیتوار این مفلس کنید
- ۲) چو بید قامت من شد دو تا ز بی‌ثمری      اگر ز جوش ثمر، شاخسار می‌شکند
- ۳) بید مجنونیم در بستان سرای روزگار      سر به‌پیش انداختن از شرم، بار ما بس است
- ۴) هرکه دست خود کند پیش تهیدستان دراز      بر امید میوه زیر سرو دامان واکنند

- ۱) پیش از آن کادم نبود و نام آدم کس نبرد  
 ۲) هر آن نصیبه که پیش از وجود نهاده است  
 ۳) زن پیش کاتصال بود خاک و آب را  
 ۴) آفتابی در ازل خوش سایه‌ای بر ما فکند
- در دماغ عاشقان بوده است از این سودا خمار  
 هرآن‌که در طلبش سعی می‌کند، باد است  
 عشق تو خانه ساخته بود این خراب را  
 تا ابد روشن بود این روی مه‌سیمای ما

- ۱) چون پریشان‌سفران خرج بیابان نشوند  
 ۲) ما را به کعبهٔ جاذبهٔ شوق می‌برد  
 ۳) سالکان بی‌نظر پیر به جایی نرسند  
 ۴) خس و خاشاک به دریا نرسد بی‌سیلاب
- رهروانی که به یک راهنما ساخته‌اند  
 دل بی‌سبب به راهنما بسته‌ایم ما  
 رشتهٔ بی‌دیدة سوزن ره خوابیده بود  
 سر فدای قدم راهبری باید کرد

- ۱) خون‌ریزی ضحاک در این ملک فزون گشت  
 ۲) کریم از بهر ریزش می‌نهد رنج طلب بر خود  
 ۳) در قدمگاه محبت پا منه، بردار دست  
 ۴) طح صحرا و بیابان نبود شرط سلوک
- کو کاوه که چرمی به سر چوب نماید (مبارزطلبی)  
 ز دریا هرچه گیرد، ابر گوهر بار می‌ریزد (سخاوت و بخشندگی)  
 یا اگر می‌گذاری ترک سر باید نمود (وارستگی در راه عشق)  
 رهرو آن است که در خویش سفرها دارد (توصیه به خودشناسی)

- ۱) به گرمی طلب آید به دست دامن رزق  
 ۲) چون شیر مادر است مه‌پا اگرچه رزق  
 ۳) به لعل در جگر سنگ آب و رنگ رسید  
 ۴) اینکه روزی بی‌تردد می‌رسد افسانه است
- تنور سرد نصیبی ز نان نمی‌دارد  
 این جهد و کوشش تو به‌جای مکیدن است  
 برای رزق چرا کس دگر غمین باشد  
 پنجهٔ کوشش کلید رزق را دندانه است

- ۱) همت بلند دار، چه چیز است این جهان  
 ۲) هرکه شد با درد قانع از مداوا فارغ است  
 ۳) به آبرو ز حیات ابد قناعت کن  
 ۴) از حباب آموز همت را که با صد احتیاج
- تا قانع از خدای به این مختصر شوی  
 نرگس بیمار از ناز مسیحا فارغ است  
 که خضر وقت بود هرکه آبرو دارد  
 خالی از دریا برون آرد سیوی خویش را

"هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبهٔ ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت."

- ۱) در ملک بی‌زوال رضا انقلاب نیست "صائب" یکی است فصل خزان و بهار ما  
 ۲) پیش آن‌کس که به تسلیم و رضا تن درداد  
 ۳) قضا به هرچه اشارت کنی مطیع شود  
 ۴) عنان به دست قضا ده که موج را دریا
- لذت نیشکر و تیر قضا هر دو یکی است  
 قدر به هرچه رضا باشد رضا دارد  
 به یک تپانچهٔ کف بی‌اراده می‌سازد

مفهوم کدام گزینه در عبارات زیر نیامده است؟  
 "الهی ما را در کنج عزلت گوشه ده و از خون قناعت، توشهٔ شکیبی عنایت فرما. هم درد تو دهی، هم درمان تو فرستی، هم جان تو دهی و هم جان تو ستانی. گاه قدح ممانان بر لب نهی و گاه بادهٔ حیاطان در کام چکانی."

- ۱) تنگم از شهر، رو به کوه آرام
- ۲) صحبت نیکانت از نبود نصیب
- ۳) لعل نوشین خندهات کار مسیحا می‌کند
- ۴) من آن همای اوج کمال که بُد مدام

خانه در سنگ چون شرار کنم

باری از هم‌صحبتان بدشکیب

یعنی از عیسی بمیرد باز احیا می‌کند

سیمرغ‌وار قاف قناعت مقرر مرا

مفهوم مقابل عبارت "بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم" و سرخوش و سرمست به دوردست‌ها روم" در کدام گزینه نیامده است؟

- ۱) آسیب جهان بیش رسد گوشه‌نشین را
- ۲) دلم از قیل‌وقال گشته ملول
- ۳) در فراق‌اند زین سفر یاران
- ۴) اندر آمد به بارگاه خدای

دامی نبود در ره آن صید که رام است

ای خوشا خرقه و خوشا کشکول

این سفر را قرار بایستی

دامن خواجگی کشان در پای

بیت "ما به فلك بوده‌ایم یار ملك بوده‌ایم" باز همانجا رویم جمله که آن شهر ماست" با کدام بیت متناسب نیست؟

- ۱) شاخ بالا زان رود زیرا ز بالا آمده است
- ۲) نگارینا به وصل خود دمی ما را ز ما بستان
- ۳) چون بوم بدخبر مفکن سایه بر خراب
- ۴) گفتمی مرا که چونی در دامگاه دنیا

سوی اصل خویش یازم کاصل را بشناختم

دل ما را به آن بالا ز دست این بلا بستان

در اوج سدره کوش که فرخنده طایری

مرغابی فلک را در خاکدان چه خوشی؟

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) رزق ما بی‌دست و پایان بی‌طلب خواهد رساند
- ۲) تا دهن باز است روزی می‌رسد از خون غیب
- ۳) خانهٔ در بسته سنگ راه روزی خواره نیست
- ۴) قفل روزی در جوانی بستگی هرگز نداشت

در رحم آن‌کس که روزی را مهیا کرده است

عقد دندان‌ها کلید رزق را دندان است

می‌رسد چون لعل از خورشید انور رزق ما

ریخت تا دندان کلید رزق را دندان ریخت

مفهوم حدیث "العبدُ یدبّر و اللهُ یقَدّر" در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) کارهایی که درش بستهٔ تقدیر بود
- ۲) آنچه سعی است من اندر طلبت بنمایم
- ۳) هر ذره را به قدر طلب نور داده‌اند
- ۴) عصیان خلایق از چه صحرا صحراست

چو تو تدبیر کنی در بگشاید یزدان

آن قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد

در کار خویش شب‌پره را آفتاب گیر

در پیش عنایت تو یک برگ گیاست

کدام بیت با عبارت "هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبهٔ ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت." ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) گر به آتش بریم صد ره و بیرون آری
- ۲) گر تو آن جور پسندی که به سنگ بزنی
- ۳) آنی که از کرشمه و نازت سرشته‌اند
- ۴) واجب آمد که مشیت نهمت نام از آنک

زر نابم که همان باشم اگر بگدازم

از من این جرم نیاید که خلاف آغازم

نقشی چو تو ز کلک قضا کم نوشته‌اند

آفرینش ز تو گردید عیان سرتاسر

همهٔ ابیات به جز ..... با بیت زیر تناسب معنایی دارند.  
 "به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم"

بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا"  
 چه افتاد این سر ما را که خاک در نمی‌ارزد  
 عییم مکن، ای پارسا، در کافرستان بوده‌ام  
 چنان بودم که از مستی ز سر نشناختم پا را  
 دست بگیرد سر شمشیر تیز

- (۱) رقییم سرزنش‌ها کرد کز این باب رخ برتاب
- (۲) در جمع خوبان بوده‌ام، گر بر تنی عاشق شدم
- (۳) اگر در پایت افکندم سری، عییم مکن، کانجا
- (۴) وقت ضرورت چو نمائد گریز

۱ همهٔ ابیات به‌جز بیت گزینۀ ..... بیانگر مفهومی مشترک‌اند.

- (۱) گو چشمه آب کوثر و بستان بهشت باش / ما را مقام بر سر این کوی خوش‌تر است  
 (۲) سنبل فردوس ریزد خار در پیراهنش / دیدهٔ هرکس که شد آینه‌دار خطّ تو  
 (۳) آن پری کیست که از عالم جان روی نمود / وین چه حوری است که بر ما در فردوس گشود  
 (۴) کی به دست سنبل فردوس دل خواهیم داد / ما که در سودای زلف یار دل‌دل می‌کنیم

۲ مفهوم کدام گزینه با شعر "ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم" تناسب دارد؟

- (۱) من که در پیش من چه خاک و چه سیم / سر فروناورم به هفت اقلیم  
 (۲) به که با خواب دیده نستیزد / خُسبِد اما به وقت برخیزد  
 (۳) بعد از این روی در بهی دارم / دل ز هر غافلای تهی دارم  
 (۴) جز به نیکان نظر نیفرورم / از بدآموز بد نیاموزم

۳ در همهٔ گزینه‌ها به‌جز ..... دو بیت باهم ارتباط معنایی دارند.

- (۱) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق  
 درمندی کز محبت در دلش دردی است کو؟ / بیدلی کز درد داغی بر جگر دارد کجاست؟  
 (۲) آتش عشق است کاندنر نی فتاد / جوشش عشق است کاندنر می فتاد  
 دور گردون‌ها ز موج عشق دن / گر نبود عشق بفسردی جهان  
 (۳) نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مچنون می‌کند  
 خونین اگر بود سخن عشق، دور نیست / دل‌های چاک همچو قلم در بنان اوست  
 (۴) هرکه جز ماهی ز آیش سیر شد / هرکه بی‌روزی است روزش دیر شد  
 تا نگرید دیدهٔ عاشق نمی‌گیرد قرار / هست ماهی را مهیا بالش و بستر در آب

۴ کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

"مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچهٔ خاموش بلبل را به گفتار آورد"

- (۱) سخن کمال پذیرد ز مستمع صائب / گهر کند صدف پاک، اشک نیشان را  
 (۲) مستمع را می‌برد صائب کلام من ز هوش / کیست تا آید برون از عهدۀ تحسین مرا  
 (۳) مستمع را صائب از گفتار ما بهره است بیش / چون کمان ما را نصیب از صید جز خمیازه نیست  
 (۴) مستمع را کام ناگردیده از دشنام تلخ / می‌کند گوینده را دشنام اول کام تلخ

۵ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) این مستی نی نیست که هنگامۀ عشق است / این نالۀ نی نیست که آواز سروش است  
 (۲) بگفتش لاف عشق و ناله بی‌جاست / بگفتا درد حرمان ناله فرماست  
 (۳) آتش فتاد در نی و عالم گرفت دود / زیرا ندای عشق ز نی هست آتشی  
 (۴) آتش عشق است کاندنر نی فتاد / جوشش عشق است کاندنر می فتاد



کدام دو بیت با بیت زیر تقابل مفهومی دارند؟

- "خامش منشین، سخن همی‌گوی  
افسرده میباش، خوش همی‌خند"  
الف) اگر بلبل زند مهر خموشی بر لب گویا  
ب) در کشاکش از زبان آتشین بودم چو شمع  
ج) بند سکوت هیچ‌گه از لب بی‌هنر مجوی  
د) دل خاموش من و حرف شکایت هیئات
- که روی باغ، سرخ از شعله آواز می‌دارد؟  
تا نپیوستم به خاموشی نیاسودم چو شمع  
قابل مهر کی شود شیشه که بی‌شراب شد  
کسی از غنچه تصویر صدا نشنیده است

- ۱) الف، ج  
۲) د، الف  
۳) د، ب  
۴) الف، ب

مفهوم کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) مهر ترکان نرود از دل "یغما" ناصح  
۲) در من این عیب قدیم است و به در می‌نرود  
۳) تو مپندار که مهر از دل محزون نرود  
۴) هرگز نقش تو از لوح دل‌وجان نرود
- مدم افسون که برون ناید از این شیشه پری  
که مرا بی می و معشوق به سر می‌نرود  
آتش عشق به جان افتد و بیرون نرود  
هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود

مفهوم مقابل بیت "همت اگر سلسله‌جنیان شود

- ۱) آسمان در نظر همت مردان پست است  
۲) دل به گرد زمانه می‌نرسد  
۳) خامه‌ام از همت فکر بلند  
۴) کیوان شده زیر قدم همت او پست
- مور تواند که سلیمان شود" در کدام گزینه دیده می‌شود؟  
نرسد سبزه خوابیده به رعنائی سرو  
مرغ همت به دانه می‌نرسد  
راز این نه پرده در صحرا فکند  
گردون شده زیر علم دولت او دون

متن زیر با کدام بیت قرابت مفهومی بیشتری دارد؟

"پروانه قوت از عشق آتش خورد، بی‌آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند."

- ۱) آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت  
۲) آتش آن نیست که از شعله او خندد شمع  
۳) پروانه‌ام و عادت من سوختن خویش  
۴) سوز دل بین که ز بس آتش اشکم دل شمع
- چهره خندان شمع آفت پروانه شد  
آتش آن است که در خرمن پروانه زدند  
تا پاک نسوزم دلم آسوده نگردد  
دوش بر من ز سر مهر چو پروانه بسوخت

مفهوم مقابل شعر "ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم." در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) غم مخور کن یوسف گم‌گشته باز  
۲) از روز وصل در شب هجر اوفتاده‌ایم  
۳) گر نخل وفا بر نهد، چشم تری هست  
۴) سبز کردی شاخ زرد و تازه کردی باغ خشک
- اینک اینک سوی کنعان می‌رسد  
آه! آن زمان کجا شد و باز این چه حال بود  
تا ریشه در آب است، امید ثمری هست  
سخت کردی بند سست و پخته کردی کار خام

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) عشقش حرام بادا بر یار سروبالا  
۲) گر هرکه در جهان را شاید که خون بریزی  
۳) طهارت ارنه به خون جگر کند عاشق  
۴) پروانه او گر رسد در طلب جان
- تردامنی که جانش در آستین نباشد  
با یار مهربانت باید که کین نباشد  
به قول مفتی عشقش درست نیست نماز  
چون شمع همان‌دم به دمی جان بسپارم

مفهوم همه عبارت‌ها با بیت ذیل آن، یکسان است به‌جز گزینه ..... .

- ۱) پادشاه هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایثار کند.  
کرم مباش از درخت سایه‌فکن هرکه سنگت زند ثمر بخشش
- ۲) از سایه دلپذیر، خستگان راه را میزبانی کریم باشی.  
به گوش ارغوان آهسته گفتم بهارت خوش که فکر دیگرانی
- ۳) سپاس خورشید را که هر بامداد بر سر تو زرافشانی می‌کند.  
نیزه کشید آفتاب حلقه مه درر بود نیزه این زر سرخ، حلقه آن سیم ناب
- ۴) می‌بایست همانند با درختان بارور بخشندگی و ایثار را داشته باشی.  
از در بخشندگی و بنده‌نوازی مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا

همه ابیات مفهومی مشترک دارند، به‌جز ..... .

- ۱) نام باقی در زوال مال فانی بسته است  
کز سخاوت بر زبان‌ها نام حاتم مانده است
- ۲) برگ‌ریزان کرم را نوبهاران در قفاست  
تا گلی در باغ داری مانع گلچین مباش
- ۳) کلک گوهربار من داد سخاوت می‌دهد  
باش گو در آستین دست سخاوت خلق را
- ۴) به اندک فرصتی تاک از درختان گشت رعنا تر  
نگردد زبردست آن‌کس که از اهل کرم باشد

کدام گزینه با بیت "پادشاهی که طرح ظلم افکند پای دیوار ملک خویش بکند" تناسب معنایی دارد؟

- ۱) انصاف و عدل شاه به تدبیر و رای تو برداشت از جهان ستم و جور و آذرنگ (آذرنگ: درد و رنج)
- ۲) پنهان شدند در عدم آباء جور و ظلم تا عدل پادشاه جهان گشت آشکار
- ۳) بی‌عدل ملک دیر نماند، نگاه‌دار مال رعیت از ستم و جور لشکری
- ۴) هوای شاه کند زرفشان رعیت را چنان که شاخ شجر گشت زرفشان ز هوا

معنای واژه "ردیف" در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) الحق از مهر علی آیین دل روشن است  
روشنی می‌باید از آیین دل‌ها گرفت
- ۲) عقده‌ای از کارها نگشود سعی نارسا  
ناخن تدبیر ما آخر دل ما را گرفت
- ۳) نام او را هر که بر تن ساخت جوشن بی‌خلاف  
داد خود را در مصاف از لشکر اعلا گرفت
- ۴) هم ز حسنش تابشی بر دیده موسی فتاد  
هم ز عشقش آتشی در سینۀ سینا گرفت

کاربرد فعل از مصدر "ساختن" در کدام ابیات یکسان است؟

- الف) کجا با عشق سازد مرد کز محنت بپرهیزد  
به دریا چون درآید آن‌که باران بر نمی‌تابد
- ب) آن یکی چون سیلی از کپسار آید در نشیب  
خانه‌ها ویران کند معمورها سازد خراب
- ج) زمانه ساخت ز هفت اختر و چهار ارکان  
برای زینت بزم تو لشکر آتش و آب
- د) ز نیرنگ هوا و از فریب آرز "خاقانی"  
دلت خلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش
- ه) به خشت زیر سر و خواب امن و کنج حضور  
کسی که ساخت سر سروری کجا دارد
- و) غیر را ساخت به یک آیت رحمت زنده  
محتشم مرد به یک فاتحه خوانی قانع

- ۱) الف، ب، ه
- ۲) د، و، ب
- ۳) ج، ه، و
- ۴) الف، د، و

کدام ابیات با یکدیگر قرابت معنایی دارند؟

- الف) به سخن هرکه شود زنده نمیرد هرگز  
دم عیسی است هوای نفس‌آباد سخن
- ب) هرکه شود صید عشق کی شود او صید مرگ  
چون سپرش مه بود کی رسدش زخم تیر
- ج) دیگرم بخت رهایی از کمند عشق نیست  
کار صید خسته با صیدافکنی افتاده است
- د) هرکه شد مرده درد تو نمیرد هرگز  
کشته عشق تو جاوید حیاتی دارد

- ۱) الف، ب
- ۲) ب، ج
- ۳) ج، د
- ۴) د، ب

کدام ابیات با یکدیگر قرابت معنایی دارند؟  
 الف) خواب را در دیده حیران عاشق بار نیست  
 ب) چشم عاشق خاک کوی دلستان بیند به خواب  
 ج) نگردد خواب گرد دیده خون بار عاشق را  
 د) تشنگی در خواب ممکن نیست کم گردد ز آب

خانه خورشید را با فرش مخمل کار نیست  
 هرچه هرکس در نظر دارد همان بیند به خواب  
 که از می گرم گردد دیده پیمانه در شب‌ها  
 نیست صبر از خون عاشق چشم فتن تو را

۱) الف، ب  
 ۲) ب، ج  
 ۳) د، ج  
 ۴) ج، الف

از میان ابیات زیر کدام موارد با بیت "شو منفجر ای دل زمانه سپند از آتش سوزان نجست از فریاد شمع خود را همچو نی در رهگذار باد داشت بمیرم گر دهن از ناله‌های زار بربندم در گره تا چند بندم ناله و فریاد را تا کی به ناله درد سر انجمن دهد" قرابت معنایی دارند؟

الف) قضا چو دست برآورد ناله بی‌اثرست  
 ب) جز خموشی هرکه دل بر ناله و فریاد داشت  
 ج) نفس برنایدم بی‌ناله زار از دهن هرگز  
 د) یک ره ای آتش به فریاد سپند من برس  
 ه) آتش غلط نکرد که کار سپند ساخت

۱) ب - ج  
 ۲) ب - ه  
 ۳) ج - د  
 ۴) الف - ه

در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... شاعر هنجارشکنی کرده است.

۱) گرچه بر آتش زدن را مشورت در کار نیست  
 ۲) پروانه بیا گرم و ز من طرز بیاموز  
 ۳) پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت  
 ۴) تو ای پروانه عاجز، تلاش قرب آتش کن

فالی از بال‌وپیر پروانه می‌باید گشود  
 آتش زده در خانه من شمع طرازی  
 افروختن و سوختن و جامه درین  
 که من از گرمی پرواز می‌سوزم پر خود را

مفهوم کدام گزینه، متفاوت است؟

۱) شیر را از مورد صد زخم اینت انصاف جهان  
 ۲) دردناک است که در دام شغال افتد شیر  
 ۳) با تو سگ نفس ما روباهی و مکر آرد  
 ۴) چو ریزد شیر را دندان و ناخن

پیل را از پشه صد رنج اینت عدل روزگار  
 یا که محتاج فرومایه شود، مرد کریم  
 که شیر سجود آرد در پیش شغال تو  
 خورد از روبهان لنگ، سیلی

کدام بیت با آیه شریفه (وَ مَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى)، تناسب معنایی ندارد؟

۱) شیر را نیرو ز شیر عرشی است  
 ۲) کسانی که فعلت پسندیده‌اند  
 ۳) ما همه شیران ولی شیر عالم  
 ۴) نقش باشد پیش نقاش و قلم

که امیر شیرهای فرشی است  
 هنوز از تو نقش برون دیده‌اند  
 حمله‌مان از باد باشد لاجرم  
 عاجز و بسته چو کودک در شکم

در انتهای داستان "منطق الطیر" عطار، مرغانی را که به کوه قاف رسیدند، خواب در ربود. کدام گزینه دربردارنده مفهومی است که سروش غیبی در خواب به آن‌ها گفت؟

۱) چون آن مه یار اغیار است گرد او مگرد ای دل  
 ۲) اینجاست یار گمشده گرد جهان مگرد  
 ۳) ای دل تو راست عشرت و عیش همه جهان  
 ۴) جان غریب اندر جهان مشتاق شهر لامکان

چرا پروانه باید شد برای شمع محفل‌ها  
 خود را بجوی "سایه" اگر جستجو کنی  
 دیگر مگرد گرد در عشق، هان و هان  
 نفس بهیمی در چرا چندین چرا باشد چرا؟ (بهیمی: حیوانی)

- ۱) گم‌شدن در گم‌شدن دین من است  
 ۲) چون به یک‌دم صد جهان واپس کنم  
 ۳) من چرا گرد جهان گردم چو دوست  
 ۴) تا پیاده می‌روم در کوی دوست
- نیستی در هست آیین من است  
 بنگرم گام نخستین من است  
 در میان جان شیرین من است  
 سبز خنگ چرخ در زین من است

- ۱) در مجالی که کشد موبک اوصاف تو صف  
 ۲) خسته ز درک مشیت همه افهام  
 ۳) با همه زیرکی که در خرد است  
 ۴) ای برتر از آنکه عقل دزاک
- وهم را وسعت آن کو که کند میدانی  
 خیره ز تحقیق حکمت همه ابصار  
 بی‌خود است از تو و به‌جای خود است  
 در راه تو دم زند ز ادراک

- "دست از مس وجود چو مردان ره بشوی  
 الف) با بال شوق ذره به خورشید می رسد  
 ب) عشق، دردانه است و من غواض و دریا، میکده  
 ج) از رفتن حباب چه پرواست بحر را؟  
 د) نشینم بر سر راه تو من افکنده سر در پیش  
 ه) چه آتش‌پاره‌ای بودی الا ای کیمیای عشق  
 و) من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
- تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی"  
 پرواز دل به‌سوی خدا می برد مرا  
 سر فروبردم در اینجا تا کجا سر بر کنم  
 عشق تو را از این چه که عالم خراب شد  
 به هرجا پا نهی، آنجا نهم صدبار چشم خویش  
 که از برقی مس آلوده با زنگار زر کردی  
 ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

- ۱) ج، ب، هـ  
 ۲) الف، هـ، و  
 ۳) الف، ب، و  
 ۴) و، هـ، د

- ۱) چرا ز گوشه عزلت برون روم "صائب"  
 ۲) نیست ایمن هیچ سرسبزی ز چشم شور خلق  
 ۳) بلا در آستین بسیار دارد گوشه عزلت  
 ۴) ضامنم من که غباری به دلت ننشیند
- ز مردمی اثری در جهان نمی‌بینم  
 روی خود چون خضر از مردم مگر پنهان کند  
 که گل از شاخ بیرون با دل صدپاره می‌آید  
 اگر از خلق جهان روی به دیوار آری

- ۱) هرکه چون عنقا کنار از مردم عالم گرفت  
 ۲) بسیار به از صحبت ابنای زمان است  
 ۳) هرکه از اهل جهان گوشه عزلت نگرفت  
 ۴) تا نگردیده است "صائب" استخوان توتیا
- در لباس گوشه‌گیری فال شهرت می‌زند  
 در مشرب من، خلوت اگر خلوت گور است  
 رفت از دست و رگ خواب فراغت نگرفت  
 گوشه‌ای زین خلق ناهموار می‌باید گرفت

- ۱) هر آن‌کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق  
 ۲) عشق آب حیات آمد برهاندت از مردن  
 ۳) ز شور عشق مرا در سر است شور قیامت  
 ۴) ز جویبار محبت چشیدم آب حیات
- بر او نمرده به فتوای من نماز کنید  
 ای شاه که او خود را در عشق دراندازد  
 تو ای که عشق نداری برو به راه سلامت  
 که چون همیشه بهار ایمن از خزلان مانم

- ۱) از تهیدستی خود شکوه ندارم "صائب" خار صحرای قناعت گل بی‌خار من است
- ۲) بیا به ملک قناعت که عیش روی زمین تمام در شکن نقش بوریا خفته است
- ۳) لباس عافیتی به ز خاکساری نیست به این لباس سبک از جهان قناعت کن
- ۴) در کشوری که حکم قناعت بود روان از خاک، فیض آب بقا می‌توان گرفت

کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) من همان‌دم که وضو ساختم از چشمهٔ عشق چار تکبیر زدم یکسره بر هرچه که هست
- ۲) در عشق زنده باید کز مرده هیچ ناید دانی که کیست زنده؟ آن کو ز عشق زاید
- ۳) بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟ یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است
- ۴) هر آن‌کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق بر او نمرده به فتوای من نماز کنید

مفهوم مقابل بیت "نالهٔ مرغ اسیر این‌همه بهر وطن است

مسلك مرغ گرفتار قفس همچو من است" در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) نمی‌توان به وطن ناله‌ای به درد کشیدن نوای مرغ چمن در چمن غریب نگردد
- ۲) کجا به فکر وطن مرغ مانده در قفس است که کرده ترک وطن خوگرفته با آزار
- ۳) چو مرغ خانه گرفتم در این دیار وطن که این دیار به چشمم چو آشیانه نمود
- ۴) من آن مرغم که زرین بود بالم بسوخت آن بالم و برگشت حالم

مفهوم کدام بیت با مفهوم سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) رفتم به سراغ دل گم‌گشته به کوبش زین یوسف گم‌گشته نشان هیچ ندادند
- ۲) شد یوسف آن‌که رشتهٔ حب‌الوطن گسیخت آمد برون ز چاه کسی کاین رسن گسیخت
- ۳) دل گم‌گشتهٔ ما را خبر ای دوست، چه پرسى؟ دل نه زان‌گونه ز ما رفت که از وی خبر آید
- ۴) هر جا که بیان کرد کسی قصهٔ یوسف حال دل گم‌گشتهٔ خود یاد من آمد

مفهوم منظومهٔ زیر از سیاوش کسرایی با کدام بیت تناسب دارد؟

"ای منتظر مرغ غمین در آشیانه / من گل به دستت می‌دهم، من آب و دانه ... / می‌کارمت در چشم‌ها گل نقش امید / می‌بارمت بر دیده‌ها باران خورشید"

- ۱) شاید به جوی رفته کند آب، بازگشت چون شد تهی ز باده مبین خوار، شیشه را
- ۲) بر فرش خاک تکیه زدن شرط عقل نیست چون تختگاه عالم جان، متنگای توس
- ۳) فکر بهبود خود ای دل ز دری دیگر کن درد عاشق نشود به به مداوای حکیم
- ۴) باآنکه بهار آمد و بشکفت گل سرخ ما زرد رخ از باد خزانیم که بودیم

کدام گزینه با مفهوم بیت "دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ

امروز خورشید در دشت، آیینه‌دار من و تو" در تقابل است؟

- ۱) شب رفت صبح آمد غم رفت فتوح آمد خورشید درخشان شد تا باد چنان بادا
- ۲) آمد خزان و دور نشاط از پیاله رفت رنگ از رخ گل و نمک از داغ لاله رفت
- ۳) آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود عاقبت در قدم باد بهار آخر شد
- ۴) غم و رنج دیرینه از یاد رفت رفت غباری که دل داشت بر باد رفت

مفهوم کلی کدام بیت با بقیهٔ ابیات متفاوت است؟

- ۱) گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم گفت والی از کجا در خانهٔ خمار نیست
- ۲) زاهد خلوت‌نشین دوش به میخانه شد از سر پیمان گذشت بر سر پیمانانه شد
- ۳) زاهدان کاین جلوه بر محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند
- ۴) هرکه آمد به جهان نقش خرابی دارد در خرابات بگویند که هشیار کجاست

مفاهیم "احترام به افکار عمومی، وارستگی، بیگانه‌ستیزی، رشوه‌خواری، وفاداری عاشق" به ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟  
 الف: خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد  
 ب: در پیشگاه اهل خرد نیست محترم  
 ج: باآنکه جیب و جام من از مال و می تهی است  
 د: گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان  
 ه: بگفت او آن من شد زو مکن یاد  
 ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الحنن است  
 هرکس که فکر جامعه را محترم نداشت  
 ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت  
 گفت کار شرع کار درهم و دینار نیست  
 بگفت این کی کند بیچاره فرهاد

(۱) الف - ب - ج - د - ه

(۲) ب - ج - الف - د - ه

(۳) الف - ج - ب - ه - د

(۴) ب - ه - ج - الف - د

از میان بیت‌های زیر چند بیت نکوهش عقل عددیین و مصلحت‌اندیش است؟  
 الف) در پناه می ز عقل مصلحت‌بین فارغم در کنار دوست بیم از طعن دشمن نیست نیست  
 ب) ساقی مکن اندیشه بده می که ندارم من مصلحتی با خرد مصلحت‌اندیش  
 ج) چه خوش بوده‌ست عقل مصلحت‌جوی که چندین زین بلا آزاد بوده‌ست  
 د) گر بنده می‌نوازی و گر بند می‌کنی ما بنده‌ایم، مصلحت ما رضای توست  
 ه) کسی که در سر او چشم مصلحت‌بین است جز از رخ تو نبیند که مصلحت این است

(۱) یک

(۲) دو

(۳) سه

(۴) چهار

عبارت زیر با کدام بیت ارتباط مفهومی ندارد؟  
 "کلمات را کنار زبید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید!"

(۱) لباس نارسای لفظ معنی را کجا پوشد؟

کف بی‌مغز باشد لفظ و بحر بی‌کران معنی

(۲) معنی از لفظ سبک‌روح فلک پرواز است

لفظ پرداخته بال‌وپر این شهباز است

(۳) زینت ظاهر غبار معنی اسرار ماست

شیشه‌ رنگین حجاب آب و رنگ باده است

(۴) ز صورت گذر کن تو معنی طلب

که یابی تو در ملک معنی طرب

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد

من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم

(۲) خستگان زنده‌دل داند قدر درد عشق

پیش صاحب درد باشد دارو و درمان عزیز

(۳) هرکجا عشق آمد آنجا چاره هم بیچارگی است

زانکه درد عشق هم از درد درمان یافته است

(۴) از پی بهبود درد ما دوا سودی نداشت

هرکه شد بیمار درد عشق بهبودی نداشت

چند مورد از ابیات زیر باهم تناسب مفهومی دارند؟

الف) دیدیم روی غصه کنون وقت خوشدلی است

خوردیم زخم فتنه، کنون جای مرهم است

ب) این غصه و غم از پی چندین طرب است

ور هست غمی باز نشاط از عقب است

ج) زورق محنت و اندوه فرورفت به گل

کشتی خوشدلی و عیش برآمد ز وحل (گل‌ولای)

د) در رکاب برق دارد پای، ایام نشاط

در بهار از کف مده چون شاخ گل جام نشاط

ه) امروز جان را با طرب هنگام پیوند آمده

دل در نشاط آماده شد لب در شکرخند آمده

و) شد موسم گل طی به شکرخنده برقی

برگ طرب باغ به تاراج صبا رفت

ز این فصل، فصل من و توست، فصل شکوفایی ما

برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو

(۱) دو

(۲) سه

(۳) چهار

(۴) پنج

در همه گزینه‌ها به جز ..... به پرهیز از ریا و دورویی اشاره شده است.

(۱) صوفی بیا که خرقة سالوس برکشیم

وین نقش زرق را خط بطلان به سر کشیم

(۲) می‌زندش نتواند که نالد نفسی

زخم دارد نه به تزویر و ریا می‌نالد

(۳) چون سایه ابر از سر گلزار گذشتیم

از خرقة تزویر نچیدیم دکانی

(۴) ز نام و ننگ و زرق و فن نخیزد جز نگونساری

یکی بی زرق و فن خود را قلندروار بنمایید

مفاهیم "کمال بخشی عشق"، "ناتوانی عقل"، "افشاگری راز عشق"، "خستگی‌ناپذیری عاشق" و "مدهوشی عاشق" به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟  
 الف: خانه‌پردازتر از سیل بهاران بودیم لنگر انداخت خرد خانه‌نگهدار شدیم  
 ب: هر سر مو بر تنش شمع تجلی بُود در رگ هرکس دوید باده سوزان عشق  
 ج: با هرکه خیر گفتم از اوصاف جمیلش مشتاق چنان شد که چو من بی‌خبر افتاد  
 د: هرگز نشد از جلوه او سیر دو چشم این آب روان هر نفسی تشنه‌ترم کرد  
 هـ) در سوخته پنهان نتوان داشتن آتش ما هیچ نگفتیم، حکایت به در افتاد

۱) الف - ب - ج - د - هـ

۲) ج - ب - الف - هـ - د

۳) ب - الف - هـ - د - ج

۴) ب - الف - ج - د - هـ

مفهوم کنایی ضرب‌المثل از بیم عقرب جزاره به مار غاشیه پناه بردن در کدام گزینه آمده است؟

۱) ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم

۲) در خم زلف تو آویخت دل از چاه زنج (چانه) آه که از چاه برون آمد و در دام افتاد

۳) بارها از سخن خویش به چاه افتادم همچو یوسف صد از این واقعه افتاد مرا

۴) وقتی‌که کسی نیست بگیرد دستم آن چاله تفاوتی ندارد با چاه

کدام گزینه با "چو گل هرجا که لبخند آفرینی به هر سو رو کنی لبخند بینی" دارای مضمونی مشترک است؟

۱) اینکه فردا این کنم یا آن کنم این دلیل اختیار است ای صنم

۲) فعل تو که زاید از جان و تنت همچو فرزندی بگیرد دامت

۳) گر اناری می‌خری خندان بخر تا دهد خنده ز دانه او خبر

۴) آخر هر گریه آخر خنده‌ای است مرد آخربین مبارک‌بنده‌ای است

کدام گزینه با "هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست" دل افسرده، غیر از آب و گل نیست" تناسب مفهومی دارد؟

۱) بی‌عشق خون مرده بود دل به زیر پوست از آتش است گریه خونین کباب را

۲) می‌کنم از سینه بیرون این دل افسرده را بشنوم تا چند بوی این چراغ مرده را؟

۳) عشق سازد ز هوس پاک، دل آدم را دزد چون شحنه شود، امن کند عالم را

۴) عشق است غمگسار دل دردمند را آتش گره ز کار گشاید سپند را

ابیات کدام گزینه به ترتیب بیانگر وادی‌های "استغنا، طلب، توحید و معرفت" است؟

الف) روی‌ها چون زین بیابان در کنند جمله سر از یک گریبان برکنند

ب) هر یکی بی‌نا شود بر قدر خویش باز یابد در حقیقت صدر خویش

ج) ملک اینجا بایدت انداختن ملک اینجا بایدت در باختن

د) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

۱) ج، د، الف، ب

۲) د، ج، ب، الف

۳) ج، ب، الف، د

۴) د، ج، الف، ب

همه ابیات به‌جز بیت ..... بیانگر وادی واحدی از منطق‌الطیر عطار هستند.

۱) گر دو عالم شد همه یک بار نیست ور زمین ریگی همان انگار نیست

۲) هشت جنت نیز این جا مرده‌ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

۳) قدر نه نو دارد این جا نه کهن خواهی این جا هیچ کن خواهی مکن

۴) سر ذراتش همه روشن شود گلخن دنیا برو گلشن شود

ابیات کدام گزینه بیانگر وادی "توحید" هستند؟  
 الف) گر بسی بینی عدد، گر اندکی آن یکی باشد در این ره در یکی  
 ب) هست یک یک برگ از هستی عشق سر به بر افکنده از مستی عشق  
 ج) صد هزاران مرد گم گردد مدام تا یکی اسرار بین گردد تمام  
 د) روی‌ها چون زین بیابان در کنند جمله سر از یک گریبان برکنند

- ۱) الف، د  
 ۲) ب، ج  
 ۳) الف، ب  
 ۴) د، ج

مفهوم کدام بیت با بقیة ابیات متفاوت است؟

- ۱) دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده  
 ۲) آتشی از سوز عشق در دل داوود بود تا به فلک می‌رسد بانگ مزامیر او  
 ۳) آتشکده است باطن سعدی ز سوز عشق سوزی که در دل است در اشعار بنگرید  
 ۴) حدیث عشق به طومار در نمی‌گنجد بیان دوست به گفتار در نمی‌گنجد

معنی و مفهوم صوفیانه واژه "تجرید" در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) با آن همه بیداد او وین عهد بی بنیاد او در سینه دارم یاد او یا بر زبانم می رود  
 ۲) در دل چو عشقت آمد سودای جان نمآند در جان چو مهرت افتد عشق روان نگنجد  
 ۳) پرده بر عییم نپوشیدند و دامن بر گناه جُرم درویشی چه باشد تا به سلطان گفته اند؟  
 ۴) آن چه زر می شود از پرتو آن قلب سیاه کیمیایی است که در صحبت درویشان است

کدام گزینه مفهومی متفاوت دارد؟

- ۱) پای در نه راه را پایان مجوی زن که راه عشق بی پایان بود  
 ۲) ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست آن چه آغاز ندارد نپذیرد انجام  
 ۳) چون این ره عجایب، بس بی نهایت افتاد آخر که یابد آخر این راه را نهایت؟  
 ۴) از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود زنهار از این بیابان وین راه بی نهایت!

مفهوم کدام گزینه به وادی "طلب" اشاره دارد؟

- ۱) عالم بی خبری طرفه بهشتی بوده است حیف و صد حیف که ما دیر خبردار شدیم  
 ۲) سر باختن در این سفر دور، دولت است ورنه طریق عشق به پایان که می بزد؟  
 ۳) در این جهان به مرادی کز آن جهان طلبند رسیده ام، به جهان دگر چه کار مرا؟  
 ۴) ترک دنیا کرده را باطن مصفا می شود چشم پوشیدن ز اوضاع جهان، واگردن است

کدام گزینه به ترتیب بیانگر وادی های "معرفت، حیرت، طلب، توحید" است؟

- الف- صد هزار اسرار از زیر نقاب روز بنمایدت چون آفتاب  
 ب- گر بسی بینی عدد گر اندکی آن یکی باشد در این ره در یکی  
 ج- عاشقم اما ندانم بر کی ام نه مسلمانم نه کافر، پس چی ام؟  
 د- صد بلا در هر نفس اینجا بود طوطی گردون، مگس اینجا بود

- ۱) الف - ب - ج - د  
 ۲) الف - ج - د - ب  
 ۳) الف - ج - ب - د  
 ۴) الف - ب - د - ج

ابیات زیر در توصیف کدام وادی از وادی های هفتگانه است؟

- "دیگری برخاست می شد مست مست پای کوبان بر سر آتش نشست  
 چون گرفت آتش ز سر تا پای او سرخ شد چون آتشی اعضای او  
 تا نگردی بی خبر از جسم و جان کی خبر یابی ز جانان یک زمان؟"

- ۱) فقر و فنا  
 ۲) حیرت  
 ۳) توحید  
 ۴) عشق



کدام گزینه با بیت "خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام" تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) تا ز عشق تو جرعه ای خوردیم دل بدادیم و جان فدا کردیم  
 (۲) غیرتش غیر در جهان نگذاشت لاجرم عین جمله اشیا شد  
 (۳) مقصود تویی مرا ز هستی کز جام، غرض می مصفاست  
 (۴) گرچه در صورت گدایی می کنیم گنج معنی در دل ویران ماست

بیت زیر با کدام بیت قرابت دارد؟

"بی عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟ یعنی اگر نباشی کارِ دلم تمام است"

- (۱) بی شور عشق چاشنی‌ای با حیات نیست تلخ است زندگی، ثمر نارسیده را  
 (۲) آن را که عشق نیست چه لذت ز زندگی است؟ آن را که جان ستان نبود جان چه می‌کند؟  
 (۳) مردن به درد عشق به دنیا برابر است با زندگی خضر و مسیحا برابر است  
 (۴) بی‌عشق خون مرده بود دل به زیر پوست از آتش است گریه خونین کباب را

مفهوم چند بیت با جمله "به شکر اندرش مزید نعمت" قرابت دارد؟

- الف) اگر شکر کردی بر این ملک و مال به مال و ملکی رسی بی‌زوال  
 ب) برو شکر کن چون به نعمت دری که محرومی آید ز مستکبری  
 ج) شکر ابری است که باران کرم می‌آرد برق آفت ثمر شکوه دهقان باشد  
 د) ز شکر گردد نعمت بر اهل کرم بیش به صبر گردد محنت بر اهل محنت کم  
 هـ) سپاس بارخدایی که شکر نعمت او هزار سال کم از حق او بود یک‌دم  
 و) وقت نعمت شکر حق را دار یاد تا خدا بر تو کند نعمت زیاد

- (۱) دو (۲) سه  
 (۳) چهار (۴) پنج

در کدام بیت زمینه حماسه (ویژگی حماسه) با بقیه یکسان نیست؟

- (۱) بردند خوالیگران خون زر شهنشاه بنشست با زال زر  
 (۲) پراندیشه گفت ای جهان‌پیده زال به مردی بی‌اندازه پیموده سال  
 (۳) اگر بازگردی بود سودمند نیازی به سیمرغ و کوه بلند  
 (۴) بدو گفت سیمرغ کای پهلوان مباح اندرین کار خسته روان

همهٔ ابیات به جز ..... بیانگر مفهومی مشترک هستند.

- (۱) کشور ما پاک کی گردد ز لوٹ خائنین تا نریزد خون ناپاک از درودیوارها  
 (۲) آزادی اگر می‌طلبی غرقه به خون باش کاین گلبن نوخاسته بی خار و خسی نیست  
 (۳) انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید نیست غیر از خون پاکان خون‌بهای انقلاب  
 (۴) جامه‌ای کاو نشود غرقه‌به‌خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

مفهوم عبارت "کلمات را کنار زبید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید." در کدام گزینه نیامده است؟

- الف) غلط کردم نیفتادم به فکر ظاهر آرایی به‌جای عقل در سر، طرهٔ دستار بایستی  
 ب) عشق اگر زیبا بود معشوقه گو زیبا مباح عشق را با صورت زیبا و نازیبا چه‌کار؟  
 ج) صورت و سیرت به نزد عقل، زیبا به بود صورت زیبا تو داری سیرت زیبا تو راست  
 د) چو تحسین صورت نه مقدر اوست در آرایش باطن آورده روست  
 و) ز آدمی ابلیس صورت دید و بس غافل از معنی شد آن مردود خس  
 ه) درون را بیارای همچون برون و یا کن درون را به رنگ برون

- (۱) الف، ج، ه (۲) الف، و، ج  
 (۳) ب، ه، و (۴) ب، د، ه

کدام گزینه با سرودهٔ زیر تقابل مفهومی دارد؟  
 "آن که هرگز - چون کلید گنج مروارید - / گم نمی‌شد از لیش لبخند، / خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند..."

- ۱) چو استاده‌ای بر مقامی بلند / بر افتاده گر هوشمندی مخند
- ۲) گه خشم چون چهره کردی نژند / دژم باش و با کس به زودی مخند
- ۳) جای گریه است این جهان در وی مخند / چشم عبرت برگشای و لب ببند
- ۴) مخند ای صبح بی‌هنگام که امشب سازشی دارد / نوای مرغ شب با خاطر اندوهناک من

کدام گزینه بیانگر مفهوم کلی درس "خون هشتم" است؟

- ۱) ز بس نامردمی از چشم نرم دوستان دیدم / اگر بر گل گذارم پا ز زخم خار می‌ترسم
- ۲) شاید که کند رزم تو و بزم تو منسوخ / مردانگی رستم و بخشایش حاتم
- ۳) زان مسلم شد به گردون دعوی مردانگی / کز زمین سقله پرور هم‌نبردی برنخاست
- ۴) کار تیغ از دست آید چون قوی افتاد دل / پنجهٔ مردانگی، شیر زین را بس بود

کدام گزینه با "یوسف به این ره‌اشدن از چاه دل میند" این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند" تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) هر کجا باشم به‌غیر از گوشهٔ دل در جهان / گر همه پیراهن یوسف بود، زندانی‌ام
- ۲) به بوی پیره‌ن از دوست صلح نتوان کرد / کجا فریب دهد جلوهٔ بهشت مرا؟
- ۳) ز خنده‌روی گردون، فریب رحم مخور / که رخنه‌های قفس، رخنهٔ رهایی نیست
- ۴) مکن شتاب به هر ورطه‌ای که افتادی / که ماه مصر برآمد ز چاه، زندان یافت

کدام گزینه با "یوسف به این ره‌اشدن از چاه دل میند" این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند" تناسب ندارد؟

- ۱) کشیده‌دار در این دشتِ پرفریب، عنان / که صد هزار سرابِ غلظنا اینجاست
- ۲) زهر فنا چو عاقبتِ کار خوردنی است / خوردن فریب چشمهٔ حیوان چه لازم است؟
- ۳) مخور فریبِ شکرخندِ صبح چون طفلان / که چرخ، زهر دهد در لباسِ قند تو را
- ۴) مخور فریب سخاوت ز چرخ کج‌رفتار / که طعمه‌ای که دهد روی‌پوش قلاب است

کدام گزینه با "اگر مستم اگر هشیار، اگر خوابم اگر بیدار" به‌سوی تو بود روی سجودم، میهن ای میهن" تناسب دارد؟

- ۱) در وطن اهل هنر داغ‌گریبی دارند / در صدف، گرد یتیمی به جبین گهر است
- ۲) مرهم به داغ غربت ما کی نهد وطن؟ / گوهر ندیده‌ایم که دیگر به کان (= معدن) رسد
- ۳) گرچه از داغ‌گریبی روزگاری سوخت دل / مرهم کافوری از صبح وطن، آخر گرفت
- ۴) از روزگار تلخ خودت شکوه کن وطن / هرگز نترس، گوش فلک کر نمی‌شود

همهٔ گزینه‌ها با "زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر" وگرنه شکوه من در بغل طومارها دارد

- ۱) نمی‌افتد به دست کوتاه من دامن فرصت / وگرنه شکوه من در بغل طومارها دارد
- ۲) وقت را فرصت شمر زیرا که هنگام صبح / مست چون در خواب باشد می به هشیاران دهند
- ۳) عاجز بود ز حفظ عنان، دست رعشه‌دار / وقت شباب، دامن فرصت نگاه‌دار
- ۴) غافل مشو که وقت شناسان نوبهار / چون لاله بر زمین ننهاندن جام را

کدام ابیات با بیت زیر تناسب مفهومی دارند؟  
 "زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست  
 الف- به هیچ زاهد ظاهرپرست نگذشتم  
 ب- راز درون پرده ز رندان مست پرس  
 ج- زاهد از رندی حافظ نکند فهم، چه شد؟  
 د- برو ای زاهد خودبین که ز چشم من و تو  
 ه- زاهد غرور داشت سلامت بُرد راه

در حق ما هرچه گوید جای هیچ اکراه نیست"  
 که زیر خرقة نه زَنار داشت پنهانی  
 کاین حال نیست زاهد عالی‌مقام را  
 دیو بگیریزد از آن قوم که قرآن خوانند  
 راز این پرده نهن است و نهن خواهد بود  
 رند از ره نیاز به دارالسلام رفت

۱) الف - ج - ه

۲) ب - ج - د

۳) ج - د - ه

۴) الف - د - ه

همه گزینه‌ها به استثنای گزینه ..... با "بگفتا جان فروشی در ادب نیست" بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست" تناسب دارند.

۱) ای دل ار صحبت جانان طلبی جان دربار  
 ۲) خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت  
 ۳) "حافظ" ار جان طلبد غمزه مستانه یار  
 ۴) بازار شوق گرم شد آن سروقد کجاست؟

جان چه باشد؟ دو جهان در ره جانان دربار  
 به قصد جان من زار ناتوان انداخت  
 خانه از غیر بپرداز و بهل تا ببرد  
 تا جان خود بر آتش رویش کنم سپند

کدام گزینه با بیت "گفت مست: ای محتسب بگذار و رو

از برهنه کی توان بردن گرو؟" تقابل مفهومی دارد؟

۱) دست از طمع بشوی که در آستین بود  
 ۲) مفلس از بزم شراب ما توانگر می‌رود  
 ۳) پوشیده دار فقر که سگ‌سیرتان دهر  
 ۴) ترک عمل بگفتم ایمن شدم ز عزلت

پیرایه قبول، دعای برهنه را  
 ابر اینجا تا کمر در آب گوهر می‌رود  
 در پوست می‌فتند گدای برهنه را  
 بی‌چیز را نباشد اندیشه از حرامی

کدام گزینه با "گر نور عشقی حق به دل و جانان اوفتد

بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی" تناسب مفهومی دارد؟

۱) فیض ماه نو ز شمشیر شهادت می‌برند  
 ۲) رهنورد شوق آسایش نمی‌داند که چیست  
 ۳) در زمین شور، تخم خویش را باطل مکن  
 ۴) خار خس را موجّه سیلاب گردد بال‌وپر

خون، حنای عید باشد کشتگان عشق را  
 سنگ ره، منزل نگرده کاروان عشق را  
 گوش زاهد نیست درخور، داستان عشق را  
 زینهار از کف مده "صائب" عنان عشق را

کدام گزینه با "خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد

آنگه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی" تناسب ندارد؟

۱) هوای باطل دنیا عجب فسون‌سازی است  
 ۲) بلا بر اهل غفلت از درودیوار می‌بارد  
 ۳) چشم بر راه تو دارد تاج زرین شهن  
 ۴) بر زمین چسبیدگان را شهپر معراج نیست

که خلق را ز خدا بی‌نیاز ساخته است  
 ز هر خاری خطر چون تیر باشد صید غافل را  
 بر صدف چسبیده‌ای، ای گوهر رخشان چرا؟  
 درنیاید هر گران‌جانی، مکان عشق را

همه گزینه‌ها با بیت "هفتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم" تقابل مفهومی دارند، به جز:

۱) ز شوق نقطه خالش به گرد کعبه می‌گردم  
 ۲) ما را به کعبه، جاذبه شوق می‌بزد  
 ۳) چه احتیاج دلیل است در رحیل مرا؟  
 ۴) می‌کند مهرهی خضر، بیابان مرگت

که ره گم‌کرده، خضری می‌شمارد هر سیاهی را  
 دل بی‌سبب به راهنما بسته‌ایم ما  
 چو سیل جذبّه دریاست بس دلیل مرا (دلیل: راهنما)  
 اگر از درد طلب راهبری نیست مرا

کدام گزینه با "در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود کند و خود را ایثار عشق کند" تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) امید وصال تو مرا عمر بیفزود / خود وصل چه چیز است که امید چنین است؟
- ۲) گرچه از سرپای کردم چون قلم در راه عشق / پا و سر پیدا نیامد این بیابان مرا
- ۳) عشق جانان همچو شمع از قدم تا سر بسوخت / مرغ جان را نیز چون پروانه بال‌وپر بسوخت
- ۴) چون تو خود جویی مر او را کی توانی یافتن / تا نبازی هرچه داری مال و ملک و جسم و جان

همهٔ گزینه‌ها با "در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست" با جان بودن به عشق در سامان نیست" تناسب دارند، به‌جز:

- ۱) چو مرغ جان من از آشیان هوا گیرد / کند نزول به خاک در سرای شما
- ۲) ای دل اگر دم زنی از سر عشق / جای تو جز آتش و جز دار نیست
- ۳) کشتهٔ عشق گرد و سوخته شو / زانکه بی این دو کار خام بود
- ۴) تا بود عشقت میان جان ما / جان ما در پیش ما ایثار ماست

کدام گزینه با "صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست" تناسب دقیق‌تری دارد؟

- ۱) شراب خوردهٔ ساقی ز جام صافی وصل / ضرورت است که درد سر خمار کشد
- ۲) سعدی! به‌قدر خویش تمنای وصل کن / سیمرغ ما چه لایق زاغ آشیان توست؟
- ۳) وصال کعبه میسر نمی‌شود سعدی! مگر که راه بیابان پرخطر گیرند
- ۴) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل / آن را که فلک زهر جدایی نچشاند

همهٔ گزینه‌ها با "حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب" تناسب دارند، به‌جز:

- ۱) سوگند خورم که زندگانی بی تو / مرگ است به نام زندگانی ای دوست
- ۲) هرکه با صورت خوب تو نیامد در کار / چون بدیدیم به‌جز صورت دیوار نبود
- ۳) در عشق زنده باید کز مرده هیچ ناید / دانی که کیست زنده؟ آن کاو ز عشق زاید
- ۴) جمله یاران ز عشق زنده شدند / تو چنین مانده‌ای چه می‌مانی؟

کدام گزینه با "وین نغمهٔ محبت بعد از من و تو ماند" تا در زمانه باقی است آواز باد و باران" تناسب دارد؟

- ۱) غم رفت و راز عشق از دل نیامد بر زبان / در حجاب لفظ کوتاه، معنی بیگانه ماند
- ۲) هیچ کار از سعی ما چون کوه‌کن صورت نبست / وقت آن‌کس خوش کزو آثار می‌ماند به‌جا
- ۳) جز دل من کز ازل تا به ابد عاشق رفت / جاودان کس نشنیدیم که در کار بماند
- ۴) غیر از گهر عشق که پاینده و باقی است / باقی همه چون موج ز دریا گذرانند

کدام گزینه با عبارت زیر تناسب مفهومی دارد؟  
"و اما جدّ من به همین روستای فراموش بازآمد و از زندگی و مردمش کناره گرفت و به پاکی و علم و تنهایی وفادار ماند"

- ۱) تو تا کنار نگیری ز خویش هیهات است / که در کنار کشد بحر بی‌کنار تو را
- ۲) چیزی که بازپس طلبند از جهان مگیر / عاقل همین کناره ز دنیا گرفته است
- ۳) از هرکه دل گشوده نگرده کناره‌گیر / چون غنچه در به روی نسیم سحرگشا
- ۴) ز دستگیری مردم بریده‌ام پیوند / امیدوار به دست دعای خویشتم

باتوجه به عبارت زیر، کدام گزینه بیان دقیقی از حال و هوای شخص آززده از تبعید است؟  
 "زمانی که پدرم و سپس مادرم را به تهران تبعید کردند تنها فرد خانواده که خوشحال و شادمان بود، من بودم، نمی‌دانستم که اسب و زینم را می‌گیرند و پشت میز و نیمکت مدرسه ام می‌نشانند، نمی‌دانستم که تفنگ مشقی قشنگم را می‌گیرند و قلم به دستم می‌دهند"

- ۱) دل در آن زلف ندارد غم تنهایی ما به وطن هر کهرسد یاد ز غربت نکند  
 ۲) ای که گفتمی که به غربت چه فتادی خواجه چه کنم؟ دور فلک دور فکند از وطنم  
 ۳) غربت می‌پسندید که افتید به زندان بیرون ز وطن پا مگذارید که چاه است  
 ۴) ندیدم روز خوش تا رفت دامن دل از دستم که در غربت بود هرکس عزیزی در سفر دارد

کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- ۱) اکنون هزار بار شبی با دریغ و درد گویم که یارب آن چه نشاط و چه کار بود؟  
 ۲) شد آن زمانه که او شاد بود و خرم بود نشاط او به فزون بود و غم به نقصان بود  
 ۳) ای دل بنال در این بستگی و رنج این است حدّ آن‌که ندارد ادب نگاه  
 ۴) زان بهار عافیت کایام داشت یادگار اکنون گیایی مانده نیست

"دشواری راه عشق - اهمّیت و مقام والای عقل - وفاداری عاشق - اغتنام فرصت - ارزش‌بخش بودن عشق" مفاهیمی هستند که به ترتیب در ابیات ..... به کار رفته‌اند.

- الف) نتوان از سر او بُرد هوای شیرین لشکر خسرو اگر بر سر فرهاد رود  
 ب) ما قافله‌سالار ره عشق بُتانیم در بحر بلا کشتی ما کام نهنگ است  
 ج) کنون وقت تخم است اگر پروری گر امید داری که خرمن بری  
 د) هرچه در زیر چرخ نیک و بدند خوشه‌چینان خرمن خردند  
 ه) ای طایران قدس را عشقت فزوده بال‌ها در حلقهٔ سودای تو روحانیان را حال‌ها

- ۱) الف - د - ب - ج - ه  
 ۲) ب - د - الف - ج - ه  
 ۳) الف - ج - ه - ب - د  
 ۴) ب - د - الف - ه - ج

همهٔ گزینه‌ها به استثنای گزینهٔ ..... با "صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند" تناسب مفهومی دارند.

- ۱) ما نفس بر لب به صد رنج و تعب می‌آوریم پیر می‌گردیم تا روزی به شب می‌آوریم  
 ۲) بکش جفای رقیب ار حیب می‌خواهی کنار گل نبری گر کنی کناره ز خار  
 ۳) تشنگان آب اگر از چشمهٔ حیوان جویند فرض عین است که چون خضر به ظلمات آیند  
 ۴) خواهی اگر وصل یار از غم هجران منال ز آنکه وصول بهار، تن به خزان دادن است

همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... با "ای برون از وهم و قال و قیل من خاک بر فرق من و تمثیل من" تناسب مفهومی دارند.

- ۱) کی شود عقل تو بدو مُدّزک؟ چه نماید تو را به جز بد و شک؟  
 ۲) هیچ دل را به گُنه او ره نیست عقل و جان از کمالش آگه نیست  
 ۳) ای که ذاتت چو عقل فرزانه است عشق مگذار کاو هم از خانه است  
 ۴) نطق آبگم مانده در صفتش وهم عاجز شده ز معرفتش (آبگم: لال)

در میان ابیات داده شده مفهوم کدام ابیات، روایت "کل شیء یرجع الی اصله" است؟

- الف) ز ناپاک‌زاده مدارید امید که زنگی به شستن نگردهد سپید  
 ب) ز بدگوه‌ران بد نباشد عجب نشاید ستردن سیاهی ز شب  
 ج) گله از هیچ‌کس نباید کرد کز تن ماست آنچه بر تن ماست  
 د) از مردم بد اصل نخیزد هنر نیک کافور نخیزد ز درختان سپیدار  
 ه) یکی بچهٔ گرگ می‌پرورید چو پرورده شد خواجه را بردرید  
 و) اگر بد کنی هم تو کیفی کشی نه چشم زمانه به خواب اندر است

- ۱) الف، ب، ج، ه  
 ۲) ب، ه، د، الف  
 ۳) ب، ج، د، و  
 ۴) ه، ب، د، و

کدام گزینه با بیت "هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش" ارتباط ندارد؟

- ۱) شاخ بالا زان رود زیرا ز بالا آمده است سوی اصل خویش یازم کاصل را بشناختم
- ۲) بنا بر مرگ دارد زندگانی نخواهد زیستن کس جاودانی
- ۳) ترا ز کنگره عرش می زند صفیر ندانمت که در این دامگه چه افتاده است
- ۴) چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است روم به روضه رضوان که مرغ آن چمنم

مفهوم مصرع "همه توحید تو گویم که به توحید سزایی" با کدام بیت تناسب دارد؟

- ۱) آنجا که دست هیچ کس نیست دستگیر مسکین دل شکسته تو را می کند صدا
- ۲) تنها تویی که هستی و غیر تو هیچ نیست ای هرچه هست و نیست به تنهایی ات گوا
- ۳) دلم جواب بلی می دهد صدای تو را صدا بزن که به جان می خرم بلای تو را
- ۴) نه جای بی تو و نه تو را جا و این عجب یاری که هست در همه جا نیست هیچ جا

بیت "محرم این هوش جز بی هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست"، با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) آتش ار هیچ نیابد که خورش سازد از آن کارش این است که بنشیند و خود را بخورد
- ۲) آتش از خانه همسایه درویش خواه کانچه بر روزن او می گذرد دود دل است
- ۳) اول بنا نبود که عاشق کشد کسی آتش به جان شمع فتد کاین بنا نهاد
- ۴) آتش نفسان قیمت میخانه شناسند افسرده دلان را به خرابات چه کار است

بیت "ما ز دریاییم و دریا می رویم" ما ز بالاییم و بالا می رویم" با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی
- ۲) سیل دریادیده هرگز بر نمی گردد به خود موج دریادیده را از شورش طوفان چه پاک
- ۳) مرغ شب خون را بشارت ده که اندر راه عشق دوست را با ناله شب های بیداران خوش است
- ۴) نشکند از چشمه کوثر خمار عاشقان تشنه گوهر اگر دریا خورد سیراب نیست

بیت "محرم این هوش جز بی هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست" با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) آهنگ دراز شب رنجوری مشتاق با آن نتوان گفت که بیدار نباشد
- ۲) پندم مده ای دوست که دیوانه سرمست هرگز به سخن عاقل و هشیار نباشد
- ۳) شرابی بی خمارم بخش یارب که با وی هیچ درد سر نباشد
- ۴) هوشم نماند با کس اندیشه ام تویی بس جایی که حیرت آمد سمع و بصر نباشد

از همه ابیات زیر زمینه قهرمانی حماسه استنباط می شود به جز .....

- ۱) بشد رستم و شاه بنشست شاد جهان کرد روشن به آیین و داد
- ۲) به یک زخم زو دو سر افکند خوار به یک ره بدان تیغ جوشن گذار
- ۳) بپوشید رستم سلیح نبرد چو پیل ژیان شد که برخاست گرد
- ۴) ز نیروی رستم ز بالای او بینداخت یک ران و یک پای او

کدام بیت با بیت زیر مفهوم یکسانی ندارد؟

"ما به فلک بوده ایم، یار ملک بوده ایم باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست"

- ۱) طبایع بگسلند از یکدگر بند کند هریک به اصل خویش پیوند
- ۲) شهباز دست پادشهم این چه حالت است کز یاد برده اند هوای نشیمنم
- ۳) منم آن طایر قدسی که بی تو مرا فردوس اعلا چون قفس است
- ۴) هلا ای رستم پیکار وحدت فرومگذار اندر چاه بیژن

- (۱) تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم از که می‌نالی و فریاد که را می‌داری!  
 (۲) گر گران‌باریم جرم چرخ چیست؟ بار کردار بد خود می‌بریم  
 (۳) کفن بر تن تند هر کرم پیله برآرد آتش از خود هر چناری  
 (۴) دل ما گرچه اندر سینه ماست ولیکن از جهان ما برون است

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متناسب نیست؟

- (۱) صبر بر سختی ایام ثمرها دارد چشمه‌ها بیشتر از سنگ روان می‌گردد  
 (۲) از صبوری در گشاد کارها بگزین کلید برنیاید هیچ قفل محکمی با این کلید  
 (۳) راست گفتی که فرج یابی اگر صبر کنی صبر نیک است کسی را که توانایی هست  
 (۴) صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید دانه چون در آسیا افتد تحفل بایش

کدام بیت با عبارت "چون بلایی پدید آید، بر مرکب صبر نشینم" تناسب مفهومی ندارد؟

- (۱) درد را درمان کند دندان فشردن بر جگر از طبیبان چند جست و جو کنی درمان خویش؟  
 (۲) علاج سختی ایام صبر تند می‌خواهد درشتی گر کند سنگت مقابل کن به سندانش  
 (۳) از خود سبک برآ که در این کهنه آسیا سختی به دانه می‌رسد از کاه بیشتر  
 (۴) حصاری چون تحفل از حوادث نیست پیران را که از سیلاب گردد بردباری پشتبان پل را

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) نام شاهان از اثر در دور می‌باشد مدام جام می‌دارد بلند، آوازه جمشید را  
 (۲) قدح به شرط ادب گیر زن که ترکیش ز کاسه سر جمشید و بهمن است و قباد  
 (۳) سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند  
 (۴) ببین که تخت سلیمان چگونه شد بر باد اگرچه بود به فرمان او وحوش و طیور

مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) به قصر عشرت و ایوان عیش شاهان بین که زاغ نغمه‌سرا گشته، جغد قافیه‌سنج  
 (۲) که آگه است که کاووس و کی کجا رفتند که واقف است که چون رفت تخت جم بر باد  
 (۳) گر بگذری به دخمه سلجوقیان، پیرس سنجر چگونه گشت و ملک شاهتان کجاست؟  
 (۴) با سریر شاهی و تاج کیانی جم نیافت جامی آن گنجی که در کنج گدایی یافته

کدام بیت با عبارت زیر قرابت مفهومی دارد؟

"... متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است که فرهنگ و تمدن فرانسوی را حتی در دل دهات دورافتاده ایران مثل پاریز، هم فرابرده است. کاری که نه سپاه ناپلئون می‌توانست بکند و نه نیروی شارلمانی و نه سخنرانی‌های دوگل."

- (۱) کاخ ملت را ستون و قصر دانش را اساس راه حق را رهنما و حصن دین را پاسبان  
 (۲) دانش به از ضیاع و به از جاه و مال و ملک این خاطر خطیر چنین گفت مرمر  
 (۳) پیچ‌وتاب نامرادی‌ها به قدر دانش است می‌خورد خون بیش هر تیغی که جوهردار شد  
 (۴) به داد و بخشش و لطف و نعم لشکر نگه دارد به فضل و دانش و حلم و کرم کشور نگه دارد

- ۱) دل روش از ریاضت بسیار می‌شود / آهن ز صیقل آینه رخسار می‌شود  
 ۲) گل در میان کوره بسی دردسر کشید / تا بهر دفع دردسر آخر گلاب شد  
 ۳) ریاضت تا کجا بار درشتی بندد از طبیعت / به صیقل آینه از ننگ آهن برنمی‌آید  
 ۴) از بوته ریاضت نقصان نمی‌کند کس / از جسم هرچه کاهید بر جان فزود ما را

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تناسب دقیق ندارد؟

- ۱) دل در بقا میند کز این باغ پرفریب / بی بال و پر چو قطره شبنم پیردنی است  
 ۲) بر تاج دل منه که پر از باد نخوت است / بر تخت دل میند که بر باد می‌رود  
 ۳) دل در جهان میند که دوران روزگار / هر روز بر سری نهد این تاج خسروی  
 ۴) جمشید جز حکایت جام از جهان نبرد / زنهار دل میند بر اسباب دنیوی

کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

- "صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نیش نام نهادند"  
 ۱) تیغ جفا گر زنی ضرب تو آسایش است / روی ترش گر کنی تلخ تو شیرین‌گوار  
 ۲) صبر کن بر تلخ‌کامی‌ها که آخر روزگار / چشمه‌سار نوش سازد بوسه‌گاه نیش را  
 ۳) ماه نو گشت تمام از ره کاهش "صائب" / بی ریاضت نشود هیچ‌کس از اهل کمال  
 ۴) از ریاضت دامن مقصود می‌آید به چنگ / گوشمال آخر شود دست نوازش ساز را

همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... با بیت زیر تناسب مفهومی دارند.

"گاوس کیانی که کی‌اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟"

- ۱) دولت دنیا سبک جولان‌تر از بال هماغس / ساده‌لوح آن‌کس که دل بر تخت و افسر بسته است  
 ۲) چه سرها که داده است بر باد "صائب" / هوایی که شد چون حباب افسر ما  
 ۳) شکوه سلطنت و حسن کی ثباتی داد / ز تخت جم سخنی مانده است و افسر کی  
 ۴) وا کرده است طاق مدائن دهن مدام / فریاد می‌کند که انوشیروان کجاست

مفهوم عبارت زیر یادآور ضرب‌المثل موجود در کدام گزینه است؟

"شوخی روزگار است که مهد دموکراسی عالم، یعنی آتن، از بیم عقرب جراره دموکراسی قن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد."

- ۱) سفله را قوت مده چندان که مستولی شود / گرگ را چندان که دندان تیزتر خون‌ریزتر  
 ۲) ناگهم خانه چو کاشانه افسون‌خوانان / گشت پر عقرب جراره و پر افعی و مار  
 ۳) گرگ‌زاده عاقبت گرگ است و بی‌شک از خری است / گوسفند از گرگ چشم مهربانی داشتن  
 ۴) آن‌که گوید بگریز از من و با او بنشین / خواهد از چاله برون آیی و افتی در چاه

مفهوم همه ابیات به جز بیت گزینه ..... یکسان است.

- ۱) اگر دولت همی‌خواهی مکن تقصیر در طاعت / کسی بخت جوان دارد که گردد پیر در طاعت  
 ۲) زر طاعت زن و اخلاص عیار آن ساز / خواجه تا سود کنی بر درمی دیناری  
 ۳) جان طاعت چیست اخلاص و یقین / ز تن بی‌جان چه حاصل خود ببین  
 ۴) تو را صد بحر طاعت گر بود لیکن ریآلود / چه گویی بحر طاعت به که گویی بحر عصیانش



کدام بیت با عبارت "چون طاعتی پیدا گردد، بر مرکب اخلاص نشینم و پیش روم" تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت
  - ۲) دست و رو شستن اگر باشد وضوی عاقلان
  - ۳) طاعت ظاهر طریق مردم آزاده نیست
  - ۴) در مزرعه طاعت ما تخم ریا نیست
- حافظ این خرقة پشمینه بینداز و برو  
از دو عالم دست شستن طاعت مجنون ماست  
پردۀ بیگانگی اینجا به جز سجاده نیست  
اینجاست که تسبیح عمل دانه ندارد

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) در این عبرت‌فضا تا کی بساط کز و فر چین
  - ۲) بیا و یک نظر اعتبار کن در خاک
  - ۳) دیده را پُر نم کن و جان پر غم و برخیز و رو
  - ۴) عالم بی‌اعتباری عالم بی‌آفتی است
- زمانی بیش گرد سیل در هامون نمی‌باشد  
که خاک تکیه‌گه خسروان معتبر است  
در نگر یک ره به گورستان به چشم اعتبار  
زود بیرون آی "صائب" از جهان اعتبار

کدام گزینه با عبارت "کلمات را کنار زبید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید." تناسب مفهومی دقیق ندارد؟

- ۱) رو به شهرستان معنی آر از این صورتکده
  - ۲) برآ از پرده صورت، قدم در راه معنی زن
  - ۳) ز نزهتگاه معنی هرکه آرد روی در صورت
  - ۴) منکر صورت نشد، عارف معنی‌شناس
- تا که باشی در میان اهل معنی سرفراز  
که در هر منزلی سری ز اسرار نهران بینی  
بود آب روان زنجیر و صحن باغ زندانش  
راه به معنی نبرد عاشق صورت‌پرست

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) یاد باد آنکه فارغ بودم از باغ و بهار
  - ۲) آه کن باغ پر از لاله و گل یافت خزن
  - ۳) کامم از تلخی غم چون زهر گشت
  - ۴) مرغ قدسم من که در دام بلا افتاده‌ام
- در کنار از اشک گلگون لاله‌زاری داشتم  
لاله‌ها شد همه داغ دل و گل‌ها همه خار  
بانگ نوش شادخواران یاد باد  
ای‌دریغا در کجا بودم کجا افتاده‌ام

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) از قیل‌وقال مدرسه روشن کجا شود
  - ۲) علم رسمی تیره دارد سینۀ صاف مرا
  - ۳) بهتر ز کنج مدرسه نبود تو را پناه
  - ۴) ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی
- حالات اهل ذوق و مقامات اهل حال  
بی‌صفا آینه‌ام از کثرت جوهر شده است  
زین دهر پرحوادث و چرخ پراقتلاب  
ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست

در کدام گزینه به مفهوم عبارت "شاهین تیزبال افق‌ها بودم. زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم" اشاره شده است؟

- ۱) شاهین تیز پنجه ز زمین پَرَم پَرید
  - ۲) به چشم اهل نظر همچو سرمه جایم بود
  - ۳) چه در گلخن فرود آیم که در گلشن بود جایم
  - ۴) عالم بی‌خبری بود بهشت‌آبادم
- خواب از درون دیده و هوش از سَرَم پَرید  
مرا به خاک برابر چو توتیا کردی  
در این بوم از چهره پایم که باز دست سلطانم  
تا به هوش آمدم از عرش به فرش افتادم

همه گزینه‌ها به‌جز گزینه ..... با بیت زیر تناسب مفهومی دارند؟

"دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ  
امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو"

- ۱) شب رفت و صباح دولت اندر عقب است
  - ۲) بلبلان مزده که بشکفت گل تازه به باغ
  - ۳) محنت امروز فردا جمله راحت می‌شود
  - ۴) رسید نعمت و شادی و امن و راحت و نفع
- شادی پی شادی طرب اندر طرب است  
عهد گلچین به سر آمد غم خار آخر شد  
اشک خونین آب صحرائ قیامت می‌شود  
گذشت محنت و تیمار و خوف و رنج و ضرر

در کدام گزینه، مفهوم مقابل بیت زیر آمده است؟  
"دیروز در غربت باغ من بومد و یک چمن داغ"

امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو"

- ۱) سرخ‌زویی داد "صائب" رنگ زرد من ثمر
- ۲) "کلب" از باغ امیدت گل شادی به دامن کن
- ۳) برسیده است در این باغ خزانی هیهات
- ۴) فصل غم و محنت رفت ایام بهار آمد

- ۱) زین خزان آخر بهار بی‌خزان آمد پدید
- ۲) نهال خوشدلی را موسم نشو و نما آمد
- ۳) کی دگر بلبل ما را بود امید بهار
- ۴) "حافظ" شب هجران شد بوی خوش یار آمد

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) درد و رنج و محنت و غم از بر ما بسته رخت
- ۲) بعد از این گل‌های بی‌خار از چمن خواهد شکفت
- ۳) با کمال ناگواری‌ها گوارا کرده است
- ۴) بگذار نام هجر که هنگام غم گذشت

- ۱) دولت و اقبال و عزت رو به ما آورده است
- ۲) بس که شد پامال از جوش تماشا خار گل
- ۳) محنت امروز را اندیشه فردای من
- ۴) درده شراب وصل که وقت طرب رسید

کدام گزینه با عبارت شعری زیر تناسب مفهومی ندارد؟

"ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه / من گل به دست می‌دهم، من آب و دانه / می‌کارمت در چشم‌ها گل نقش اقایید / می‌بارمت بر دیده‌ها باران خورشید"

- ۱) به کیش مردم بیدار دل کفر است نومیدی
- ۲) حیف کز افلاس (بی‌چیزی) نومیدی فزاید مرد را
- ۳) خوش باش که روزی گل امید برآید
- ۴) غیر نومیدی ازین باغ چه گل خواهم چید

- ۱) چراغ اینجا امید بازگشتن از شرر دارد
- ۲) دست اگر کوتاه باشد بر دل نشاید مرد را
- ۳) روشن شود این ظلمت و خورشید برآید
- ۴) رنگ افسرده من گر به پریدن نرسد

مفهوم همه ابیات به جز بیت گزینه ..... یکسان است.

- ۱) پرده صبح امید است شب نومیدی
- ۲) آفتاب شادی از ابر امید آید برون
- ۳) به نومیدی مده تن گرچه در کام نهنگ افتی
- ۴) ز نومیدی گشایش جو، که چشم پیر کنعانی

- ۱) تا غذا خون نشود شیر نگردد هرگز
- ۲) چون برون آید به دیوان دست او از آستین
- ۳) که دارد در دل گرداب، بحر عشق ساحل‌ها
- ۴) ز پیراهن غبار آورد و شد روشن ز پیراهن

مفهوم همه ابیات به جز بیت گزینه ..... یکسان است.

- ۱) سیر چشمی خاک در چشم سخاوت می‌کند
- ۲) نامداری چشم اگر داری، سخاوت پیشه کن
- ۳) نقصان نکند هیچ‌کس از جود و سخاوت
- ۴) کریمان را خدای مهربان درمانده نگذارد

- ۱) مور این وادی سلیمانی را ضیافت می‌کند
- ۲) کز ره ریزش بلند آوازه شد نام بهار
- ۳) در خوشه رسیدیم گر از دانه گذشتیم
- ۴) که می‌روید زر از کف همچو گل اهل سخاوت را

کدام بیت با عبارت زیر تناسب مفهومی دارد؟

"من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی‌آنکه زبان به کمتر داعیه‌ای گشاده باشم - سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده‌دستی."

- ۱) گوشه‌گیران در سخاوت بی‌نظیر عالمنند
- ۲) ز سودای محبت هیچ‌کس نقصان نمی‌بیند
- ۳) ریزش خود را ز چشم مردمان پوشیده دار
- ۴) گشاده باش، جهان را شکفته گر خواهی

- ۱) چون دعا با دست خالی دستگیر عالمنند
- ۲) دل و دستی مرا یارب در این سودا کرامت کن
- ۳) در سخاوت خویش را افسانه چون حاتم مکن
- ۴) که برگشاده‌دلان چرخ روی خندان است

کدام گزینه با عبارت زیر قرابت مفهومی ندارد؟  
 "اگر هیچ در سرنوشت از آزادی بهره‌ای باشد، همین از آفریدگار، سپاس‌گزاری بس که بدین سعادت رهنمون بُود تا هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم."

- (۱) خاک زن در چشم خود بینی که از آب حیات  
 (۲) تا غبار خودپرستی شستم از لوح بصر  
 (۳) با خلق آشتی کن و با خود به جنگ باش  
 (۴) مقیدم به بت خود چنان‌که می‌خواهم

مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دور است؟

- (۱) کشته‌تیغ شهادت در دو عالم زنده است  
 (۲) هلال عید باشد تیغ مشتاق شهادت را  
 (۳) نیست در آب حیات و دم جان‌بخش مسیح  
 (۴) خون ما را روز محشر شاهی در کار نیست

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) در ره دین هرکه جان خویش را سازد فدا  
 (۲) چون شهادت، دولتی در عالم ایجاد نیست  
 (۳) آشکارا سینه بر تیغ شهادت می‌زند  
 (۴) عالم غیبت شهادت می‌شود از روی دوست

کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

- گل اگرچه هست بس صاحب جمال  
 حسن او در هفته‌ای گیرد زوال  
 (۱) مباد همچو سکندر در این تماشاگاه  
 به آبگینه ز آب بقا شوی خرسند  
 (۲) قانع به رنگ و بوی گل بی‌وفا مشو  
 بر روی آفتاب چو شبنم نظر گشا  
 (۳) آب حیوان جای آب تلخ نتواند گرفت  
 تشنه دریا کجا قانع به باران می‌شود  
 (۴) گر جهان بستان شود بی تو ندارد زینتی  
 بی جمال گل نگردد بوستان آراسته

کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- "هر که داند گفت با خورشید راز  
 کی تواند ماند از یک ذره باز"  
 (۱) خورشید روی یار ز هر ذره ظاهر است  
 بگشای چشم باطن و بنگر ز هر طرف  
 (۲) ذات حق را چون تون در این جهان ادراک کرد  
 در مکان چون لامکانی را تون ادراک کرد  
 (۳) لامکانیم و نداریم مکان جز دل دوست  
 دوست داند که دلش مأمّن هر دلدار است  
 (۴) تو سلطان فلک قدری چه باشی با گدا طبعان  
 تو خورشید جهان تابی چه گردی شمع محفل‌ها

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) در هوا شو ذره وار از شوق حق چون اهل دل  
 (۲) دیده خفاش طبعان محرم این راز نیست  
 (۳) هر ذره که می‌بینی خورشید در او پیداست  
 (۴) ذره و خورشید گلبانگ انا الحق می‌زنند

- تا شود بر جان تو خورشید عزت آشکار  
 ورنه در هر ذره آن خورشید عالمتاب هست  
 در دیده ما بیند چشمی که به حق بیناست  
 نغمه بیگانه‌ای در پرده این ساز نیست

- ۱) ای حباب از سادگی دست دعا بالا مکن در محیط عشق جز موج خطر محراب نیست
- ۲) آن را که عشق لنگر حیرت به دست داد پروای بحر پرخطر روزگار نیست
- ۳) عشق محیطی است که دل‌ها گهر اوست نیلی رخ افلاک ز موج خطر اوست
- ۴) گوی میدان محبتت سر اهل نظر است گرد این عرصه مگردید که سر در خطر است

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) گوهری نایب‌تر از وصل در پیش من است من که سیلاب فنا گنجینه خود کرده‌ام
- ۲) سالکان را در طریق کعبه وصل رخت منزل اول فَنای خویش و نفی ماسواست
- ۳) پرده تو هستی موهوم توست وصل خواهی شو فنا از خود نخست
- ۴) وصل اگر بایست از خود بگذر ای "فانی" بین که چون قصه مشکل به تو آسان کردم

همه ابیات بیانگر مفهومی مشترک هستند، به جز:

- ۱) نوش و نیش و خار و گل صائب هم‌آغوش هم‌اند در بساط آفرینش نقش خاطرخواه نیست
- ۲) نوش و نیش است یکی پیش سبک‌رفتارن خار و گل در گذر باد صبا هر دو یکی است
- ۳) کسی نخورده از این جام، نوش را بی نیش کسی نچیده از این گلستان، گل بی خار
- ۴) راحت بی‌رنج در ماتم‌سرای خاک نیست خنده گل گریه‌های تلخ دارد چون گلاب

مفهوم کدام گزینه با بیت زیر متفاوت است؟

"هر که داند گفت با خورشید راز کی تواند ماند از یک ذره باز"

- ۱) چه بر حسیض زمین مانده‌ایم سرگردان چو اوج عالم بالا بود نشیمن ما
- ۲) عقاب وار اگرچه گرفته‌ای بالا ولی دلت سوی پستی است چون زغن مشغول
- ۳) آن‌که کوه قاف چون عنقا بود یک لقمه‌اش بر سر خول‌ها طفیلی چون مگس باشد چرا؟
- ۴) تاره به سرا پرده سیمرغ توان یافت چون پرتو خورشید چرا در به در افتم؟

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) چند همچون آب باید سر نهادن سوی پستی نیستم کمتر ز آتش چون ره بالا نیویم
- ۲) به قرب لاله و گل کی چو شبنم می‌شود قانع سبک روحی که از پستی به بالا می‌تواند شد
- ۳) کمند جذبۀ خورشید اگر رحمت نفرماید که چون شبنم از این پستی به بالا می‌برد ما را؟
- ۴) مشو چو عود ز خامی به سوختن قانع سری چو شعله برون زین بلند مجمر کن

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات کاملاً یکسان نیست؟

- ۱) نخواهم دامن مهت ز دست دل رها کردن مگر روزی که دور از تو اجل گیرد گریبانم
- ۲) نازم آن ثابت‌قدم عاشق که تیغ مرگ هم دست او نتوان کند کوتاه از دامن دوست
- ۳) تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک باور مکن که دست ز دامن بدارمت رها
- ۴) من نه آنم کز دَرَت سر برکنم تا زنده‌ام گر اجل از کوی تو دورم کند معذور دار

مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) جمله اجزای وجودم را منور ساخت عشق سایه پیش آفتاب و مس به نزد کیمیاست
- ۲) گو خاک تیره زر کن و سنگ سیاه سیم آن‌کس که یافت آگهی از کیمیای عشق
- ۳) به عشق آویز، دل را از هوس گر پاک می‌خواهی که از آتش زر مغشوش خالص زود می‌گردد
- ۴) تون ز خدمت پیر مغان جوانی یافت نهان مکن مس خود را که کیمیا اینجاست

- ۱) واعظان تا چند منع جام و ساغر می‌کنند
  - ۲) گوشه می‌کده از باده کنون بینی مست
  - ۳) محتسب گر فاسقان را نهی منکر می‌کند
  - ۴) دیدمش باآنکه چون من باخت دیشب قافیه
- چون دماغ خویش را هم گه‌گهی تر می‌کنند
- مفتی شهر که بُد معتکف اندر محراب
- گو بیا کز روی مستوری نقاب افکنده‌ایم
- پشت خم در صبحدم چون دال بر سجاده بود

کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟  
"فَرخِی ز جان‌ودل می‌کند در این محفل"

- ۱) گر برون تازید از آرایش نام و نشان
  - ۲) تا نهادم پای در وحشت‌سرای روزگار
  - ۳) تا که استبداد سر در پای آزادی نهد
  - ۴) خواهم که به آزادی دل نام برآرم
- تخت آزادی به دوش همت عنقا زیند
- عمر من در فکر آزادی چو زندانی گذشت
- دست خود بر قبضه شمشیر می‌باید گرفت
- این طوطی شیرین‌سخن از دام برآرم

همه ابیات بیانگر مفهومی مشترک اند به جز:

- ۱) قلب من گردیده از اکسیر خرسندی طلا
  - ۲) گنج خرسندی نهان در زیر پای عزلت است
  - ۳) مرا خرسندی از سامان دنیا محتشم دارد
  - ۴) در شکر زار قناعت برده‌ام چون مور راه
- چهره زین و قصر روزگار من یکی است
- در صدف چون قطره لنگر کرد گوهر می‌شود
- دل خرسند هرکس دارد از دنیا چه غم دارد؟
- سیرچشمی خاتم دست سلیمان من است

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یکسان نیست؟

- ۱) رسم و ره آزادی یا پیشه نباید کرد
  - ۲) دانی که بود رهرو آزادی گیتی؟
  - ۳) هست جانانه ما شاهد آزادی و بس
  - ۴) من آن صیدم که آزادی هوس باشد مرا
- یا آنکه ز جان‌بازی اندیشه نباید کرد
- آنان که در این بادیه آغشته به خونند
- جان ما در همه‌جا بُرخی (قربان) جانانه ماست
- از قفس گویم، نفس تا در قفس باشد مرا

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) ولیک باید از روی علم جمع گشتن
  - ۲) هر آن‌که را به جهان علم نیست چیزی نیست
  - ۳) تمام این‌همه بدبختی است و بی‌علمی
  - ۴) خوشا به حال چنین ملت نجیب و غیور
- که گله‌گله همی گوسفند به چراست
- اگرچه خود همه افطار خاک را داراست
- که هرکه را نبود علم، اسفل و آدناست
- که علم و دانش او را کمال استغناست

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات سازگار نیست؟

- ۱) بر ناکسی که ظلم کند جای رحم نیست
  - ۲) جمله آنان را که چون زالو مکندت خون بریز
  - ۳) گاوسر گرز بکش گردن ضحاک بکوب
  - ۴) مبین کز ظلم جتاری، کم‌آزاری ستم بیند
- ظالم بکش که کشتن ظالم ثواب شد
- وندران خون دست و پایی کن خضاب ای رنجبر
- تیشه عدل بزن ریشه ضحاک برآر
- ستمگر نیز روزی کشته تیغ ستم گردد

چه تعداد از ابیات ذکرشده با بیت زیر تناسب مفهومی دارند؟

- "بر کن ز بُن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکنند"  
 الف) خالی کن اقلیم دلم از لشکر ظلم و ستم  
 ب) به دست عدل بیخ ظلم بگسل  
 ج) تیشه بیداد و ظلمت ریشه مخلوق کند  
 د) این همه ظلم چون پسندی تو  
 ه) ز کف بکن این گرز و شمشیر کین  
 و) زودا که آه بی‌گنهان شعله‌ور شود
- گو در زمان حسن تو ویرانه‌ای آباد شو  
 به مشت دوست پشت خصم بشکن  
 پیش خالق می‌برند اهل تظلم داد تو  
 دست ظالم چرا نبندی تو  
 بن جنگ و بیداد را بر زمین  
 تا خاندان ظالم از آن پرشرر شود

- ۱) دو  
 ۲) سه  
 ۳) چهار  
 ۴) پنج

همه ابیات به جز بیت گزینه ..... بیانگر مفهومی مشترک هستند.

- ۱) ای دوست گرت هوس کند وقتی خوش  
 بگریز چو من ز مردم شیطان‌وش  
 ۲) ندارد دانه‌ای جز خوردن دل دام صحبت‌ها  
 منه تا ممکن است از گوشه عزلت قدم بیرون  
 ۳) هرکه چون بی‌بصران صحبت دونان طلبد  
 سخت بسیار بلاها کشد از بی‌بصران  
 ۴) دور شو زین مردم ناهل دور از مردمی  
 دیو گردد، هرکه آمیزش به اهریمن کند

کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی بیشتری دارد؟

"تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دل‌بند"

- ۱) پختگان را کی بود از صحبت دونان گریز  
 شعله را بسیار باشد احتیاج خار و خس  
 ۲) محتشم بر در عزلت زن و از سر و کن  
 صحبت اهل نصیحت که عذاب است عذاب  
 ۳) گوشه‌گیری در میان خلق تنها بودن است  
 بر دل خود بار کوه قاف چون عنقا منه  
 ۴) ز چشم خلق پنهان دار کنج عزلت خود را  
 مکن شیرازة صحبت، کمند وحدت خود را

ابیات کدام گزینه باهم تناسب مفهومی دارند؟

- الف) بود ویرانه بهتر جغد را از صحبت طوطی  
 ب) از صحبت لثیمان چون برق و باد بگریز  
 ج) از صحبت ناجنس به کامل نرسد نقص  
 د) به فریاد آورد آمیزش ناجنس آتش را  
 ه) قدر نبات یافت چوب از اثر مصاحبت  
 و) بلاست صحبت ناجنس، وقت طوطی خوش  
 ز پرتو نیکان نگیرد هرکه بنیادش بد است
- شود خاموش نادان چون به بزم ذوفنون افتد  
 اوقات چون گرامی‌ست صرف کرام گردان  
 از تلخی بادام چه پرواست شکر را؟  
 ندارد ناله‌ای تا آب با روغن نمی‌باشد  
 گل چو شود قرین گل گیرد رنگ و بوی او  
 که گاه حرف ز تمثال خود طرف دارد  
 تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است

- ۱) الف، ز، د  
 ۲) ب، ج، ه  
 ۳) و، ب، د  
 ۴) ز، ج، الف

کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی دارد؟

"کز نیستان تا مرا بیریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند"

- ۱) بگفت راز دل "اوحدی" به مرد و به زن  
 سرشک دیده، که در عشق ترجمانم بود  
 ۲) هم عارفان عاشق دانند حال مسکین  
 گر عارفی بنالد یا عاشقی بزارد (زاری کند)  
 ۳) شهری زن و مرد در رخت می‌نگرند  
 وز سوز غم عشق تو جان در خطرند  
 ۴) بر سوزش من جان زن و مرد بسوزد  
 وز ناله زارم درودیوار بنالد

مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) حال جان‌کنن تنهایی من کی دانی  
 چون تو یک‌لحظه در این کار نبودی هرگز  
 ۲) تو قدر درد و غم جاودان چه می‌دانی  
 حضور عاقبت رایگان چه می‌دانی  
 ۳) تو را که شوق عزیزی نسوخت، کی دانی  
 که چیست بر دل خسرو ز داغ مهجوری  
 ۴) حال دل در سینه صد چاک من دانی اگر  
 دیده باشی اضطراب مرغ وحشی در قفس

- ۱) از من مطلب صبر جدایی که ندارم / سنگی است فراق و دل محنت زده جامی
- ۲) فلک از آتش رخسار تو دورم افکند / چون نسوزد غم این هجر به سان شررم
- ۳) مکنید درمندان گله از شب جدایی / که من این صباح روشن ز شب سیاه دارم
- ۴) جسم غم فرسود من چون آورد تاب فراق / این تن لاغر کجا بار غم هجران کجا

همه ابیات به جز بیت گزینه ..... بیانگر مفهومی مشترک هستند.

- ۱) عاشقان چون عزم رفتن سوی دلبر کرده اند / در طریق عشق یا از تارک سر کرده اند
- ۲) مگیر آسان طریق عشق را کاین ره بود راهی / که باید راهرو از سر گذشتن اولین گامش
- ۳) در طریق عشق هر جا می گذاری پا، سر است / موج این وادی رگ جان، ریگ این صحرا سر است
- ۴) در محیط عشق، خون "نوح" در جوش است و ما / چون حباب از سادگی بر موج محمل بسته ایم

ابیات همه گزینه ها باهم تناسب مفهومی دارند به جز:

- ۱) تو شاه تخت وجودی چه جای توست اینجا / خلیفه زاده گلشن نشین و در خاشاک؟
- ۲) شاهباز عالم قدسم نیم زین خاکدان / آشیان زین پس کم دار و دیار خویش را
- ۳) به شاخسار خود ای گل مرا نشیمن ده / که مرغ سدره خورد حسرت نشیمن من
- ۴) جان قدسی در تن خاکی دو روزی بیش نیست / موج دریا دیده در ساحل نمی گیرد قرار

همه ابیات به جز بیت گزینه ..... بیانگر مفهومی یکسان هستند.

- ۱) نسوزد برق تا خود را نسوزاند گیاهی را / ز مظلومان پس از جان ستمگر دود می خیزد
- ۲) خانه آخرت ظالم از آن است خراب / که ندانسته سرایی به جز از عالم زور
- ۳) به دست خود کند بیدادگر بنیاد دولت را / ستمگر لشکر بیگانه می سازد رعیت را
- ۴) مسلم کی گذارد ناله مظلوم ظالم را / که پیش از دانه فریاد از نهاد آسیا خیزد

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) در شب و روز و مه و سال مگر سرگردان / فلک بی سرو سامان پی سامان تو نیست
- ۲) تا که از نقص رسانی به کمال اشیا را / دست آن ها مگر از عجز به دامان تو نیست
- ۳) نیست گردون مگر ایوان تو یا در شب تار / ماه قنديل فروزنده ایوان تو نیست
- ۴) نیست مأمور مگر ابر به سقایی تو / مهر طباح تو یا نطع زمین خوان تو نیست

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یکسان نیست؟

- ۱) عقده از کار پریشان خاطران روزگار / با تهیدستی به رنگ شانه می باید گشود
- ۲) حاجت بیچاره ای کردن روا بی حجتی / به ز صد حج است در دیوان حق روز شمار
- ۳) نباید تاخت بر بیچارگان روز توانایی / به خاطر داشت باید روزگار ناتوانی را
- ۴) تو را از آتش دوزخ کند فردا سپرداری / گر از دست حمایت ناتوانان را سپر گردی

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) بنام به بزم محبت که آنجا / گدایی به شاهی مقابل نشیند
- ۲) شاه را درویش می سازد، گدا را پادشاه / عالمی چون عالم خوش انقلاب عشق نیست
- ۳) عشق یکسان ناز درویش و توانگر می کشد / این ترازو سنگ و گوهر را برابر می کشد
- ۴) ای دل به طریق عاشقی راه یکی است / در کشور عشق بنده و شاه یکی است

"در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست با جان بودن به عشق در سامان نیست"

- (۱) هست پابست سر زلفش دل ما در جهان  
ورنه چیزی را دل ما در جهان پابست نیست
- (۲) هیچکس را دل ز دام زلف او بیرون نجست  
اینکه بتواند دلی از دام زلفش جست نیست
- (۳) باید اندر عشق او از خود به کل وارسته شد  
کان که در عشقش به کل از خویشتن وارست نیست
- (۴) از پی پیوند او از خویشتن باید برید  
بی بریدن اینکه کس هرگز بدو پیوست نیست



ترتیب درست ابیات زیر از نظر داشتن آرایه‌های (ایهام - تلمیح - جناس - حسن تعلیل - کنایه) در کدام گزینه آمده است؟

الف) من آن حسن غریبم کاروان آفرینش را  
ب) من که باشم کز چو من بی‌قدر یاد آورده‌ای  
ج) بال پرواز فلک داری و قانع شده‌ای  
د) ای دل دویدن از پی آن بی‌وفا بس است  
ه) جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز

که جای سیلی اخوان بود نیل بناگوشم  
نامه از ننگ همین معنی به خود پیچیده است  
که به بزمی که روی جای به بالا گیری  
گر تو هنوز سیر نگشتی مرا بس است  
باطل در این خیال که اکسیر می‌کنند

- ۱) الف - ب - ج - ه - د  
۲) الف - ب - ه - د - ج  
۳) ه - الف - ج - ب - د  
۴) ه - الف - ب - د - ج

آرایه‌های مقابل همه ابیات به استثنای بیت ..... درست است.

۱) گرچه به شب آینه نشاید نگریدن  
۲) چو به خنده بازیابم اثر دهان تنگش  
۳) تیرقدی کمان‌کشی زهره‌رخ و مهوشی  
۴) خورشیدی و آنکه به شب آبی عجب این است

در تو نگرم کآینه دیدار نمایی (مراعات نظیر - حسن تعلیل)  
صدف گهر نماید شکر عقیق‌رنگش (استعاره - ایهام)  
جانم فدا که بس خوشی جان و جهان کیستی (تشبیه - جناس)  
شب روز نماید چو تو دیدار نمایی (تضاد - اغراق)

در بیت زیر کدام آرایه‌های ادبی یافت می‌شود؟

"و گر گوید نهم رخ بر رخ ماه بگو با رخ برابر چون شود شاه"

- ۱) کنایه - جناس تام - ایهام - استعاره  
۲) کنایه - جناس ناقص - ایهام - اسلوب معادله  
۳) تشبیه - جناس تام - مراعات نظیر - ایهام تناسب  
۴) اسلوب معادله - جناس ناقص - مراعات نظیر - استعاره

در بیت زیر کدام آرایه‌ها وجود دارد؟

"ای از حیای لعل لب گشته آب، می

خورشید پیش آتش روی تو کرده، خوی"

- ۱) استعاره - اغراق - تشخیص - مجاز  
۲) تشبیه - کنایه - تشخیص - تضاد  
۳) استعاره - تشبیه - تضاد - اسلوب معادله  
۴) کنایه - تضاد - اغراق - تلمیح

ترتیب ابیات زیر، به لحاظ داشتن آرایه‌های "ایهام تناسب، حسن تعلیل، اغراق، حس آمیزی و تناقض"، در کدام گزینه صحیح است؟

الف) کوتاه می‌شود همه شمعی ز سوختن  
ب) طالع نگر که کشت امیدم ز آب سوخت  
ج) دلم با چشم تر یک‌رنگ از آن است  
د) در مجلس دهر، ساز مستی پست است  
ه) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر

شمعی که سر بر عرش رسانیده، آه ماست  
در کشوری که برق هوادار خرمن است  
که پای اشک خونین در میان است  
نه چنگ و نه قانون و نه دف بر دست است  
یادگاری که در این گنبد دوار بماند

- ۱) ه - الف - د - ج - ب  
۲) د - ب - ج - ه - الف  
۳) ه - ج - الف - ب - د  
۴) د - ج - الف - ه - ب

در کدام بیت بعضی از آرایه‌های ذکر شده در مقابل آن، به کار نرفته است؟

۱) کی شود این روان من ساکن  
۲) سوزی ز ساز عشقت در دل چرا نگیرد  
۳) دامن مفشان از من خاکی که پس از من  
۴) چند دام از زهد سازی و دم از طاعت زنی

این چنین ساکن روان که منم: (کنایه - پارادوکس)  
ریزی ز راز مهتر در جان چرا ندارم: (جناس - تشبیه)  
زین در نتواند که برد باد غبارم: (تشخیص - تشبیه)  
ما هم از دام تو دوریم و هم از دم فارغیم: (جناس - مجاز)

در همهٔ ابیات به جز بیت ..... همهٔ آرایه‌های تشبیه، جناس، مراعات نظیر و کنایه یافت می‌شود.

- ۱) نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان  
 ۲) شکر شکر ز طوطی روان باز مدار  
 ۳) نه چو بلبل منم آن سدره نشیمن شهباز  
 ۴) گل عذاری ز گلستان جهان ما را بس  
 گر شما را نه بس این سود و زیان ما را بس  
 دو سه روزی که بمانده است در این تیره قفس  
 کز هوای مَلَکوت آمدم اینجا به هوس  
 زین چمن سایهٔ آن سرو روان ما را بس

آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست است؟

- ۱) به مومیایی مردم چه حاجت است مرا  
 ۲) بهوش باش دلی را به سهو نخراشی  
 ۳) به خاک راه تو هرکس که جبهه سایه کرد  
 ۴) فغان که ساغر ز زین بی‌نیازی را  
 که استخوان مرا سنگ مومیایی کرد (نغمهٔ حروف - تشخیص)  
 به ناخنی که توانی گره‌گشایی کرد (کنایه - مراعات نظیر)  
 تمام عمر چو خورشید خودنمایی کرد (ایهام - مجاز)  
 گرسنه چشمی ما کاسهٔ گدایی کرد (کنایه - تضاد)

ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های "تشبیه، تشخیص، تلمیح، مجاز و کنایه" کدام است؟

- الف) هرکجا رندی است در میخانه‌ای  
 ب) به می پرستی از آن نقش خود زدم بر آب  
 ج) من سرگشته هم از اهل سلامت بودم  
 د) مرا تحفل باری چگونه دست دهد  
 ه) آب چشمم که بر او منت خاک در توست  
 جرعه‌ای از جام ما نوشیده‌اند  
 که تا خراب کنم نقش خودپرستین  
 دام راهم شکن طرّهٔ هندوی تو بود  
 که آسمان و زمین برنافتند و جبال  
 زیر صد منت او خاک دری نیست  
 ۱) ب، ه، د، ج، الف  
 ۲) د، ب، ه، الف، ج  
 ۳) ج، الف، ه، د، ب  
 ۴) ج، ه، د، الف، ب

در بیت زیر همهٔ آرایه‌های ادبی کدام گزینه، یافت می‌شود؟

"دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل / مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمان"

- ۱) کنایه - جناس - استعاره - تضاد  
 ۲) متناقض‌نما - کنایه - تلمیح - جناس  
 ۳) تضاد - جناس - اسلوب معادله - استعاره  
 ۴) جناس - استعاره - تشبیه - متناقض‌نما

اگر ابیات زیر را با توجه به داشتن آرایه‌های (استعاره - تشبیه - حس‌آمیزی - اسلوب معادله - جناس تام) از بالا به پایین مرتب کنیم، گزینهٔ درست کدام است؟

- الف) تا برآمد در جهان آوازهٔ زلف و زخس  
 ب) جز بدن آهوی وحشی که به من رام نگشت  
 ج) گر آن شیرین دهن لب را به شکرخنده بگشاید  
 د) دل به دست آن نگار شوخ‌وشنگ افتاده است  
 ه) محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد  
 کیمیای کفر و دین را روز بازاری نماند  
 دل وحشت زده با هیچ‌کس رام نبود  
 کف خسرو به خاک تیره ریزد خون شیرین را  
 طفل بازیگوش را آتش به چنگ افتاده است  
 از گلشن زمانه که بوی وفا شنید  
 ۱) ج - ب - ه - الف - د  
 ۲) ب - ه - د - الف - ج  
 ۳) ب - الف - ه - د - ج  
 ۴) ج - الف - ه - د - ب

در همهٔ ابیات، به استثنای بیت ..... "اسلوب معادله" وجود دارد.

- ۱) گل در این گلشن کجا دارد سر پروای ما  
 ۲) دل گمان دارد که پوشیده‌ست راز عشق را  
 ۳) دخل بیجا ندهد غیر خجالت اثری  
 ۴) زیور آیینۀ دل روشنی باشد. نه عکس  
 خار هم از سرکشی کی می‌رود در پای ما  
 شمع را فانوس پندارد که پنهان کرده است  
 تیر کج باعث رسوایی تیرنداز است  
 خانهٔ تاریک را شمع به از صد صورت است

اگر ابیات زیر را به لحاظ داشتن آرایه‌های (ایهام - استعاره - اسلوب معادله - تناقض) از بالا به پایین مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟  
 الف) ره عشق ار به سر آید، راه بیرون شد  
 ب) نیک بد کردی شکستن عهد یار مهربان  
 ج) آرزو دارم ز لعلش تا به لب جام مدام  
 د) از شکست کشتی ما تا گهی یاد آورد

- ۱) الف - ج - د - ب  
 ۲) الف - ج - ب - د  
 ۳) ج - د - الف - ب  
 ۴) ج - د - ب - الف

آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟  
 "گلک حافظ شکرین میوه نباتی است بچین"

که در این باغ نبینی ثمری بهتر از این"

- ۱) تشبیه، کنایه، مجاز، استعاره  
 ۲) مجاز، حس آمیزی، تشبیه، جناس  
 ۳) کنایه، مراعات نظیر، جناس، تشخیص  
 ۴) استعاره، مراعات نظیر، حس آمیزی، تشخیص

اگر ابیات زیر را به لحاظ داشتن آرایه‌های (حسن تعلیل - تناقض - ایهام - اسلوب معادله - تشخیص) از بالا به پایین مرتب کنیم کدام گزینه درست است؟  
 الف - دل را که باشد آتش شوقی به غم چه کار؟  
 ب - کار دوران چیست جمعیت پریشان ساختن  
 ج - تا چشم تو ریخت خون عشاق  
 د - برای گردن جان کم ز طوق لعنت نیست  
 ه - جان دگرم بخش که آن جان که تو دادی

- ۱) ج - ب - الف - ه - د  
 ۲) د - ج - ه - الف - ب  
 ۳) ج - ب - ه - الف - د  
 ۴) د - ج - ب - ه - الف

آرایه‌های بیت زیر، کدام اند؟  
 "هرچند چو گل گوش فکندیم در این باغ  
 حرفی که برد راه به جایی نشنیدیم"

- ۱) تشبیه - مجاز - کنایه - استعاره  
 ۲) تشبیه - تشخیص - جناس - حس آمیزی  
 ۳) استعاره - مراعات نظیر - تشخیص - ایهام  
 ۴) مجاز - ایهام - حس آمیزی - مراعات نظیر

آرایه‌های "اسلوب معادله - استعاره - پارادوکس - تشبیه - جناس تام" به ترتیب در کدام گزینه یافت می‌شود؟  
 الف) تنها نه من به دانه خالست مقیدم  
 ب) دیوان حافظی تو و دیوانه تو من  
 ج) حرف صدق از لب دیوانه برون می‌آید  
 د) هرچند بی‌صداست چو آینه آب عمر  
 ه) دل چو شد غافل ز حق فرمان‌پذیر تن بود

- ۱) الف - ب - ه - د - ج  
 ۲) الف - د - ج - ب - الف  
 ۳) ه - ج - د - الف - ب  
 ۴) ه - ج - د - ب - الف

ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های ایهام - حسن تعلیل - تلمیح و تشبیه کدام است؟  
 الف) خون دل مشتاقان خوردست لب لعلت  
 ب) ای نسیم سر زلفت دم جان‌بخش مسیح  
 ج) نخواهم دامن مهرت ز دست دل رها کردن  
 د) گو مکن شور و مکن کوه به تلخی فرهاد  
 سرخ است لب اینک منکر نتوان بودن  
 وی بناگوش چو سیمت بد بیضای کلیم  
 مگر روزی که دور از تو اجل گیرد گریبانم  
 که رسیدست به کام از لب شیرین خسرو

- ۱) ب، الف، د، ج  
 ۲) ج، الف، د، ب  
 ۳) ج، د، الف، ب  
 ۴) د، ج، ب، الف

آرایه‌های بیت "نقد دلی که بود مرا صرف باده شد"

قلب سیاه بود از آن در حرام رفت" در کدام مورد تماماً درست است؟

- ۱) ایهام، نغمه حروف، پارادوکس  
 ۲) ایهام، مراعات نظیر، اسلوب معادله  
 ۳) تشبیه، ایهام، حسن تعلیل  
 ۴) تشبیه، مراعات نظیر، اسلوب معادله

آرایه‌های "تلمیح، مجاز، ایهام و جناس تام" به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟  
 الف) معنی آب زندگی و روضه ارم  
 ب) نه من سبو کش این دیر رند سوزم و بس  
 ج) سر ارادت ما و آستان حضرت دوست  
 د) گو شمع میارید در این جمع که امشب

جز طرف جویبار و می خوشگوار چيست  
 بسا سرا که در این کارخانه سنگ و سیوست  
 که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست  
 در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است

- ۱) الف، ب، ج، د  
 ۲) الف، ب، د، ج  
 ۳) ب، الف، د، ج  
 ۴) ب، ج، د، الف

در کدام بیت آرایه‌های "استعاره، تشبیه، اغراق و کنایه" به کار رفته است؟

- ۱) بس کن از سرکه فشاندن زان لب میگون که من  
 ۲) پای خاکین کن در آکز چشم خونین هر نفس  
 ۳) گر چو چنگم در برآیی زلف در دامن‌کشان  
 ۴) بر سر خاک اوفتان خیزان ز جور آسمان
- دل بر آن میگون لب سرکه‌فشان خواهم فشاند  
 گوهر اندر خاک پابت رایگان خواهم فشاند  
 از مژه يك دامت لعل روان خواهم فشاند  
 از تظلم خاک هم بر آسمان خواهم فشاند

آرایه‌های "سرم هنوز چنان مست بوی آن نفس است که بوی عنبر و گل ره نمی‌برد به مشام" در کدام گزینه "تماماً" درست است؟

- ۱) کنایه، مجاز، حسن تعلیل  
 ۲) جناس، کنایه، پارادوکس  
 ۳) کنایه، اسلوب معادله، مجاز  
 ۴) تشبیه، اغراق، اسلوب معادله

ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه های "جناس، استعاره، ایهام، اغراق، واج‌آرایی" کدام است؟

- الف) عشق بازی و جوانی و شراب لعل فام  
 ب) باده گلرنگ تلخ تیز خوشخوار سبک  
 ج) ای گلبن جوان تیر دولت بخور که من  
 د) به جز صبا و شمالم نمی‌شناسد کس  
 ه) به یاد یار و دیار آنچه‌ان بگریم زار
- مجلس انس و حریف همدم و شرب مدام  
 نُقلش از لعل نگار و نقلش از یاقوت خام  
 در سایه تو بلبل باغ جهان شدم  
 عزیز من که به جز باد نیست دمسازم  
 که از جهان ره و رسم سفر براندازم

- ۱) ب، ه، الف، ج، د  
 ۲) ب، د، ج، الف، ه  
 ۳) ج، ب، الف، د، ه  
 ۴) ج، د، الف، ه، ب

آرایه‌های بیت:

"به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو تو را که گفت که این زال ترک دستان گفت" در کدام گزینه "تماماً" درست آمده است؟

- ۱) استعاره، ایهام تناسب، کنایه  
 ۲) تشخیص، اسلوب معادله، حسن تعلیل  
 ۳) ایهام تناسب، کنایه، اسلوب معادله  
 ۴) تلمیح، استعاره، حسن تعلیل

آرایه‌های بیت: "خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای

دست قدرت نگر و منصب صاحب جاهی" در کدام گزینه تماماً درست است؟

- ۱) استعاره، جناس، کنایه، پارادوکس  
 ۲) استعاره، تضاد، تشبیه، مراعات نظیر  
 ۳) تشبیه، جناس، تشخیص، مجاز  
 ۴) تضاد، مراعات نظیر، حسن تعلیل، مجاز

آرایه‌های مقابل همه ابیات به استثنای بیت ..... درست است.

- ۱) افتاده را به چشم حقارت مبین که خاک  
 ۲) از آن مرگان او دست دعا بر آسمان دارد  
 ۳) در حیرتم از زاری تنبور که این طفل  
 ۴) عاقلان را تا در این موسم چو خود دیوانه دید
- گر سرکشد غبار دل آسمان شود (تشبیه، کنایه)  
 که دایم از خدا خواهد شفای چشم بیمارش (حسن تعلیل - تضاد)  
 بدخو شود آن دم که در آغوش و کنار است (تشبیه - تشخیص)  
 بید مجنون، سجده شکرى به جا آورده است (اسلوب معادله - اغراق)

ترتیب قرار گرفتن آرایه‌های: استعاره، تلمیح، ایهام، تشبیه و تناقض کدام است؟  
 الف) اگر چه مستی عشقم خراب کرد ولی  
 ب) به کام تا نرساند مرا لبش چون نای  
 ج) که ای بلند نظر شاهباز سدره‌نشین  
 د) نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل  
 ه) دل من در هوس روی تو ای مونس جان

- ۱) د، الف، ج، ه، ب  
 ۲) د، ج، ب، ه، الف  
 ۳) ه، ج، ب، د، الف  
 ۴) ه، ج، د، الف، ب

کدام آرایه‌ها در بیت زیر وجود ندارد؟  
 "من بسته‌ام تو، سرمست مدام تو"

آوخ که چه دام است این، یارب چه مدام است آن؟

- ۱) ایهام، جناس تام  
 ۲) ایهام، نغمه حروف  
 ۳) استعاره، جناس ناقص  
 ۴) تناقض، حسن تعلیل

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟  
 "سایه بالای آن سرو از سر من کم مباد"

زن که بر من رحمتی از عالم بالاست این"

- ۱) استعاره، مجاز، متناقض نما، جناس تام  
 ۲) تشبیه، جناس ناقص، مجاز، حسن تعلیل  
 ۳) کنایه، استعاره، جناس تام، تشبیه  
 ۴) حسن تعلیل، کنایه، مراعات نظیر، تضاد

چنانچه ابیات زیر را به لحاظ دارا بودن آرایه‌های "کنایه، تشبیه، ایهام، استعاره و جناس" مرتب کنیم، کدام ترتیب درست است؟

الف) غنیمت دلن اگر دانی که هرروز  
 ب) برو شادی کن ای یار دل افروز  
 ج) اگر کساد شکر بایدت دهن بگشای  
 د) اگر ملول شوی یا ملامتم گویی  
 ه) ملامتم نکند هر که معرفت دارد

ز عمر مانده روزی می‌شود کم  
 چو خاکت می‌خورد چندین مخور غم  
 ورت خجالت سرو آرزو کند بخرام  
 اسیر عشق نیندیشد از ملال و مرام  
 که عشق می‌بستاند ز دست عقل زمام

- ۱) ب، الف، ج، ه، د  
 ۲) ب، ج، الف، ه، د  
 ۳) د، ب، الف، ه، ج  
 ۴) د، ه، ج، الف، ب

آرایه‌های بیت: "جان می‌رسد به لب، من شیرین کلام را تا حرف تلخی از دهن یار می‌کشم" کدام است؟

- ۱) کنایه، مجاز، حس آمیزی، تضاد  
 ۲) مجاز، کنایه، تناقض، ایهام  
 ۳) ایهام، مراعات نظیر، تضاد، استعاره  
 ۴) استعاره، حس آمیزی، تناقض، مراعات نظیر

در کدام بیت همه آرایه‌های، استعاره، تشخیص، تشبیه و حس آمیزی وجود دارد؟

- ۱) نسیم ناامیدی بد ورق گرداندنی دارد  
 ۲) ندارد بی‌قراری حاصلی غیر از پشیمانی  
 ۳) ز رقص مرغ بسمل این نوا در گوش می‌آید  
 ۴) سزای توست چون گل گریه تلخ پشیمانی  
 در ایام برومندی در بستان سرا بگشا  
 میان خویش را چون موج در بحر بلا بگشا  
 که ساحل چون شود نزدیک بازوی شنا بگشا  
 که گفت ای غنچه غافل، دهن پیش صبا بگشا

آرایه‌های "تضاد، اسلوب معادله، تلمیح، کنایه" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

الف) پرده خارست اگر دارد گلی این بوستان  
 ب) دل رمیده گل از روزگار می‌چیند  
 ج) آن‌که در جام خضر آب بقا ریخته است  
 د) پرده چشم غزال است سیه خانه او  
 نوش این محنت سرا آهن‌ربای نشتر است  
 نشاط روی زمین از غزال صحرایی است  
 به لب تشنه ما زهر فنا ریخته است  
 آن پریزاد که راه دل مجنون زده است

- ۱) ج، الف، د، ب  
 ۲) ج، ب، الف، د  
 ۳) ب، الف، ج، د  
 ۴) ب، ج، الف، د

ترتیب توالی ابیات زیر از جهت داشتن آرایه‌های "ایهام - تضاد - جناس ناقص - اغراق" کدام است؟  
 الف) دیده‌تر دامنم تا می‌زند نقشی بر آب خاک کویت را به خون هر شب منقش می‌کند  
 ب) لعل جان‌بخش تو خود دل‌های مسکینان به لطف جمع می‌دارد ولی زلفت مشوش می‌کند  
 ج) زن شراب ناب بی‌غش ده که اندر صومعه صوفی صافی به بوی جرعه‌ای غش می‌کند  
 د) نام و ننگ و صبر و هوش و عقل و دینم شد حجاب ترک من بازآ که سلمان ترک هر شش می‌کند

- ۱) ج - ب - د - الف  
 ۲) د - ج - الف - ب  
 ۳) ج - د - ب - الف  
 ۴) د - الف - ج - ب

کدام گروه از آرایه‌های ادبی، همگی، در بیت زیر یافت می‌شود؟  
 "آخر ای مطرب از این پرده عشاق بگرد چند گویی که مرا پرده به چنگ تو درید"

- ۱) استعاره، ایهام، مجاز  
 ۲) کنایه، استعاره، تشبیه  
 ۳) استعاره، جناس تام، تشبیه  
 ۴) کنایه، ایهام تناسب، جناس تام

آرایه‌های "تشبیه، استعاره، اغراق، تلمیح و پارادوکس" به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟  
 الف) نیست بی‌اسرار وحدت می‌پرستی‌های ما آتش ایمن ز چوب تاك می‌بینیم ما  
 ب) کلاه گوشه اقبال ماست بی‌کلهی گذشتگی ز دوعالم بود جنیبت ما  
 ج) از گوهر ما گر چه خورد چشم جهان آب از گرد یتیمی است همان پیرهن ما  
 د) از صحبت ما فیض تون برد به دامن زلف شب قدر است دل پرشکن ما  
 ه) به زیر تیغ فشرديم پای خود چندان که کوه بست کمر پیش بردباری ما

- ۱) د، ج، ه، ب، الف  
 ۲) د، ج، ه، الف، ب  
 ۳) ج، د، ب، الف، ه  
 ۴) ج، د، ه، الف، ب

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟  
 "فرهاد شورانگیز اگر در پای سنگی جان بداد گفتار شیرین، بی‌سخن در حالت آرد سنگ را"

- ۱) تلمیح، ایهام، حس‌آمیزی، کنایه  
 ۲) اغراق، جناس، تضاد، تشبیه  
 ۳) تشبیه، حس‌آمیزی، تلمیح، تشخیص  
 ۴) اغراق، تشخیص، جناس، کنایه

آرایه‌های موجود در بیت:  
 "اگر از سینه مور ضعیفی پرده‌برداری هزاران کوه غم بر دل از آن موی کمر دارد" در کدام گزینه تماماً درست است؟

- ۱) ایهام، کنایه، مجاز، جناس، تلمیح  
 ۲) کنایه، اغراق، مجاز، جناس، تشبیه  
 ۳) تناقض، تشبیه، مجاز، اغراق، اسلوب معادله  
 ۴) کنایه، اغراق، تناقض، تشبیه، مجاز

ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های "تناقض، مجاز، ایهام و استعاره" کدام است؟  
 الف) به سلیمان برسانید که من چون نگین در کف هر دیو و ددم  
 ب) ما را ز زیر پر هست راهی به گلستان هرچند سخت بندد صیاد بال ما را  
 ج) منم که معنی بیگانه آشنای من است نهال خامه من باغ دلگشای من است  
 د) بسیار دیده‌ایم درختان میوه‌دار زین به ندیده‌ایم که در بوستان توست

- ۱) ب - ج - الف - د  
 ۲) ج - الف - د - ب  
 ۳) ب - ج - د - الف  
 ۴) ج - د - الف - ب

در همه عبارت‌ها به استثنای عبارت ..... آرایه‌های "تشبیه و پارادوکس" هر دو وجود دارد؟

- ۱) صدای سایش بال‌های خیال تنها سخنی است که سکوت ابدی کویر را نشان می‌دهد.  
 ۲) کویر انتهای زمین است، پایان سرزمین حیات است در کویر گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم.  
 ۳) شب کویر این موجود زیبا و آسمانی شبی است که از بامداد آغاز می‌شود، شب کویر به وصف نمی‌آید.  
 ۴) آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد.

ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های: ایهام تناسب، تشبیه، تلمیح، حس آمیزی و اغراق، کدام است؟

- الف) ندارد مزرع ما حاصلی غیر از تهی‌دستی  
 ب) چرا ملامت خواجو کنی که چون فرهاد  
 ج) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن  
 د) دست را بر ازدها آن‌کس زند  
 ه) دلم امید فراوان به وصل روی تو داشت  
 و) ولی اجل به ره عمر رهنز امل است

۱) ب، الف، ج، د، هـ

۲) ج، هـ، د، ب، الف

۳) هـ، ب، الف، ج، د

۴) ب، هـ، د، ج، الف

آرایه‌های "ایهام، نغمه حروف، تشبیه، تضمین"، همگی در کدام بیت یافت می‌شود؟

- ۱) تو شور کوه‌کن آور نه قصه شیرین  
 ۲) به بوی زلف تو در پیشگاه باد سحر  
 ۳) به زیر زلف پرنده‌ین بامداد وصال  
 ۴) به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ  
 که کوه عشق به ناخن توان تراشیدن  
 به سان شمع شبستان خوش است لرزیدن  
 تویی چو چشمه خورشید در درخشیدن  
 منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

آرایه‌های بیت زیر کدام اند؟

"هرچند زمین‌گیر بود دانه امید  
 دست کرم ابر گهربار بلند است"

۱) کنایه، تشبیه، مجاز، ایهام

۲) مجاز، استعاره، حسن تعلیل، کنایه

۳) استعاره، تشبیه، جناس، تشخیص

۴) ایهام، تشخیص، حسن تعلیل، جناس

ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن "تشبیه، متناقض‌نما، ایهام، حس آمیزی و تلمیح"، در کدام گزینه درست است؟

- الف) غمزه و ابروی چون تیر و کمان آفت ماست  
 ب) از خون چو داغ لاله حصار دل من است  
 ج) آدمی گر خون بگیرد از گرانباری رواست  
 د) هر که مست است در این میکده هشیارتر است  
 ه) آتش چگونه دست و گریبان شود به خار  
 لیک ترکش نکنم گر همه قربان گردیم  
 هر جا که بوی خون شنوی منزل من است  
 کان چه نتوانست بردن آسمان، بر دوش اوست  
 هر که از بی‌خبران است خبردارتر است  
 عشق ستیزه‌خوی چنانم گرفته است

۱) الف، ب، ج، د، هـ

۲) هـ، د، الف، ب، ج

۳) هـ، د، ب، ج، الف

۴) د، هـ، الف، ب، ج

آرایه‌های موجود در بیت: "گدام زهره جبین بی‌نقاب گردیده است  
 که آتش از عرق شرم، آب گردیده است"، در کدام گزینه، ذکر شده است؟

- ۱) تشبیه، کنایه، مجاز، استعاره  
 ۲) تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام  
 ۳) کنایه، تضاد، استعاره، حسن تعلیل  
 ۴) کنایه، استعاره، مراعات نظیر، ایهام تناسب

کدام آرایه‌ها در بیت زیر، تماماً موجود است؟

"هستند بی‌قرار چو زلف تو عالمی / تا دیده دید در خم زلفت قرار حسن"

۱) تشخیص، اغراق، مراعات نظیر، کنایه، ایهام تناسب

۲) ایهام تناسب، مجاز، تضاد، تشبیه، مراعات نظیر

۳) تشبیه، کنایه، ایهام تناسب، جناس، تشخیص

۴) مجاز، تشبیه، اغراق، جناس، تضاد

آرایه‌های "جناس، مجاز، حس آمیزی، کنایه، حسن تعلیل"، به ترتیب در کدام ابیات وجود دارد؟

- الف) ریخت خون خلق و می‌سازد به جولان پایمال  
 ب) کس ندیدیم که تلخی نشنیدیم ازو  
 ج) از کوی تو چون باد بر آشفتم و رفتم  
 د) سیل در هامون، صدا در کوه، می‌دانی چه بود؟  
 ه) گر کشتنیم باری هم دست تو و تیغت  
 قاتل ما بر اسیران تند می‌راند فرس  
 گر چه با پیر و جوان چون شکر و شیر شدیم  
 گردی ز دل مدعیان رفتم و رفتم  
 از غم من کوه می‌نالید و هامون می‌گریست  
 خود دست به خون من هم تر نکنی دانم

۱) الف، ب، د، هـ، ج

۲) الف، هـ، ب، ج، د

۳) ج، ب، هـ، د، الف

۴) ج، هـ، ب، الف، د

ترتیب توالی ابیات زیر از جهت داشتن آرایه‌های (حسن آمیزی - حسن تعلیل - اسلوب معادله - تناقض)، کدام است؟  
 الف) ابر از آن پیدا شود کز رشک خورشید رخت آستین بر رخ نهد با دامن تر آفتاب  
 ب) برای رسیدن چه راهی بریدم در آغاز رفتن به پایان رسیدم  
 ج) دل به دست آن نگار شوخ‌وشنگ افتاده است طفل بازیگوش را آتش به چنگ افتاده است  
 د) گر چه جز تلخی از ایام ندید هر چه خواهی سخنش شیرین است

- ۱) الف - ج - ب - د  
 ۲) د - الف - ب - ج  
 ۳) د - ج - الف - ب  
 ۴) د - الف - ج - ب

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟  
 "آنچه می‌دانند ماتم تن پرستان، سور ماست دار، نخل دیگران و رایت منصور ماست"

- ۱) ایهام، استعاره، کنایه، تضاد  
 ۲) استعاره، تشبیه، ایهام تناسب، جناس  
 ۳) کنایه، تناقض، جناس، ایهام  
 ۴) تشبیه، ایهام تناسب، تناقض، تلمیح

آرایهٔ روبه‌روی کدام بیت، درست است؟

- ۱) از چوب خشک میوه و در نی شکر نهاد وز قطره دانه‌ای دُرر شاهوار کرد (اغراق)  
 ۲) درین گرداب بی‌پایان منه بار شکم بر دل که کشتی روز طوفان غرقه از بار شکم گردد (تلمیح)  
 ۳) نازها کردی و از عجز کشیدم نازت عجزها کردم و از عُجب ندادی دادم (جناس)  
 ۴) دست حسنت پنجهٔ خورشید تابان می‌برد ترک چشم‌ت تاخت بر ملک سلیمان می‌برد (حسن تعلیل)

آرایه‌های بیت: "ای صبر تویی دانم، پروانهٔ کار دل دل شیفته پروانه است از نار، نگه دارش" کدام‌اند؟

- ۱) کنایه، جناس ناقص، حسن تعلیل، مجاز  
 ۲) استعاره، تشبیه، ایهام تناسب، جناس ناقص  
 ۳) تشبیه، جناس تام، حسن تعلیل، استعاره  
 ۴) مجاز، کنایه، ایهام تناسب، جناس تام

آرایه‌های "مجاز، ایهام، کنایه، تشبیه و تلمیح" به ترتیب در کدام ابیات، یافت می‌شود؟  
 الف) اگر دو چشم تو مست مدام خواهد بود خروش و مستی ما بر دوام خواهد بود  
 ب) کسی که نقد خرد داد و ملک عشق خرید اگر ز سود و زیان بگذرد زیان نکند  
 ج) چو خامه هر که حدیث دل برآورد به زبان طمع مدار که سر بر سر زبان نکند  
 د) طالب لعل توام کان که به ظلمات افتاد طلب چشمهٔ حیوان نکند چون نکند؟  
 هـ) هر که زین رهگذرش پای فرورفت به گل میل آن سرو خرامان نکند چون نکند؟

- ۱) الف، ب، هـ، ج، د  
 ۲) ب، الف، هـ، ج، د  
 ۳) ج، الف، هـ، ب، د  
 ۴) ج، د، الف، ب، هـ

ترتیب ابیات زیر از لحاظ داشتن آرایه‌های (تشبیه - ایهام تناسب - اسلوب معادله - مجاز) کدام است؟  
 الف) گر نخواهد داد من امروز داد آن شاه حُسن دامنش فردا به نزد دادگر خواهیم گرفت  
 ب) ما که بستیم به دل نقش قد موزونش گو مؤذن ز پی بستن قامت باشد  
 ج) شکوفه شور فکنده است در گلستان‌ها شده است خولن زمین گم در این نمکدان‌ها  
 د) دل چو شد غافل ز حق فرمان‌پذیر تن بود می‌برد هر جا که خواهد اسب، خواب‌آلوده را

- ۱) ج - ب - الف - د  
 ۲) ج - ب - د - الف  
 ۳) ب - ج - د - الف  
 ۴) ب - ج - الف - د

آرایه‌های کدام گزینه در بیت زیر موجود نیست؟  
 چو آب آشفته جان‌برکف روان تا کجا سروی به قد و قامت بینم روان در پای او ریزم

- ۱) استعاره، مراعات نظیر  
 ۲) ایهام تناسب، مجاز  
 ۳) تشبیه، تشخیص  
 ۴) کنایه، جناس



- ۱) به لطف اگر بخوری خون من روا باشد به قهرم از نظر خویشتن مران ای دوست (حسن تعلیل)  
 ۲) تو که زاهدی به پرهیز تو که عابدی سحرخیز سر من مدام مست و شب من سحر ندارد (کنایه)  
 ۳) بوی جان از لب خندان قدح می‌شنوم بشنو ای خواجه اگر زن که مشامی داری (استعاره)  
 ۴) چون مست می‌شوید ز شرب مدام دوست مستی بنده هم به دعا آرزو کنید (ایهام)

کدام آرایه‌ها "تماماً" در بیت زیر وجود دارد؟  
 "ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشد اگر"

- ۱) مجاز - کنایه - تشبیه - استعاره  
 ۲) استعاره - تلمیح - حسن تعلیل - تشبیه  
 ۳) مجاز - اسلوب معادله - تضاد - کنایه  
 ۴) تشخیص - حسن تعلیل - جناس - متناقض‌نما

آرایه‌های "تشبیه، استعاره، حسن تعلیل، ایهام و اغراق" به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟  
 الف) ز سوز شوق دلم شد کباب، دور از یار مدام خون جگر می‌خورم ز خون فراق  
 ب) یا رب به وقت گل گنه بنده عفو کن وین ماجرا به سرو لب جویبار بخش  
 ج) بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید گیرد اول در اذان گفتن مؤذن گوش را  
 د) ز تاب آتش سودای عشقش بسان دیگ دائم می‌زند جوش  
 ه) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم وز لوح سینه نقشت هرگز نگشت زایل

- ۱) د، ج، ب، ه، الف  
 ۲) د، ب، ج، الف، ه  
 ۳) ه، ب، الف، ج، د  
 ۴) ب، ج، الف، د، ه

بیت زیر، فاقد کدام آرایه‌ها است؟  
 "با شکوه کوه فضل ابر گریان بر جبال باوجود جود دستت برق خندان بر سحاب"

- ۱) تشبیه، تضاد  
 ۲) استعاره، جناس  
 ۳) ایهام، حس‌آمیزی  
 ۴) تشخیص، مراعات نظیر

آرایه‌های "حسن تعلیل، ایهام تناسب، استعاره، تشبیه و اسلوب معادله" به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟  
 الف) احرام چه بندیم چو آن قبله نه اینجاست در سعی چه کوشیم که از مروره صفا رفت  
 ب) خبر چشم تر من که رسانید به ابر؟ که به تعجیل تمام از سر دریا برخاست  
 ج) تن خاکی هدف ناوک دل‌دوز قضاست خبر از خویش نداری که کجایی در خواب  
 د) مشمت آبی می‌کند خواب گران را تار و مار قطره اشکی پی ویرانی عالم بس است  
 ه) دامن فرصت، دل بی‌تاب نتواند گرفت مشمت خاکی پیش این سیلاب نتواند گرفت

- ۱) ب، الف، ه، ج، د  
 ۲) ب، ه، ج، د، الف  
 ۳) الف، ب، ج، ه، د  
 ۴) الف، ج، ب، د، ه

آرایه‌های موجود در بیت زیر، کدام است؟  
 "در حقیقت تنگدستی مایهٔ دیوانگی است"

- ۱) تشبیه - تضاد - کنایه  
 ۲) حسن تعلیل - ایهام تناسب - اسلوب معادله  
 ۳) کنایه - حسن تعلیل - تلمیح  
 ۴) جناس - اسلوب معادله - تلمیح

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟  
 "لب بیستم ز سخن ای گل خندان که مباد"

- ۱) ایهام، حسن تعلیل، کنایه  
 ۲) استعاره، حس‌آمیزی، کنایه  
 ۳) استعاره، ایهام تناسب، تشبیه  
 ۴) ایهام، تشبیه، حس‌آمیزی

- ۱) صد باد صبا اینجا با سلسله می‌رقصند  
این است حریف ای دل تا باد نیپمایی
- ۲) اگرچه مهر بریدی و عهد بشکستی  
هنوز بر سر پیمان و عهد و سوگندم
- ۳) پیش رویت دگران صورت بر دیوارند  
نه چنین صورت و معنی که تو داری، دارند
- ۴) ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا  
گو بیا سیل غم این خانه ز بنیاد ببر

- آرایه‌های: "حس آمیزی، تلمیح، کنایه و جناس تام" به ترتیب، در کدام ابیات وجود دارد؟
- الف- گرچه صد بار غمت خاک مرا داد به باد  
نیست بر خاطر من از تو غباری باری
- ب- چشمت به خواب چشم مرا خواب می‌برد  
زلفت به تاب جان مرا تاب می‌برد
- ج- از سر یک دانه گندم در نمی‌آری گذشت  
وز برای نزهت دل باغ رضوان بایدت
- د- چنان بر صورت شیرین این دیوانه مفتونم  
که در خاطر نمی‌گنجد خیال ملک پرویزم

- ۱) الف، ج، ب، د  
۲) الف، د، ب، ج
- ۳) د، ج، الف، ب  
۴) د، ب، الف، ج

ترتیب توالی ابیات، به لحاظ داشتن آرایه‌های: "استعاره، کنایه، حس آمیزی، جناس و تناقض"، کدام است؟

- الف- ز کویش نسیم صبا بوی برد  
به بویش دلم پی بدان کوی برد
- ب- غریب نیست ز من گر غریب شهر خودم  
که کرد عشق تو بیگانه آشنایان را
- ج- با باد بوده همزه بوی تو در سحرگه  
گل‌ها شنیده بوییت خود را به باد داده
- د- تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد  
هرکه خاک در میخانه به رخساره نرفت
- ه- خواهی نکند خطش از دایره بیرون  
هر حکم که فرماید سر بر خط فرمان باش

- ۱) الف، ه، ج، ب، د  
۲) د، الف، ه، ج، ب
- ۳) د، ه، ج، الف، ب  
۴) ه، ج، ب، الف، د

آرایه‌های مقابل کدام بیت "تماماً" درست است؟

- ۱) سرمنزل فراغت نتوان ز دست دادن  
ای ساریان فروکش کاین ره کران ندارد (کنایه، استعاره)
- ۲) با هیچ‌کس نشانی زان دلستان ندیدم  
یا من خبر ندارم یا او نشان ندارد (جناس، استعاره)
- ۳) هر شبمی در این ره صد بحر آتشین است  
دردا که این معما شرح و بیان ندارد (اغراق، اسلوب معادله)
- ۴) چنگ خمیده قامت می‌خواندت به عشرت  
بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد (حس آمیزی، تشخیص)

آرایه‌های مقابل کدام بیت، "تماماً" درست است؟

- ۱) در چنگ آرزویت سوزم چو عود و سازم  
چون چنگم ار بسازی، چون عودم ار بسوزی (ایهام تناسب، حسن تعلیل)
- ۲) تا در غمت گریان شدم هم شاد و هم خندان شدم  
این گریهٔ مستانه شد سرمایهٔ خندیدم (پارادوکس، حس آمیزی)
- ۳) کی به اقیانوس وصلت دست می‌یابم که هست  
طالع طوفانی از هجران طولانی تو (جناس، تضاد)
- ۴) چشمهٔ حیوان به تاریکی در است  
لؤلؤ اندر بحر و گنج اندر خراب (تلمیح، استعاره)

آرایه‌های "تشبیه، اسلوب معادله، ایهام، استعاره و اغراق" به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) چه ناله‌ها که رسید از دلم به خرمن ماه  
چو یاد عارض آن ماه خرگهی آورد
- ب) بهرهٔ خواجه ز اسباب به جز محنت نیست  
عرق از بارگران قسمت حقال شود
- ج) بر گرفتاری دل خنده‌زنان می‌گذرم  
همچو دیوانه که از پیش دبستان گذرد
- د) دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی  
عجب است اگر نگردد که بگردد آسیابی
- ه) گفتم آتش در زخم آفاق را  
گفت: سعدی درنگیرد با منت

- ۱) ج، ب، ه، الف، د  
۲) ج، ب، الف، ه، د
- ۳) د، ب، الف، ه، ج  
۴) د، الف، ب، ج، ه

"ترش بنشین و تیزی کن که ما را تلخ نماید  
چه می‌گویی چنین شیرین که شوری در من افکندی"

- (۱) ایهام، تلمیح، تضاد  
(۲) ایهام تناسب، اغراق، حسن تعلیل  
(۳) تضاد، تلمیح، حس‌آمیزی  
(۴) کنایه، حس‌آمیزی، ایهام تناسب

در همهٔ ابیات، آرایه‌های ایهام و کنایه، هر دو، وجود دارند، به‌جز:

- (۱) من به بوی توأم ای دوست هواخواه بهار  
کز نسیمش به دماغم همه بوی تو رسد  
(۲) ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم  
که لاله می‌دمد از خون دیدهٔ فرهاد  
(۳) من همان روز ز فرهاد طمع ببریدم  
که عنان دل شیدا به کف شیرین داد  
(۴) خیال شهسواری پخت و ناگه شد دل مسکین  
خداوندا نگه‌دارش که بر قلب سواران زد

بیت زیر، دارای کدام آرایه‌ها است؟

"نالهٔ زیر و زار من، زارتر است هر زمان  
بس که به هجر می‌دهد عشق تو گوشمال من"

- (۱) استعاره، مجاز، جناس، ایهام  
(۲) کنایه، مجاز، تشبیه، حسن تعلیل  
(۳) کنایه، تشبیه، حسن تعلیل، واج‌آرایی  
(۴) استعاره، کنایه، جناس، واج‌آرایی

آرایه‌های "اغراق، تضاد، تشبیه و ایهام" به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) نسخهٔ قانون عشقت باید ای بیمار نفس  
ب) ای به جام لاله شبنم راح ریحانی تو  
ج) چون شفق رنگین کند محراب سیمین افق  
د) سود از این بهتر چه می‌خواهی که سودا می‌کنند  
تا شفا بخشد دوا با درد نادانی تو  
سرو و گل مستند و ساقی ابر نیسانی تو  
روز و شب محوند در سیمای روحانی تو  
جنت باقی به این بیغولۀ فانی تو

- (۱) ج، د، ب، الف  
(۲) ج، ب، الف، د  
(۳) الف، ج، د، ب  
(۴) الف، د، ج، ب

آرایه‌های مقابل کدام بیت، هر دو درست است؟

- (۱) ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند  
(۲) بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم  
(۳) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من  
(۴) صد جوی آب بسته‌ام از دیده بر کنار  
مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند (تشبیه، استعاره)  
شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد (حس‌آمیزی، جناس تام)  
آری به یمن لطف شما خاک زر شود (ایهام تناسب، پارادوکس)  
بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت (حسن تعلیل، اغراق)

ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های مجاز، تشبیه، تناقض و جناس، کدام است؟

- الف- گر دست دهد دولت آنم که سر خویش  
ب- من خود به چه ارزم که تمنای تو ورزم  
ج- بیداد تو عدل است و جفای تو کرامت  
د- شاید که به خون بر سر خاکم بنویسند  
در پای سمند تو کنم نعل بهایی  
در حضرت سلطان که برد نام گدایی؟  
دشنام تو خوش‌تر که ز بیگانه دعایی  
این بود که با دوست به سر برد وفایی

- (۱) ج، الف، ب، د  
(۲) ج، د، الف، ب  
(۳) د، الف، ج، ب  
(۴) د، ب، الف، ج

آرایه‌های مقابل کدام بیت، تماماً درست است؟

- (۱) زلف کافر به رخس راهنمون شد ما را  
(۲) صد صوفی صافی به یکی جرعه کند مست  
(۳) جز حرف پوچ قسمت زاهد ز عشق نیست  
(۴) در عین گوشه‌گیری بودم چو چشم مست  
از ره کفر به سرمنزله ایمان شده‌ایم (پارادوکس - حس‌آمیزی)  
هر باده که در جام ز مینای تو باشد (اغراق - تشبیه)  
کف باشد از محیط نصیب کناره‌ها (اسلوب معادله - تضاد)  
و اکنون شدم به مستان چون ابروی تو مایل (ایهام تناسب - تشبیه)

"ای ز مزگان تو در چشم گلستان خارها  
گل ز سودای رخت افتاده در بازارها"

- (۱) تشبیه، پارادوکس، مراعات نظیر، تضاد  
(۲) تشبیه، ایهام تناسب، کنایه، تشخیص  
(۳) ایهام تناسب، اسلوب معادله، تشخیص، کنایه  
(۴) ایهام، تضاد، اسلوب معادله، مراعات نظیر

آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟

"بیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی  
پیش نطق شکرینت چو نی انگشت بخاید"

- (۱) استعاره، حس‌آمیزی، مجاز، حسن تعلیل  
(۲) استعاره، حس‌آمیزی، نغمه حروف، کنایه  
(۳) تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام تناسب  
(۴) تشبیه، ایهام، نغمه حروف، مراعات نظیر

ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های "ایهام تناسب، استعاره، کنایه، حس‌آمیزی"، کدام است؟

- (الف) هفته‌ای می‌رود از عمر و به ده روز کشید  
(ب) گر من از خار بترسم نبرم دامن گل  
(ج) آخر ای مطرب از این پرده عشاق بگرد  
(د) هرچه زان تلخ‌تر اندر حق من خواهد گفت  
کز گلستان صفا بوی وفايي ندמיד  
کام در کام نهنگ است ببايد طلبيد  
چند گویی که مرا پرده به چنگ تو دريد  
گو بگو از لب شیرین که لطیف است و لذيد

- (۱) الف، ب، ج، د  
(۲) ج، الف، ب، د  
(۳) ج، د، ب، الف  
(۴) د، الف، ب، ج

آرایه‌های تشبیه در کدام بیت، کمتر است؟

- (۱) مرغ دل در قفس سینه من می‌نالد  
(۲) گرد شمع رخت ای شوخ، من سوخته‌جان  
(۳) ساز در دست تو سوز دل من می‌گوید  
(۴) کرد شوق چمن وصل تو ای مایه ناز  
بلبل ساز تو را دیده هم‌آواز امشب  
پر چو پروانه کنم باز به پرواز امشب  
من هم از دست تو دارم گله چون ساز امشب  
بلبل طبع مرا قافیه‌پرداز امشب

ترتیب آرایه‌های "استعاره - حسن تعلیل - جناس تام - متناقض‌نما" در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- (الف) اگر عمارت شداد شد بهشت برین  
(ب) دانی ز چه سرخ‌رویم؟ ایراک (زیرا) بسیار دمیدم آتش غم  
(ج) طوق گردن یادگار حلقه دام کسی است  
(د) چشم من کرد به هر گوشه روان سیل سرشک  
بین که بر چه طریقش بهشت و شد شداد  
همچو قمری از گرفتاران آزادیم ما  
تا سهی سرو تو را تازه‌تر آبی دارد

- (۱) د - ب - الف - ج  
(۲) د - الف - ب - ج  
(۳) الف - ب - ج - د  
(۴) الف - ج - ب - د

آرایه‌های "تشبیه، استعاره، حسن تعلیل، ایهام و اغراق" به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) ز سوز شوق دلم شد کباب، دور از یار  
(ب) فغان که با همه کس غایبانه باخت فلک  
(ج) پس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید  
(د) ز تاب آتش سودای عشقش  
مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق  
که کس نبود که دستی از این دغا ببرد  
گیرد اول در اذان گفتن مؤذن گوش را  
به‌سان دیگ دائم می‌زنم ج وش  
وز لوح سینه نقشت هرگز نگشت زایل  
ه) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم

- (۱) د، ج، ب، ه، الف  
(۲) د، ب، ج، الف، ه  
(۳) ه، ب، الف، ج، د  
(۴) ب، ج، الف، د، ه

آرایه‌های ادبی "استعاره - تشخیص - مجاز - کنایه - تلمیح" به ترتیب در کدام گزینه آمده‌اند؟

- (الف) انفاس روح‌بخش تو جان را حیات‌بخش و اعجاز عیسوی ز دمت گشته آشکار  
(ب) چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم  
(ج) شاهد می‌پرست من دوش پی شکست من برد برون ز دست من سنبل دسته‌دسته را  
(د) تفکر شبی با دل خویش کرد که پوشیده زیر زبان است مرد  
ه) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم با پادشه بگوی که روزی مقدر است

- (۱) ج، ه، د، ب، الف  
(۲) الف، ج، ه، د، ب  
(۳) ج، ب، ه، الف، د  
(۴) الف، د، ب، ه، ج

در کدام بیت‌ها یکی از آرایه‌های ادبی ذکر شده نادرست است؟

- (الف) ای لب لعلت ز آب زندگانی برده آب  
 ما ز چشم می‌پرستت مست و چشمت مست خواب (تشبیه - تشخیص)  
 (ب) خاموش محتشم که دل سنگ آب شد  
 بنیاد صبر و خانه طاعت خراب شد (استعاره - کنایه)  
 (ج) ای دل مشو ز عشق پریشان و جمع باش  
 اول نگاه کن که پریشان کیستی (تضاد - متناقض‌نما)  
 (د) ترسم شود آزرده ز تاب نگره گرم  
 رخسار تو کز سایه مژگان گله دارد (تشخیص - حس‌آمیزی)  
 (ه) برادران و بزرگان نصیحتم مکنید  
 که اختیار من از دست رفت و تیر از شست (کنایه - اغراق)

۱) الف، د ۲) ج، ه

۳) ب، د ۴) الف، ه

کدام گزینه بیت‌های زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های "ایهام، تشبیه، تضاد، جناس، حسن تعلیل" مرتب می‌کند؟

- (الف) گفتی هوای باغ در ایام گل خوش است  
 ما را به در نمی‌رود از سر هوای یار  
 (ب) آتش آه است و دود می‌رودش تا به سقف  
 چشمه چشم است و موج می‌زندش بر کنار  
 (ج) هیچ‌کس بی‌دامن تر نیست لیکن دیگران  
 باز می‌پوشند و ما بر آفتاب انداختیم  
 (د) شراب وصلت اندر ده که جام هجر نوشیدم  
 درخت دوستی بنشان که بیخ صبر برکندم  
 (ه) غم گرد دل مردم آزاد نگردد  
 پیوسته از آن سرو جوان است در این باغ

۱) ج - الف - د - ب - ه ۲) ج - د - الف - ه - ب

۳) ج - ب - د - الف - ه ۴) الف - ب - ج - ه - د

آرایه‌های مقابل همه ابیات به‌جز بیت گزینه ..... تماماً درست است.

- ۱) گرفتیم آتش دل در نظر نمی‌آید نگاه می‌کنی آب چشم چون جویم (تشبیه - استعاره)  
 ۲) خاک درگاه تو چون باد بهاری مشک‌بوی آتش عشق تو همچون آب حیوان جان‌فزای (تناسب - تلمیح)  
 ۳) از صفای سینه ما گرچه داغ است، آفتاب در میان زنگیان آیینۀ تاریم ما (حسن تعلیل - مجاز)  
 ۴) گرچه گلستان خوش است و رچه چمن دلکش است آن همه دیدم ولی آن گل رخسار کو؟ (تشبیه - ایهام)

آرایه‌های مقابل همه ابیات به‌جز بیت گزینه ..... درست است.

- ۱) لاله‌ای بی‌داغ از دل برنیاید سنگ را کوه‌کن تا خون خود در دامن کهنسار ریخت (تلمیح - حسن تعلیل)  
 ۲) تو مپندار که دور از تو اگر خاک شوم آتش عشق من از باد هوا بنشیند (ایهام - تشبیه)  
 ۳) نیست با گفتار لب، کیفیت گفتار چشم خوش‌تر است از لعل گویا، چشم گویایی مرا (استعاره - ایهام)  
 ۴) مگس را شوق شکر می‌شود از زهر چشم افزون ز راندن خیره‌تر گردد گدا چون بی‌حیا افتد (واج‌آرایی - اسلوب معادله)

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

"ترک مست تو به دست از مژه خنجر دارد باز این فتنه ندانم که چه در سر دارد"

- ۱) تشخیص، استعاره، حسن تعلیل، مجاز ۲) استعاره، جناس، حسن تعلیل، مراعات نظیر  
 ۳) تشبیه، مجاز، جناس، استعاره ۴) تشخیص، تشبیه، ایهام، جناس

در همه ابیات به‌جز بیت ..... آرایه‌های "تشبیه، تشخیص و حسن تعلیل" مشهود است.

- ۱) گر بر زبان براند جز ذکر دوست عاشق همچون قلم بیاید او را زبان برین  
 ۲) ز ناله‌ای که کند خامه می‌توان دانست که کوه درد به دل صاحب‌سخن دارد  
 ۳) هیچ‌دانی ز چه دامن فلک پرگهر است خواست هر صبح به پای تو نثاری بکند  
 ۴) ماه از اثر مهر رخت یافت نشانی زان روی جهانی به جمالش نگران شد

در همه ابیات به‌جز بیت گزینه ..... آرایه‌های "تشبیه، تشخیص، حسن تعلیل" مشهود است.

- ۱) دهان غنچه به لب مهر دارد از شبنم ز بس خجل شده در روزگار خنده تو  
 ۲) ز ناله‌ای که کند خامه می‌توان دانست که کوه درد به دل صاحب‌سخن دارد  
 ۳) هیچ‌دانی ز چه دامن فلک پرگهر است خواست هر صبح به پای تو نثاری بکند  
 ۴) ماه از اثر مهر رخت یافت نشانی زان روی جهانی به جمالش نگران شد

کدام گزینه ترتیب آرایه‌های "مجاز، حسن تعلیل، تشبیه، اسلوب معادله و کنایه" را در ابیات زیر نشان می‌دهد؟  
 الف) خاکیان را بحر رحمت می‌کند روشنگری  
 ب) دشمن خون‌خوار را کوتاه به احسان ساز، دست  
 ج) نیست ممکن عشق را در سینه پنهان داشتن  
 د) شمع در کوتهی خویش از آن دارد سعی  
 ه) ظلم می‌سازد زبان عیب‌جویان را دراز  
 موجه دریاست صیقل، ظلمت سیلاب را  
 هیچ زنجیری به از سیری نباشد شیر را  
 قرب این آینه طوطی می‌کند زنگار را  
 که به خاکستر پروانه رساند خود را  
 عدل مَهر خامُشی بر لب زند جاسوس را

- ۱) الف، ه، ج، د، ب  
 ۲) ج، د، الف، ب، ه  
 ۳) الف، ه، ج، ب، د  
 ۴) ج، ب، د، الف، ه

یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت درست نیست؟

- ۱) طوق قمری سرو بستان را کمند وحدت است  
 ۲) که پیش اهل دل آب حیات در ظلمات  
 ۳) هزار سال گرم باشد عمر ای گل رعنا  
 ۴) دل تهی ناشده از خویش به جایی نرسد  
 نیست از زنجیر پروا مردم آزاد را (واج‌آرایی - اسلوب معادله)  
 دعای زنده‌دلان است در شب تاری (تشبیه - تلمیح)  
 به یاد روی تو هر لحظه چون هزار بنالم (اسلوب معادله - جناس)  
 تا بود پر ز شکر نی به نوایی نرسد (ایهام - کنایه)

ترتیب توالی ابیات زیر از جهت داشتن آرایه‌های "تناقض، اسلوب معادله، کنایه، جناس" کدام است؟  
 الف) جفای شانه که تازی گسسته زن سر زلف  
 ب) فغان که کام مرا تلخ کرد شیرینی  
 ج) از بوی تو در تاب شود آهوی مشکین  
 د) می‌توان در زلف او دیدن دل بی‌تاب را  
 ز پشت دست به دندان گزیدم دریاب  
 که با لبش نتوان حرف شکرستان گفت  
 گر باز کنند از شکن زلف تو تابی  
 پرده‌پوشی چون کند شب، گوهر شب‌تاب را

- ۱) د، ب، ج، الف  
 ۲) ب، د، الف، ج  
 ۳) ب، الف، د، ج  
 ۴) الف، ب، ج، د

آرایه‌های مقابل همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه ..... درست است.

- ۱) روز و شب خواب نمی‌آید به چشم غم‌پرست  
 ۲) شوربختم دل به آن کنج دهانم می‌کشد  
 ۳) هر که خود را به تمامی شکند اوست تمام  
 ۴) فنا شو تا بقا یابی ز باقی  
 بس که در بیماری هجر تو گریانم چو شمع (تشبیه - استعاره)  
 موشکافم دل به آن موی میانم می‌کشد (اسلوب معادله - مراعات‌نظیر)  
 ماه را زین سبب انگشت‌نما ساخته‌اند (حسن تعلیل - کنایه)  
 سبو می‌کش که یابی لطف ساقی (جناس - تضاد)

ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های "تشبیه، حس‌آمیزی، ایهام و مجاز" کدام است؟  
 الف) سخن‌های بدش تعلیم دادند  
 ب) آب شور است نعمت دنیا  
 ج) گمشدگان را به طریق نجات  
 د) گر هزارم جواب تلخ دهی  
 به زر وعده به آهن بیم دادند  
 چون بود آب شور و استسقا  
 مهر رخت راهنمون می‌شود  
 اعتقاد من آن‌که شیرین است

- ۱) ب - د - ج - الف  
 ۲) ج - د - ب - الف  
 ۳) د - ب - الف - ج  
 ۴) ج - د - ب - الف

آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟  
 "میان گریه می‌خندم که چون شمع اندرین مجلس

- ۱) کنایه - تلمیح - متناقض‌نما - تشخیص  
 ۲) حس‌آمیزی - تشبیه - تضمین - استعاره  
 ۳) تشبیه - تشخیص - ایهام - کنایه  
 ۴) حس‌آمیزی - تشبیه - ایهام - متناقض‌نما

در کدام بیت آرایه‌های "استعاره - تشبیه - واج‌آرایی - تناسب - حسن تعلیل - کنایه" وجود دارد؟

- ۱) شود آسوده هرکس در جوانی کار می‌سازد  
 ۲) ز جرم زبردستان از تحفل چشم پوشین  
 ۳) اگر خواهی ملایم نفس را، تن در درشتی ده  
 ۴) به هر موجی زبان‌بازی مکن چون خاروخس صائب  
 که پیری کارهای سهل را دشوار می‌سازد  
 دو چشم دولت خوابیده را بیدار می‌سازد  
 که سوهان زود ناهموار را هموار می‌سازد  
 که خاموشی صدف را مخزن اسرار می‌سازد

آرایه‌های "اسلوب معادله، ایهام تناسب، جناس و استعاره" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟  
 الف) دست از جهان بشوی که اطفال حادثات افشاندند میوه این شاخ پست را  
 ب) شبنم نکرد داغ دل لاله را علاج نتوان به گریه شست خط سرنوشت را  
 ج) هزاران همچو بلبل هر بهاری می‌شود پیدا نواسنجی چو من در روزگاری می‌شود پیدا  
 د) در این محیط که هر موج مد احسانی است تلاش باختن سر، به جاست همچو حباب

- ۱) الف - ب - ج - د  
 ۲) ب - الف - د - ج  
 ۳) د - ج - الف - ب  
 ۴) ب - ج - د - الف

ترتیب ابیات زیر بر اساس آرایه‌های "تلمیح، حسن تعلیل، تشخیص، ایهام و تشبیه" کدام است؟  
 الف) تو میندار که دور از تو اگر خاک شوم آتش عشق من از باد هوا بنشیند  
 ب) دنیا به اهل خویش ترحم نمی‌کند آتش امان نمی‌دهد آتش پرست را  
 ج) هشدار که گر وسوسه عقل کنی گوش آدم‌صفت از روضه رضوان به درآیی  
 د) نظر کردن به درویشان منافی بزرگی نیست سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش  
 ه) اگر مرجع زندگی خاک نیست خمیدن کجا می‌برد پیر را؟

- ۱) ج - الف - ب - د - ه  
 ۲) د - ه - ج - ب - الف  
 ۳) د - ه - ب - الف - ج  
 ۴) ج - ه - الف - ب - د

در کدام بیت، یکی از آرایه‌های مقابل، نادرست است؟

- ۱) تا نگاهش بر عذار لاله‌رنگ او فتاد آب شد گل از حیا، زان گوشه دستار ریخت (تشخیص - استعاره)  
 ۲) قفل روزی در جوانی بستگی هرگز نداشت ریخت تا دندان، کلید رزق را دندان ریخت (جناس - تضاد)  
 ۳) لاله‌ای بی‌داغ از دل برنیاید سنگ را کوه‌کن تا خون خود در دامن کهسار ریخت (تلمیح - اسلوب معادله)  
 ۴) گریه در دنبال باشد خنده بی‌وقت را خنده زن چون گل اگر در خون شنا می‌بایدت (کنایه - تشخیص)

در کدام گزینه آرایه‌های "کنایه، متناقض‌نما، تشبیه و تلمیح" دیده می‌شود؟

- ۱) در راه عشق وسوسه اهرمن بسی است پیش آی و گوش دل به پیام سروش کن  
 ۲) هر شبنمی در این ره صد بحر آتشین است دردا که این معقا شرح و بیان ندارد  
 ۳) دلق گدای عشق را گنج بود در آستین زود به سلطنت رسد هرکه بود گدای تو  
 ۴) لب چون آتشش آب حیات است از آن آب آتشی در ما گرفته است

در کدام گزینه به آرایه‌های بیت زیر اشاره شده است؟  
 "هوای ساحل از سر، چون حباب پوچ بیرون کن"

- ۱) پارادوکس - جناس تام - ایهام - کنایه  
 ۲) استعاره - ایهام - تلمیح - تشبیه  
 ۳) تناسب - استعاره - حسن تعلیل - حس آمیزی  
 ۴) کنایه - تشبیه - مجاز - اسلوب معادله

آرایه‌های "متناقض‌نما، تشبیه، کنایه، تضاد و استعاره" به ترتیب در کدام گزینه وجود دارد؟  
 الف) عشق بگسست چنان سلسله تدبیرم که سر زلف زره‌ساز تو شد زنجیرم  
 ب) به جلوه کاش درآید مه نکوسیرم که آفتاب نتابد مقابل قمرم  
 ج) عشق برخاست که من آتش عالم‌سوزم حسن بنشست که من فتنه عالم‌گیرم  
 د) ای گل که می‌خراشد خار غمت دلم را گر بشنوی خروشم یک‌عمر می‌خروشم  
 ه) حاجت از بی‌حاجتی در عشق می‌باید گرفتن من خوشم با ناامیدی تا تویی امیدگام

- ۱) ج - الف - د - ه - ب  
 ۲) ه - الف - د - ج - ب  
 ۳) ه - د - ج - ب - الف  
 ۴) ج - ه - ب - د - الف

آرایه‌های کنایه، تشبیه، حس‌آمیزی، مراعات نظیر و تضاد" به ترتیب در کدام گزینه وجود دارد؟  
 الف) چهره‌ات در خواب خندان‌تر ز بیداری بود  
 ب) گلشن حسن ترا گردد گل از چین زیاد  
 ج) کرد اگر شیرین‌زبانی دیگران را دلپذیر  
 د) در زمین خاکساری نقش پا گردیده‌ام  
 هـ) چون ز بی‌قدری نیم شایسته بزم حضور

- ۱) د - ج - ه - الف - ج  
 ۲) ه - ب - د - ج - الف  
 ۳) ه - د - ج - ب - الف  
 ۴) د - ج - الف - ب - ه

آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟  
 "به ملک جم مشو غزه که این پیران رو بین تن  
 به دستانت به دست آرند اگر خود پور دستانی"

- ۱) تشبیه - جناس تام - ایهام تناسب  
 ۲) تلمیح - جناس - حس‌آمیزی  
 ۳) جناس - حسن تعلیل - کنایه  
 ۴) اسلوب معادله - تشخیص - تشبیه

باتوجه به ابیات زیر آرایه‌های "متناقض‌نما - حس‌آمیزی - تشبیه - تضاد" به ترتیب در کدام گزینه وجود دارد؟  
 الف) تو شکر لب که با خسرو بسی شیرین سخن داری  
 ب) مرا از انجمن در گوشه خلوت نشاندیدی  
 ج) من آن شهرم که سیلاب محبت ساخت ویرانم  
 د) گرفتار کمندت تازه گردیدم به امیددی

- ۱) د - الف - ب - ج  
 ۲) ب - ج - الف - د  
 ۳) ب - الف - ج - د  
 ۴) الف - د - ب - ج

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟  
 "مشک ما کافور گردد پشت من چنبر شود  
 چون تو چنبروار بر کافور مشک افشان کنی"

- ۱) استعاره - مراعات نظیر - حسن تعلیل  
 ۲) تشبیه - تضاد - اسلوب معادله  
 ۳) تضاد - حسن تعلیل - مجاز  
 ۴) استعاره - اسلوب معادله - تشبیه

ترتیب توالی ابیات زیر از جهت داشتن آرایه‌های "تضاد، تلمیح، اسلوب معادله و کنایه" کدام است؟  
 الف) دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند  
 ب) گرچه رفت آن عارض چون آب باز از جوی چشم  
 ج) خرمن خود را به دست خویشتن سوزیم ما  
 د) هیچ برهانی برای کذب چون سوگند نیست

- ۱) ب - ج - د - الف  
 ۲) د - ب - الف - ج  
 ۳) ب - د - ج - الف  
 ۴) د - الف - ج - ب

اگر بیت‌ها را به لحاظ داشتن آرایه‌های "حسن تعلیل، جناس تام، استعاره، تشبیه و حس‌آمیزی" از راست به چپ مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟  
 الف) تار زلفت را جدا مشاطه‌گر از شانه کرد  
 ب) مرا در خانه سروی هست کاندز سایه قدش  
 ج) ای صبا! برگی از آن گلشن بی‌خار بیار  
 د) غمی، از دامن مجنون فشرددند  
 هـ) چنان به دام غمت خو گرفت، مرغ دلم  
 شفق‌ها شعله بر افلاک بردند  
 که یاد باغ بهشتش درین قفس نرود

- ۱) د - ج - الف - ه - ب  
 ۲) د - الف - ب - ه - ج  
 ۳) ه - الف - ج - د - ب  
 ۴) ه - ج - ب - الف - د



آرایه‌های "حسن تعلیل، جناس، استعاره، تشبیه و تناقض" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟  
 الف) هر دم که بی‌تو بر لب سرچشمه بگذرم  
 ب) صبحدم در باغ اگر دستت دهد  
 ج) رنجم شفا بود چو تو باشی طیب من  
 د) از سبب هجر اوست شب که سیه‌پوش گشت  
 هـ) گرد ماه از مشک چنبر کرده‌ای  
 ماه را از مشک زیور کرده‌ای  
 خوردن روان ز چشمه چشم هزار جوی  
 خوش برآ چون سرو و طرف جوی جوی  
 دردم دوا شود چو تو درمان من شوی  
 توی به تو دود شب ز آتش سودای ماست

- ۱) د - ه - ب - ج - الف  
 ۲) ه - ب - د - ج - الف  
 ۳) د - ب - ه - الف - ج  
 ۴) ه - د - الف - ج - ب

در کدام گزینه آرایه‌های "متناقض‌نما، تشبیه و تضاد" به کار رفته است؟

۱) نشان خواهی از وی، ز خود بی‌نشان شو  
 ۲) دیده یوسف‌شناسی نیست در مصر وجود  
 ۳) سرافکنندگی کن که زلف نگار  
 ۴) کام و ناکام این زمان در کام خود درهم شکن  
 که من زو نشان جستم از بی‌نشانی  
 ورنه با این تیرگی زندان دنیا هم خوش است  
 سرافرازی‌اش در سرافکنندگی است  
 تا به کام خویش فردا کامرانی باشدت

- ۱) د - ب - ج - ه - الف  
 ۲) د - ه - ج - الف - ب  
 ۳) ه - ج - ب - د - الف  
 ۴) ه - ب - ج - الف - د

آرایه‌های "حسن تعلیل، تشبیه، مجاز، اسلوب معادله و تلمیح" به ترتیب در کدام گزینه وجود دارد؟  
 الف) آدمی گر خون بگیرد از گران‌باری رواست  
 ب) دل که آیینۀ شاهی است غباری دارد  
 ج) حافظ از چشمه حکمت به کف آور جامی  
 د) چرا ننالد بلبل که بی‌وفایی دهر  
 هـ) در حقیقت تنگ‌دستی مایه دیوانگی است  
 کانچه نتوانست بردن آسمان بر دوش اوست  
 از خدا می‌طلبم صحبت روشن‌رایی  
 بو که از لوح دلت نقش جهالت برود  
 امان نداد که گل خنده را تمام کند  
 در چمن بید از غم بی‌حاصلی مجنون شود

- ۱) الف - ج - ه - د - ب  
 ۲) ب - الف - د - ج - ه  
 ۳) د - ب - ج - ه - الف  
 ۴) ب - الف - د - ج - ه

آرایه‌های "مراعات نظیر - تشبیه - استعاره - ایهام - کنایه" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟  
 الف) می‌کند خورشید هر شب جمع، نور خویش را  
 ب) چون تیر از این خانه مهیای سفر باش  
 ج) از آن زمان که بر این آستان نهادم روی  
 د) صبر را حوصله جنبش مزگان تو نیست  
 هـ) قائم از خمیدگی صورت چنگ شد ولی  
 چیدن دامن ز عالم این قدر دشوار نیست  
 آورد ز پیری چو قدت رو به کمانی  
 فراز مسند خورشید، تکیه‌گاه من است  
 پیش شمشیر قضا، سینه سیر نتوان کرد  
 چنگ نمی‌توان زدن زلف خمیده تو را

- ۱) الف - ج - ه - د - ب  
 ۲) ب - الف - د - ج - ه  
 ۳) د - ب - ج - ه - الف  
 ۴) د - ه - ب - ج - الف

توالی ابیات زیر، بر اساس آرایه‌های "مجاز - حسن تعلیل - ایهام - تلمیح" کدام است؟  
 الف) دو چشم شوخ تو بر هم زده خطا و حبش  
 ب) شمع اگر زن لب خندان به زبان لافی زد  
 ج) ز اخوان راضیم تا دیدم انصاف خریداران  
 د) زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست  
 به چین زلف تو ماچین و هند داده خراج  
 پیش عشاق تو شب‌ها به غرامت برخاست  
 گوارا کرد بر من چاه را از قیمت افتادن  
 تا در میانه خواسته کردگار چیست

- ۱) الف - ب - ج - د  
 ۲) د - ب - الف - ج  
 ۳) الف - ج - ب - د  
 ۴) ب - د - الف - ج

آرایه‌های "ایهام، تناقض، تشبیه، تشخیص و مجاز" به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شوند؟  
 الف) نقل آمد عقل او آواره شد  
 ب) اولیا اطفال حق‌اند ای پسر  
 ج) بلبلانه نعره زن در روی گل  
 د) بر کنار بامی ای مست مدام  
 هـ) جوی دیدی کوزه اندر جوی ریز  
 صبح آمد شمع او بیچاره شد  
 غایبی و حاضری بس باخبر  
 تا کنی مشغولشان از بوی گل  
 پست بنشین یا فرود آ و السلام  
 آب را از جوی کی باشد گریز؟

- ۱) ج - ب - ه - د - الف  
 ۲) د - الف - ج - ه - ب  
 ۳) ج - د - الف - ب - ه  
 ۴) د - ب - ج - الف - ه

کدام گزینه درباره آرایه‌های بیت زیر تماماً درست است؟  
"عشق پلنگ‌خو نشناسد جوان ز پیر  
گل را به بزم شعله ز خار امتیاز نیست"

- (۱) اسلوب معادله - ایهام - تضاد - تشخیص  
(۲) تشخیص - ایهام تناسب - تناسب - تشبیه  
(۳) اسلوب معادله - تشبیه - حسن تعلیل - کنایه  
(۴) تشبیه - استعاره - تضاد - مراعات نظیر

ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های "ایهام تناسب، تشبیه، تلمیح، حس آمیزی و اغراق" کدام است؟

- (الف) دلم تنور شد و هر دو چشم چشمه آب  
(ب) غم گریزد ز پیش ما چونانک  
(ج) شهاب‌وار به دنبال دشمنان چو دیو  
(د) به من بازگرد ای چو جان و جوانی  
(ه) بی روی او چون عود می‌سوزد تنم
- چگونه خاست که نوح جز چنین طوفان  
خان و قیصر ز پیش شاهنشاه  
فرو بریدم صد کوه آسمان‌پیکر  
که تلخ است بی تو مرا زندگانی  
مطرب، تو نیز آخر بساز آن چنگ را
- (۱) ج - ه - ب - د - الف  
(۲) ه - الف - د - ج - ب  
(۳) ج - ب - الف - د - ه  
(۴) ه - ب - ج - د - الف

آرایه‌های "حس آمیزی، اسلوب معادله، استعاره، تلمیح و ایهام تناسب" به ترتیب در کدام ابیات آمده‌اند؟

- (الف) می ده که سر به گوش من آورد چنگ و گفت  
(ب) تا شعر آبدار نباشد به کس مخوان  
(ج) اندیشه‌ای ز تیر کمان شکسته نیست  
(د) نیستی را مشتری شو تا ز کیوان بگذری  
(ه) بر خاک من امانت حق گر نتافتی
- خوش بگذران و بشنو از این پیر منحنی  
سوهان روح خلق مشو از کلام خشک  
ز آهم نترسد آن‌که دلم را شکسته است  
ملک درویشی مسخر کن که سلطانی کنی  
من چون مزاج خاک ظلوم و جهولمی
- (۱) ب - ج - د - الف - ه  
(۲) الف - ب - ج - ه - د  
(۳) ب - ج - الف - ه - د  
(۴) الف - ج - د - ه - ب

آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- "بس که در پای خیالت هر زمان سر می‌نهم  
در جوانی چون هلالم گشته قامت منحنی"
- (۱) اسلوب معادله - تشخیص - مراعات نظیر - جناس  
(۲) تشبیه - استعاره - حسن تعلیل - ایهام تناسب  
(۳) ایهام - کنایه - تناسب - استعاره  
(۴) تشخیص - حسن تعلیل - تشبیه - مراعات نظیر

آرایه‌های "جناس، تناقض، حسن تعلیل، تلمیح، استعاره" به ترتیب در کدام ابیات به کار رفته است؟

- (الف) رشتۀ پیوند یاران را بریدن سهل نیست  
(ب) دهن خویش به دشنام میالا زنهار  
(ج) غربت میسندید که افتید به زندان  
(د) چه لعبت است که از مهر ماه رخسارش  
(ه) خیال روی کسی در سر است هرکس را
- چهره برگ خزان، زرد از جدایی می‌شود  
کاین زر قلب به هرکس که دهی باز دهد  
بیرون ز وطن پا مگذارید که چاه است  
چو تار طره او روز من شب تار است  
مرا خیال کسی کز خیال بیرون است
- (۱) د - ه - الف - ج - ب  
(۲) ه - د - ج - الف - ب  
(۳) ه - ج - د - ب - الف  
(۴) د - ه - الف - ب - ج

آرایه‌های "تناقض، مجاز، حسن تعلیل، استعاره و تلمیح" به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) به پای سرو در افتاده‌اند لاله و گل مگر شمایل قد نگار من دارد  
(ب) من نه آم که تراوش کند از من گله‌ای می‌دهد خون جگر رنگ به بیرون، چه کنم؟  
(ج) ساقی بده ز جام جم ارباب شوق را آن می که در پیاله چو خون سیاوش است  
(د) من اگر هزار خدمت بکنم گناهکارم تو هزار خون ناحق بکنی و بی‌گناهی  
(ه) هر شب ز فراق بیت‌خوانان پنهان رفتی به کوی جانان
- (۱) ب - ه - الف - ج - د  
(۲) د - ب - ه - الف - ج  
(۳) ب - د - الف - ه - ج  
(۴) د - ه - الف - ب - ج

باتوجه به بیت زیر، آرایه‌های کدام گزینه تماماً درست است؟

- "می‌شکفتم ز طرب زن که چو گل بر لب جوی  
بر سرم سایه آن سرو سهی بالا بود"
- (۱) تشبیه - جناس - کنایه - اسلوب معادله  
(۲) ایهام - کنایه - مراعات نظیر - جناس  
(۳) تناقض - تشبیه - حسن تعلیل - ایهام تناسب  
(۴) ایهام تناسب - تشبیه - استعاره - جناس

آرایه‌های "ایهام تناسب، اسلوب معادله، جناس، تشبیه و حسن تعلیل" به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) دمی ز وصل تو گفتم مگر به کام رسم دم به کام فرورفت و برنیامد کام  
(ب) ز شوق روی تو اندر سر قلم، سودا فتاد و چون من سودازده به سر می‌گشت  
(ج) می‌شوند از خاکساری زبردستان سربلند جامه کوتاه، رعنا می‌کند کوتاه را  
(د) شنیده‌ام که تو را التماس شعر رهی است تو کان شهد و نباتی شکر چه می‌خواهی؟  
(ه) باز موسیقی تار شب و قانون سکوت بادها بازهم آواز عزا سردادند

- (۱) الف - ج - ه - ب - د  
(۲) ه - ج - الف - د - ب  
(۳) الف - د - ه - ب - ج  
(۴) ه - ج - ب - الف - د

کدام گزینه به ترتیب بیانگر آرایه‌های ابیات زیر است؟

- (الف) گرگان یوسف جان، ابنای روزگارند مردیم از غریبی، ای بی‌کسی کجایی؟  
(ب) جگر سنگ به نومیدی من می‌سوزد آب حیوانم و از ریگ روان تشنه‌ترم  
(ج) روشن‌دلان فریفته رنگ و بو نیند آینه، دل به هیچ جمالی نبسته است  
(د) عربان و بینواست، از آن‌رو تمام عمر خوبان زکات عمر به آینه می‌دهند  
(ه) ما را ز تیغ مرگ مترسان که از ازل بر موج بسته‌اند کلاه حباب را

- (۱) تلمیح - تناقض - اسلوب معادله - تناقض - ایهام  
(۲) اسلوب معادله - تلمیح - تشخیص - حسن تعلیل - اسلوب معادله  
(۳) حسن تعلیل - ایهام - تشخیص - تشبیه - کنایه  
(۴) تشبیه - تشخیص - اسلوب معادله - حسن تعلیل - تشخیص

آرایه‌های مقابل کدام گزینه تماماً درست نیست؟

- (۱) شهری ز تو زیروزبر، هم بی‌خبر هم باخبر وی از تو دل صاحب‌نظر، مستان سلامت می‌کنند (مجاز - تضاد)  
(۲) آنجا که یک با خویش نیست، یک مست آنجا بیش نیست آنجا طریق و کیش نیست مستان سلامت می‌کنند (نغمه حروف - کنایه)  
(۳) ای نیست کرده هست را بشنو سلام مست را مستی که هر دو دست را پابند دامت می‌کند (تناقض - جناس)  
(۴) ماه از غمت دو نیم شد، رخساره‌ها چون سیم شد قد الف چون جیم شد وین جیم جامت می‌کند (تشبیه - استعاره)

در کدام بیت آرایه‌های "استعاره، تشبیه، اغراق و کنایه" به کار رفته است؟

- (۱) بس کن از سرکه فشاندن زن لب میگون که من دل بر آن میگون لب سرکه‌فشان خواهم فشانند  
(۲) پای خاکی کن در آرز چشم خونین هر نفس گوهر اندر خاک پایت رایگان خواهم فشانند  
(۳) گر چو چنگم در برآیی زلف در دامن‌کشان از مژه یک دامن لعل روان خواهم فشانند  
(۴) بر سر خاک اوفتان خیزان ز جور آسمان از تظلم خاک هم بر آسمان خواهم فشانند

در کدام گزینه به ترتیب آرایه‌های "تشبیه، استعاره، حسن تعلیل، مجاز" آمده است؟

- (الف) گل بر رخ رنگین تو تا لطف عرق دید در آتش شوق از غم دل غرق گلاب است  
(ب) زبان خامه ندارد سر بیان فراق وگرنه شرح دهم با تو داستان فراق  
(ج) هر نیک و بدی که در نوایی است در گنبد عالمش صدایی است  
(د) عقیقت گر خورد خونم از این بیش به مروارید دندانم کنم ریش

- (۱) د، ج، الف، ب  
(۲) الف، ب، ج، د  
(۳) ج، ب، د، الف  
(۴) الف، ب، د، ج

در همه گزینه‌ها آرایه‌های "تشبیه و استعاره" به کار رفته است مگر گزینه ..... .

- (۱) چرا چون لاله خونین‌دل نباشم که با ما نرگس او سرگران کرد  
(۲) سحر بلبل حکایت با صبا کرد که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد  
(۳) چشمه چشم مرا ای گل خندان دریاب که به امید تو خوش آب روانی دارد  
(۴) چشم من کرد به هر گوشه روان سیل سرشک تا سهی سرو تو را تازه‌تر آبی دارد

آرایه‌های "تناقض، تشبیه، کنایه، تضاد، حس‌آمیزی" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟  
 الف) تو گر نباشی کج بین، چگونه آید راست  
 ب) غبار کوی تنزل به دیده تا نکشی  
 پ) شب عید است، می‌باید در میخانه واکردن  
 ت) خدا نصیب کند دیده‌ای که بتوانی  
 ث) ز صدق دوستی آن‌کس که بهره‌مند بود

- ۱) ت، ب، ث، الف، پ  
 ۲) الف، ب، ث، پ، ت  
 ۳) ت، ث، الف، ب، پ  
 ۴) الف، ث، ت، پ، ب

آرایه‌های مقابل همه ابیات، به استثنای بیت گزینه ..... تماماً درست است.

- ۱) وان که گیسوی تو را رسم تطاول آموخت  
 ۲) خرد که قید مجانین عشق می‌فرمود  
 ۳) یاقوت جان‌فزایش از آب لطف زاده  
 ۴) آخر مرّوت است کز آن لعل آبدار
- هم تواند کرمش داد من مسکین داد (جناس - تشخیص)  
 به بوی سنبل زلف تو گشت دیوانه (ایهام - مراعات نظیر)  
 شمشاد خوش‌خرامش در ناز پروریده (استعاره - اسلوب معادله)  
 باشد نصیب سوخته جانان جواب خشک (استعاره - حس‌آمیزی)

آرایه‌های "استعاره، جناس، کنایه، حسن تعلیل و ایهام تناسب" به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟  
 الف) گر طمع داری از آن جام مرضع می لعل  
 ب) مگر که لاله بدانست بی‌وفایی دهر  
 ج) ترک من ترک من بی‌سروپا کرد و برفت  
 د) دولت صحبت آن شمع سعادت‌پرتو  
 ه) صبحدم چون آسمان در گردش آرد جام زر

ای بسا دُر که به نوک مژه‌ات باید سُفت  
 که تا بزاد و بشد جام می ز کف ننه‌اد  
 جگرم را هدف تیر بلا کرد و برفت  
 باز پرسید خدا را که به پروانه کیست؟  
 در گمان افتم که خورشیدست یا جام شراب

- ۱) د، ه، ب، ج، الف  
 ۲) ه، ج، الف، ب، د  
 ۳) د، ه، الف، ب، ج  
 ۴) ه، ج، د، الف، ب

ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های "تناقض، مجاز، ایهام و استعاره" کدام است؟  
 الف) به سلیمان برسانید که من  
 ب) ما را ز زیر پر هست راهی به آن گلستان  
 ج) منم که معنی بیگانه آشنای من است  
 د) بسیار دیده‌ایم درختان میوه‌دار

چون نگین در کف هر دیو و ددم  
 هرچند سخت بندد صیّاد بال ما را  
 نهال خامه من باغ دلگشای من است  
 زین په ندیده‌ایم که در بوستان توست

- ۱) ب، ج، الف، د  
 ۲) ج، الف، د، ب  
 ۳) ب، ج، د، الف  
 ۴) ج، د، الف، ب

در بیت "به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید  
 ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دل‌ها" کدام آرایه‌ها یافت می‌شود؟  
 ۱) ایهام، استعاره، کنایه، مراعات‌نظیر  
 ۲) تشبیه، ایهام، مراعات‌نظیر، حس‌آمیزی  
 ۳) ایهام تناسب، تشخیص، مجاز، کنایه  
 ۴) ایهام، اسلوب معادله، حسن تعلیل، تشخیص

از میان آرایه‌های "ایهام، کنایه، حسن تعلیل، تشبیه" کدام یک در ابیات زیر یافت نمی‌شود؟  
 الف) زین چمن بیدل نه سروی جست و نه شمشاد رست  
 ب) کهکشانش هم پایمال موج طوفان گل است  
 ج) ساعتی چون بوی گل از قید پیراهن برآ  
 د) از گل و سنبل به نظم و نثر سعدی قانم

از خیال قامتش دودی به سر دارد بهار  
 سبزه را از خواب غفلت چند بردارد بهار  
 از تو چشم آشنایی آن‌قدر دارد بهار  
 این معانی در گلستان بیشتر دارد بهار

- ۱) ایهام  
 ۲) کنایه  
 ۳) حسن تعلیل  
 ۴) تشبیه

آرایه‌های ادبی بیت "می‌توان خواند از جبین خاک، احوال مرا  
 بس که پیش یار حرفم بر زمین افتاده است" در کدام گزینه آمده است؟  
 ۱) استعاره - مجاز - تشبیه - کنایه  
 ۲) تشخیص - مجاز - حسن تعلیل - اسلوب معادله  
 ۳) استعاره - اسلوب معادله - کنایه - تناسب  
 ۴) تشخیص - کنایه - استعاره - حسن تعلیل

- ۱) چون نباشد بلبل من چار موسم نغمه سنج؟ نیست کم از شاخ گل هر مصرع رنگین مرا  
 ۲) ز شور عشق تو در کام جان خسته من جواب تلخ تو شیرین تر از شکر می‌گشت  
 ۳) لب بیستم ز سخن ای گل خندان که مباد مردمان بوی تو یابند ز رنگ سختم  
 ۴) من از لطافت جان تو چون کنم تعبیر که جسم تو ز صفا عالمی است روحانی

- ۱) دهان غنچه به لب مهر دارد از سینم ز بس خجل شده در روزگار خنده تو (حسن تعلیل - تشخیص)  
 ۲) به رنگ گردباد از خاکساری می‌گشم جامی که تا بر خویش می‌پیچم دماغ آسمان دارم (مجاز - کنایه)  
 ۳) سماع اهل دل از روی شادمانی نیست سپند از سر آتش ز درد می‌خیزد (اسلوب معادله - استعاره)  
 ۴) آهوی چین را جگر در نافه سودا بسوخت تا حدیث سنبل زلف تو در چین کرده‌اند (جناس - ایهام تناسب)

- ۱) ایهام - تشبیه - استعاره - تناسب  
 ۲) تشخیص - استعاره - ایهام - جناس تام  
 ۳) تلمیح - تشبیه - استعاره - ایهام تناسب  
 ۴) استعاره - تلمیح - جناس تام - مراعات نظیر

- ۱) جناس تام، تشخیص  
 ۲) تضاد، استعاره  
 ۳) حس آمیزی، مراعات نظیر  
 ۴) تکرار، اسلوب معادله

"در دبستان، لوح، هیاهات است ماند رو سفید در جهان آفرینش سینه ای بی‌آه نیست"

- ۱) حسن تعلیل - حس آمیزی - تشبیه - استعاره  
 ۲) کنایه - تشبیه - تناقض - ایهام  
 ۳) مجاز - اسلوب معادله - تضاد - تشخیص  
 ۴) اسلوب معادله - کنایه - جناس - مجاز

"همه عالم صنم چین به حکایت گویند صنم ماست که در هر خم زلفش چینست"

- ۱) ایهام، کنایه، تشبیه، مراعات نظیر  
 ۲) مجاز، استعاره، تشبیه، مراعات نظیر  
 ۳) ایهام، جناس، اسلوب معادله، تشخیص  
 ۴) جناس، استعاره، مجاز، تناسب

"ترک مست تو به دست از مژه خنجر دارد باز این فتنه ندانم که چه در سر دارد"

- ۱) تشخیص، استعاره، حسن تعلیل، مجاز  
 ۲) استعاره، جناس، حسن تعلیل، مراعات نظیر  
 ۳) تشبیه، مجاز، جناس، استعاره  
 ۴) تشخیص، تشبیه، ایهام، جناس

- ۱) در غم شیرین نجوشی لاجرم سرکه‌فروشی آب حیوان را بستی لاجرم رفته است آبت (جناس، حس آمیزی)  
 ۲) چشم بر دور قدح دارم و جان بر کف دست به سر خواجه که تا آن ندهی نستانی (ایهام، تضاد)  
 ۳) درآمد دولت شاهی به تاراج نهاد آن لعل را بر گوشه تاج (استعاره، تناسب)  
 ۴) خال روی مه‌جبینان گر ز مشک و عنبر است از شب قدر است خال چهره ماه صیام (واج آرای، استعاره)

آرایه‌های "جناس، متناقض‌نما، کنایه، تضاد و مجاز" به ترتیب، در کدام ابیات وجود دارد؟  
 الف) اگر تو سرو خرامان ز پای ننشینی چه فتنه‌ها که بخیزد میان اهل نشست  
 ب) من قدم بیرون نمی‌یارم نهاد از گوی دوست دوستان معذور داریم که پایم در گل است  
 ج) در سرم بود که هرگز ندهم دل به خیال به سرت کز سر من آن همه پندار برفت  
 د) خیال روی کسی در سر است هرکس را مرا خیال کسی کز خیال بیرون است  
 ه) گو شمع میارید در این جمع که امشب در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است

- ۱) د، الف، ب، ج، ه  
 ۲) ه، د، ب، الف، ج  
 ۳) د، الف، ج، ب، ه  
 ۴) ه، د، ب، ج، الف

یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت، نادرست است؟

- ۱) تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار که در برابر چشمی و غایب از نظری (استعاره، تناقض)  
 ۲) هزار جان گرمی بسوخت زین غیرت که هر صباح و مسا شمع مجلس دگری (تشبیه، تضاد)  
 ۳) چو مستعد نظر نیستی وصال مجوی که جام جم نکند سود وقت بی‌بصری (تلمیح، جناس)  
 ۴) به بوی زلف و رخت می‌روند و می‌آیند صبا به غالیه‌سایبی و گل به جلوه‌گری (ایهام، پارادوکس)

تعداد آرایه‌های تشبیه در همهٔ ابیات به استثنای بیت گزینهٔ ..... درست بیان شده است.

- ۱) بازار حسن داری دکان درو ملاحظت و آن دو عقیق شیرین در وی شکر فروشان (سه)  
 ۲) ای پستهٔ دهانت شیرین و انگبین لب من تلخ‌کام مانده در حسرت چنین لب (دو)  
 ۳) باز سپید است حسن، طعمهٔ او مرغ دل شیر سیاه است عشق، ما همه نخجیر او (چهار)  
 ۴) ای لب لعلت شکرستان من وی دهننت چشمهٔ حیوان من (سه)

آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

"از کمان چرخ روز رزم آید بانگ زه چون گشاید شست او تیر جگردوز از کمین"

- ۱) ایهام تناسب، تشبیه، جناس، کنایه  
 ۲) مجاز، تشخیص، حسن تعلیل، تضاد  
 ۳) اسلوب معادله، استعاره، تشبیه، ایهام  
 ۴) کنایه، تشبیه، اغراق، تضاد

آرایه‌های بیت "ای گلبن جوان بر دولت بخور که من

در سایهٔ تو بلبل باغ جهان شدم" در کدام گزینه همگی درست است؟

- ۱) جناس - تشبیه - استعاره - ایهام  
 ۲) استعاره - پارادوکس - تشبیه - تلمیح  
 ۳) ایهام - کنایه - تشبیه - پارادوکس  
 ۴) استعاره - کنایه - جناس - اسلوب معادله

آرایه‌های "تضاد، ایهام، تناقض، تشخیص و حسن تعلیل" به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟

الف) دلی کز خرمن شادی نشد یک دانه‌اش حاصل چنین در دام غم تا کی به بوی دانه بنشیند  
 ب) زان رو به گوی دوست گذارم نمی‌فتند بگرفت اشک دیدهٔ من رهگذار من  
 ج) چو تو برخیزی و از ناز خرامان گردی سرو بر طرف گلستان ز حیا بنشیند  
 د) در راه عشق، بُعد منازل حجاب نیست دوری گمان مبر که بود مانع وصال  
 ه) حلقهٔ دام نجات است خم طرّهٔ دوست وای بر حالت مرغی که در این دام نبود

- ۱) ب، الف، ه، ج، د  
 ۲) ج، د، الف، ه، ب  
 ۳) د، الف، ه، ج، ب  
 ۴) د، ج، الف، ب، ه

آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

"از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر ای دیده نگه کن که به دام که درافتاد"

- ۱) کنایه - تشبیه بلیغ غیرترکیبی - استعاره غیرتشخیص  
 ۲) تشخیص - مجاز - استعاره غیرتشخیص  
 ۳) کنایه - تشخیص - تشبیه فشردهٔ اضافی  
 ۴) مجاز - تشخیص - تشبیه فشردهٔ غیرترکیبی

آرایه‌های "تشبیه، استعاره، مجاز و تشخیص" به ترتیب در ابیات کدام گزینه آمده است؟  
 الف) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست  
 ب) سنگین‌دلی وگرنه از آن لعل آبدار صد تشنه را به آب بقا می‌توان رساند  
 ج) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو  
 د) بوی گل‌های چیده می‌آید خونم از دل به دیده می‌آید

- ۱) الف - د - ج - ب  
 ۲) د - ب - الف - ج  
 ۳) ج - ب - د - الف  
 ۴) ب - ج - الف - د

در کدام بیت، یکی از آرایه‌های مقابل آن نادرست ذکر شده است؟

- ۱) خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد که تا ز خال تو خاکم شود عبیرآمیز (واج‌آرایی، جناس)  
 ۲) در جواب هر سؤالی حاجت گفتار نیست چشم گویا عذر می‌خواهد لب خاموش را (حسن‌آمیزی، پارادوکس)  
 ۳) امشب از آسمان دیده‌ی تو روی شعرم ستاره می‌بارد (استعاره، تناسب)  
 ۴) آب صافی شده است خون دلم خون تیره شده است آب سرم (مجاز، تضاد)

۱ در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ..... "مسند" وجود دارد.

- |   |     |
|---|-----|
| بی‌دلان را عیب کردم لاجرم بیدل شدم      | (۱) |
| آن گنه را این عقوبت همچنان بسیار نیست   |     |
| ای نسیم صبح اگر باز اتفاقی افتد         | (۲) |
| آفرین گویی بر آن حضرت که ما را بار نیست |     |
| قادری بر هرچه می‌خواهی مگر آزار من      | (۳) |
| زانکه گر شمشیر بر فرقم نهی، آزار نیست   |     |
| خلق را بیدار باید بود ز آب چشم من       | (۴) |
| وین عجب آن وقت می‌گیرم که کس بیدار نیست |     |

۲ در کدام گزینه، جمله‌ای با ساختار "نهاد + مفعول + مسند + فعل" وجود دارد؟

- |   |     |
|---|-----|
| نگاهم بی‌تو چون آینه شد پامال حیرانی      | (۱) |
| بر این سرچشمه رحمی کن که موجی نیست آبش را |     |
| ای نسیم سحر، از خود به فغانم برسان        | (۲) |
| خبر او که ز خود بی‌خبرم گرداند            |     |
| هم‌آغوش جنون رنگ غفلت دیده‌ای دارم        | (۳) |
| که بر هم بستن مژگان چو مخمل نیست خوابش را |     |
| به تسلیم از کمال نسخهٔ هستی مشو غافل      | (۴) |
| سر افتاده شاید نقطه باشد انتخابش را       |     |

۳ در کدام ابیات، "مفعول" نمی‌یابید؟

- |  |       |
|--|-------|
| الف) هر سحر صد ناله و زاری کنم پیش صبا | (الف) |
| تا ز من پیغامی آرد بر سر کوی شما       |       |
| ب) مردن و خاکی شدن بهتر که بی‌تو زیستن | (ب)   |
| سوختن خوش‌تر بسی کز روی تو گردم جدا    |       |
| ج) خود ندارد بی‌رخ تو زندگانی قیمتی    | (ج)   |
| زندگانی بی‌رخ تو مرگ باشد با عنا       |       |
| د) آتش دل چون نمی‌گردد به آب دیده کم   | (د)   |
| می‌دمم بادی بر آتش، تا بتر سوزد مرا    |       |
| ه) تا مگر خاکستری گردم به بادی بر شوم  | (ه)   |
| وارهم زین تنگنای محنت آباد بلا         |       |

- |          |            |
|----------|------------|
| (۱) ب، ه | (۲) الف، ب |
| (۳) ج، د | (۴) ج، ه   |

۴ در متن: "پدرم غصه می‌خورد، پیر و زمین‌گیر می‌شد. همه چیزش را از دست داده بود. فقط یک دل‌خوشی برایش مانده بود. پسرش با تلاش درس می‌خواند و به کتاب و مدرسه دل‌بستگی داشت." ، چند جملهٔ گذرا به مفعول یافت می‌شود؟

- |         |          |
|---------|----------|
| (۱) پنج | (۲) چهار |
| (۳) سه  | (۴) دو   |

۵ "تا" در ابتدای چندتا از ابیات زیر، حرف اضافه است و متمم ساخته است؟

- |  |       |
|--|-------|
| الف) تا چرخ دوتا گردد بر بنده و آزاد       | (الف) |
| این چرخ دوتا باد تو را بندهٔ یکتا          |       |
| ب) تا سبزه گردد شوره‌ها تا روضه گردد گورها | (ب)   |
| انگور گردد غوره‌ها تا پخته گردد نان ما     |       |
| ج) تا چند کنم توبه و تا کی شکتم            | (ج)   |
| ای توبه‌ده و توبه‌شکن، دستم گیر            |       |
| د) تا غمی پنهان نباشد رقتی پیدا نگردد      | (د)   |
| هم گلی دیده‌ست سعدی تا چو بلبل می‌خروشد    |       |
| ه) تا نبری ظن که به بازیچه بود             | (ه)   |
| دیدۀ شب تا به سحر باز من                   |       |
| و) تا نفس باقیست با آرایش افتاده است کار   | (و)   |
| دیده تا دل زحمت رخت نمازی می‌کشد           |       |

- |           |            |
|-----------|------------|
| (۱) یکی   | (۲) دوتا   |
| (۳) سه‌تا | (۴) چهارتا |



۶ در کدام گزینه هر دو نقش دستوری "مفعول" و "مسند" وجود دارد؟

- ۱) در اداره با هم قطارها قرارومدار گذاشتیم بودیم که هرکس اول ترفیع رتبه یافت، کباب غاز صحیحی بدهد.
- ۲) می توانیم همین غاز را فردا از نو گرم کنیم و دوباره سر سفره آوریم.
- ۳) گفت: تنها همان رتبه های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بمکند.
- ۴) خدا شاهد است همین جا بستری می شویم و وبال جانت می گردیم.

۷ در کدام گزینه تعداد "مفعولها" متفاوت است؟

- ۱) وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طناز را ساقی بیار آن جام می مطرب بز آن ساز را
- ۲) چشمان ترک و ابروان جان را به ناوک میزنند یارب که دادست این کمان، آن ترک تیرانداز را
- ۳) شور غم عشقش چنین حیف است پنهان داشتن در گوش نی رمزی بگو تا برکشد آواز را
- ۴) سعدی تو مرغ زیرکی خوبت به دام آورده ام مشکل به دست آرد کسی مانند تو شهباز را

۸ در کدام گزینه واژه قافیه، "قید" است؟

- ۱) عیبت از بیگانه پوشیدست و می بیند بصیر فعلت از همسایه پنهان است و می داند علیم
- ۲) گر بسوزانی، خداوندا، جزای فعل ماست ور بیخشی رحمتت عام است و احسانت قدیم (= دیرینه)
- ۳) قلب زرانوده نستانند در بازار حشر خالصی باید که بیرون آید از آتش سلیم
- ۴) ای که در دنیا نرفتی بر صراط مستقیم در قیامت بر صراطت جای تشویش است و بیم

۹ در کدام گزینه واژه قافیه "مسند" نیست؟

- ۱) خواب ناز گل گران خیز است، ورنه ناله ام سبزه خوابیده این باغ را بیدار کرد
- ۲) در زبان هیچ کس زخم زبان نگذاشتم جلوه مجنون من این دشت را بی خار کرد
- ۳) چند باشی در شکست کارم ای گردون، بس است استخوانم را هجوم زخم جوهردار کرد
- ۴) سخت طفلانه است چوی شیر آوردن ز سنگ کوه کن بیهوده جان را در سر این کار کرد

۱۰ نقش دستوری کدام واژه مشخص شده، با نقش دستوری واژه "رسم" در بیت زیر یکسان است؟  
"چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین گهی زین به پشت"

- ۱) صفیر مرغ برآمد بط شراب کجاست فغان فتاد به بلبل نقاب گل که کشید (گل)
- ۲) ز میوه های بهشتی چه ذوق دریابد هر آنکه سیب زرخدان شاهده نگزید (سیب)
- ۳) مکن ز غصه شکایت که در طریق طلب به راحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید (غصه)
- ۴) ز روی ساقی مهوش گلی بچین امروز که گرد عارض بستان خط بنفشه دمید (خط)

۱۱ نقش دستوری کدام واژه مشخص شده، با نقش دستوری واژه "جانور" در عبارت زیر یکسان است؟  
"صاد" هرگز جانوری از پهلو نکشید."

- ۱) بیا تا در می صافیت راز دهر بنمایم به شرط آنکه نمایی به کج طبعان دل کورش ("ش" پس از دل کور)
- ۲) از سخن چینان ملالتها پدید آمد ولی گر میان همنشینان ناسازی رفت رفت (ملالتها)
- ۳) پند حکیم محض صواب است و عین خیر فرخنده آن کسی که به سمع رضا شنید (محض)
- ۴) واعظ شحنه شناس این عظمت گو مفروش زان که منزلگه سلطان دل مسکین من است. (من)

۱۲ نقش دستوری کدام واژه متفاوت است؟

- ۱) شدم ز دست تو شیدای کوه و دشت و هنوز نمی کنی به ترخم نطق سلسله سست (شیدا)
- ۲) تا شدم حلقه به گوش در می خانه عشق مردم آید غمی از نو به مبارک بادم (حلقه به گوش)
- ۳) حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی (هجران)
- ۴) به وقت گل شدم از توبه شراب خجل که کس مباد ز کردار ناصواب خجل (خجل)

نقش دستوری دو واژه کدام گزینه، با نقش دستوری واژه‌های "زلف" و "م" مشخص شده در بیت زیر برابر است؟  
"گفتم که بوی زلفت، گمراه عالم کرد  
گفتا اگر بدانی، هم اوت رهبر آید"

- ۱) به جان قصدت کند دشمن چو داری دوستی در دل صدف مجروح از آن گردد که لؤلؤ در میان دارد (دشمن، مجروح)  
۲) برین سر راست ناید تاج وصلش ز بهر تاج باید ترک سر کرد (تاج، "ش" پس از وصل)  
۳) روز وصل تو که عید است و منش قربانم هر سحر چون شب قدرش به دعا می‌خواهند (وصل، "ش" پس از قدر)  
۴) میدان وصل او ز پی عاشقان اوست وین گوی دولتیست که ایشان همی‌برند (او، ایشان)

نقش دستوری موصوفها در مصراع دوم، به ترتیب کدام است؟

"متاب از روزن ای ماه دل‌افروزم، چه اصراری  
که شمع کشته‌ام بینی و زندان غم‌افزا را"

- ۱) مسند، مفعول  
۲) مفعول، مسند  
۳) مضاف‌الیه، مفعول  
۴) مسند، مضاف‌الیه

در شعر زیر نقش کدام دو واژه، یکی نیست؟

"در احد / که گل بوسه‌های زخم، تنت را دشت شقایق کرده بود / مگر از کدام باده مهر، مست بودی / که با تازیانه هشتاد زخم، بر خود حد زدی؟"

- ۱) "هشتاد" - "مهر"  
۲) "زخم" - "شقایق"  
۳) "دشت" - "مست"  
۴) "احد" - "مگر"

نقش کلمات مشخص شده، به ترتیب در کدام گزینه کاملاً درست آمده است؟

- ۱) باد نوروز که بوی گل و سنبل دارد لطف این باد ندارد که تو می‌پیمایی (مضاف‌الیه، قید)  
۲) سرو با قامت زیبای تو در مجلس باغ نتواند که کند دعوی هم‌بالایی (متمم، صفت)  
۳) تو پری زاده ندانم ز کجا می‌آیی کادمیزاده نباشد به چنین زیبایی (بدل، نهاد)  
۴) به خدا بر تو که خون من بیچاره مریز که من آن قدر ندارم که تو دست آلابی (منادا، مفعول)

نقش دستوری موصوفها در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

"دو چشم مست تو کز خواب صبح برخیزند  
هزار فتنه به هر گوشه‌ای برانگیزند"

- ۱) نهاد، مسند، متمم  
۲) مسند، مفعول، نهاد  
۳) نهاد، مفعول، متمم  
۴) مفعول، مسند، نهاد

در بیت گزینه ..... واژه‌ای غیرساده با نقش دستوری یادشده در برابر بیت وجود ندارد.

- ۱) خروشان همی‌رفت نیزه به دست که ای نامداران یزدان‌پرست (صفت بیانی)  
۲) بیوید کاین مهتر آهرمن است جهان‌آفرین را به دل دشمن است (مفعول)  
۳) خروشید و برجست لرزان ز جای بدزید و بسپرد محضر به پای (قید)  
۴) نهان گشت کردار فرزندانگان پراگنده شد نام دیوانگان (نهاد)

نقش ضمیر پیوسته در کدام گزینه با بقیه گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) از زبان سوسن آزاده‌ام آمد به گوش کاندر این دیر کهن کار سبک‌باران خوش است  
۲) دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست  
۳) ساقیا جام می‌ام ده که نگارنده غیب نیست معلوم که در پرده اسرار چه کرد  
۴) چشمت به غمزه ما را خون خورد و می‌پسندی جانا روا نباشد خون‌ریز را حمایت

نقش‌های اصلی و تبعی واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب کدام است؟

"چرا غم دگران می‌کند پریشانم اگر نه رشته جان‌ها به یکدیگر بسته است؟"

- ۱) نهاد، قید، مفعول، مفعول  
۲) نهاد، مسند، مفعول، نهاد  
۳) مضاف‌الیه، مسند، نهاد، مفعول  
۴) مفعول، قید، مفعول، نهاد

در کدام مصراع‌ها، جملهٔ (سه‌جزئی گذرا به مسند) یافت می‌شود؟  
 الف) زاهد خلوت‌نشین دوش به میخانه شد  
 ب) تو خود ای گوهر یک‌دانه کجایی آخر  
 ج) گدای شهر نگه کن که میر مجلس شد  
 د) گل عزیزست غنیمت شمردش صحبت  
 هـ) دی شد و بهمن آمد

- ۱) الف، ب، د  
 ۲) ب، ج، د  
 ۳) ب، ج، هـ  
 ۴) ب، د، هـ

در همهٔ گزینه‌ها به‌جز ..... جمله‌ای با الگوی "نهاد + مفعول + مسند + فعل" وجود دارد.

- ۱) همیشه نرگس مست تو را بیمار می‌بینم ولی در عین بیماریش مردم‌دار می‌بینم  
 ۲) ز شربت‌خانهٔ لطف دوایی ده که با درد دل سست ضعیفم را قوی افکار می‌بینم  
 ۳) ز باد ار می‌وزد بر من نسیم دوست می‌یابم به آب او می‌رسم در وی خیال یار می‌بینم  
 ۴) نهال سروبالای تو را بر دیده بنشانم چه بخت است اینکه چشم خویش برخوردار می‌بینم

در کدام گزینه "مسند" دارای وابستهٔ پسین صفت است؟

- ۱) نگاه‌های لوکس مردم آسفالت‌نشین شهر آن را کهکشان می‌بیند و دهاتی‌های کاه کش کویر شاهراه علی.  
 ۲) که آن عالم پرشگفتی و راز سرای سرد و بی‌روحو شد ساختهٔ چند عنصر.  
 ۳) لحظه‌ای که هرسال از نخستین دم بهار بی‌صبرانه چشم‌به‌راهش بودیم.  
 ۴) که آسمان تفرّجگاه مردم کویر است و تنها گردشگاه آزاد و آباد کویر.

در کدام گزینه، گروه مسندی، وابستهٔ وابسته دارد؟

- ۱) پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد  
 ۲) ساروان بار من افتاد خدا را مددی که امید کرمم همره این محمل کرد  
 ۳) من و انکار شراب این چه حکایت باشد؟ غالباً این قدرم عقل و کفایت باشد  
 ۴) عاشق چه کند گر نکشد بار ملامت با هیچ دلاور سپر تیغ قضا نیست

"ردیف" در کدام بیت، گذرا است؟

- ۱) تو که احوال دل سوختگان می‌دانی مکن انکار کسی کز غم این کار بسوخت  
 ۲) ای که از تیر اناالحق خبری یافته‌ای چه شوی منکر منصور که بر دار بسوخت  
 ۳) صبر بسیار مفرمای من سوخته را که دل ریشم از این صبر جگرخوار بسوخت  
 ۴) داروی درد دل اکنون ز که جویم که طیبب دل بیمار مرا در غم تیمار بسوخت

در کدام بیت "مفعول" بر سایر اجزای جمله مقدم شده است؟

- ۱) عاشقان را ز بر خویش مران تا بر تو سر و زر هر دو فشانند و دعا نیز کنند  
 ۲) شمع جانم را بکشت آن بی‌وفا جای دیگر روشنایی می‌کند  
 ۳) عقل را با عشق زور پنجه نیست احتمال از ناتوانی می‌کند  
 ۴) بندگان را نه گزیرست ز حکمت نه گریز چه کنند؟ ار بکشی ور بنوازی خدم‌اند

نقش ضمیر متصل "م" در پایان واژه‌های قافیه، در کدام بیت تفاوت دارد؟

- ۱) همّت حافظ و انفاس سحرخیزان بود که ز بند غم ایام نجاتم دادند  
 ۲) بی‌خود از شعشعۀ پرتو ذاتم کردند باده از جام تجلی صفاتم دادند  
 ۳) بعدازاین روی من و آینهٔ وصف جمال که در آنجا خبر از جلوهٔ ذاتم دادند  
 ۴) من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند

- ۱) جهان را چنین است ساز و نهاد که جز مرگ را کس ز مادر نژاد  
 ۲) مسعود سعد دشمن فضل است روزگار این روزگار شیفته را فضل کم نمای  
 ۳) ما را سر باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آنجاست  
 ۴) چو منعّم کند سفله را روزگار نهد بر دل تنگ درویش بار

- ۱) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود  
 ۲) عنان مپیچ که گر می‌زنی به شمشیرم سپر کنم سر و دست ندارم از فتراک  
 ۳) تولای مردان این پاک‌بوم برانگیختم خاطر از شام و روم  
 ۴) تو را گر همی یار باید بیار مرا یار هرگز نیاید به کار

- ۱) ای پیش‌رو مردی امروز تو برخوردی ای زاهد فردایی فردات مبارک باد  
 ۲) امروز که در دست توام مرحمتی کن فردا که شوم خاک چه سود اشک ندامت  
 ۳) امروز گویم چون کنم یک باره دل را خون کنم وین کار را یک سون کنم چیزی بده درویش را  
 ۴) ای دل ار عشرت امروز به فردا فکنی مایه نقد بقا را که ضمان خواهد شد

- ۱) نخستین (وابسته) گام در راه نگارش مقاله، انتخاب موضوع (وابسته) است.  
 ۲) صدای (هسته) وی چنان با شوق و هیجان آمیخته بود که از شنیدن آن (وابسته) به ما حالتی غریب دست می‌داد.  
 ۳) خاطره این (هسته) آخرین روز درس همواره در دل من (وابسته) باقی خواهد ماند.  
 ۴) در همین لحظه (هسته) صدای شیپور (وابسته) سربازان بیگانه که از مشق بازمی‌گشتند، در کوچه طنین افکند.

- ۱) دل که آیینۀ شاهی است غباری دارد از خدا می‌طلبم صحبت روشن‌رایی  
 ۲) سخن غیر مگو با من معشوقه‌پرست کز وی و جام می‌ام نیست به کس پروایی  
 ۳) این حدیثم چه خوش آمد که سحرگه می‌گفت بر در میکده‌ای با دف و نی ترسایی  
 ۴) کشتی باده بیاور که مرا بی‌رخ دوست گشت هر گوشه چشم از غم دل دریایی

- ۱) ز دو دیده خون‌فشانم ز غمت شب جدایی چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی  
 ۲) شیخ خندید و بگفتش ای سلیم این درخت علم باشد ای علیم  
 ۳) در کار گلاب و گل، حکم ازلی این بود کان شاهد بازاری این پرده‌نشین باشد  
 ۴) هر کاو نکند فهمی زین کلک خیال‌انگیز نقشش به حرام ار خود، صورتگر چین باشد

"به کمک بازنویسی می‌توانیم متون ادبی گذشته را به زبان معیار امروز درآوریم و عناصر کهنه آن‌ها را تغییر دهیم و به‌جای واژه‌های مهجور آن‌ها، تعابیر آشنا بنشانیم و از این راه، مفاهیم دقیق آن‌ها را به نسل امروز منتقل سازیم."

- ۱) شانزده  
 ۲) هجده  
 ۳) هفده  
 ۴) نوزده

- (۱) خورشید رخشان می‌رسد، مست و خرامان می‌رسد  
 (۲) گل‌های سرخ و زرد بین، آشوب و بردابرد بین  
 (۳) هرچا یکی گویی بود، در حکم چوگان می‌رود  
 (۴) گویی شوی بی دست و پا، چوگان او پایت شود
- با گوی و چوگان می‌رسد سلطان میدانی است این  
 در قعر دریا گرد بین، موسی عمرانی است این  
 چون گوی شو بی دست و پا، هنگام وحدانی است این  
 در پیش سلطان می‌دوی، کاین سیر ربانی است این

- (۱) به حیرتم که پس از مرگ هر دقیقه مرا خیال وصل تو جانی دوباره می‌بخشد  
 (۲) ندارم دستت از دامن مگر در خاک و آن دم هم که بر خاکم روان گردی بگیرد دامنم گردم  
 (۳) آن را که چو من صید غم عشق تو گردد نی پای گریز است و نه امید رهایی  
 (۴) حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر به سر نکوفته باشد در سرایی را

- (۱) چه نام است این؟ که کام من همین بس همه ناموس و نام من، همین بس  
 (۲) از متاع هر دو عالم نیستش جز مهر تو این جهان دارد همین و آن جهان دارد همین  
 (۳) این بوم همان بوم که خشتش همه زوبین این مرز همان مرز که خارش همه پیکان  
 (۴) همین کامیابی هر روز و شب همین روز و شب، بانگ عیش و طرب

در عبارت‌های زیر، چند ترکیب وصفی وجود دارد؟  
 "دریای آسمان کبودتر و عمیق‌تر از هر شب دیگر به نظر می‌رسید و ستارگان درخشان‌تر ولی دورتر، نور فسفری ماه از پشت به تکه‌های ابر تابیده بود و به حجم آن‌ها سایه‌روشن‌های خیال‌انگیزی بخشیده بود."

- (۱) چهار  
 (۲) پنج  
 (۳) شش  
 (۴) هشت

- (۱) گر تو گویی کدام از این دو به است گویمت هر دو به همان و همین (سه)  
 (۲) با کدام بیگانه تازه آشنا گشتی کز همین سبب گشتی آشنای دیرین را (چهار)  
 (۳) همان بهتر که چون هر بار این بار ز دست ما خورد آب آن جگرخوار (چهار)  
 (۴) بیفتادست از آن دو زلف دلبند مرا بر دل هزاران گونه‌گون بند (پنج)

- (۱) آشنایی نه غریب است که دلسوز من است چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت  
 (۲) شوخی که ریخت خون من بی‌گناه را اول به مزد دست ز من خون بها گرفت  
 (۳) آبروی من اگر برد جمالش چه عجب برده از نار مغان آن رخ گلنار گرو  
 (۴) آن شاخ گل کزو جگر خار تازه است از بلبلان گلاب نخواهد دریغ داشت

- (۱) چه نام است این؟ که کام من همین بس همه ناموس و نام من، همین بس  
 (۲) از متاع هر دو عالم نیستش جز مهر تو این جهان دارد همین و آن جهان دارد همین  
 (۳) این بوم همان بوم که خشتش همه زوبین این مرز همان مرز که خارش همه پیکان  
 (۴) همین کامیابی هر روز و شب همین روز و شب، بانگ عیش و طرب

گروه اسمی در کدام گزینه از "صفت + صفت + اسم + صفت + صفت + اسم + صفت" تشکیل شده است؟

- (۱) همین دو بازیکن ماهر این تیم قهرمان  
(۲) سه فروند هواپیمای تیزپرواز کشور اوکراین  
(۳) همه آن دانش‌آموزان کلاس چهارم مدرسه ما  
(۴) آن بزرگ پرچم‌دار کشور اسلامی غرب آسیا

در عبارت زیر، چند "وابسته" به کاررفته است؟  
"عطار نیشابوری، یکی از برجسته‌ترین شاعران زبان فارسی است که به درجه والایی از کمال معرفت دست یافت و آنچه را که سنایی در آغاز کار از سرمایه‌های عرفانی به عرصه شعر فارسی وارد کرد با هنرمندی به کمال نسبی نزدیک ساخت."

- (۱) یک  
(۲) دو  
(۳) سه  
(۴) چهار

تعداد ترکیب وصفی در کدام بیت بیشتر است؟

- (۱) چشم بد دور از آن سلسله زلف دراز که ز هر حلقه او عالم دیگر پیداست  
(۲) گر چه ز آیینۀ روشن ننماید جوهر خط نازسته از آن چهره انور پیداست  
(۳) آه گرمی که گره در دل پر خون من است همچو داغ از جگر لاله احمر پیداست  
(۴) پرده معنی روشن نشود صائب لفظ عالم آشوبی از آن زلف معنبر پیداست

در منظومه زیر، به ترتیب چند ترکیب وصفی و اضافی وجود دارد؟  
"تو تنها از شجاعت، در گوشه روشن وجدان تاریخ ایستاده‌ای / به پاسداری از حقیقت / و صداقت، شیرین‌ترین لبخند بر لبان اراده توست / بر تالابی از خون خویش در گذرگاه تاریخ ایستاده‌ای / با جامی از فرهنگ / و بشریت رهگذار را می‌آشامانی."

- (۱) سه، پنج  
(۲) سه، شش  
(۳) چهار، پنج  
(۴) چهار، شش

در منظومه زیر به ترتیب، چند ترکیب وصفی و اضافی یافت می‌شود؟

"مردم شهر به یک چینه چنان می‌نگرند  
که به یک شعله، به یک خواب لطیف  
خاک، موسیقی احساس تو را می‌شنود  
و صدای پر مرغان اساطیر می‌آید در باد"

- (۱) سه، پنج  
(۲) سه، شش  
(۳) چهار، پنج  
(۴) چهار، شش

در متن زیر چند "ترکیب وصفی" وجود دارد؟

"این شاعر، برجسته‌ترین چهره ادبی قرن نوزدهم فرانسه است. برخی داستان‌های وی به زبان فارسی ترجمه شده است. تا سال‌های آخر عمر مورد احترام و ستایش عام بود."

- (۱) پنج  
(۲) هفت  
(۳) شش  
(۴) هشت

در عبارت زیر ..... وابسته پسین وجود دارد.

"شور جوانه زدن و امید شکفتن، در نهاد ساقه‌شان می‌خشکد و در پایان به جرم گستاخی در برابر کویر، از ریشه‌شان برمی‌کنند."

- (۱) هفت  
(۲) پنج  
(۳) شش  
(۴) هشت

کدام گروه کلمه بر اساس الگوی "اسم + صفت + اسم + صفت + صفت + اسم" ساخته شده است؟

- (۱) روابط اجتماعی مردم فرهیخته این سرزمین  
(۲) فریاد مردم همه سرزمین‌های همسایه  
(۳) کلیه دانشمندان پرتلاش ایران قهرمان  
(۴) نویسندگان توانای رمان‌های اجتماعی ایران سرافراز

در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... "شاخص" وجود دارد.

- ۱) حرف‌های حاج آقا رضا تمام نشده بود که اعتراض‌ها آغاز شد.
- ۲) صادق هدایت با سید علی جمال‌زاده مکاتباتی داشته است.
- ۳) بستگان عمه‌ام طوبا سالی یک بار به خارج از کشور می‌روند.
- ۴) در هشت کیلومتری شهر باستانی بادرود، گنبد امامزاده علی عباس درخششی خاص دارد.

در کدام بیت وابستهٔ پیشین دیده می‌شود؟

- ۱) چو لشکر گرد بر گردش گرفتند / چو کشتی، بادپا در رود افکنند!
- ۲) بخت جوان یار ما، دادن جان کار ما / قافله‌سالار ما، فخر جهان مصطفاست
- ۳) صد هزاران بار، بیریدم امید / از که؟ از شمس، این ز من باور کنید
- ۴) فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد / در غیرت ما نیست که در ننگ بمیریم

تعداد ترکیب‌های اضافی همهٔ ابیات به جز گزینهٔ ..... یکسان است.

- ۱) طفلان ره نشسته به امید جوی شیر / عارف به جست‌وجوی می‌لاله‌گون رود
- ۲) مفتاح قفل کعبهٔ دل مهر خامشی است / صد فتح روی داد چوبی گفت‌وگو شدم
- ۳) بر لب چشمهٔ چشمم به تفرّج بنشین / کآب این چشمه برای تو روان ساخته‌اند
- ۴) می‌کند ریگ روانش کار آب زندگی / پیچ و تاب ناامیدی در سراب عشق نیست

در کدام گزینه "صفت مضاف‌الیه" به کار نرفته است؟

- ۱) دو چشم مست تو کز خواب صبح برخیزند / هزار فتنه به هر گوشه‌ای برانگیزند
- ۲) قدر آن خاک ندارم که بر او می‌گذری / که به هر وقت همی بوسه دهد برپایت
- ۳) خرم آن بقعه که آرامگه یار آنجاست / راحت جان و شفای دل بیمار آنجاست
- ۴) امروز می‌خوری غم فردا و همچنان / فردا به خاطرت، غم فردای دیگر است

در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... "مضاف‌الیه مضاف‌الیه" به کار رفته است.

- ۱) تاروپود هستی‌ام بر باد رفت، اما نرفت / عاشقی‌ها از دلم، دیوانگی‌ها از سرم
- ۲) چنان به دام تو الفت گرفته مرغ دلم / که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
- ۳) گفتم از ورطهٔ عشقت به صبوری به درآیم / بازمی‌بینم و دریا نه پدید است کرانش
- ۴) درد دل پیش که گویم که به‌جز باد صبا / کس ندانم که در آن کوی مجالی دارد

نوع "وابستهٔ وابسته" در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... یکسان است.

- ۱) کشتی هرکه در این ورطهٔ خون‌خوار افتاد / نشنیدیم که دیگر به کران می‌آید
- ۲) وقتی کمند زلفت، دیگر کمان ابرو / این می‌کشد به زورم و آن می‌کشد به زاری
- ۳) تو را که در نظر آمد جمال طلعت خویش / حقیقت است که دیگر نظر به ما نکنی
- ۴) حیات سعدی آن باشد که بر خاک درت میرد / دری دیگر نمی‌دانم مکن محروم از این بایم

در کدام گزینه واژهٔ مشخص‌شده وابستهٔ وابسته است و نوع آن درست درج شده است؟

- ۱) این فلسفهٔ انسان ماندن در روزگاری است که زندگی سخت آلوده است و انسان ماندن، سخت دشوار. (قید صفت)
- ۲) به صحرای عربستان آمده است و عطر الهام را در فضای اسرارآمیز آن استنشام کرده است. (صفت مضاف‌الیه)
- ۳) آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظارهٔ آسمان رفته بودم؛ گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلق. (صفت صفت)
- ۴) من آن شب پس از گشت‌وگذار در آسمان، تماشاخانهٔ زیبا و شگفت مردم کویر، فرود آمدم. (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

- ۱) مرگ هرکس در حقیقت نقش حال زندگی است هرچه کس بیدار بیداری همان بیدار به خواب  
 ۲) شکنج زلف تو دست کدام دل گیرد؟ به زائران حرم راه نردبان تنگ است  
 ۳) مرغ دلم به داغ غمت تن فرودهد گر باشدش ز دانه خال تو چینه‌ای  
 ۴) می‌درخشد همچو برقی از پرده ابر سیاه از حجاب پرده نیلی نگاه گرم یار

در متن زیر چند وابسته و وابسته از نوع صفت به کار رفته است؟

"هرگاه مشت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم، ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند را می‌شنوم."

- ۱) دو (۲) سه  
 ۳) چهار (۴) پنج

نوع "وابسته و وابسته" در کدام گروه اسمی متفاوت است؟

- ۱) بهار حیات علمی (۲) کنار گواراترین چشمه‌ها  
 ۳) نامه بسیار محبت‌آمیز (۴) تاریخ همان شهر

در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه ..... بیش از یک "وابسته و وابسته" به کار رفته است.

- ۱) نه همین خورشید سرگرم است از سودای او عشق دارد در دل هر ذره بازاری جدا  
 ۲) ای زبون در حلقه زنجیر زلفت شیرها سر به صحرا داده چشم خوشت نخچیرها  
 ۳) لعل لب نوشینت آمد به سخن یادم این شیوه شیرین را ز تنگ شکر دارم  
 ۴) به‌جز طاق دو ابرویش در آفاق ندیده چشم کس هم جفت و هم طاق

در ساخت همه واژگان کدام گزینه بیش از دو وند به کار رفته است؟

- ۱) مودی‌گری، ناشکیبا، نسنجیده (۲) ستایشگری، نایافتنی، ناشنوبایی  
 ۳) کشتارگاه، ناراحتی، ناجوانمردی (۴) کشت وکشتار، زیاده‌خواهی، هماهنگی

در چند بیت هر سه نوع واژه "وندی، مرکب و وندی - مرکب" به کار رفته است؟

- الف) شهری ز تو زیروزبر هم بی‌خبر هم باخبر وی از تو دل صاحب‌نظر مستان سلامت می‌کنند  
 ب) روزی که عکس روی او بر روی زرد من فتد ماهی شوم رومی‌رخ‌گر زنگی نوبرده‌ام  
 ج) آن پیک نامور که رسید از دیار دوست آورد حرز جان ز خط مشک‌بار دوست  
 د) ماه‌رویا مهربانی پیشه کن خوب‌رویی را بیاید زیوری

- ۱) چهار (۲) سه  
 ۳) دو (۴) یک

در همه گزینه‌ها، واژه‌های "وندی" و "وندی - مرکب" به کار رفته است به‌جز ..... .

- ۱) میان عاقلان زهد و نماز است میان عاشقان راز و نیاز است  
 ۲) ای مجلسیان سوز دل حافظ مسکین از شمع پیرسید که در سوز و گداز است  
 ۳) لیک این راه کسی باشد که او در میان ما بود بی‌گفت‌وگو  
 ۴) همیشه خوبی او گفت هر که گفت و شنید همیشه نیکی او کشت هر که کشت و درود

در متن زیر به ترتیب چند واژه مشتق، مرکب و مشتق - مرکب وجود دارد؟

"ایشان در نوشته‌هایی گران‌قدر که برای سال‌های پس از حیاتش باقی گذاشت، دولت‌هایی را که با الگوگیری از حکومت ایرانیان پیش از اسلام به مملکت‌داری می‌پرداختند، حکومت‌هایی آرمانی می‌خواند. واضح است که وی با قدرتمندانی که در مناطقی کوچک، فرمانداری‌هایی خودمختار داشتند، اختلاف عقیده داشت."

- ۱) چهار، دو، سه (۲) سه، دو، یک  
 ۳) چهار، دو، یک (۴) سه، سه، دو



در کدام عبارت هر سه نوع واژه "وندی"، "مرگب" و "وندی- مرگب" یافت می‌شود؟

- ۱) یاران مولانا که پژمردگی و دل‌تنگی او را دیده بودند، از کردار خود پشیمان شدند.
- ۲) مولانا مردی زردچهره و باریک‌اندام بود و چشمانی سخت جَدَّاب داشت.
- ۳) بدان شرط که رفقا هر وقت می‌خواهند خریداری کنند، از تجارت‌خانه من باشد.
- ۴) گل‌ها از طراوت درونی خویش سرمست و چلچله‌ها گرداگرد درختان بزرگ می‌رقصیدند.

در کدام گزینه به ترتیب "یک واژه ساده، یک واژه وندی، یک واژه مرگب و یک واژه وندی- مرگب" آمده است؟

- ۱) زیبا، دانشمند، پرچم‌دار، دوچرخه‌سازی
- ۲) صحرا، گیرا، کارکشته، پنچرگیری
- ۳) سوزن، سرزمین، کوبنده، سرحال‌تر
- ۴) سپهر، گیرنده، آبپاش، شکسته‌بند

در کدام عبارت، وابستهٔ پسین "وندی- مرگب" است؟

- ۱) یکی از شب‌ها با خیانت گروهی از شهر راه برخی به روی محاصره‌گران باز شد.
- ۲) عباس میرزا پیشاپیش سپاه، سوار بر اسبی کوه‌پیکر و چابک دل از ناظران می‌برد.
- ۳) بر همگان مسلم است که شما جنگاوران سرافراز در طول سال‌های دفاع شجاعانه جنگیدید.
- ۴) دلاوری‌های سربازان فداکار و شما افسران عزیز دشمن را به تحسین واداشت.

در میان واژه‌های زیر، به ترتیب چند واژه ساده، مشتق، مرکب و مشتق- مرکب وجود دارد؟  
"آموزش - دیوار - دیوانه - روان‌نویس - شب‌کلاه - سهراب - هم‌کلاسی - روبه‌رو - تابستان - سخنور - رهبری - نمکدان - رستاخیز - دستگاه"

- ۱) پنج - چهار - یک - چهار
- ۲) چهار - پنج - سه - دو
- ۳) پنج - پنج - دو - دو
- ۴) چهار - پنج - دو - سه

ساختمان کدام گروه از واژه‌ها، همگی یکسان است؟

- ۱) ناخلف - نامنظم - ناگذر - ناتوان
- ۲) شیعه‌گری - وحشی‌گری - رویگری - منشی‌گری
- ۳) سالانه - بچگانه - جانانه - شبانه
- ۴) آلودگی - خانگی - همیشگی - پیوستگی

در کدام بیت "هستهٔ گروه اسمی"، واژهٔ "مرگب" است؟

- ۱) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت
  - ۲) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن
  - ۳) ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع
  - ۴) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
- هم بر چراغان شما نیز بگذرد  
تأثیر اختران شما نیز بگذرد  
این گرگی شبان شما نیز بگذرد  
بر حلق و دهان شما نیز بگذرد

در همهٔ مصراع‌ها، "ساختمان صفت" مرکب است؛ به جز:

- ۱) روزی لبت رسد به لب روزه‌دار من
- ۲) سوار می‌گذرد ترک ناوک افکن من
- ۳) مست نخواهدشدن خاطر هشیار من
- ۴) کز گهرش برده آب نظم گهریار من

در کدام بیت بیشترین واژهٔ "مرگب" به چشم می‌خورد؟

- ۱) دمدام تلخ می‌گوید دعاگویان دولت را
  - ۲) پری‌رویی که من دیدم همه خلقند مفتونش
  - ۳) تو و چشم سیه‌مستی که نتوان دید هشیارش
  - ۴) پرستش می‌کند جان فروغی آفتابی را
- مکّر قند می‌ریزد لب لعل شکریارش  
مسیحایی که من دارم همه شهرند بیمارش  
من و بخت گران‌خوابی که نتوان کرد بیدارش  
که ظلمت‌خانهٔ دل‌ها منور شد به انوارش

- (۱) بتا گنجینه حسن و جوانی را وفایی نیست  
 (۲) بدین سیمای آرامم درون دریای طوفانیست  
 (۳) به جز خواب پریشانی نبود این عمر بی حاصل  
 (۴) سخن هرگز بدین شیرینی و لطف و روانی نیست
- وفای بی مروت گوهر نایاب را ماند  
 حذر کن از غریق آری که خود غرقاب را ماند  
 کی آن آسایش خوابش که گویم خواب را ماند  
 خدا را شهریار این طبع جوی آب را ماند

- (۱) پندار - ماله - محرمانه - اتاقت  
 (۲) رفتار - ناله - صبحانه - زردک  
 (۳) پدیدار - آویزه - مخفیانه - شهرک  
 (۴) گفتار - تیغه - شبانه - طفلک

- (۱) دسته، نمایه، صوفیگری، خندان  
 (۲) پایه، ساده، کوزه‌گری، سامان  
 (۳) بسته، آویزه، آرایشگری، گریان  
 (۴) بنده، ماله، وحشی‌گری، سوزان

- (۱) اسم + ین - صفت: خونین - رنگین - نوین - سهمگین  
 (۲) صفت + انه - صفت: شاگردانه - مردانه - عاقلانه - محرمانه  
 (۳) بن مضارع + ه - اسم: نمایه - اندیشه - آویزه - گریه  
 (۴) اسم + بن مضارع - صفت: خدائشناس - خودخواه - دست‌نویس - طالع‌بین

- (۱) نوین - خودپرداز - خواستگار - ریش‌سفید  
 (۲) غمگین - خودآموز - ماندگار - پابره‌نه  
 (۳) دیرین - زیرنویس - سازگار - چهل‌چراغ  
 (۴) چوبین - زیربنا - یادگار - بالادست

- (۱) عادت دادوستد دادن جان مشکل کرد  
 (۲) رود به مگه بسی حاجی خدائشناس  
 (۳) سوزنده‌تر از برق پرندش به زدو خورد  
 (۴) وعد و وعید جنت و نارت به حج نبرد
- زآنکه این داد ز دنبال ندارد سندی  
 که نه به دیر توچه نه بر حرم دارد  
 پزنده‌تر از مرغ سمندش به تکاپو  
 شاید بزد خریدوفروش منا به حج

در همهٔ ابیات به استثنای بیت ..... حذف فعل به قرینهٔ معنوی صورت گرفته است.

- ۱) کسی را بده پایهٔ مهتران که بر کهتران سر ندارد گران
- ۲) که یا رب بر این بنده بخشایشی کز او دیده‌ام وقتی آسایشی
- ۳) یکی شخص از این جمله در سایه‌ای به گردن بر از حلهٔ پیرایه‌ای
- ۴) بداندیش را جاه و فرصت مده عدو در چه و دیو در شیشه به

حذف فعل در کدام بیت به قرینهٔ لفظی صورت گرفته است؟

- ۱) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبک‌باران ساحل‌ها؟
- ۲) مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محمل‌ها
- ۳) در کار گلاب و گل، حکم ازلی این بود کاین شاهد بازاری و آن پرده‌نشین باشد
- ۴) ای روی تو آرام دل خلق جهانی بیرون تو شاید که نبینند جهان را

در همهٔ گزینه‌ها به استثنای گزینهٔ ..... هر دو نوع حذف به قرینهٔ لفظی و معنوی وجود دارد.

- ۱) به خاک پای تو سوگند و نور دیدهٔ حافظ که بی‌رخ تو فروغ از چراغ دیده ندیدم
- ۲) سوگند بدان روی تو و هستی تو گر می‌دانم نه از تو این پستی تو
- ۳) سوگند بدان دم که مرا می‌دیدند پیمان به دستی و به دستی دستش
- ۴) سوگند به اعتقاد خود می‌خوردند کاین یوسف ثانی است که باز آوردند

در کدام گزینه نهاد محذوف وجود ندارد؟

- ۱) بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود عیسی دمی خدا بفرستاد و برگرفت
- ۲) هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت چون تو در آمدی پی کاری دگر گرفت
- ۳) آن عشوه داد عشق که مفتی ز ره برفت و آن لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت
- ۴) زین قصه هفت‌گنبد افلاک پرصداست کوتاه‌نظر ببین که سخن مختصر گرفت

در همهٔ ابیات، حذف فعل به قرینهٔ معنوی صورت گرفته است، به جز .....

- ۱) دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال
- ۲) آنچه او ریخت به پیمانۀ ما نوشیدیم اگر از خمر بهشت است و گر بادهٔ مست
- ۳) ای مهر تو در دل‌ها، وی مهر تو بر لب‌ها وی شور تو در سرها، وی سر تو در جان‌ها
- ۴) نگاه من به تو و دیگران به خود مشغول معاشران ز می و عارفان ز ساقی مست

در همهٔ ابیات به جز ..... جملهٔ غیرساده یافت می‌شود.

- ۱) گرم به گوشهٔ چشمی شکسته‌وار ببینی فلک شوم به بزرگی و مشتری به سعادت
- ۲) عاشق از دادن جان بیم ندارد زیرا نبود زنده‌دل عشق به جان حاجتمند
- ۳) تا سحر هر شب چو شمع از آتش هجران یار دیده گریان است و می‌سوزد دل پرسوز من
- ۴) رضای دوست به دست آر و دیگران بگذار هزار فتنه چه غم باشد ار برانگیزند

در کدام گزینه "جملهٔ پیرو" وجود دارد؟

- ۱) دل چه بندی در این سرای مجاز؟ همّت پست کی رسد به فراز؟
- ۲) چشم بگشا به گلستان و ببین جلوهٔ آب صاف در گل و خار
- ۳) روی ها چون زین بیابان درکنند جمله سر از یک گریبان برکنند
- ۴) طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه آنجاست جلوه‌گاهم اینجا چه کار دارم؟

- ۱) حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ اگرچه صنعت بسیار در عبارت کرد
- ۲) عقل می‌خواست کزان شعله چراغ افروزد برق غیرت بدرخشید و جهان بر هم زد
- ۳) در چین طرّه تو، دل بی‌حفاظ من هرگز نگفت مسکن مألوف یاد باد
- ۴) چون من گدای بی‌نشان مشکل بود یاری چنان سلطان کجا عیش نمان با رند بازاری کند؟

در کدام گزینه جمله "غیرساده" دیده می‌شود و در آن "حذف فعل به قرینه معنوی" صورت پذیرفته است؟

- ۱) قامت زیبای سرو کاین همه وصفش کنند هست به صورت بلند لیک به معنی قصیر
- ۲) پیراهن برگ بر درختان چون جامه عید نیک بختان
- ۳) نه باغ ماند و نه بستان که سرو قامت تو برست و ولوله در باغ و بوستان انداخت
- ۴) قتیل عشق تو شد حافظ غریب ولی به خاک ما گذری کن که خون مات حلال

واژه‌های مشخص شده در ابیات همه گزینه‌ها به استثنای بیت گزینه ..... در نقش تبعی به کار رفته است.

- ۱) چو تو خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم نیک اختری را
- ۲) ره این است، روی از طریقت متاب بنه گام و کامی که داری بیاب
- ۳) نیکی پیر مغان بین که چو ما بدمستان هرچه کردیم به چشم کرمش زیبا بود
- ۴) دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست

در کدام بیت "نقش تبعی" یافت نمی‌شود؟

- ۱) خوش است خلوت اگر یار یار من باشد نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد
- ۲) گر من نگویمت که تو شیرین عالمی تو خویشتن دلیل بیاری به هر سخن
- ۳) گر در جهان بگردی و آفاق درنوردی صورت بدین شگرفی در کفر و دین نباشد
- ۴) فریاد ز دست نقش، فریاد و آن دست که نقش می‌نگارد

در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... "نقش تبعی" به کار رفته است.

- ۱) ما خود اندر کنج غم سوزان به تاریکی ز بخت برق آه ما بود شمع سرای دیگران
- ۲) دیدم آن صورت و دل رفت بدان گونه ز دست که به حیرانی من صورت تصویر مباد
- ۳) مرا تو چشم بینایی و یاران جمله اغیارم عجب نبود اگر ز اغیار پوشم چشم بینا را
- ۴) گر من نگویمت که تو شیرین عالمی تو خویشتن دلیل بیاری به هر سخن

زمان و نوع افعال، به ترتیب در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... صحیح آمده است.

- ۱) همی رفت و سهراب با او به هم پیامد به درگاه دژ، گزدهم (ماضی استمراری - ماضی ساده)
- ۲) شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب (مضارع اخباری - مضارع التزامی)
- ۳) نبینی که درویش بی‌دستگاه به حسرت کند در توانگر نگاه (مضارع اخباری - مضارع اخباری)
- ۴) پیاده مرا زان فرستاد، طوس که تا اسپ بستانم از اشکبوس (ماضی ساده - ماضی ساده)

نوع زمان کدام فعل مشخص شده متفاوت است؟

- ۱) به حضرت تو که یارد که قضاوی ز من آرد؟ به غیر باد و بر آنم که باد، نیز نیارد (یارد)
- ۲) اگر نسیم نماید، کسالتی به رسالت سلام من که رساند، پیام من که گذارد؟ (نماید)
- ۳) نسیمی از سر زلف تو می‌خرم به دو عالم وگرچه خود همه عالم، نسیم زلف تو دارد (دارد)
- ۴) به روز وصل خودم وعده داده بودی، سلمان در این هوس، همه شب‌های تیره روز شمارد (شمارد)

در کدام گزینه فعل "ماضی نقلی" وجود دارد؟

- ۱) یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است
  - ۲) گفت: "از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم"
  - ۳) این شکر چون کنیم که هر ذره خاک ما
  - ۴) به حرف عشق دل داغدار من زنده است
- ای روضه مجسم گودال قتلگاه
- گفت: "پوسیده است جز نقشی ز پود و تار نیست"
- از داغ عشق، رنگ سویدا گرفته است
- که آتش، آب حیات است جان سوخته را

در عبارت زیر کدام "زمان فعل" وجود ندارد؟

"از صحبت‌هایتان پیدا بود که حمله در کار است. وقتی حرف‌هایتان تمام شد و تکبیر و صلوات بچه‌ها فرونشست، به سمت من آمدید. فکر اینکه مرا شناخته باشید، دلم را گرم کرد. از جا کنده شدم و به سمت شما دویدم."

- ۱) ماضی التزامی
- ۲) ماضی ساده
- ۳) مضارع اخباری
- ۴) مضارع التزامی

در همه گزینه‌ها فعل "مضارع اخباری" و "مضارع التزامی" وجود دارد، به جز:

- ۱) امیدوار چنانم که کار بسته برآید
  - ۲) من از تو سیر نگردم و گر ترش کنی ابرو
  - ۳) هزار قرعه به نامت زدیم و بازنگشتی
  - ۴) ضرورت است که روزی به کوه رفته ز دستت
- وصال چون به سرآمد فراق هم به سرآید
- جواب تلخ ز شیرین مقابل شکر آید
- ندانم آیت رحمت به طالع که برآید؟
- چنان بگرید سعدی که آب تا کمر آید

معنای فعل، از مصدر "گردیدن" در بیت "..... با بیت "نباید که گردی تو ای خوب کیش زبیمان و عهد و زگفتار خویش" تناسب دارد.

- ۱) من اگر چنان که نهی است نظر به دوست کردم
  - ۲) خردمند گوید که در یک سرای
  - ۳) یکی صورتی دید صاحب جمال
  - ۴) ای دوست به صدگونه بگردی به زمانی
- همه عمر توبه کردم که نگردم از مناهی
- چو فرمان دو گردد نماند به جای
- بگردیدش از شورش عشق حال
- که خوش سخنی گیری و گه تلخ زبانی

معنی "گرفتن" در بیت زیر با کدام گزینه برابر است؟

"فراوان سخن باشد آکنده گوش نصیحت نگیرد مگر در خموش"

- ۱) گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار
  - ۲) عشق رخ یار در بر من زار مگیر
  - ۳) سخن در احتیاج ما و استغنائی معشوق است
  - ۴) آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت
- کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست؟
- بر خسته‌دلان رند خمار مگیر
- چه سود افسونگری ای دل! که در دلبر نمی‌گیرد
- عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است

در کدام بیت از مصدر "ساختن" در معنای "آهنگ کردن" استفاده شده است؟

- ۱) بساز ای مطرب خوشخوان خوشگو
  - ۲) جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع
  - ۳) از آن پس بسازید سهراب را
  - ۴) چه سازیم و این را چه درمان کنیم؟
- به شعر فارسی صوت عراقی
- که حکم آسمان است این اگر سازی اگر سوزی
- بیندید یک شب بر او خواب را
- به دانش مگر چاره جان کنیم

معنی فعل "نیست" در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) در طریقت هرچه پیش سالک آید خیر اوست
  - ۲) چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش
  - ۳) این چه استغناست یا رب وین چه قادر حکمت است
  - ۴) هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست
- در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست
- زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست
- کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست
- ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

- (۱) بتان چین به خدمت سر نهادند      بسان سرو بر پای ایستادند  
 (۲) گر ایستاد حریفی اسیر عشق بماند      و گر گریخت خیالش به تاختن بکشد  
 (۳) گر دوست جان و سر طلبد ایستاده‌ایم      یاران بدین قدر بکنند احتمال دوست  
 (۴) در چاره کارش ایستادند      وز کار روی آن گره گشادند

- (۱) ز شور عشق تو در کام جان خسته من      جواب تلخ تو شیرین‌تر از شکر می‌گشت  
 (۲) هزار گونه غم از چپ و راست دامن‌گیر      هنوز در تک‌وپوی غمی دگر می‌گشت  
 (۳) به هر طریق که باشد نصیحتش مکنید      که او به قول نصیحت‌کنان بتر می‌گشت  
 (۴) خوی عذار تو بر خاک تیره می‌افتاد      وجود مرده از آن آب جانور می‌گشت

- (۱) از اندیشه گردون همی بگذرد      ز رنج تو دیگر کسی برخوردار  
 (۲) به ناچار یک روز هم بگذری تو      اگرچند ما را همی بگذرانی  
 (۳) چند باشی به این‌وآن نگران      پند گیر از گذشتن دگران  
 (۴) گر او بی‌عدد سالیان بشمرد      به دشمن رسد تخت چون بگذرد

- (۱) گر من به شوق دیدنت از خویش می‌روم      از خویش می‌روم که تو با خود بیاریم  
 (۲) رفت تا دامنش از گرد زمین پاک بماند      آسمانی‌تر از آن بود که در خاک بماند  
 (۳) چنان گرم هذیان عشقم که آتش      به‌جای عرق از تبم می‌تراود  
 (۴) بی‌رنگ‌تر از نقطه موهومی بود      این دایره کبود اگر عشق نبود

- (۱) هم‌ره غم باش و با وحشت بساز      می‌طلب در مرگ خود عمر دراز  
 (۲) مشورت در کارها واجب شود      تا پشیمانی در آخر کم بود  
 (۳) وعده‌ها بدهد تو را تازه به دست      که هزاران بار آن‌ها را شکست  
 (۴) ای ضیاءالحق حسام‌الدین بیا      که نروید بی‌تو از شوره گیا

- (۱) او سخن می‌گوید و دل می‌برد      او نمک می‌ریزد و مردم کباب  
 (۲) بامدادی تا به شب رویت مپوش      تا بپوشانی جمال آفتاب  
 (۳) ماه‌رویا روی خوب از من متاب بی‌خطا کشتن چه می‌بینی صواب  
 (۴) درون ما ز تو یک‌دم نمی‌شود خالی      کنون که شهر گرفتی روا مدار خراب

- (۱) من عمر خویش را به صبوری گذاشتم      عمری دگر نباید تا صبر بردهد  
 (۲) من ملک بودم و فردوس برین جایم بود      آدم آورد در این دیر خراب‌آبادم  
 (۳) پیر میخانه چه خوش گفت به دردی‌کش خویش      که مگو حال دل سوخته با خامی چند  
 (۴) هرکه در آتش نرفت بی‌خبر از سوز ماست      سوخته داند که چیست پختن سودای خام

- (۱) مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست  
(۲) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود  
(۳) همه را هست همین داغ محبت که مراست  
(۴) گر بگویم که مرا با تو سروکاری نیست
- یا شب و روز به جز فکر توأم کاری هست  
جان و سر را نتوان گفت که مقداری هست  
که نه مستم من و در دور تو هشیاری هست  
درودیار گواهی بدهد، کاری هست

در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... حرف "و" کاربردی دوگانه (عطف و ربط) دارد.

- (۱) میانت را و مویت را اگر صد ره بییمایی  
(۲) چه خوش است مرغ وحشی که جفای کس نبیند  
(۳) گر در جهان بگردی و آفاق درنوردی  
(۴) نه طریق دوستان است و نه شرط مهربانی
- میانت کمتر از مویتی و مویت تا میان باشد  
من و مرغ خانگی را بکشند و پر نباشد  
صورت بدین شگرفی در کفر و دین نباشد  
که ز دوستی بمیرم و تو را خبر نباشد

در همهٔ ابیات به جز ..... "حرف پیوند وابسته‌ساز و هم‌پایه‌ساز" هر دو، به کار رفته است.

- (۱) روز هجرانت بدانستم قدر شب وصل  
(۲) کسی کش آن زبان در آستین است  
(۳) سرگشته چو چوگانم و در پای سمندت  
(۴) دلم به جان غم عشق تو می‌کشد تا هست
- عجب ار قدر نبود آن شب و نادان بودم  
زبانش هست اما آتشین نیست  
می‌افتم و می‌گردم چون گوی به پهلوی  
ولی تنم ز ضعفی و لاغری نکشد

نوع "واو" در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) کشته و مرده به پیشت ای قمر  
(۲) در نعل سمند او شکل مه نو پیدا  
(۳) به وفای تو که گر خشت زند از گل من  
(۴) به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد
- به که شاه زندگان جای دگر  
وز قد بلند او بالای صنوبر پست  
همچنان در دل من مهر و وفای تو بود  
تو را در این سخن انکار کار ما نرسد

در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... هر دو نوع "حرف پیوند وابسته‌ساز و هم‌پایه‌ساز" به کار رفته است؟

- (۱) صوفی بیا که خرقة سالوس برکشیم  
(۲) عیب درویش و توانگر به کم‌ویش بد است  
(۳) چون نقش غم ز دور ببینی شراب خواه  
(۴) چون تویی را چو منی در نظر آید؟ هیبهات
- وین نقش زرق را خط بطلان به سر کشیم  
کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم  
تشخیص کرده ایم و مداوا مقرر است  
که قیامت رسد این رشته به من یا نرسد

در همهٔ گزینه‌ها هم "حرف ربط" وجود دارد، هم "حرف عطف"، به استثنای گزینهٔ ..... .

- (۱) فتنه‌ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر  
(۲) مبارک بادت این سال و همه سال  
(۳) گیرند مردم دوستان نامهربان و مهربان  
(۴) عوام خلق ملامت کنند صوفی را
- قامت است آن یا قیامت، عنبر است آن یا عبیر  
همایون بادت این روز و همه روز  
هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس  
کز این هوا و طبیعت چرا نیایی باز؟

در کدام بیت، فعل "مجهول" وجود دارد؟

- (۱) عاشق از دست شد نیست شد و هست شد  
(۲) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت  
(۳) هرکه مُرد از جان به جانان زنده شد  
(۴) حکمتش آنکه ز تو پوشیده شد
- بلبل جان مست شد سوی گلستان رسید  
قطرهٔ باران ما گوهر یک‌دانه شد  
در حیات سرمدی پاینده شد  
خود مشو منکر که خواهد دیده شد

- ۱) خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران
- ۲) چون نویسی کاغذ اسپید بر آن نوشته خوانده آید در نظر
- ۳) میان خاک و خون آغشته می‌گشت رسیده جان به لب سرگشته می‌گشت
- ۴) این است سخن که گفته آمد گر نیست درست برمخوانید

در کدام بیت، فعل "مجهول" به کار رفته است؟

- ۱) به آوردگه دست او خسته گشت به چشمش همی تیره شد روی دشت
- ۲) چون ریشه سر کشی که سرگشته شود به زان نبود که با سر رشته شود
- ۳) نزدیک دهن شکسته شد جام پالوده که پخته بود شد خام
- ۴) خوش آن که وصال تو میبشرد شده باشد چشمم به جمال تو منور شده باشد

در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... در بخشی از کلام، مضاف‌الیه بر مضاف مقدم شده است.

- ۱) مستمع را کام ناگردیده از دشنام تلخ می‌کند گوینده را دشنام اوّل کام تلخ
- ۲) غافلان را عمر در امروز و فردا می‌رود عارفان امروز را فردای محشر می‌کنند
- ۳) حُسن هیئات است حقّ عشق را ضایع کند بلبلان را از حدیث گل دهان پرگل شود
- ۴) خاک را چون مرغ عیسی شهپر پرواز داد آسیای چرخ را بی‌آب، گردان کرد عشق

در بیت زیر، "را" در مصراع نخست کاربرد حرف اضافه دارد و در مصراع دوم، نشانهٔ مفعول است. در کدام بیت این دو نوع "را" دیده می‌شود؟  
"علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکنندی، همه سایهٔ هما را"

- ۱) وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طناز را ساقی بیار آن جام می مطرب بز آن ساز را
- ۲) با جوانی سرخوشست این پیر بی‌تدبیر را جهل باشد با جوانان پنجه کردن پیر را
- ۳) یا رب که داد آینه آن بت‌پرست را کو دید حسن خویش و ز ما برد دست را
- ۴) دوست می‌دارم من این نالیدن دلسوز را تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را

کارکرد حرف "را" در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) دام راه خضر نتواند شدن موج سراب دامن افشاندن ز دنیا نیست مشکل عشق را
- ۲) حُسن و عشق صاف دل آیینۀ یکدیگرند می‌کند یکرنگی معشوق، یکدل عشق را
- ۳) گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را
- ۴) خوبان پارسی گوی بخشندگان عمرند ساقی بده بشارت رندان پارسا را

در همهٔ ابیات به جز بیت گزینهٔ ..... حرف "را" کاربردی دوگانه دارد.

- ۱) ما ملامت را به جان جوییم در بازار عشق کنج خلوت پارسایان سلامت‌جوی را
- ۲) ز اندازه بیرون تشنه‌ام ساقی بیار آن آب را اول مرا سیراب کن وانگه بده اصحاب را
- ۳) باغبان را گو اگر در گلستان آله‌ای است دیگری را ده که ما با دلستان آسوده‌ایم
- ۴) چشمان ترک و ابروان جان را به ناوک می‌زنند یارب که دادست این کمان آن ترک تیرانداز را

همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... در داشتن یکی از ویژگی‌های دستور زبان قدیمی مشترک هستند.

- ۱) مگو دشمن تیغ‌زن بر در است که انباز دشمن به شهر اندر است
- ۲) به یک سالش آمد ز دل بر دهان به یک روز شد منتشر در جهان
- ۳) بزد بر بر بارهٔ پهلوان تو گفتم نبودش به تن در روان
- ۴) گر آن کشته آید به دست تو بر شگفتی شوی در جهان سر به سر



در هریک از مصراع‌های زیر، به ترتیب چند شناسه فعل و چند ضمیر دیده می‌شود؟  
الف) نه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت  
ب) این گرگی شبان شما نیز بگذرد

- ۱) الف: دو - دو / ب: یک - یک  
۲) الف: چهار - دو / ب: یک - یک  
۳) الف: چهار - صفر / ب: یک - صفر  
۴) الف: دو - صفر / ب: یک - صفر

مرجع ضمیر در همه ابیات زیر به درستی مشخص شده است به جز ..... .

- ۱) فغان ز دامن باغی که باغبان آنجا همیشه چشم امیدش به دست گلچین است (باغبان)  
۲) من از جان بنده سلطان اویسم اگرچه یادش از چاکر نباشد (سلطان اویس)  
۳) سبب میرس که چرخ از چه سفله‌پرور شد که کام بخشی او را بهانه بی‌سببی است (چرخ)  
۴) اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم (ساقی)

در کدام بیت ضمیر پیوسته در نقش مفعولی به کار رفته است؟

- ۱) مرو از پی هرچه دل خواهدت که تمکین تن نور جان کاهدت  
۲) قبا بست و چابک نوردید دست رقبایش دریدند و دستش شکست  
۳) ز مهرش بگردان چو پروانه پشت که مقراض، شمع جمالش بکشت  
۴) ز لعل این سنگ‌ها بیرون میفکن به خاک افکندی ام در خون میفکن

تعداد ضمیر در کدام گزینه بیشتر است؟

- ۱) من بی‌مایه که باشم که خریدار تو باشم حیف باشد که تو یار من و من یار تو باشم  
۲) خویشتن بر تو نبندم که من از خود نپسندم که تو هرگز گل من باشی و من خار تو باشم  
۳) من چه شایسته آنم که تو را خوانم و دانم مگرم هم تو ببخشی که سزوار تو باشم  
۴) خاک بادا تن سعدی اگرش تو نپسندی که نشاید که تو فخر من و من عار تو باشم

در کدام گزینه ضمیر وجود ندارد؟

- ۱) آن را که چنین دردی از پای دراندازد باید که فروشوید دست از همه درمان‌ها  
۲) کیست آن لعبت خندان که پری وار برفت که قرار از دل دیوانه به یک بار برفت  
۳) گفتم ای بخت بختفیدی و خورشید دمید گفت باین همه از سابقه نومید مشو  
۴) زین سفر گر به سلامت به وطن باز رسم نذر کردم که هم از راه به میخانه روم

نقش ضمیر مشخص شده در کدام گزینه مضاف‌الیه نیست؟

- ۱) با محتسبم عیب مگوئید که او نیز پیوسته چو ما در طلب شرب مدام است  
۲) دستم نداد قوت رفتن به پیش دوست چندی به پای رفتم و چندی به سر شدم  
۳) تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم  
۴) گفت آگه نیستی کز سر در افتاد کلاه گفت در سر عقل باید بی‌کلاهی عار نیست

در همه ابیات به استثنای ..... واژه‌ای به کار رفته که معنای پیشین خود را از دست داده و امروزه با معنای جدید به کار می‌رود.

- ۱) چه حاجت که نه کرسی آسمان نهی زیر پای قزل ارسلان؟  
۲) هر ملک وجودی که به شوخی بگرفتی سلطان خیالت بنشاندی به خلافت  
۳) آچار سخن چیست؟ معانی و عبارت نونو سخن آری چو فراز آمدت آچار  
۴) به خون و به مغز اندرون خار و خاک شده غرق و برگستوان چاک‌چاک

در کدام بیت واژه‌ای دیده می‌شود که به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، از فهرست واژگان حذف شده است؟

- ۱) چنین گفت با رخس کای هوشیار      که گفتت که با شیر کن کارزار؟  
 ۲) از آن پس بمالید بر خاک روی      چنین گفت کای داور راست‌گوی  
 ۳) بهانه چه داری تو از مهر من      بیچی ز بالا و از چهر من  
 ۴) گریزان ازو پهلوان بلند      ز فتراک بگشاد پیچان کمند

وضعیت واژه "سوگند" در گذر زمان با یکی از واژه‌های هریک از ابیات زیر یکسان است، به جز:

- ۱) نباشم بدین محضر اندر گوا      نه هرگز برانديشم از پادشا  
 ۲) ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک      خدا داند چه افسرها که رفته!  
 ۳) دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر      کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست  
 ۴) فرزند عزیز را به صد جهد      بنشانند چو ماه در یکی مهد

در کدام گزینه وضعیت واژه‌ها به ترتیب دچار "تحول معنایی، حذف شدن، حفظ معنایی قدیم و پذیرش معنای جدید، ادامه حیات با معنای قدیم" شده‌اند؟

- ۱) تماشا، سوفار، دستور، چشم  
 ۲) شوخ، فتراک، رکاب، زیبایی  
 ۳) کثیف، خنده، سپر، یخچال  
 ۴) سوگند، برگستوان، زین، شوخ

در کدام بیت صفت بیانی از نوع صفت فاعلی وجود دارد؟

- ۱) بخواه جان‌ودل از بنده و روان بستان      که حکم بر سر آزادگان روان داری  
 ۲) خواه‌م‌شدن به میکده گریان و دادخواه      کز دست غم خلاص من آنجا مگر شود  
 ۳) همچون درخت بادیه سعدی ز برق شوق      سوزان و میوه سخشن همچنان ترست  
 ۴) بوی جان از لب خندان قح می‌شنوم      بشنو ای خواجه اگر زان که مشامی داری

نوع صفت‌های مشخص‌شده در ابیات زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- الف) ای گلبن بوستان روحانی مشغول بکردی از گلستانم  
 ب) گل شکفته نباید دو روز خزم بیش شکفته‌چهر تو را خرمی بود هموار  
 ج) هرگز به پنج‌روزه حیات گذشتنی خرم کسی شود، مگر از موت غافل  
 د) پیامد برادرش با خواسته بسی خوب‌رویان آراسته  
 ه) برون افکنی از پی دلفریبی از آن نیلگون‌جامه، سیمینه تن را

- ۱) نسبی - مفعولی - لیاقت - مفعولی - نسبی  
 ۲) نسبی - نسبی - لیاقت - مفعولی - فاعلی  
 ۳) فاعلی - مفعولی - نسبی - نسبی - لیاقت  
 ۴) نسبی - مفعولی - فاعلی - لیاقت - نسبی

در کدام گزینه "صفت بیانی" نمی‌یابید؟

- ۱) کم دهدت گیتی بسیاردان      به که بسنجی کم و بسیار را  
 ۲) یکی زین سفره، نان خشک برد آن دیگری حلوا      قضا گویی نمی‌دانست رسم میزبانی را  
 ۳) هزاران دانه افشان‌دیم و یک گل زان میان نشکفت      به شورستان تبه کردیم رنج باغبانی را  
 ۴) چراغ آسمانی بود عقل اندر سر خاکی      ز باد عجب (= غرور) کشتیم این چراغ آسمانی را

در جمله‌های زیر، دریافت معنای "ماه"، به همنشینی ..... با ..... مربوط می‌شود.

الف- ماه، طولانی بود.  
 ب- ماه، روشن بود.

- ۱) فعل با نهاد  
 ۲) فعل با مسند  
 ۳) مسند با نهاد  
 ۴) نهاد با قید

- (۱) (سیر و کاشتن)، (سهند و سبلان)  
 (۲) (کشور و ایران)، (فرزند و دختر)  
 (۳) (آرس و کارون)، (سیر و پیاز)  
 (۴) (سیر و گرسنه)، (گرم و وزن)

در کدام عبارت، معنی واژه "شیر" بر اساس رابطه معنایی "تضمن" فهمیده می‌شود؟

- (۱) چون پلنگ این فصول تمام بشنود، به نزدیک شیر رفت و از وی عهدی خواست.  
 (۲) مرا مادری و پدری بود و از مال دنیایی چیزی نداشتم به‌جز بزی که شیر او بدیشان دادمی.  
 (۳) این بگفت و کاسه‌ای چوبین زیر سنگی بداشت، دو چشمه روان شد: یکی شیر و یکی عسل.  
 (۴) در حوالی آن، شیری بود و با او وحوش و سباع بسیار، همه در متابعت و فرمان او.

پسوند "ان" در قافیه همه گزینه‌ها به‌جز بیت گزینۀ ..... کاربرد دوگانه دارد.

- (۱) نک بهاران شد صلا ای لولیان بانگ نای و سبزه و آب روان  
 (۲) آن کیست ای خدای کزین دام خامشان ما را همی کشد به‌سوی خود کشان‌کشان  
 (۳) ای به انکار سوی ما نگران من نیم با تو دودل چون دگران  
 (۴) شاه شمشاد قدان خسرو شیرین‌دهنان که به مزگان شکند قلب همه صف‌شکنان

پسوند "ان" در بیت زیر، در کدام گزینه با همین مفهوم تکرار شده است؟  
 "بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار"

- (۱) ز دریای گیلان چو ابر سیاه دمامد به ساری رسید آن سیاه  
 (۲) کمتر از ذره نه‌ای پست مشو، عشق بورز تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ‌زان  
 (۳) آب حیوان تیره‌گون شد خضر فرخ‌پی کجاست؟ خون چکید از شاخ گل، باد بهاران را چه شد؟  
 (۴) آن گل که هر دم در دست بادی است گو شرم بادش از عندلیبان

در همه گزینه‌ها به‌استثنای گزینۀ ..... "مرکب اتباعی" به کار رفته است.

- (۱) تا به خاک اندرت نگرداند خاک و ماک از تو بر ندارد کار  
 (۲) وقت است کز فراق تو و سوز اندرون آتش در فکنم به همه رخت‌وپخت خویش  
 (۳) نقش کز مژ دیدم اندر آب و گل چون ملایک اعتراضی کرد دل  
 (۴) سخن عشق نه آن است که آید به زبان ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت

در همه ابیات به‌جز بیت گزینۀ ..... واژه‌ای یافت می‌شود که "هم‌آوا" دارد.

- (۱) ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعل است که زد بر چرخ فیروزه، صغیر تخت فیروزی  
 (۲) خان اعظم که به احسان و شجاعت امروز کعبه زو توشه‌ده و بتکده تاراج‌گر است  
 (۳) تفاوت در میان خوب‌رویان نقض یکرنگی است به هر جا کاسه شیری است می‌باید شکر گشتن  
 (۴) ای دل اگر فراق او و آتش اشتیاق او در تو اثر نمی‌کند تو نه دلی که آهنی

در کدام گزینه واژه دوتلفظی یافت نمی‌شود؟

- (۱) همت به فکر هستی خود را گره نسازد حیف است کیسه‌دوزی بر نقد رایگانی  
 (۲) شاید اگر بخندد بر روزگار خسرو آن کس که دیده باشد رخساره‌ای چنان را  
 (۳) اشک غماز من ار سرخ برآمد چه عجب خجل از کرده خود پرده‌داری نیست که نیست  
 (۴) در علاجم ای طبیب مهربان زحمت مکش درد دل عمری است از چشم دوا افتاده است

- (۱) بیرون میا ز پرده که ما را شکیب نیست اینک بلند گفتمت، از کس حجب نیست
- (۲) تا پای در رکاب لطافت نهاده ای اشکم کدام روز که پا در رکیب نیست
- (۳) پیش رخت که بر ورق لاله خط کشید گر دفتر گل است که هم در حسیب نیست
- (۴) میلی نمی کند سوی خسرو چو آب خضر با آنکه میل آب جز اندر نشیب نیست

در همه عبارات، حذف شناسه وجود دارد، به جز:

- (۱) ایشان در گوشه ای رفتند و با یکدیگر گفت.
- (۲) چنانکه از برادران و خواهران مستثنی شدم و به مزید تربیت مخصوص گشت.
- (۳) پسران بازرگان عظت (وعظ) پدر بشنودند و منافع آن نیکو بشناخت.
- (۴) دلایل آن واضح و بی شبهت شد و دمنه آن بدید.

در همه ابیات "فعل اسنادی به قرینه معنوی" محذوف است، به جز:

- (۱) گوشم به راه تا که خبر می دهد ز دوست صاحب خبر بیامد و من بی خبر شدم
- (۲) گران جان تر ز شبنم نیست جان ناتوان من اگر می بود با من روی گرمی آفتابش را
- (۳) رسید ناله سعدی به هرکه در آفاق هم آتشی زده ای تا نفیر می آید
- (۴) هرکه سودای تو دارد چه غم از هرکه جهانش نگران تو چه اندیشه و بیم از دگرانش

در کدام سروده "دو نقش تبعی" موجود است؟

- (۱) عاشقم، عاشق ستاره صبح عاشق ابرهای سرگردان
- (۲) آتش زخم به خرمن امیدت با شعله های حسرت و ناکامی
- (۳) ای مرغ دل که خسته و بی تابی دمساز باش با غم او دمساز
- (۴) اکنون منم که در دل این خلوت و سکوت ای شهر پرخروش، تو را یاد می کنم

در عبارات زیر، زمان افعال به ترتیب کدام است؟

"دلاک جوان ایل، پیام فرستاده بود که باید بی نیازم کنی. بیچاره خبر نداشت که بانک، فقط هزینه هفته ای از ماهم را می داد."

- (۱) ماضی ساده، مضارع مستمر، ماضی مستمر، ماضی استمراری
- (۲) ماضی بعید، مضارع التزامی، ماضی مستمر، مضارع اخباری
- (۳) ماضی نقلی، مضارع اخباری، ماضی ساده، ماضی استمراری
- (۴) ماضی بعید، مضارع التزامی، ماضی ساده، ماضی استمراری

در عبارات زیر، به ترتیب، زمان افعال کدام است؟

"ملامتم می کردند که با این تصدیق گران قدر، چرا در ایل مانده ای و عمر را به بطالت می گذرانی؟! باید عزیزان و کسانت را ترک گویی."

- (۱) ماضی مستمر، ماضی ساده، مضارع اخباری، مضارع التزامی
- (۲) ماضی مستمر، ماضی نقلی، مضارع مستمر، مضارع التزامی
- (۳) ماضی استمراری، ماضی نقلی، مضارع اخباری، ماضی التزامی
- (۴) ماضی استمراری، ماضی نقلی، مضارع اخباری، مضارع التزامی

"ردیف" در کدام بیت تفاوت معنایی دارد؟

- (۱) کسی کو بر وجود خود بلرزد همان بهتر که در ویرانه گردد
- (۲) دلی کز عشق او دیوانه گردد وجودش با عدم هم خانه گردد
- (۳) زخمش شمع است عقل ار عقل دارد ز نور شمع او دیوانه گردد
- (۴) چو ماهی آشنا جوید در این بحر به کل ماهیان بیگانه گردد